



پرویز شیخ طادی:

باید قوه چهارم ایجاد شود!

چهارگانه

ماهنامه آموزشی / خبری
تحلیلی / اطلاع رسانی

پیش شماره سوم / اسفند ۹۲ / ۹۶ صفحه / ۲۰۰۰ تومان



محمد جواد منصوری:

نفت، فضا را مسموم کرده است

مشق زندگی

پرونده‌ای برای سفر در نوروز

آرزوهای ۹۳

یحیی آل اسحاق | محسن رفیق دوست
بیژن مقدم | داریوش فرهنگ | محمد خوش‌چهره
محمد تقی زمانیان | اسماعیل کوثری | عماد افروغ
امیر محیبیان | سیدهادی خسروشاهی و...

بررسی تاثیر نفت در سیر تحولات تاریخی منطقه

نفت در خدمت دیکتاتوری

ابراهیم در آتش و دود

ابراهیم حاتمی کیا:

این حرف‌ها به من زخم می‌زند

نرگس آبیاری:

با فیلم‌های حاتمی کیا زندگی کرده‌ام

نقدی بر نگاه امروز ما به دینداری

آیا ما دینداریم؟

با آثاری از:

حجت‌الاسلام موسوی هوایی | سید احمد زرهانی
حجت‌الاسلام علی سرلک و...

هدیه و یادبودی منحصر به فرد

مجلد نفیس
زیارت شریفه عاشورا
ودعای علقمه

همراه با مقدمه و
مستندات حدیث
خوشنویسی ثلث و نسخ:
محمد تقی اسدی
طراح و صفحه آرایی:
مسعود نجابت
قطع پالتویی ۱۱×۱۷ سانتیمتر
۴۸ صفحه
چاپ نفیس مطالی
ه رنگ تفکیک

سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا مُحَمَّدُ عَلِيُّكَ
بانوی زنان جهانان، سلام بر تو ای که خدا خونخواهش کند و
یَا نَارَ اللَّهِ وَابْنَ شَامِرٍ وَالْوَرِثَةَ الْوُثُورِ
فرزند چنین کسی و ای کشته ای که انتقام کشته گانت را نگرفی،
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ وَرَاحِ النَّبِيِّ
سلام بر تو و بر روان هساین که
حَلَّتْ بِفَيْتَالِكَ
فرود آمدند به آستانت،
عَلَيْكَ مِنْ جَمِيعِ سَلَامِ اللَّهِ يَا بَدَلًا
بر شما همگی از جانب من سلام خدا باد همیشه
مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يَا أَبَا
تا من برجایم و برجاست شب و روز ای ابا عبدالله،
عَبْدَ اللَّهِ لَقَدْ عَظَمْتَ الرَّزِيَّةَ
به راستی بزرگ شد سوگواری تو و
جَلَّتْ وَعَظَمْتَ الْمُصِيبَةَ يَا عَلِيْنَا
گران و عظیم گشت مصیبت تو بر ما

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ
سلام بر تو ای فرزند رسول خدا،
عَلَيْكَ يَا خَيْرَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرِنِ السَّلَامُ
[سلام بر تو ای فرزند و فرزند برگزیده اش]
عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا اَبِي سَيِّدِ
سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان و فرزند
الْوَصِيِّ يَا نَبِيَّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ فَاطِمَةَ
آقای اوصیا، سلام بر تو ای فرزند فاطمه

کاغذ ۱۷۰ گرمی گلاسه
صحافی و جلد سازی جبر
با گلدوزی سنتی
به همراه بسته بندی و
پاکت گزاری خاص

مجلد نفیس
حدیث شریف کساء

همراه با مقدمه و
مستندات حدیث
خوشنویسی ریحان و نسخ:
محمد تقی اسدی
طراح و صفحه آرایی:
مسعود نجابت
قطع پالتویی ۱۱×۱۷ سانتیمتر
چاپ نفیس مطالی ۷ رنگ تفکیک
کاغذ ۱۷۰ گرمی گلاسه
صحافی و جلد سازی
ماهوت و معرق چرم

أَجِدُ فِي بَدَنِي ضَعْفًا فَقُلْتُ لَهُ
در بدنم احساس ضعف می کنم! گفتم
أُعِيدُكَ يَا اللَّهُ يَا أَبَتَاهُ مِنَ الضَّعْفِ
از این ضعف، شما را در پناه خدا می نهم! پدر جان!
فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ أَيَّتَنِي بِالْكَسَاءِ
فرمود: فاطمه جان! کسای یمانی را بیاور
الْيَمَانِي فَغَطَّنِي بِهِ فَأَيْدِيَهُ بِالْكَسَاءِ
و مرا با آن بپوشان کسای یمانی را آوردم
الْيَمَانِي فَغَطَّنِي بِهِ وَصَرَّتْ أَنْظُرُ
و رسول خدا را با آن پوشاندم، به چهره اش می نگریدم
إِلَيْهِ وَإِذَا وَجْهُهُ يَنَالُ الْأَكَاثَةَ
که ناگاه چوئان
الْبَدْرِ فِي لَيْلَةٍ تَمَامِهِ وَكَمَالِهِ
ماه شب چهارده درخشید!
فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا ابْنُ بَدْرِي
چندان نگذشت که فرزندم
أَحْسَنَ فَمَا ذُقْتُ وَلَا قَالَ السَّلَامُ
حسن وارد شد و گفت: سلام

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ
عَنْ فَاطِمَةَ الْأَنْصَارِيَّةِ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ
قَالَتْ سَمِعْتُ فَاطِمَةَ أُمَّهَا قَالَتْ
دَخَلَ عَلَيَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ
روزی پدرم رسول خدا
فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ فَقَالَ
نزد من آمد و فرمود
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةُ
سلام بر تو فاطمه جان!
فَقُلْتُ عَلَيْكَ السَّلَامُ قَالَ ابْنُ
گفتم: بر شما هم سلام! فرمود: من

مراکز توزیع
۰۲۱ ۶۶۵۶۱۲۹۰
۰۲۱ ۲۲۲۹۲۵۷
۰۲۵ ۳۲۶۰۲۸۳۷
تهران، میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی
نیش مجتمع تجاری مهستان،
فروشگاه سلام



برای دلتان درب بسازید

آیت الله مجتهدی تهرانی (رحمت الله علیه)

چقدر خوب است که انسان طالب موعظه باشد یا کسی آدم را موعظه کند. وقتی خدمت عالم بزرگ و نورانی می رسید، تقاضای موعظه کنید. نجاری خدمت آیت الله اراکی رسید و تقاضای موعظه کرد. آقا فرمودند: "چه کاره ای؟" گفت: "نجارم". فرمودند: "برای دلت درب ساخته ای؟ اگر برای دلت درب نساختی، یک درب برای دلت بساز که غیر خدا به دلت راه پیدا نکند."

ما پیرمردها دیگر دلی بر ایمان نمانده، خوش به حال شما جوان ها! شما الان می توانید برای دلتان درب بسازید، درب آهنی ای بسازید که کسی نتواند وارد دل شما شود. کسانی که سن شان بالا رفته، دیگر زمین دلشان خراب است، البته نه کسانی که خوب هستند و هدایت شدند، آنهایی که هدایت نشدند و شیطان پیشانی آنها را بوسیده است.

چون در روایت است آنهایی که چهل سال عمر کرده اند ولی با خدا ارتباطی برقرار نکرده اند، شیطان پیشانی شان را می بوسد و می گوید: "تو دیگر هدایت نمی شوی" تا چهل سال امید است که انسان آدم شود، اگر چهل سال بگذرد هر چه به او بگویند مثل این است که به دیوار گفته اند و اثری ندارد. تا جوان هستید، نگذارید دلتان خراب شود.

هیچ گناه و عبادتی را کوچک نشمارید

هیچ گناهی را کوچک نشمارید و به کوچکی آن نگاه نکنید. نگاه کنید ببینید مخالفت چه کسی را کردید. شاید غضب خدا در همین گناه باشد. از آن طرف، هیچ عبادتی را هم کوچک نشمارید، شاید که رضایت خدا در همین عبادت باشد. دست کوری را می گیری و از این طرف خیابان به آن طرف می بری، نگو این که چیزی نیست، یک وقت می بینی که همین کار کوچک تو را بهشتی کرد.

گناه زیاد، سنگینی می آورد

گناه، انسان را سنگین می کند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در خطبه ی شعبانیه می فرماید: "گناهان، پشت شما را سنگین کرده است" ماه رمضان روزه بگیرید و عبادت کنید تا از این سنگینی بیرون بیایید.

دیدید بعضی ها می خواهند دو رکعت نماز صبح بخوانند، انگار یک کوه، پشت آنها افتاده، هر چه آنها را صدا می کنید، مثل اینکه بختک روی آنها افتاده است. اینها همه بر اثر گناهان زیاد است.

بگردید و خودتان را پیدا کنید

بگردید و خودتان را پیدا کنید. اگر احتمال بدهید انگشتر عقیق تان در سطل زباله گم شده باشد، چقدر در خاک و زباله ها می گردید تا انگشترتان را پیدا کنید؟ خودتان را هم همین طور بگردید و پیدا کنید.

شما جواهر هستید. روایت است که می فرماید: "تعجب می کنم از کسی که دنبال گمشده اش می گردد، اما دنبال خودش نمی گردد" ما اگر بگردیم و خودمان را پیدا کنیم و خود را بشناسیم، اصلا شب ها خوابان نمی برد.

زمانی که انسان گناه را می بیند و قدرت اینکه این وضعیت را تغییر بدهد و جلوی آن گناه را بگیرد ندارد، روایت است که قلب مؤمن آب می شود. چنین دنیایی برای مؤمن زندان است. اگر دنیا زندان نبود که قلب مؤمن آب نمی شد.



حرکت به سوی اقتصاد مقاومتی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پی ابلاغ سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی در جلسه‌ای با حضور سران قوا، چگونگی راههای اجرا و تحقق این سیاستها را مورد بررسی قرار دادند و نکات مهمی را به سه قوه کشور گوشزد کردند و هدف از برگزاری جلسه با سران سه قوه را بررسی راهکارهای تحقق سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی بیان کردند:

- ۱- جامع و فراگیر بودن سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی و تحقق اجرای آن
- ۲- پیگیری و اجرای جدی اقتصاد مقاومتی و تحقق رونق اقتصادی و اصلاح پایه‌های اقتصادی کشور در میان مدت و برطرف شدن بخشی از مشکلات مردم
- ۳- ادامه روند اجرای سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، بصورت یک حرکت مستمر و متوقف نشدن با نظارت دقیق
- ۴- باید مراقب بود تا قوانین و ضوابط جدید بگونه‌ای نباشد که زمینه ساز تراکم و تعارض قوانین شود.

۵- ضرورت هماهنگی میان سه قوه برای اجرای سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی

رهبر معظم انقلاب همچنین در این ماه در دیدار مردم آذربایجان شرقی با تشکر از حضور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن "استقامت و وحدت" را دو پیام اصلی راهپیمایی امسال دانستند که در پاسخ به گستاخی، زیاده خواهی، بی ادبی و پررویی مقامات امریکایی از سوی مردم داده شد.

ایشان در تبیین پیام استقامت و ایستادگی بر آرمانها گفتند: انقلاب اسلامی دارای «آرمانهای ایجابی» و «آرمانهای سلبی» است. آرمانهای ایجابی آن، عمل به تعالیم اسلام، تحقق عدالت اجتماعی، حضور مردمی در صحنه ها و حوادث مختلف، اقتصاد مستقل، فرهنگ غیروابسته و اصیل ایرانی - اسلامی، پناه دادن به مظلوم و مقابله با ظالم، پیشرفت کشور، برجستگی علمی، و پیش قدمی در اخلاق و معنویت است.

نکته مهمی که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره کردند این بود که برخی افراد تلاش دارند با بزک کردن چهره آمریکا، زشتی ها و خشونت ها و وحشت آفرینی ها را از این چهره بزدایند و دولت آمریکا را دولتی علاقمند به مردم ایران و انسان دوست معرفی کنند، اما تلاش این افراد به نتیجه نخواهد رسید.

مقام معظم رهبری همچنین با صراحت بیان کردند که تصور برخی دولتمردان دولت قبلی و همچنین برخی دولتمردان دولت فعلی این است که اگر ما در قضیه هسته ای، با آمریکا مذاکره کنیم، موضوع حل می شود. من هم به دلیل اصرار آنها بر مذاکره درخصوص موضوع هسته ای، گفتم مخالفتی ندارم اما همان موقع هم تاکید کردم که خوشبین نیستیم. نشانه های خوشبین نبودن، اکنون در حال آشکار شدن است و دلیل باز آن هم، اظهارات سخیف و توهین آمیز سناتورها و مقامات امریکایی بر ضد ملت ایران است.

حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به تأکید های مکرر قبلی خود در این دیدار نیز خاطرنشان کردند: اگر روزی بر فرض محال هم، موضوع هسته ای مطابق خواسته امریکا، حل شود، امریکاییها مسائل دیگر را پیش خواهند کشید، و اکنون نیز همه شاهد هستند که سخنگویان دولت امریکا از موضوعات حقوق بشر و توانایی موشکی و دفاعی ایران، سخن به میان می آورند.

اما رهبر انقلاب اسلامی درخصوص مذاکرات هسته ای بار دیگر تاکید کردند که کاری که وزارت امور خارجه و مسئولان دولتی درخصوص مذاکرات هسته ای آغاز کرده اند ادامه پیدا خواهد کرد و ایران نقض کننده کاری که شروع کرده است، نخواهد بود اما همه بدانند که دشمنی آمریکا با اصل انقلاب اسلامی و اسلام است و این دشمنی، با مذاکرات پایان نخواهد یافت.



طراح: علیرضا حسینی

چراغ

ماهنامه آموزشی / تحلیلی / خبری / اطلاع رسانی
پیش شماره سه | اسفند ۹۲

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
محمد مهدی تینای طهرانی

سردبیر
مجید تولایی

دبیر تحریریه
مصطفی حسینی

دبیر اجرایی
محمد کمالی نیا

شورای دبیران
مصطفی بیات | جواد حیران نیا
مصطفی حسینی | سید مرتضی مفیدنژاد
میثاق بدیعی مقدم | امونا بالوانه

همکاران این شماره

حامد نجفی مهر | امیر علی هاشمی
سعید زارع | سحر رستمی
محمد حسین صراف | مصطفی مهدوی
محسن تولایی | مریم دهخدايي
علی تبریزی | حامد کبیری

دبیر عکس
مهدی حسینی

ویراستار
حسین بختیاری

طراح گرافیک
بهرام بیدگلی

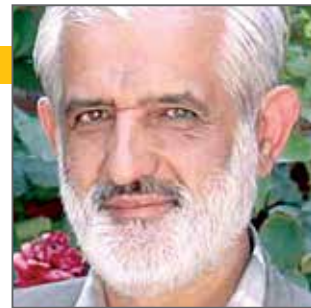
مدیر تبلیغات: میثم زرنندی
لیتوگرافی و چاپ: رواق

فرا رسیدن نوروز را به همه هموطنان عزیز تبریک می گوئیم



۱۸

گفت و گو با دکتر حسین راغفر
**بحران آب، زمینه
استعمارگری جدید
خواهد بود**



۱۴

گفت و گو با پرویز سروری
**در آوردن لباس نظامی و
پوشیدن لباس سیاست
حسن است**



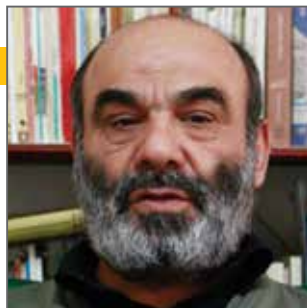
۶۶

گفت و گو با
حجت الاسلام والمسلمین علی سرلک
**ملاک های تشخیص
دینداری تغییر
کرده است**



۵۲

ویژگی های سیاست خارجی دولت روحانی
در گفتگو با دکتر مهدی مطهرنیا
**بدبینان واقع گرا و
واقع گرایان بدبین
ناراحت اند**



۸۶

قاسم تبریزی از تاثیر نفت
در تحولات ۱۰۰ ساله می گوید
**وقتی بانک های سوئیس
از پول نفت ایران پر
می شدند**



۸۴

دکتر محمد صادق کوشکی
در گفت و گو با ۴۲ مطرح کرد
**نفت؛ ریشه
بحران های منطقه**

مجید تولایی
سردبیر



چه کسانی آب را گل می‌کنند؟

روزی پیامبر اسلام (ص) "ولید بن عقبه" را مامور می‌کنند تا برای جمع آوری زکات نزد قبیله "بنی المصطلق" رفته و بازگردد. پس از چند روز ولید از ماموریت بازگشته و خبر می‌دهد که قبیله از پرداخت زکات امتناع کرده اند و از آنجایی که این رفتار به نوعی قیام علیه حکومت اسلامی و ارتداد تعبیر و تلقی می‌شد بسیاری از اصحاب و خواص حضرت به ایشان فشار آوردند که باید به این قوم حمله کنیم تا کسی فکر خروج از حکومت اسلامی نبفتد. پیامبر اسلام (ص) بدون اعتنا به فشارها "خالد بن ولید بن مغیره" را مامور بررسی صحت این خبر می‌کنند. "خالد" در بازگشت از ماموریت، از شیفتگی قبیله "بنی المصطلق" به پیامبر اسلام (ص) و آمادگی آنها برای پرداخت زکات و دروغ بودن خبر ولید می‌گوید. در این هنگام آیه قرآن نازل می‌شود و می‌فرماید: "ای اهل ایمان! اگر شخص فاسقی خبری را برای شما آورد درباره آن تحقیق کنید. مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید (حجرات / ۶).

پس از نزول این آیه، پیامبر (ص) رو به اصحاب می‌فرماید: "التانی من الله و العجله من الشیطان"، "دزنگ کردن و تحقیق از سوی خداست و عجله از سوی شیطان است" (تفسیر قرطبی جلد ۹ صفحه ۶۱۳۱).

از آنجایی که اخبار، منبع تحلیل‌ها و قضاوت‌ها قرار می‌گیرند؛ برخی از صاحبان قدرت و ثروت همواره تلاش کرده اند تا با در اختیار گرفتن مجاری خبری، تحلیل‌های خود را گسترش دهند و خواص را تابع سیاست‌های خود کنند. در واقع مدیریت افکار عمومی و کانالیزه کردن آن، مهمترین ابزار تثبیت موقعیت صاحبان قدرت است؛ چرا که در زیر نگاه تیزبین جامعه و آگاهی آنان، نمی‌توان به آلف و الوفی رسید و پایه‌های قدرت زورمندان در زمین آگاهی مردم می‌لغزد و تمامی بنایشان را ویران می‌کند.

از طرفی خواص نیز محرک توده‌ها در حرکت‌های اجتماعی هستند لذا این گونه رسانه‌ها تلاش می‌کنند با جریان‌سازی خبری، راست‌نمایی، بزرگ‌نمایی و ارائه تحلیل‌های وارونه و حتی ارائه اخبار به اصطلاح محرمانه، ذهن این بخش تاثیرگذار جامعه را تسخیر کنند تا این نخبان سیاسی خود به منبع منتشر کننده تحلیل‌ها و اخبار ساختگی تبدیل شوند و نیت باطنی پرده‌نشینان رسانه‌ها، بدون هیچ هزینه‌ای تامین شود لذا می‌توان گفت در جنگ نرمی که سلاح آن رسانه‌ها هستند مخاطب هدف، در درجه اول خواص جامعه هستند؛ خواص که به تحلیل نادرست برسند جامعه دچار تشتت می‌شود. آنگاه عناصر طراح، از این آب گل آلود هرچه می‌خواهند ماهی می‌گیرند و دغدغه‌مندان سیاست باید با چراغ دنبال اخلاق بگردند.

اما در این میان چه وظیفه‌ای متوجه خواص جامعه و نخبان سیاسی است؟

اینکه قرآن در آیه ذکر شده می‌فرماید در صحت اخبار تحقیق و بررسی کنید به گفته و نوشته مفسران، دلیلی که برای آن ذکر شده (...مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید) نه تنها "فاسق" را شامل می‌شود بلکه راوی به ظاهر "عادل" را نیز در بر می‌گیرد. یعنی اگر می‌خواهید از تحلیل و قضاوت خود پشیمان نشوید تحقیق کنید، چه اینکه راوی خیر "فاسق" و یا "عادل" باشد، ما در "فقه" می‌بینیم بسیاری از اخباری که سند آنها ضعیف است تنها به خاطر این که مورد "عمل مشهور" قرار گرفته و از روی قرآنی به صحت خبر رسیده اند معیار عمل قرار می‌گیرد و بر طبق آن فتوا می‌دهند و برعکس، گاهی اخباری که از زبان شخص معتبری نقل شده به علت قرآنی که دلالت بر نادرستی دارند رد شده اند لذا باید دقت شود که معیار اصلی در همه جا اعتماد به خود "خبر" است نه روایت کننده آن.

که اگر هم بخواهیم تنها از روی ظاهر این آیه قرآنی هم عمل کنیم و نقل شخص "فاسق" را رد کنیم، باید دقت کنیم که درباره فسق مصداقهای متعددی آورده شده است. قرآن کریم یکی از این مصداق را "منافقین" ذکر می‌کند و می‌فرماید: "ان المنافقین هم الفاسقون" (توبه/۶۷) و منافق هم که می‌دانیم آن دشمن حربی که شمشیر از نیام کشیده نیست بلکه آن به ظاهر دوستی است که شاید تندتر از هر انقلابی و مکتبی شعار بدهد و خود را در صف خودیها جا بزند و این همان مصداق "فاسق"ی است که در صحت اخبارش باید تحقیق کرد.

و نکته بسیار حائز اهمیت اینجاست که در آیه ذکر شده در سوره حجرات از واژه "نبا" استفاده شده است و "نبا" هم به معنای خبری است که مهم و دارای فایده باشد و انسان به آن علم یا ظن غالب پیدا کند (مفردات راغب اصفهانی، واژه "نبا") و این یعنی که در عمل به این اخبار نیز باید احتیاط به خرج داد؛ چه برسد به خبرهایی که این روزها بر هر درگاه و نشریه و بولتنی می‌نشینند.

پیامبر اعظم (ص)

آنچه برای خود می‌خواهی برای مردم بخواه تا مومن باشی و با همسایگان نیکی کن تا مسلمان باشی.

تهج القضاة / حدیث ۷۵

نشانی ماهنامه

میدان هفتم تیر

ابتدای خیابان مفتاح جنوبی

کوچه شیمی - پلاک ۸۸

تلفن: ۸۸۸۲۳۶۱۴

ایمیل: info@42online.ir

وب سایت: 42online.ir



شماره آینده، اردیبهشت ماه منتشر می‌شود

نمایه پرونده‌ها

سیاست

صفحات ۱۰ تا ۱۵

با آثار و گفت‌وگوهای از:

محسن اسماعیلی / ایمان حق جو / پرویز سروری / محمدتقی رهبر

اقتصاد

صفحات ۱۶ تا ۲۵

با آثار و گفت‌وگوهای از:

مرتضی اصفهانی / حسین راغفر / مونا بالوانه / مهدی کاشفی فرد / بابک صراف

ادب و هنر

صفحات ۲۶ تا ۳۹

با آثار و گفت‌وگوهای از:

ابراهیم حاتمی کیا / مجید تولایی / ترگس آبیار / مینو فرشچی / ناصر سپهری / محمدصادق آذین / محمدتقی فهیم / پرویز شیخ طادی / لیلا سروی / موسی اسماعیل‌نژاد

بین‌الملل

صفحات ۴۰ تا ۵۷

با آثار و گفت‌وگوهای از:

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی / جواد حیران‌نیا / الهام ترسلی / اسفند والی / ایمان محمدی / مهدی صولی / مهدی مظفرنیا / رضا سلیمی

فرهنگ و اندیشه

صفحات ۵۸ تا ۶۹

با آثار و گفت‌وگوهای از:

سیدجواد موسوی هوایی / سیداحمد زرهانی / علی سرلک

جامعه

صفحات ۷۰ تا ۷۹

با آثار و گفت‌وگوهای از:

امیر اصغری‌راد / طیبه حاجی‌محمدیزدی / محمد شاهین‌ناه / فهیمه قیبتی / آیت‌الله العظمی جواد آملی / مهدی رجب‌پور / مجید ابهری

تاریخ

صفحات ۸۰ تا ۸۹

با آثار و گفت‌وگوهای از:

مهدی شاکری / محمدصادق کوشکی / قاسم تبریزی / محمدجواد منصور

ویژه

صفحات ۹۰ تا ۹۶

تاریخ شفاهی:

اسدالله بادامچیان

امور مشترکین: ۰۹۳۳۶۳۸۹۴۷۶



۹۳

برخی از اهالی سیاست و فرهنگ و اقتصاد در گفت و گو با ۴۲ مطرح کردند

آرزوهایی برای

در آستانه ورود به سال ۱۳۹۳ سراغ برخی از سیاستمدان و اهالی فرهنگ و اندیشه و اقتصاد رفتیم و از آنان خواستیم تا برایمان بگویند چه اتفاقی در سال ۹۳ آنان را خوشحال می‌کند و چه امیدواری برای این سال دارند و خودشان چه قدم‌هایی برای تحقق این آرزو برمی‌دارند. آنچه می‌خوانید پاسخ برخی از این افراد است.

گفت‌وگو
حامد نجفی مهر / سعید زارع

آرزوی شخصی ندارم



دارپوش فرهنگ
کارگردان و بازیگر

بدون کوچکترین اغراقی سلامت برای همه ملت و بازگشت بودجه نسبی در جیب همه ملت آرزوی من است. یعنی آرزو دارم هر کس به فراخور نیازش از یک شرایط متعادل نسبی مالی و رفاهی که حق همه مردم است برخوردار باشد و هیچ آرزوی شخصی‌ای ندارم.

البته برای سینما هم دغدغه‌هایی دارم اما اولویت اول همان موضوع مالی بود که عنوان کردم، برای من اول شوق مردم مهم است، امیدوارم این امیدی که گفته شده تبدیل به واقعیت شود و به نظر من همه مردم این انتظار را دارند اما آن قدر گره و کش‌مکش در مملکت داریم که داریم این موضوع به عقب می‌افتد اما همه مردم آرزو دارند از یک شرایط عادی و نسبی که حق مسلم آنان است برخوردار شوند.

مساله ما تحریم نیست



حسین راغفر
مدرس دانشگاه

امیدوارم که سال آینده دولت طرح‌های افزایش قیمت حامل‌های انرژی و ارز را کنار بگذارد و به فکر یک برنامه جدی برای اقتصاد کشور باشد. مساله ما تحریم‌ها نیستند و مشکل ما مدیریت است. با وجود این حجم منابع در کشور بایدفکری اساسی شود. کره جنوبی که در پنجاه سال گذشته نصف ایران ارز هزینه کرده اکنون در این جایگاه قرار گرفته اما ایران با هزینه کرد دوبرابری ارز در مقایسه با کره‌ای‌ها می‌بینید که به چه وضعیتی افتاده است. سالانه چهل تا پنجاه میلیارد انرژی مصرف می‌شود و دور ریخته می‌شود وقتی هم گفته می‌شود که باید صرفه‌جویی کرد کسی گوش نمی‌دهد و بعد به این می‌رسند که پول نداریم و به این می‌رسند که باید قیمت حامل‌های انرژی را بالا ببریم و فشار آن بر مردم وارد می‌شود. مشکل کنونی ما این است که دولت برنامه اقتصادی ندارد. تلاش ما این است که در سال آینده همین مطالعاتی که داریم را به نتیجه برسانیم و فایده‌ای برای جوانان این کشور داشته باشد. آرزویم این است که در سال ۹۳ مشکلات اقتصادی مردم با تدبیر دولت حل شود.

امیدوارم ارقام بودجه جذب شوند



یحیی آل اسحاق
رئیس اتاق بازرگانی تهران

هر اتفاقی که در سال جدید بتواند نظام را یک گام به جلو ببرد در هر زمینه‌ای که باشد، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی من را خوشحال خواهد کرد. البته در حوزه اقتصادی نگرانی‌های بیشتری دارم و آرزو دارم دولت بتواند در کنترل تورم موفق شود و آنرا به حدود ۲۰ درصد و حتی کمتر برساند نه تنها بنده بلکه بسیاری از هموطنان را خوشحال خواهد کرد. اگر دولت بتواند مسئله رکود و اشتغال را تا حدی حل کند و وعده‌های داده شده در این باره را عملیاتی کند به طور حتم آرزوهای ما را برآورده کرده است.

اگر ارقامی که در بودجه امسال برای سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده، هم جذب شود و هم اجرایی شود زمینه‌های اشتغال فراهم آمده و مایه خوشحالی همه مردم خواهد شد.

در حال حاضر جمعیت ۵۵ میلیونی در کشور وجود دارد که وضع معیشت آنها از حد نرمال پایین‌تر است و گروه ۵۵ میلیونی دیگری هم وجود دارد که به مراتب از حد نرمال بالاتر زندگی می‌کنند و تقریباً ۶۷ میلیون باقی مانده در حد متوسط گذران زندگی می‌کنند.

اگر دولت بتواند برای گروه ۵۵ میلیونی اول برنامه‌ای را اجرا کند که وضع معیشت، مسکن، بهداشت و آموزش آنها در اولویت حل و فصل شود نه تنها آرزوی من برآورده می‌شود بلکه بخش عمده‌ای از مشکلات نظام حل خواهد شد. به نظر من حل مشکلات این گروه از جامعه که جزو دهک‌های پایین هستند باید در اولویت قرار گیرد و من عقیده دارم رفع آن هم شدنی است و باید در این مسیر با نگاهی دغدغه‌مند گام برداشت تا همانطور که اشاره شد یکی از مشکلات اصلی نظام برطرف شود.

ابتدا و انتهای سالی که گذشت با هم متفاوت بود. ابتدای سال درگیر انتخابات و یکسری تلاطم‌ها در مسایل بین‌المللی بودیم. اما به نظر من در مجموع یک مقدار اوضاع ساماندهی شد و به ویژه در حوزه اقتصادی یک مقدار به جلو حرکت داشتیم. به هر حال اینکه نسخه‌ای برای معضلات اقتصادی پیچیده شد و توانستیم تا حدودی بر این تلاطم سوار شویم از نقاط مثبت سالی است که در ماه پایانی آن قرار داریم. به هر حال نمود این تغییرات را می‌توان در مثبت شدن رشد منفی ۸/۵ که تجربه کردیم ببینیم. بالاخره نسخه‌ای عملیاتی پیدا شد و دولت طرح مشخصی را برای انجام کار در شرایط رکود ارائه کرد و توانست تورم را کنترل کند. توانستند با راه حل عملی و با کنترل نقدینگی و اجرای سیاست قبض و بسط در حوزه اقتصاد اثراتی ایجاد کنند.

قبض به معنی کنترل رشد نقدینگی و بسط به معنی جهت دادن به همین مقدار نقدینگی موجود است. تا در مسیر تولید و رفع نیازهای اساسی سرمایه‌گذاری شود. به نظر می‌رسد در سال ۹۲ حداقل این موضوعات از حالت تئوری خارج شد و به سمت عملیاتی شدن حرکت کرد. از نظر مسایل بین‌المللی هم یک امیدوی برای حل و فصل مسایل انشاءالله با توجه به آرمان‌ها، اعتقادات و اهداف ملی کشور به وجود آمده است که اگر دولت‌مردان بتوانند در این مسیر با حفظ ارکان نظام به حل و فصل موانع بپردازند می‌توان این خیز را هم جزو نقاط مثبت سال ۹۲ دانست.

بازسازی چهره اصولگرایانم آروزست



امیر مخیان
تحلیل‌گر سیاسی

در حوزه اقتصادی امیدوارم با شفاف شدن فضای اقتصادی و سامان‌مند شدن فضای رفتارها و احیای ساختار درست اقتصادی بتوانیم هم ثروتمندان جامعه را شناسایی کنیم و مالیات مناسب از آنها اخذ کنیم و هم فقرا برای آنکه از آنها حمایت کنیم درست شناسایی کنیم. رفع گره‌های زندگی مردم هم یکی از امیدواری‌هاست.

در حوزه سیاست داخلی رسیدن به نوعی از فضای تعامل بین جریان‌های قدرتمند سیاسی در جهت منافع مردم هم چنین احیاء و بازسازی چهره اصولگرایان در سه محور اعتدال، عقلانیت و دین‌گرایی هم از امیدواری‌های من است.

در حوزه سیاست خارجی هم به رفع فشارها و تحریم‌هایی که وجود دارد امیدوارم و مایل به بازسازی چهره جمهوری اسلامی در سطح جهان و در عین حال پیشرفت ایران برای اثبات خود به عنوان یک محور قدرتمند جهان اسلام و منطقه و کل دنیا هستیم.

در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی امیدوارم مسئولان دریابند که چه مسئولیت سنگینی دارند تا بتوانند حداقل ساماندهی فضای اجتماعی را بکنند، به‌گونه‌ای که چهره‌ای زیبا، موثر و ارزشمند از ارزشهای انقلاب و اسلام ارائه شود. در حوزه فرهنگ هم شاهد این باشیم که اندیشیدن و تفکر و عقلانیت و مطالعه به یک محور اساسی زندگی مردم تبدیل شده است و کتاب‌خوانی به سبب هزینه مردم اضافه شده است. ضمن اینکه شاهد باشیم عمق فرهنگی جامعه از سوی احساس به سوی عقلانیت گرایش بیشتری پیدا کند. دستیابی به این امیدواری‌ها و آرزوها بستگی به ادراک و اراده مسئولان و در عین حال مطالبه مردم از آنها دارد تا نهایتاً بتوانند به واقعیت بگردانند ولی اگر به گذشته نگاه کنیم به نظر می‌رسد آینده در مسیر گذشته در حال ادامه پیدا کردن است و مسئولان خودشان را درگیر مسائل حاشیه‌ای و فردی می‌کنند ما اگر به لطف خدا نگاه کنیم امیدوارم به رخ دادن آرزوها می‌شویم.

افق‌های شخصی من از لحاظ سیاسی در سال ۹۳ رفتن به سمتی است که بتوانیم منشا اثر در ایجاد تحول اصول‌گرایی بشویم و بتوانیم دیدگاه‌هایی را عرضه کنیم که مقبولیت عام پیدا کنند و نهایتاً بتوانند در مسیر اهداف اصول‌گرایی و احیای چهره آن اثر بخش باشند. در حوزه ایجاد فرهنگ اعتدال و عقلانیت پیش از این هم فعالیت کرده‌ام و امیدوارم بعد از این هم اثرگذار باشم در جهت غنی‌سازی فکری و فرهنگی جامعه هم مطالعاتم مسیر پرشتاب‌تری بگیرد. در حوزه کار شخصی هم امیدوارم که بتوانم منشا اثر باشم و با ایجاد یک شبکه رسانه‌ای قدرتمند که بتواند از تفکر عقلانیت و اعتدال دفاع کند موثر باشم.

امیدوار به آشتی کامل اهل فرهنگ هستیم



منصور ضابطیان
مجری برنامه رادیو هفت

اگر تحریم‌ها از بین برود و اوضاع معیشت مردم سروسامان بگیرد و یک سلامت اقتصادی بر کشور ما حاکم شود مهمترین اتفاقی است که حال من را در سال ۹۳ خوشحال می‌کند.

از نظر فرهنگی هم باید بگویم که دغدغه‌های فراوانی دارم اصولاً فرهنگ هم‌هش دغدغه است اما مهمترین دغدغه کنونی من به لحاظ فرهنگی این است که همه اهل فرهنگ به یک آشتی کامل برسند و همه در کنار هم نظرات خود را بیان کنند و به هم احترام کامل بگذارند.

سال ۹۲ آنقدر پر فراز و نشیب در حوزه‌های مختلف بود که جا برای سخن فراوان دارد. چه در سیاست داخلی و خارجی، فرهنگ و هنر و اقتصاد که نمی‌توان به یک نتیجه مشخص رسید اما چیزی که مهم است این است که گمان می‌کنم در حوزه‌های مختلف یک روند رو به جلویی وجود دارد و یک امیدواری در جامعه حاکم شده است که همین باعث پیشرفت امور دیگر می‌شود.

من چون از حوزه برنامه‌سازی تلویزیونی با مخاطب انبوه سروکار دارم همه این دغدغه‌های پس ذهنم را در برنامه‌سازی‌ها لحاظ می‌کنم. من هم دوست دارم به آن درک و ارتباط متقابل بین اقشار اجتماع برسیم و به بهبود معیشت مردم کمک کنیم. همه این موارد خواه ناخواه در برنامه‌هایم لحاظ می‌شود.

حماسه اقتصادی صورت گیرد



محسن رفیق دوست
رئیس اسبق بنیاد مستضعفان

تحقق شعار حماسه اقتصادی بزرگترین آرزوی من برای سال ۹۳ است. باید همه دست اندرکاران مخصوصاً دولت و مجلس سعی کنند حماسه اقتصادی را که بسیاری از مشکلات مملکت را حل می‌کند با ایجاد اقتصاد مردمی و مقاومتی و خروج دولت از کار اقتصادی محقق کنند تا همه ملت خوشحال شوند و امید در کشور جاری شود.

سالی که گذشت از نظر سیاسی سال خوبی بود اما از نظر اقتصادی سال سخنرانی بود. حماسه سیاسی در این سال به بهترین نحو ممکن به وقوع پیوست اما حماسه اقتصادی از جمله نقاط ضعف سال ۹۲ شد.

ظهور امام زمان (عج) را در سال بعد آرزو دارم



خسرو دانشجو
عضو سابق شورای شهر تهران

آنچه که من را از صمیم قلب خوشحال می‌کند ظهور حضرت آقا(عج) است. اما آنچه که باعث سرفرازی مسلمانان به ویژه شیعیان شود نیز من را خوشحال می‌کند. با عنایت به اتفاقات اخیر و رجزخوانی‌های آمریکا و اسرائیل من فکر می‌کنم یکی از کواردهای که خیلی‌ها آرزوی آنرا دارند خبر فروپاشی آمریکا و اسرائیل و نصرت و پیروزی مسلمانان و شیعیان است.

از سال ۹۲ در حوزه‌های مختلف می‌توان ارزیابی‌های مختلفی کرد. یکی از مواردی که در سال ۹۲ دغدغه ایجاد کرد، مباحث انرژی هسته‌ای بود. اما با عنایت به گنگ بودن مقصد و متن توافقنامه نمی‌دانم باید خوشحال باشم یا ناراحت و در بلا تکلیفی کامل هستیم. در حوزه سیاست تا روشن نشدن کامل موضوع باید سالی را در ابهام بگذرانیم. در حوزه‌های اقتصادی هم سال خوبی نبود انشاء الله خدا به مسئولین کمک تا در سال ۹۳ فشاری را که در سالهای گذشته به مردم وارد شده را کم کنند و این مهم هم اتفاق نمی‌افتد مگر با وسعت نظر و با به کارگیری نیروهای طیف‌های مختلف. خودمان را از تخصص‌ها به دلیل اینکه از یک نگاه دیگری برخوردار هستیم محروم نکنیم. در این حوزه هم سال ۹۲ قابل وصف و قابل افتخاری نبود. چون برخلاف شعارهایی که داده می‌شد در سال ۹۲ نمود بارز و پررنگی در مورد نگاه‌های فرا جناحی ندیدم، تا مطمئن شوم مسئولین نگاه فرا جناحی دارند و آمده‌اند که مشکلات را با عنایت به قوت و توان همه جناح‌ها برطرف کنند.

کشور از بلا تکلیفی در بیاید



بهژن مقدم
مدیر مسئول روزنامه جام جم

در سال ۹۳ به دلیل دوعلامت سوالی که وجود دارد که یکی بحث مذاکرات هسته‌ای و دیگری هدفمندی یارانه‌هاست، کشور مسیر درست خود را در سال آینده انتخاب خواهد کرد و این به ثبات استقلال و عزت کشور حتما کمک بیشتری خواهند نمود. هم اکنون کشور در یک بلا تکلیفی به سر می‌برد در برخی از گام‌هایی که باید برداشته شود بخاطر تمرکز نگاه به خارج از کشور برداشته نشده است. به نظر من از این لحاظ در سال آینده وضعیتی شفاف تر از اکنون خواهیم داشت و با وجود این شفافیت اداره کنندگان امور با شتاب بیشتری به سمت اهداف و آرمانهای انقلاب حرکت خواهند کرد.

در بخش حرفه کاری ما، کارها متناسب با شرایط روز مرتباً در حال حرکت است. اما اگر بخواهد کار جدیدی در سال ۹۳ صورت بگیرد در حوزه اقتصاد مطبوعات خواهد بود. در مسائل مربوط به قیمت‌ها که کاغذ یکی از همین روال پیش برود. چون با همین وضعیت در سال ۹۳ مطبوعات بسیار شکننده عمل کردند.

نگاه سیاسیون به داخل باز گردد



احمد آریایی نژاد
نماینده ملایر

مهمترین انتظار من از سال ۹۳ بازگشت سیاسیون ودولتمردان به طریق استقامت در مقابل دشمن است. همانطور که رهبر معظم انقلاب فرمودند ما باید نگاه به درون داشته باشیم مطمئن باشیم که هر لحظه که فکر کنیم که از بیرون کاری برای کشور بشود، دچار خسران شده ایم و هرچه این فکر بیشتر ادامه پیدا کند بیشتر ضرر کرده ایم. لذا هر چه سریعتر از این فکر اگر برگردیم که اچانا اگر پیچ های بیرون بیشتر شل شود نفعی به کشور می رسد بیشتر سود خواهیم برد. نگاه به درون، ما را به خودکفایی و استقلال خواهد رساند.

افق ما هم در مجلس این است که دنبال قوانینی باشیم که در چهارچوب اسلام باشد ومشکلات مردم را حل کند. اصل کار مجلس قانونگذاری و نظارت بر حسن اجرای آن است این دو کار را با دقت و کیفیت و سرعت لازم پیش خواهیم برد.

توفیق مسلمانان جهان خوشحالم می کند



محمد تقی زمانیان
استاد دانشگاه

اگر توفیق کشورم در همه زمینه ها را ببینم خوشحال خواهم شد و اگر توفیق همه مسلمانان جهان اتفاق افتد من از صمیم قلب خوشحالم می شوم و امیدوارم این موضوع را در سال ۹۳ شاهد باشم.

توفیق و سربلندی کشور در همه زمینه ها آرزوی من است چرا که معتقدم در بسیاری از موارد عقب هستیم و باید بدون اتلاف وقت به سمت عمران و آبادانی پیش رویم.

در سالی که گذشت دغدغه های گوناگون سیاسی و اقتصادی فراوانی را پشت سر گذاشتیم و مهمترین آن بحث سیاست خارجی بود که نمود بیشتری در سال ۹۲ داشت. البته مشکلات همیشه وجود دارند و باید راهی برای برون رفت از وضعیت موجود جویا شد و نباید از مشکلات ترسید و ناامید شد بلکه باید در سایه همدلی و همکاری بر آنان چیره شد.

که پیش بینی هایم با توجه به نگرش ها و روش هایی که اتخاذ شده درباره وضعیت اقتصاد آینده دولت درست از آب درنیاید و کماکان با این روش ها ما به اعتلا و پیشرفت و بازسازی اقتصاد دست پیدا کنیم.

من خیلی به بزرگ شدن سفره مردم در سال ۹۳ خوش بین نیستم. رئیس جمهور بیشتر نگاه خود را در چند ماه گذشته معطوف به محیط خارجی کرده و هیچ اتفاق جدی در اقتصاد ملی رخ نداده است. بی رمقی های بخش تولیدات هنوز باقی مانده منتها شدت تورم کمی پائین آمده و سوداگری ارز فعلا متوقف شده ولی این هم دلیل بر آن نمی شود که نرخ ارز در سال آینده بالا نرود و ممکن است جو روانی و سوداگری در خیلی از بخش های اقتصادی اتفاق بیافتد که البته نسبت به این مساله بدبین هستیم و معتقدم این اتفاقات خواهد افتاد ولی خوشحالم می شوم اگر چنین نشود. نگاه به بیرون و تمرکز روی کاهش تحریم ها باید آثارش روی تولید ملی دیده شود مخصوصا عرصه هایی که هم اکنون بدون اتکا به بیرون هم مشکلاتشان قابل حل است. رکود بازار مسکن و در عین حال سوداگری بالای آن با یک عقلانیت و تدبیر دولت می تواند تصحیح شود و این بخش رونق پیدا کند. نیاز ما به مسکن سالانه یک میلیون و دویست هزار واحد است این اتفاق اگر بیافتد در مدت پنج سال به سمت پروسه عادی سازی بازار مسکن پیش خواهیم رفت.

امسال پروانه های صادر شده توسط شهرداری های سراسر کشور زیر دویست هزار تاست و این نشان می دهد که در سال آینده بخش مسکن رونق نخواهد داشت و این موجب بیکاری عمده ای خواهد شد. البته باز هم امیدوارم که پیش بینی های مطرح شده ام برای اقتصاد تحقق یابند.

حتما باید برای استفاده از ظرفیت های دیپلماسی تلاش کرد و فضای دیپلماسی و نوع ادبیات خلاف شان نظام را مودبانه کنیم اما اینکار باید مقتدرانه صورت بگیرد لذا معتقدم علیرغم اینکه مذاکرات دستاوردهایی داشته و تلاش روبه جلویی بوده و حتی توانسته چهره کشور را در دنیا بهتر نشان دهد وحقانیت ما را آشکار کند اما از دل این امید گسترده به بیرون که بینش خیلی از دولتی هاست رونق اقتصادی به دست نخواهد آمد و راه توسعه ملی ما از درون می گذرد.

در سال آینده با توجه به فضایی که روی کار آمده و با توجه به تقاضاهای مشورت گیری از سوی مسئولان و حتی دستگاه قانون گذاری شده تلاش خواهیم کرد که کوتاهی نکرده و در مقام مشورت وایده پردازی در حد بضاعت خود به مسئولان کمک کنیم. به طور خاص در حوزه معلمی هم تلاش میکنم در مباحث علمی بیشتر حضور یابم.

نگران جهت گیری دولت ام



محمد خوش چهره
مدرس دانشگاه و کارشناسی ارشد اقتصاد

انتظارات در سال ۹۳ با توجه به روی آامن دولت جدید، هم چنین اوج گرفتن شیطنت دنیای سلطه؛ تصمیم گیری مسئولان نظام مخصوصا قوه مجریه در راستای شعارهای داده شده است و اینکه عقلانیت و تدبیر در جهت اعتلا و عزت نظام جمهوری اسلامی بکار گرفته شود. علیرغم اینکه تاکید بر بازسازی مناسبات سیاسی با دنیا برای برون رفت از مشکلات اقتصادی می شود، من هم این تاکید را خوش بینانه نمی بینم. امیدوارم که نظریات و تفکراتم در این باره درست نباشد و علاج برون نگر جواب بدهد و نتیجه اش به نفع نظام باشد. من نگران جهت گیری های دولت هستم چرا که دولت بازسازی مناسبات با دنیا را در اولویت اهداف خود قرار داده است و فکر می کند که این اقدام می تواند مشکلات داخلی را حل کند. در دیدگاه مقام معظم رهبری و خیلی از صاحب نظران مطرح است که من هم معتقد به آن هستم و آن این است که هر دستاوردی در مناسبات بیرون اگر مبتنی بر عزت و عقلانیت نظام باشد مورد قبول است ولی اینکه صرفا فکر کنیم از این طریق مشکلات اقتصادی حل می شود منطق خیلی قوی ندارد. بنابراین معتقدم علیرغم اینکه باید برای بازسازی و دستاورد در مناسبات تلاش بشود ولی راه اعتلای ملی و پیشرفت کشور در نگاه به ظرفیت های درونی و به فرمایش مقام معظم رهبری به توان درونی است.

ضمن اینکه نگران نگرش دولت هستم ولی دعا می کنم که این نگاه نتیجه بخش باشد به این دلیل که دولت و رئیس جمهور سکان دار کشتی کشور به لحاظ اجرایی است. امیدوارم



افقم تصویب قوانین جامع است



↓
جواد جهانگیرزاده
قائم مقام مرکز پژوهش‌های مجلس

رشد اقتصادی کشور مهم‌ترین آرزویی است که در سال ۹۳ دارم. به کاهش تحریم‌ها نباید زیاد دل بست این مورد تاکید مقام معظم رهبری هم بوده است. در حوزه سیاسی به انسجام و اتحاد اصولگرایان خیلی مایلیم و به کمک منطقی و متناسب با اصول به دولت هم معتقدم. در حوزه قانون‌گذاری ما نیاز به تنقیح قوانین خواهیم داشت و هم اکنون نیز بخشی از کار را در دست داریم که بتوانیم از حجم زیاد قوانین بکاهیم و یک قانون مادر خوب را پایه ریزی کنیم.

نگران جدا شدن انقلابیون هشتم



↓
سیدهدای خسروشاهی
مورخ و پژوهشگر

کثرت دشمنان ما در بلوک استکبار جهانی دغدغه من نیست. بلکه در حال حاضر از جدا شدن صفوف انقلابیونی که در زمان انقلاب همه با هم بودیم نگران هشتم و من بیشتر از این ناحیه احساس نگرانی می‌کنم. اوایل انقلاب همگی ما در یک صف، مانند برادر مقابل همه دشمنان ایستادیم و جانانه مبارزه کردیم اما چند صباحی است دیگر آن احساس برادری را کمتر می‌بینم و جدایی صفوف انقلابی جایگزین آن وحدت مثال زدنی شده است. از همین رو آرزو دارم سال ۹۳ سال وحدت تمامی نیروهای داخلی باشد تا دوباره توان پاسخ‌گویی به همه گردن کشی‌های غرب را به دست آوریم. اگر در سال ۹۳ کینه‌ها از قلوبمان بیرون رود و به همان وحدت اوایل انقلاب بازگردیم بنده از صمیم قلب خوشحال خواهیم شد. در این سالی که هم اکنون در ماه پایانی آن قرار داریم بیشتر از گزینه‌های روی میز آمریکا شنیدیم و از تهدیدات پوچی که خودشان هم می‌دانند کارساز نخواهد بود اما به شرط آنکه گزینه ما هم یگانه گزینه وحدت و همدلی باشد. در خصوص سال ۹۲ به نظر من اوایل سال گذشته سال خوبی نبود چرا که عملکردها و بی‌تدبیری‌ها بسیار بالا رفت و موجب رنجاندن مردم شد. این نوع از عملکرد ضرر بسیاری برای جامعه داشت. به هر حال هر چه بود گذشت؛ آرزو می‌کنم در این ماه آخر و در سال آینده شعار تدبیر و امید دولت محقق شود و شاهد اعتدال باشیم چرا که اعتدال هم به دنبال تدبیر اتفاق خواهد افتاد.

آرزویم کاهش اثر تحریم‌ها به صفر است



↓
اسماعیل کوثری
عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس

انتظار ما این است که شاهد حضور صاحب اصلی این انقلاب یعنی امام زمان (عج) باشیم. اما در مسائل دیگر امیدواریم که وضعیت اقتصادی روبراه شود و معیشت مردم با همه این زحماتی که کشیدند و حماسه سیاسی که خلق کردند مقداری گشوده شود و با امید بیشتری مسیر انقلاب را ادامه دهند.

به کاهش تحریم‌ها هم امید داریم اما خیلی به آن دل نیستیم چرا که عملکرد قدرت‌های استکباری به گونه‌ای است که تا خیانت خود را کنار نگذارند دشمنی‌ها از بین نمی‌رود و تا وقتی این شیطنتها ادامه دارد این مسیر هم ادامه پیدا می‌کند لذا همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند علیرغم اینکه ما به دنبال رفع تحریم‌ها هستیم اما خیلی هم نباید پایبند به آن باشیم بلکه باید به صورتی عمل شود که با اتکاء به داخل مشکلاتمان حل شود و این توان وجود دارد. اگر بر توان داخلی تکیه شود به آنها نشان داده خواهد شد که تحریم‌ها نه تنها اثر نداشته بلکه از این به بعد آن درصد کمی هم که اثر داشته را دیگر نخواهد داشت.

افق کاری ما در مجلس این است که قوانینی به تصویب برسد که به معنای واقعی جامع، مانع و کامل باشد که هر روز نیاز به تغییر آنها نباشد و نمایندگان با دید وسیع‌تر به مسائل نگاه کنند و این نشود که دیدگاه موردی یا استانی و شهرستانی داشته باشند.

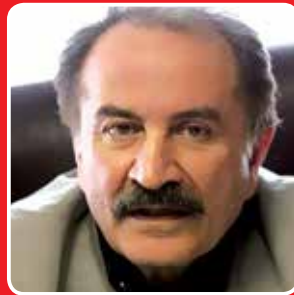
آرزویم دور زدن تحریم هاست



↓
ابراهیم کارخانه‌ای
نماینده مجلس شورای اسلامی

امیدوارم با قاطعیت بتوانیم تحریم‌ها را دور بزنیم و همچون سال‌های قبل در برابر آنها بایستیم. دشمن امروز از تحریم به عنوان سلاحی علیه ایران استفاده می‌کند اما ملت ایران در برابر این سلاح ایستاده و ذره‌ای از حقوق خود عقب‌نشینی نخواهد کرد. با توجه به اینکه عمر راکتور هسته‌ای تهران رو به اتمام است باید در سال آینده راکتور آب سنگین اراک که حاصل نبوغ جوانان این مرز و بوم است، جایگزین شود تا بتواند رادیو داروهای این ملت را تأمین کند. یکی از خط قرمزهای ملت ایران گردش آن تعداد از سانتریفیوژهایی است که سوخت هسته‌ای مورد نیاز کشور را تأمین می‌کند. افق ما در مجلس هم این است که قانون‌گذاری‌های مفید و مثمر ثمری داشته باشیم و از طریق آن مشکلات اقتصادی مردم را حل کنیم.

نسبت مستقیم تورم و دغدغه اقتصادی ام



جمشید پژویان

کارشناس مسایل اقتصادی

کاهش تورم از دغدغه های من برای سال آینده است و برای تحقق این امر باید در ابتدا نقدینگی را در سطح جامعه کاهش داد.

اغلب کشورها با کاهش نقدینگی تورم را کنترل کرده و تنها چند کشور وجود دارد که از این قانون تبعیت نمی کنند، از این رو ما نیز باید مانند سایر کشورها برای کاهش تورم در حله اول از میزان نقدینگی موجود در جامعه بکاهیم.

به طو مثال اگر ما ۱۰ لیوان چای در اختیار داشته باشیم و ۱۰۰ تومان در جامعه موجود باشد، قیمت هر لیوان از این محصول بیش از ۱۰ تومان نخواهد بود، اما اگر نقدینگی در حد ۲۰۰ تومان باشد هر لیوان چای تا ۲۰ تومان احتمال افزایش قیمت دارد، لذا با کنترل نقدینگی می توان تورم را کنترل کرد.

البته اگر با افزایش پول به جای ۱۰ لیوان، ۲۰ لیوان چای در بازار باشد، باز هم قیمت چای همان ۱۰ تومان می ماند، لذا ما ۲ راهکار برای کاهش تورم و نقدینگی پیش رو داریم، یا میزان نقدینگی را کاهش دهیم و یا تولید را گسترش دهیم که هر دو می تواند کاهش تورم را در پی داشته باشد.

باید توجه کنیم تمام تلاش ما حمایت از تولید و رونق آن باشد، اما راهکار کوتاه مدت برای بهبود وضعیت، کاستن از میزان نقدینگی بوده و برای ایجاد رشد اقتصادی باید برخی سیاستگذاری ها تغییر کند.

امیدواریم که تورم به صورت دائمی کاهش یابد تا فشار بر قشر ضعیف جامعه کاهش یابد. لذا هر چه تورم کاهش یابد دغدغه من نیز کاهش می یابد.

فهم عمیق جامعه از انقلاب اسلامی را آرزومندم



عماد افروغ

نماینده دوره هفتم مجلس شورای اسلامی

من زمانی خوشحال می شوم که جامعه ما فهمی عمیق از وجوه نرم افزاری انقلاب اسلامی از یک طرف و ماهیت استکبار از طرف دیگر پیدا کند و متوجه شود که ذات استکبار چیست و تضادهای درونی اش چیست. از طرف دیگر قابلیت شکنندگی آن را با عمق جانش لمس کند و بفهمد که انقلاب اسلامی چه رسالتی در تسریع بخشیدن به این شکنندگی داشته و دارد.

این موضوع را از این بابت عرض می کنم که به نظر می رسد از این فضا دور شده ایم. نه انقلاب اسلامی را خوب درک می کنیم و نه ذات و ماهیت استکبار را. مایه تاسف است که می بینیم استکبار جان گرفته است. حالا این جان گرفتن حداقل فضای ذهنی و مجازی را تا حدودی اشغال کرده است. یعنی فضای ذهنی عده ای و فضای مجازی بیرونی را به خود اختصاص داده و از طرف دیگر شاهد یکسری دلدادگی ها و شیفتگی های بی برنامه و با برنامه هستیم که امیدوارم در سال ۹۳ اتفاقی بیافتد، البته دور از انتظار و بی سابقه هم نیست بالاخره در بهمن ماه ۵۷ اتفاق عظیمی رخ داد که مردم هم ذات انقلاب را درک کردند و هم فهمی از استکبار داشتند بنابراین آرزوی دور و دراز و دست نیافتنی نیست که مردم یکبار دیگر به انقلاب شان رجعت کنند.

من که تمام عمرم در همین راستا بوده و به هیچ وجه عدول هم نکرده ام و انحراف را از طرف هر کس که دیدم گفته ام و برای من اصلا جناح و فرد مهم نیست برای من مبانی و اصولی اهمیت دارد که با این مبانی افراد را می سنجم و نه اینکه برعکس باشد. تا به حال هم به لطف خدا از این مسیر خارج نشده ام. به هر حال خدا را شاکرم که اگر از او خواستم رخ عیان کند رخ عیان کرد و سعی داشته ام در این مسیر ثابت قدم باشم و امیدوارم خداوند مرحمت بیشتری کند تا در این مسیر گام های استوارتری بردارم.

سبک زندگی مردم اصلاح شود



محمد حسن قدیری ایپانه

کارشناس سیاسی

اصلاح سبک زندگی مردم از نظر اصلاح فرهنگ کار، فرهنگ مصرف و انضباط اجتماعی و اقتصادی آرزوی من است که بنده دارم. این موضوع به عنوان یک اتفاق خجسته برای انقلاب و برای مردم است چرا که با اصلاح این فرهنگ، بسیاری از مسایل کنونی ما خود به خود حل خواهد شد.

در حال حاضر در جامعه اسراف بیداد می کند، خرید کالای خارجی بر کالای داخلی هنوز ارجحیت دارد در نتیجه اقتصاد کشور مبتنی بر کار و تلاش نیست و همین امر وابستگی کشور به نفت را تشدید کرده و تحریم ها را به لحاظ نقاط ضعف ما اثرگذار کرده است. نکته دیگری که فکر می کنم اگر اتفاق بیافتد قدم بسیار بزرگی در راستای بهبود وضعیت اقتصاد کشور و اصلاح ساختار اقتصادی است، واقعی شدن قیمت ها به ویژه قیمت سوخت از طریق حذف یارانه های پنهان است.

آرزوی عدالت در دنیا



کازم جلالی

رئیس مرکز پژوهش های مجلس

در سال ۹۳ انتظار داریم دنیا به سمت عدالت و معنویت پیش برود و در عین حال وضعیت مردم با توجه به اقتصاد کشور روبه سامان برود.



مصطفی حسینی
دبیر گروه

سیاسیون و نظامیون

امام خمینی (ره) در وصیت نامه سیاسی - الهی خود می‌فرماید: "وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که همان طور که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروه‌ها و جبهه‌ها است به آن عمل نمایند؛ و قوای مسلح مطلقاً، چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها، در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازی‌های سیاسی دور نگه دارند. در این صورت می‌توانند قدرت نظامی خود را حفظ و از اختلافات درون گروهی مصون باشند. و بر فرماندهان لازم است که افراد تحت فرمان خود را از ورود در احزاب منع نمایند. و چون انقلاب از همه ملت و حفظ آن بر همگان است، دولت و ملت و شورای دفاع و مجلس شورای اسلامی و طیفه شرعی و میهنی آنان است که اگر قوای مسلح، چه فرماندهان و طبقات بالا و چه طبقات بعد، برخلاف مصالح اسلام و کشور بخواهند عملی انجام دهند یا در احزاب وارد شوند که - بی‌اشکال به تباهی کشیده می‌شوند - و یا در بازی‌های سیاسی وارد شوند، از قدم اول با آن مخالفت کنند. و بر رهبر و شورای رهبری است که با قاطعیت از این امر جلوگیری نماید تا کشور از آسیب در امان باشد." مقام معظم رهبری نیز در شه‌ریور ماه امسال در جمع اعضا و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فرمودند: "ضرورتی ندارد سپاه در عرصه‌ی سیاسی فعالیت کند، اما پاسداری از انقلاب نیازمند شناخت دقیق واقعیت‌هاست. بنابراین نمی‌شود مجموعه‌ای که بازوی نگهبان انقلاب است، در باره‌ی جریان‌های گوناگون انحرافی، غیر انحرافی وابسته و یا دیگر جریان‌های سیاسی، چشمی بسته و نابینا داشته باشد."

موضوع سیاست و نظامی‌گری همواره مورد توجه اندیشه‌ورزان سیاسی بوده است و افراد مختلف طی سال‌های گذشته همواره در این رابطه و نسبت میان سیاسیون و نظامیون قلم‌فرسایی کرده‌اند و داد سخن سر داده‌اند.

برخی معتقدند که افراد نظامی، چه در لباس نظامی‌گری و چه در لباسی دیگر نباید هیچ‌گونه ورودی به سیاست اعم از گروه‌ها و جریان‌ها و حتی موضع‌گیری سیاسی و... داشته باشند و برخی دیگر نیز شاید دیدگاهی متفاوت از این داشته باشند. در قیاس و قال‌ها و بحث‌ها آنچه که همواره مورد توجه امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب بوده پرهیز دادن نظامیان از ورود به دسته بندی‌ها و جناح بندی‌های سیاسی است و اینکه این نهادها مقتدر خرج و صرف باندها و گروه‌ها نشوند. آنچه در این حوزه قابل طرح و بحث است و اندیشه‌ورزان باید پیرامون آن سخن بگویند تفاوت‌های نظام حزبی و نظام جندی است که هر کدام را از دیگری متمایز می‌کند و کارویزه‌ای را برایش بوجود می‌آورد.

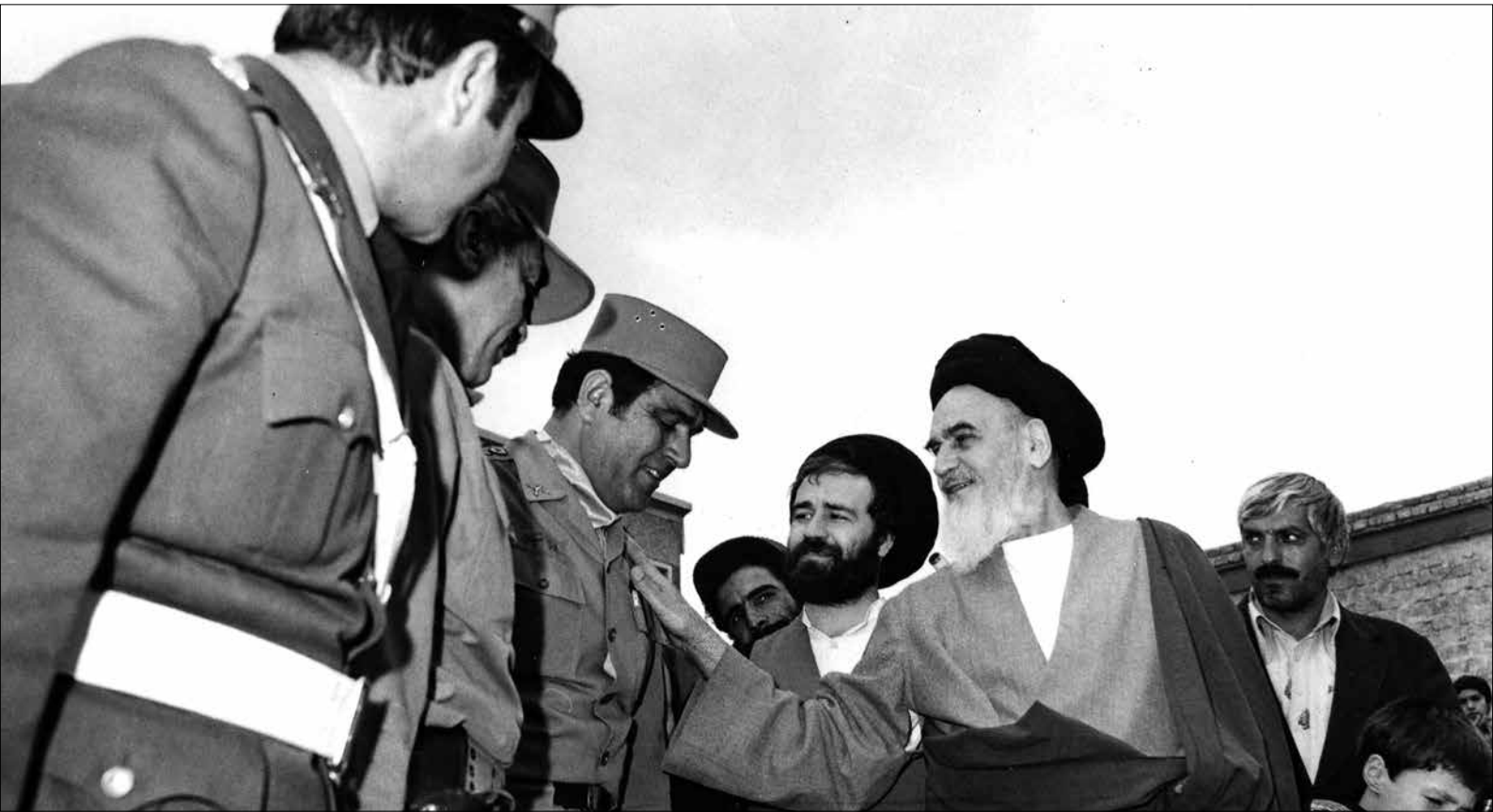
مسیری که امام (ره) نشان داد

دکتر محسن اسماعیلی

با بیابید ارتشی باشید؛ مختارید از ارتش کناره‌گیری کنید بروید در حزب، میل خودتان، اما هم ارتشی و هم حزب، معنایش این است که ارتشی باید از ارتشی‌اش دست بردارد، بازی‌های سیاسی باید توی ارتش هم وارد بشود، در هر گروهی که وارد هستید باید از آن گروه جدا بشوید، ولو یک گروهی است که بسیار مردم خوبی هم هستند، ولو یک حزبی است که بسیار حزب خوبی هست، لکن اصل وارد شدن در حزب برای ارتش، برای سپاه پاسداران، برای قوای نظامی و انتظامی وارد شدنش جایز نیست، به فساد می‌کشد اینها را، و من عرض می‌کنم که کسانی که در رأس ارتش هستند و کسانی که در رأس سپاه پاسداران هستند موظف هستند که ارتش را و سپاه را و سایر قوای مسلح را از احزاب کنار بزنند و اگر کسی در حزب هست، باید او را از ارتش بگویند یا در آنجا یا در اینجا و همین‌طور سپاه پاسداران و همین‌طور سایر قوای مسلح باید وارد در جهات سیاسی نشوند تا انسجام پیدا بشود. اگر وارد بشوید، بالاخره به هم خواهید زد خودتان را و بالاخره در مقابل هم خواهید زد و اسلام را تضعیف خواهید کرد. تکلیف همه شما این است که با هم باشید بدون اینکه در یک حزب یا

در ۲۴ اسفند ۱۳۶۰ یعنی در شرایطی که نه‌تنها در عرصه جریانات داخلی کشور احزاب نیرومند اسلامی حضور فعال داشته بلکه هنوز جنایت‌های سازمان منافقین در اوج بود و حزب توده و بسیاری از احزاب کمونیستی و ملی‌گرا رسماً و علنی فعالیت می‌کردند، یعنی در شرایطی که اگر قرار بود سپاه و بسیج و قوای نظامی در مسائل سیاسی احزاب مداخله کنند قطعاً آن دوران مصداق بارز آن بوده است، امام‌خمینی با صراحت می‌فرمایند: "ورود سیاست در ارتش شکست ارتش است، این را باید بدانید و شرعاً جایز نیست."

امام خمینی در همین سخنرانی - و در فرازهایی دیگر که نقل خواهد شد - ورود قوای نظامی به عرصه مناقشات سیاسی حتی به نفع خالص‌ترین جناح‌ها و جریان‌های صددرد اسلام را نیز صراحتاً نهی کرده است. امام می‌فرمایند: "من عرض می‌کنم به همه این قوا و به فرماندهان این قوا که این افراد در هیچ‌یک از احزاب سیاسی، در هیچ‌یک از گروه‌ها وارد نشوند. اگر ارتش یا سپاه پاسداران یا سایر قوای مسلح در حزب وارد بشود، آن روز باید فاتحه آن ارتش را خواند، در حزب وارد نشوید، در گروه‌ها وارد نشوید اصلاً، تکلیف الهی - شرعی همه شما این است که یا بروید حزب



صورت می‌توانند قدرت نظامی خود را حفظ و از اختلافات درون گروهی مصون باشند و بر فرماندهان لازم است که افراد تحت فرمان خود را از ورود در احزاب منع نمایند. و چون انقلاب از همه ملت و حفظ آن بر همگان است، دولت و ملت و شورای دفاع و مجلس شورای اسلامی وظیفه شرعی و میهنی آنان است که اگر قوای مسلح، چه فرماندهان و طبقات بالا و چه طبقات بعد، برخلاف مصالح اسلام و کشور بخواهند عملی انجام دهند یا در احزاب وارد شوند - که بی‌اشکال به تباهی کشیده می‌شوند - و یا در بازی‌های سیاسی وارد شوند، از قدم اول با آن مخالفت کنند، و بر رهبر و شورای رهبری است که با قاطعیت از این امر جلوگیری نمایند تا کشور از آسیب در امان باشد.

این وصیت همان کسی است که اسلام را عین سیاست می‌دانست و تفکیک دین از سیاست را هرگز روا نمی‌شمرد. نکته آموزنده آنکه امام خمینی می‌خواستند بسیج و سپاه و ارتش مظهر وحدت و انسجام و همبستگی ملی باشند و نه عرصه مناقشات سیاسی و جناحی و همان‌گونه که در بیانات ایشان تصریح شده است، این یکی از دلایل اصرار بر عدم ورود نظامی‌ها در احزاب، گروه‌ها و دسته‌بندی‌های سیاسی است.

با هر اسم و عنوان نباید وارد شوند، هر چند آن حزب و گروه صددرصد اسلامی و به جمهوری اسلامی وفادار باشند و هر کس در یک حزب و گروه وارد شد باید از ارتش و سپاه و سایر قوای انتظامی و نظامی و قوای مسلح خارج شود و فرماندهان و مسوولان موظف هستند که هر کس در یکی از احزاب یا گروه‌های سیاسی یا دینی وارد شد به او تذکر دهند که از حزب و یا گروه‌ها و یا سازمان خارج شود، و اگر تخلف کرد او را از ارتش یا دیگر قوای مسلح اخراج کنند، و همه افراد موظفانند چنین اشخاصی را به فرماندهان معرفی نمایند و باید توجه داشته باشند که ورود قوای مسلح در احزاب و گروه‌ها و سازمان‌ها، پایه قوای مسلح را متزلزل خواهد کرد و غفلت از این امر موجب پیگرد خواهد بود.

در وصیت‌نامه رهبر کبیر انقلاب نیز که راهنمای امروز و هر روز فرزندان انقلاب اسلامی است، چنین می‌خوانیم: "وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که همان‌طور که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروه‌ها و جبهه‌ها است به آن عمل نمایند؛ و قوای مسلح مطلقاً، چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها، در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازی‌های سیاسی دور نگه دارند. در این

و آن طرفدار آن یکی، آن یکی طرفدار آن یکی، به شما چه ربط دارد که در مجلس چه می‌گذرد؟ در امر انتخابات باز هم به من اطلاع دادند که بین سپاهی‌ها هم باز صحبت هست. خوب! انتخابات در محل خودش دارد می‌شود، جریانی دارد، به سپاه چه کار دارد که آنها هم اختلاف پیدا کنند؟ برای سپاه جایز نیست این. برای ارتش جایز نیست این سپاهی را از آن تمهدی که دارد، از آن مطلبی که به عهده اوست باز می‌دارد و همین طور ارتش را، و ما در گفتارمان، در کردارمان که در محضر خدای تبارک و تعالی واقع است، باید فکر بکنیم"

آن بزرگوار، همچنین در زمان تشکیل وزارت سپاه فرموده است: "باید سعی کنید جهت سیاسی در سپاه وارد نشود، که اگر افکار سیاسی وارد سپاه شود جهت نظامی آن از بین می‌رود. همیشه به سپاه سفارش کنید که آنان خودشان را یک جنگنده خدمتگزار مردم بدانند." ایشان در پیام ۲۹ فروردین ۱۳۶۱ خطاب به تمامی نیروهای نظامی چنین می‌نویسد: "از امور مهمی که باید تمام نیروهای مسلح از آن پیروی کنند و اغماض از آن به هیچ‌وجه نمی‌توان کرد و باز هم تذکر داده‌ام، آن است که هیچیک از افراد نیروهای مسلح، چه رده‌های بالا یا پایین در حزب و گروهی

در گروهی وارد شده باشید، هر گروهی می‌خواهد باشد. گروه فاسد که ان‌شاء... وارد نمی‌شوید، گروه‌های بسیار خوب هم وارد نشوید. باید شما مستقل باشید اینک پیوند به یک گروهی داشته باشید مستقل باشید و از حزب... تعالی شأنه ... این گروه‌های اسلامی هم نباید دخالت در امور ارتش بکنند و نباید در آنجا افراد داشته باشند، تا بتوانید یک عضو صالح و یک ارتش و سپاه پاسداران منسجم و صالح و قدرتمند باشید. ورود سیاست در ارتش شکست ارتش است، این را باید بدانید و شرعاً جایز نیست و من امر می‌کنم به شما که یا در ارتش یا در حزب، دوم ندارد که بخواهید هم ارتشی باشید، هم حزبی، نمی‌شود."

ایشان به تجربه جهانی در این زمینه هم اشاره کرده‌اند: "همه دنیا که دنبال این هستند که ارتششان از امور سیاسی کنار باشد، آنها یک چیزی می‌فهمند که می‌گویند این را، ما که می‌خواهیم که سپاه و ارتش جندالله باشند و دسته‌بندی نداشته باشند و جهت سیاسی را کنار بگذارند، برای این که اگر جهت سیاسی و مناقشات سیاسی در سپاه رفت و در ارتش رفت، باید فاتحه این ارتش و سپاه را ما بخواهیم." امام خمینی می‌فرماید: "برای سپاهی‌ها جایز نیست که وارد بشوند به دسته‌بندی



احزاب و دستگاه‌های نظامی و اداری چه تفاوت‌های کارکردی و ماهیتی با هم دارند؟

تفاوت‌های نظام جندی و نظام حزبی و اداری

ایمان حق جو

فرد و نظام اداری

در نظام اداری اسلامی، هر فرد درون ساختاری، جزئی از حکومت اسلامی است این فرد با کسی که شهروند اسلامی است ولی دارای شغل آزاد است این تفاوت را دارد که آن شهروند که شغل آزاد دارد جزو جامعه اسلامی است و مسئولیت‌های فرد در اجتماع و در جامعه اسلامی را نیز دارد؛ اما جزو حکومتی که حاکم بر آن جامعه است نیست و مسئولیتی در مدیریت حکومتی ندارد. در حالیکه فرد اداری جزو دستگاه حکومتی است و عامل اجرایی حکومت است و مسئولیت حکومتی و اداری دارد. و برای اجرای صحیح و امانت‌دارانه این مسئولیت باید «جایگاه» و «پایگاه» و «موقعیت» و «وظائف» و «دستورالعمل‌ها» و مسئولیت‌های اداری را بشناسد و از مدیریت حاکم، تبعیت کند. خواست مدیریتی حکومتی را صادقانه برآورده سازد. فرد اداری در این نظام براساس «حقوق اداری اسلامی» و «قراردادهای استخدامی حکومتی» و تعهدات پذیرفته درباره نوع حکومت، و حاکمان و برنامه‌های تدوین شده مثل برنامه‌های اول و دوم و سوم اقتصادی و ... و سیاست‌های کلان حکومت، و سیاست‌های موردی و مقطعی هر دستگاه، و شیوه و روش مدیریت منصوب، عمل می‌نماید و افکار و عقاید و سلیقه‌های شخصی را نمی‌تواند در وظایف اداری دخالت دهد مگر آنکه کاملاً هماهنگ با مدیریت و دستگاه اداری حکومتی باشد. و در واقع بدانند که او «یکی از اجزاء مجموعه حکومتی» است که برای اینکه نظام مدیریتی و حکومتی بتواند هماهنگ عمل نماید باید به وظیفه اداری خود دقیقاً عمل کند. البته این فرد می‌تواند در خارج از چارچوب‌های مدیریتی حکومتی، دیدگاه‌ها و نظرات خود را مطرح و اجرا نماید و اگر حکومت و حاکمان آن را قبول ندارد از این مجموعه و نظام اداری، خارج شود. مثلاً اگر فرد اداری، عضو حزبی است

که در حکومت حضوری ندارد، و یا رقیب حاکمان است و حاکمان با رأی اکثریت مردم مسئولیت یافته‌اند وی در انجام وظایف اداری باید صادقانه، برای مردم در مجموعه مدیران حاکم کار کند و مسئولیت اداری خود را به نحو احسن انجام دهد. ولی در بیرون از دستگاه اداری، می‌تواند در فعالیت‌های رقابت آمیز سیاسی حزب مورد قبولش فعالیت نماید. و همچنین اگر حزبی است که حکومت را در دست دارد نمی‌تواند از موقعیت و امکانات دولتی در جهت برنامه‌های حزب خودش، استفاده کند زیرا بیت‌المال متعلق به همه است و همه عضو حزب حاکم نیستند. شناخت صحیح و جامع و کامل، از نظام اداری اسلامی و حدود وظایف و تبعیت از نظام حکومتی و مدیریت حاکم، موجب می‌شود که هر «فرد اداری»، و هر «حزب» و هر «دستگاه حکومتی» بتواند روابط صحیح و مطلوبی را در نظام مدیریتی با فرد و افراد و نظام برقرار نماید. و بسیاری از ابهامات و مشکلات موجود برطرف گردد. تدوین «نظامنامه» جامع و کامل، بر مبنای علوم سیاسی و اداری در این زمینه بنظر ضروری می‌رسد بر این اساس، نظام اداری اسلامی، با نظام حزبی اسلامی تفاوت اصولی دارند و وظایف «فرد مسلمان» در هر یک از آنها با دیگری تفاوت دارد.

نظام حزبی

در اسلام، این حق افراد است که می‌توانند در تشکلهای مرتبط با اشخاصی که همفکر و همراه آنها هستند فعالیت نمایند و این حقی کاملاً تثبیت شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۲۶ نیز احزاب، «آزاد» اعلام شده‌اند و اجبار در عضویت و عدم عضویت نیز منع شده است. نظام حکومتی بعضی از کشورها «نظام حزبی» و «حکومت حزبی» است. یعنی تنها احزاب می‌توانند در انتخابات شرکت کرده و فرد معرفی نمایند و مردم باید به نامزد یک

حزب رأی دهند و به افرادی که منفرداً نامزد شده‌اند و حزبی آنها را معرفی نکرده است نمی‌توانند رأی دهند. در این نوع کشورها، حزبی که اکثریت آراء را به دست بیاورد حکومت را مدیریت می‌کند و مسئول اصلی مدیریت حکومتی، اعم از رئیس جمهور و یا نخست وزیر مربوط به آن حزب و معمولاً رهبر و دبیر کل آن حزب می‌باشد. در نظام عادلانه «و عدالت محور اسلام» این شیوه پسندیده نیست. زیرا در این شیوه، افراد منفرد، از حق طبیعی خود برای نامزد شدن با رأی آوردن محروم می‌شوند و این برخلاف حقوق انسان‌ها و آزادی رأی انتخاب است.

این بدهی است که در جوامع بشری از گذشته تا حال، احزاب نمی‌توانند و نتوانسته‌اند همه شهروندان را عضو حزب کنند. و حتی نتوانسته و نمی‌توانند همه مردم یک کشور را «عضو احزاب» نمایند. هیچ جامعه‌ای نبوده و نیست که تک حزبی اختیاری داشته باشد. بعلاوه تفاوت افکار و دیدگاه‌ها و نظریات انسان‌ها، در هر جامعه و ملت، بطور طبیعی تجمع‌ها و احزاب گوناگون تشکیل شده‌اند و می‌شوند و در حکومت‌های استبدادی و دیکتاتوری نیز تشکلهای مخفی و نیمه علنی و علنی به شکل‌های مختلف بوده و هستند و احزاب گروه‌های سیاسی یکی از لوازم جامعه‌های مدنی و نظام‌های حکومتی می‌باشند.

در بررسی دیدگاه اسلام نسبت به احزاب و تحزب سه نوع حزب را می‌توان استنباط نمود:

۱- حزب‌الله، «حزب خدا محور» که همه امور و برنامه‌ها و روابط و شاکله تشکیلاتی در این تشکل، خدائی است و همه برای خدا، و به سوی خدا فعال هستند به همین علت، قرآن اعضای تشکل را رستگاران و برترین‌ها معرفی می‌کند. «حزب الله» رستگار و پیروز می‌داند. ویژگی‌های این حزب‌الله، را در آیه‌های ۵۶ مائده، و ۲۲

مجادله می‌توان دید. حزب‌الله، عنوان کلان تشکلهای خدا محور است. و در جامعه اسلامی می‌توان تعداد فراوانی «حزب خدا محور» داشت که در اصول با هم یکی هستند لکن در دیدگاه‌ها و برنامه‌ها و نوع خدمت به مردم نظرات متفاوتی دارند و هر کدام خود را به مردم عرضه می‌دارند، و مردم می‌توانند یکی از آنها را برای مدیریت سیاسی کشور انتخاب نمایند.

۲- «حزب شیطان محور» حزب الشیطان، که بر محور نیات و گفتار و رفتار و برنامه‌های شیطانی عمل می‌کند. و قرآن با ذکر ویژگی این حزب و افراش آنها را زیانکار می‌داند. آیات ۱۹ مجادله، ۶ فاطر،

۱۷ هود، ۱۳ ص

۳- حزب «خود محور» حزب «بمالدیهم فرعون» آیه ۳۲ سوره روم

این نوع تشکل نه خدا محور است و نه شیطان محور، بلکه بر اساس دیدگاه‌های هر جمع انسانی که عضو آن هستند و یا دیدگاه رهبری آن حرکت دارد اعم از اینکه آنها، «ارزش‌های انسانی»، را محور قرار دهند (که این نوع حزب از نظر اسلام دارای احترام است) یا دیدگاه‌های «منفعتی» و «ملییتی» و «قومیتی» یا «منافع ملی» برای آنها مبنا و محور گردند.

تأکید بر حزب خدا محور

آنچه از نظر قرآن و اسلام مورد توجه و تأکید است تشکلهای «خدا محور» است و آنچه مذموم و مطرود است احزاب و گروه‌های شیطانی و شیطنت کارند.

نسبت به نوع سوم، اسلام بر حسب موقعیت و شرایط و ویژگی‌های هر یک، نظر می‌دهد و نظام اسلامی، و حاکم عدل اسلام بر حسب سیاست‌های کلان، برای فعالیت‌های آنها و حدود آنها سیاست‌گذاری می‌نماید.

تفاوت نظام حزبی اسلام با

و قانون نیز عضویت اعضا احزاب سیاسی را در نیروهای مسلح ممنوع کرده است. و این اقدام کاملاً صحیح و منطبق با ویژگیهای جندی، و حزبی می‌باشد.

نیروهای مسلح و سیاست

عدم ورود نیروهای مسلح در احزاب و گروه‌های سیاسی، دسته بندی‌ها و جناح بندی‌های سیاسی غیر از اینست که نیروهای مسلح باید در سیاست دخالت نکنند.

آنها خود جزو مجموعه سیاسی حکومتی کشورند و سیاست هم بر خاسته از دین مردم است. و هر فرد عضو نیروهای مسلح نیز نمی‌تواند از سیاست کلان نظام جمهوری اسلامی، و سیاست کلی کشور که از طرف ولی فقیه که رهبری را به عهده دارند، تعیین می‌شود، بی اطلاع بماند.

آنچه مهم است که اطلاع بر مسائل سیاسی، بطور کلان، اطلاع بر جریان‌های سیاسی، و پاسداری از سیاست کلان نظام اسلامی برای نیروهای مسلح بر حسب نظر و دستور فرماندهی کل قوا، معین می‌گردد. که اگر اینطور باشد آنها وحدت فرماندهی را حفظ کرده‌اند و به وظیفه پاسداری از کبان اسلام و میهن اسلامی عمل کرده‌اند.

درواقع، این دستور و نظر ولی فقیه و فرماندهی کل قواست که وظائف و سیاست و مواضع سیاسی نیروهای مسلح و تحت فرماندهی را تعیین می‌نماید.

حتی ممکن است در شرایط زمانی خاصی، نظر ولی فقیه و فرماندهی کل قوا، این باشد که عناصر حزبی در نیروهای مسلح باشند یا بالعکس عناصر جندی در احزاب فعالیت می‌کنند مثل اوائل انقلاب اسلامی، که امام خمینی (ره) منعی درباره فعالیت افراد حزبی در سپاه و کمیته پاسداران انقلاب اسلامی نداشتند. و به طور مثال «دکتر جواد منصوری» که عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی بود در فرماندهی سپاه انجام وظیفه می‌کرد. و نیروهای حزب در جبهه‌ها، در فعالیت‌های سپاه و کمیته و ارتش حضور جدی داشتند.

هنگامی که امام خمینی (ره) نظر دادند که افراد حزبی در نیروهای مسلح نباشند. اینگونه افراد از حزب کناره گرفتند و یا دیگر در نیروهای مسلح نرفتند. بنابراین در «نظام جندالله»، آنچه اساس کار را تعیین می‌کند فرماندهی ولایتی و عادل و فقیه و متقی و مدیر و مدبر است که در رأس جامعه اسلامی است و امامت را بر عهده دارد و نیروهای مسلح نیز از امت و جزو امت هستند و انشاءالله این امامت و ولایت که فعلاً در دوران غیبت است به امامت عدل امام زمان (عج) بینجامد.

اداری» قابلیت اجرا ندارد. پس نظام حزبی و نظام اداری با هم متفاوتند و هر دو با نظام جندی تفاوت اصولی دارند. اگر در نظام حزبی، نظام جندی اعمال گردد به دیکتاتوری و استبداد می‌انجامد و اگر نظام اداری بر حزب حاکم شود حزب «اداره‌ای» بیش نخواهد بود و حزب باقی



در نظام حزبی وحدت فرماندهی نیست. دبیر کل هر حزب، «فرمانده» نیست، دبیری است که از طرف اعضا یا برگزیدگان اعضا در شورای مرکزی، انتخاب می‌شود و مدیریت یا رهبری را به عهده دارد نه فرماندهی را

نخواهد ماند. به همین دلایل نمی‌شود در «چهارچوب نظام جندی»، «نظام حزبی» وارد شود و یا به آن عمل گردد. زیرا نظام حزبی در نظام جندی، ایجاد تفرقه می‌کند و وحدت فرماندهی را از بین می‌برد و ساختار جندی را بهم می‌ریزد و مانع انجام وظیفه صحیح سپاه‌گیری می‌گردد.

بر این اساس است که همه نظام‌ها در همه کشورها، و نیز در اسلام، «نظام حزبی» را از «نیروهای مسلح»، دور نگه می‌دارند و ورود نیروهای مسلح را در احزاب سیاسی



نظام حزبی و نظام اداری با هم متفاوتند و هر دو با نظام جندی تفاوت اصولی دارند. اگر در نظام حزبی، نظام جندی اعمال گردد به دیکتاتوری و استبداد می‌انجامد و اگر نظام اداری بر حزب حاکم شود حزب «اداره‌ای» بیش نخواهد بود

ممنوع می‌کنند. امام خمینی (ره) نیز با درایت کامل، و با علم به این دو نظام متفاوت در مبانی اسلامی، و تجربه طولانی بشری و حکم عقل و دانش، و به‌ویژه دانش نظامی و ارتشی، نظر دارند که نیروهای مسلح عضو ارتش و سپاه و نیروی انتظامی نباید عضو احزاب و گروه‌های سیاسی باشند و یا وارد بازی‌های حزبی سیاسی جاری در صحنه سیاست کشور شوند.

مستحکم سپاه‌گیری است. «

و به تعبیر حضرت علی (ع) الجندوب باذن الله حصون الرعیه.

«لشکریان به اذن خداوند، نگهبان و قلعه‌های مستحکم مردم هستند» و «قلعه» غیر از «شهر» و «روستا»ست، و نظام حاکم بر قلعه، و پادگان، غیر از نظام حاکم بر شهر و کشور است. این اصلی قطعی و پذیرفته شده است که در هر کشور و جامعه فقط یک «جند» وجود دارد و «تکثر جندی» در هیچ جامعه‌ای پذیرفته شده نبوده و نیست و علم و عقل، و تفکر، بر این اصل مسلم، تأکید داشته و دارند. در حالیکه در نظام حزبی، «تک حزبی» امری طبیعی نیست، و تعدد احزاب و تکثر آنها لازمه جوامع آزاد و پویاست. همانطور که علم و عقل و اندیشه بشری به این نکته تأکید داشته و دارند.

در نظام حزبی وحدت فرماندهی نیست. دبیر کل هر حزب، «فرمانده» نیست، دبیری است که از طرف اعضا یا برگزیدگان اعضا در شورای مرکزی، انتخاب می‌شود و مدیریت یا رهبری را به عهده دارد نه فرماندهی را.

دستور حزبی، در سیاست‌های کلان - نه در امور اداری که تابع نظام اداری حزبی است - فرمان فرمانده نیست بلکه برآیندی از خواست کلیت حزب است. از این روست که اعضا «دستور حزبی» را به عنوان فرمان فرماندهی قبول ندارند و آنرا بر پایه «خواست حزبی» مورد اطاعت قرار می‌دهند. در تحزب حزب الهی (حزب خدا محور) چون «عمل به حق»، حجت شرعی برای هر فرد عضو می‌باشد. بنابراین هر عضو، در هر دستور حزبی، در واقع به «دستور حزبی» نمی‌تواند به عنوان «حجت شرعی» استناد کند و به آن عمل نماید بلکه باید بنگرد که اگر این «دستور حزبی» بر مبنای «حق» است به عنوان «تکلیف حق» به آن عمل نماید تا «حجت شرعی» داشته باشد. اگر عضوی تردید کرد که این دستور حزبی، «حق» است یا نه، چون مجموعه را «تشکل حق» می‌داند به آن عمل می‌نماید اما باید درباره «حق بودن» آن تحقیق کند. و اگر عضوی این دستور را «حق» ندانست یا حق دانست، اما در شرایط خودش، حق ندید که او باید به آن عمل کند به مسئول مافوق اطلاع می‌دهد و با اطلاع او آن دستور را اجرا نمی‌نماید، تا بی نظمی در حزب پدید نیاید. اما در «نظام جندی»، «فرمان فرماندهی» مبنای عمل است.

در نظام جندی، نمی‌شود نظام حزبی و این شیوه که مربوط به دستور حزبی، و روابط حزبی است معمول گردد چون نظام ارتشی را از هم می‌پاشد. این نظام در صحنه سیاست و اجتماع است که می‌تواند مؤثر و مفید واقع شود و جامعه و احزاب را از دیکتاتور حزبی، و استبداد درون حزبی محفوظ بدارد. این نظام حتی در «نظام

حزب غربی و کمونیستی

نظام حزبی و تحزب اسلامی، در مبانی و اصول تحزب، و نیات و انگیزه‌ها، و ساختار تشکیلاتی، و روابط مرکزیت و اعضاء و روابط اعضاء با یکدیگر، و با افراد غیر حزبی، کاملاً با تحزب غربی و تحزب کمونیستی، و تحزب‌های غیر دینی، و با مبانی و اصول و ساختار و روابط آنها، کاملاً متفاوت است. الهی این است که اینها مادی‌گرا هستند، و تحزب اصیل اسلامی خداگرا است. و تفاوت بین این دو نوع تحزب، به اندازه تفاوت خداگرائی و مادی‌گرائی است.

حزب الله و جند الله

حزب خدا محور اسلامی در اصل خدا محوری و خداگرائی با جندالله، یگانگی دارد. در توجه به جهان بینی اسلام و اصول و احکام و معارف اسلامی با هم یکی هستند. هر دو امامت محور و ولایت‌خواه می‌باشند. و هر دو از انصار امامت عدل زمان می‌باشند.

نظام جندی

در نظام جندی، در سپاه و ارتش خدا محور، «جندالله» وحدت فرماندهی، و سلسله مراتب سپاه‌گیری، و امر به فرمانده و اطاعت ارتشی و سپاهی حاکم است.

در سپاه الهی، فرمان فرمانده کل قوا، که در زمان امامت معصوم (ع)، امام، و در عصر غیبت ولی فقیه عادل است، باید توسط تمام رده‌ها، اطاعت شود. و جایی برای «اجتهاد شخصی» در برابر «نص فرماندهی» نیست. وقتی مالک اشتر، با همه توانایی و دانش سیاسی و فقهی نظامی در جنگ صفین، در کنار چادر فرماندهی معاویه، به فتح نهائی نزدیک می‌شد فرمان امیرمؤمنان و فرمانده قوا به او رسید که عقب نشینی کند. مالک پیام فرستاد که در کمتر از یکساعت، محور فتنه را ریشه کن می‌کند و از حضرت اجازه خواست این مدت کوتاه به جنگ ادامه دهد. ولی امیرالمؤمنین (ع) دستور دادند عقب نشینی کند و او اطاعت کرد و حق هم همین بود.

در سلسله مراتب فرماندهی در «نظام جندی الهی» و وحدت فرماندهی و اطاعت از امریه، باید حفظ شده و کاملاً رعایت شود. فرماندهی مؤمن و خداپرست، حتی در گردان، اگر دستور دهد که افراد در زیر طوفان حمله دشمن به پیش روند می‌روند و اگر کشته شدند شهید هستند و اجرشان با خداست.

و اگر دستور دهد که همه پراکنده شوند، باید پراکنده شوند، و تخلف از دستور فرمانده اسلام حرام است.

بنابراین «نظام جندی اسلامی، نظامی است که دارای وحدت فرماندهی، وحدت نیروهای مسلح، فرماندهی واحد و روابط و ارتباطات



امام خمینی (ره) فرمودند که

نظامی‌ها وارد دسته‌بندی‌های سیاسی نشوند و تاکیدات بسیاری بر این امر داشتند. چرا نظامی‌ها نباید وارد این موضوع شوند؟

چون نظامیان متعلق به همه کشورند و طبیعتاً نباید در ملت برش بخورد. اگر نظامیان بخواهند طرفدار حزب، گروه و تشکلاتی باشند، نتیجه‌اش این می‌شود که اعتبار ملی‌شان را از دست می‌دهند و اعتبار بخشی پیدا می‌کنند و این برای مصالح و منافع ملی کشور خسارت‌بار است، از این نظر نظامیان طبق بیان صریح حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری حق دخالت و عضویت در احزاب و گروه‌ها را ندارند.

حضرت امام فرمودند ورود قوای

نظامی در سیاست و حزب آنها را به فساد می‌کشاند. چه نوع فساد می‌مکن است برای نظامیانی که می‌خواهند وارد احزاب شوند متصور است که حضرت امام بدان اشاره کرده‌اند؟

نظامیان قدرت دارند و قدرت باعث ایجاد رانت می‌شود و رانت می‌تواند فرصت‌های اجتماعی و عادلانه را از احاد ملت سلب کند و به کانونی برای تجمع قدرت نامطلوب منجر شود، از این نظر نظامیان طبق فرمایش حضرت امام و مقام معظم رهبری از ورود در احزاب و گروه‌ها منع شده‌اند.

چرا در طول این سال‌ها برخی از

نظامیان لباس نظامی را در آورده و لباس سیاست به تن کرده‌اند؟

این که یک حسن است، خصوصاً در انقلاب اسلامی که نظامیان نقش مؤثری در حفاظت از منافع و مصالح داشته‌اند. تا زمانی که آنها نظامی هستند این منع وجود دارد. وقتی لباس نظامی را درمی‌آورند دیگر نظامی نیستند، آنها هم مثل همه احاد ملت حق دارند از فرصت‌های اجتماعی استفاده کنند. این کار نه تنها قبیح نیست، بلکه یک امر مستحسن است. این اتفاق در همه جای دنیا می‌افتد.

در آمریکا، اروپا و کشورهای مختلف می‌بینیم افرادی که در لباس و کسوت نظامی بودند، وقتی از آن لباس خارج می‌شوند، در قامت وزراء، نمایندگان مجلس، احزاب و گروه‌ها حضور می‌یابند، چون آنها هم عضوی از جامعه هستند و حق دارند و به علت این که زمانی نظامی بوده‌اند این حق از آنها سلب نمی‌شود، بلکه تا زمانی که در کسوت و لباس نظامی هستند، این منع برایشان وجود دارد، ولی وقتی از این



گفت و گو با پرویز سروری

در آوردن لباس نظامی و پوشیدن لباس سیاست حسن است

گفت و گو
مصطفی حسینی

پرویز سروری از آن دسته از نظامی‌هایی است که در سالهای اخیر لباس سیاست به تن کرده است. وی در حال حاضر یکی از اعضای جمعیت رهبویان انقلاب اسلامی می‌باشد که سمت قائم مقامی این جمعیت را بر عهده دارد. وی معتقد است یک نظامی زمانی که لباس نظامی بودن خود را در می‌آورد دیگر یک نظامی نیست و می‌تواند در بخش‌های دیگر کشور از جمله سیاست خدمت کند.



حجت الاسلام محمد تقی رهبر
امام جمعه موقت اصفهان

نظامیون باید آگاه سیاسی باشند

این که یک نظامی از مسائل سیاسی آگاه نباشد و کاری به سیاست نداشته باشد، کمال و حسنی نیست، برای این که همه ما اعم از نظامی و غیرنظامی مسئولیم از مسائل جاری کشور آگاه باشیم، تحقیق، دنبال و ارزیابی کنیم. همان طور که مقام معظم رهبری به دانشجویان می گویند محیط دانشگاه را سیاسی نکنید، در عین حال یک دانشجو باید سیاسی باشد، یعنی بفهمد. یک فرد نظامی هم همین طور است. باید مسائل سیاسی را بفهمد، به موقع اظهار نظر کند. این که گفته اند وارد سیاست نشود، نه این که بی تفاوت باشد و کناری بایستد، بلکه باید در باره مسائل سیاسی تحقیق کند، بفهمد و بداند در کشور چه می گذرد. این که وارد نشود به معنای این نیست که آگاهی نداشته باشد و مسائل سیاسی را درک نکند، بلکه وظیفه هر ایرانی از هر صنف و قشری است که از مسائل کشور آگاه و به روند سیاسی داخل و خارج و به خصوص نظامی وارد باشد.

اما این که یک نظامی بخواهد طرف جناحی را بگیرد و در عرصه سیاسی به رودررویی با جناح دیگر بپردازد اشتباه است. فرض کنید سپاه یا ارتش بخواهد جانب یکی از جناح های کشور را بگیرد و روی آنها مانور بدهد و فعالیت و تبلیغ کند. این اشکال دارد، چون یک نیروی نظامی باید مدافع کل کشور باشد، در چنین صورتی جناحی و جریانی می شود و گاهی ممکن است اعتبارش را در بین جریان های مختلف از دست بدهد، لذا این که می فرماید وارد نشود، یعنی در مبارزات و تقابل سیاسی و موضع گیری های رو در رویی که سیاسیون با هم دارند، ورود پیدا نکند.

فرض کنید الان جناح اصولگرا و اصلاح طلب داریم. این که می گویند نظامی وارد نشود، یعنی جزو آن جریان نشود، چون یک نظامی باید بالاتر از جناح فکر کند. مسائل جاری را بداند و از روند امور آگاهی داشته باشد و در مواقع انتخاب هم خودش انتخاب کند. این که وارد نشود به معنای وارد نشدن در معارضات، تقابل ها، جناح بندی هاست و این گونه موارد صلاح نیست، چون نظامی باید یک بعد ملی داشته و برای حفظ ملی و دفاع از کشور باید از حمایت همه احاد کشور برخوردار باشد.

شاید یک فرد اختیار خودش را داشته باشد، اما یک نهاد، مثلاً بسیج، سپاه، ارتش و نیروی هوایی اگر بخواهد در عرصه جناح بندی ها و معارضات سیاسی وارد شود، پایگاه ملی، فراگیر و فرا جناحی خود را از دست می دهد. قوه دفاعی و نظامی کشور باید ملی فکر کند. جناحی و سیاسی شدن او را از جایگاه ملی خود پایین می آورد و در موقع لازم از حمایت همگان برخوردار نمی شود. اگر یک نهاد یا یک فرد نظامی بخواهد از حمایت ملی برخوردار باشد، باید ملی فکر کند. جریانات یا جناح های سیاسی ملی نیستند، چون همه ملت طرفدار یک جناح یا جریان نیستند و لذا نظامی و نظامیان باید از پشتیبانی عموم ملت برخوردار باشند و اگر بخواهند در یک جناح وارد شوند و یک جریان را بگیرند، از حمایت ملت و عموم مردم برخوردار نیستند و این برای کشور خسارت امنیتی و دفاعی دارد، لذا اینکه امام و رهبر معظم انقلاب فرمودند نظامی ها وارد این عرصه ها نشوند؛ منظور این است که وارد معارضات سیاسی نشوند، والا سیاست دانستن به موقعش برای همه اقشار کشور ضروری است. با همه اینها اگر یک نظامی به این نتیجه برسد که باید استعفا بدهد و وارد یکی از این منصب ها شود، طبق قانون می تواند و اشکال قانونی ندارد و دیگر از شأن و حوزه نظامی خارج می شود و آزاد است این کار را بکند. انتخاب افراد را که نمی شود محدود کرد. شاید فردی به این نتیجه برسد در فلان جا بهتر می تواند کار کند، استعفا می دهد و می رود، اما دیگر به عنوان نظامی در عرصه سیاست نیست، بلکه به عنوان فردی است که استعفا داده و کار و رده نظامی بیرون آمده و شأنی را قبول کرده است.

می کردند، در این حوزه حضور داشتند و وقتی احساس کردند در جاهای دیگر می توانند حضور یابند و به انقلاب خدمت کنند، در سمت های دیگر حاضر شدند. به نظرم این هیچ مغایرتی با فرمایش های حضرت امام و حضرت آقا ندارد.

آیا ورود نظامیان به عرصه های سیاسی و اجرایی به این دلیل نیست که احزاب ما ضعیف عمل کرده اند؟

این دلیل ضعف احزاب نیست، چون نمی توانیم افراد را از حقوق حقه شان منع کنیم. افرادی قابلیت هایی دارند که باعث می شود احزاب به آنها احساس نیاز کنند. این افراد دیگر نظامی نیستند که بگوییم دارند در حوزه های ممنوع حضور می یابند. اینها دیگر نظامی نیستند و آزادند و می توانند در هر جایی حضور یابند. اگر توانمندی و قابلیت دارند، باید در این کسوت ها حضور پیدا و دین خود را به انقلاب و اسلام ادا کنند و نمی شود این را ضعف احزاب تلقی کرد. احزاب در جاهای دیگر ضعف دارند که باید در جای خود مورد بحث قرار بگیرد.

به هر حال یکی از کارکردهای احزاب هم کادر سازی است. شاید در احزاب کادر سازی درستی انجام نشده است که حضور افرادی که قبلاً نظامی بوده اند ضرورت می یابد. به نظر شما کادر سازی احزاب ضعیف است؟

احزاب هم کادریابی دارند هم کادر سازی. باید کادری وجود داشته باشد که بتواند آموزش بدهد، یعنی باید آدم های توانمند با قابلیت های بالا باشند که بتوانند افرادی را آموزش بدهند. اگر احزاب توانمندی نداشته باشند، اساساً جاذبه ای ندارند که کسی بتواند وارد آن حزب شود که بخواهد آموزش ببیند و دولت سایه و کادر شود. فرآیند احزاب در جاهای دیگر مورد مناقشه است که باید در باره آنها بحث شود. این که فردی قبلاً نظامی بوده و در نظام توانمندی های خود را نشان داده، از کیان کشور دفاع کرده است و امروز احساس می کند دیگر در آنجا نیازی به او نیست و از آنجا خارج می شود، پس دیگر نظامی نیست. احزاب هم احساس می کنند او توانمندی دارد و می توانند از وی استفاده کنند و این کار را انجام می دهند که به نظر من هیچ ربطی به کادر سازی و کادریابی ندارد، بلکه احزاب کادریابی کرده اند و حالا از این کادریابی باید کادر سازی کنند. این موضوع هیچ تعریضی به بحث کادر سازی احزاب ندارد.

کسوت خارج شدند، آنها هم مثل دیگر افراد جامعه آزادند که در همه عرصه ها، گروه ها و مسائل سیاسی، پست های اجرایی، دولتی، اجتماعی، مجلسی و... حضور یابند که به نظر من نه تنها امر مردودی نیست، بلکه پسندیده و قابل اجراء است.

یعنی این رویه مغایر با نظر امام نیست؟

خیر، به نظر من کاملاً با نظر حضرت امام مطابقت دارد. در زمان حضرت امام هم شاهد بودیم افرادی در مقاطعی در کسوت نظامی بودند و از این کسوت خارج شدند و در مجلس و دولت حضور یافتند.

به نظر من این کار هیچ مغایرتی با بیانات حضرت امام ندارد. امام فرمودند نظامی، وقتی کسی بازنشسته یا از

تازمانی که آنها نظامی هستند این منع وجود دارد. وقتی لباس نظامی را درمی آورند دیگر نظامی نیستند، آنها هم مثل همه آحاد ملت حق دارند از فرصت های اجتماعی استفاده کنند. این کار نه تنها قبیح نیست، بلکه یک امر مستحسن است

کسوت نظامی خارج می شود، دیگر نظامی نیست و بر او دیگر اطلاق نظامی جایی ندارد. مثل کسی که در ادارات کار می کرده و از آن اداره استعفا داده و خارج شده است، دیگر نمی توانید بگویید تو کارمند آنجا هستی. تا زمانی که بودی و استعفا ندادی کارمند آنجا بودی.

از این نظر فکر می کنم این یک خط بسیار ناچونمردانه است و می خواهند پیکره اصلی انقلاب را از حضور در مصادر مهم انقلاب منع و ممنوع کنند. اغلب پاسداران انقلاب کسانی بودند که به خاطر برخی از مصالح وارد این لباس شدند. تا زمانی که احساس نیاز

چرا کشاورزی به این

بسیاری از کشاورزان و باغداران در سال‌های اخیر کشاورزی را رها کرده‌اند و با فروش زمین‌های خود شهر نشین شده‌اند. دلایل زیادی برای عدم تمایل کشاورزان و باغداران به کشاورزی و باغداری وجود دارد که شاید یکی از آنها واردات بی‌رویه محصولات است که در ایران قابلیت تولید دارند. همچنین عدم حمایت نهادهای دولتی از بخش کشاورزی به خصوص بعد از هدف‌مندی یارانه‌ها و بحران خرده مالکی است که در نتیجه اصلاحات ارضی به وجود آمد.

تاثیر واردات بی‌رویه و عدم حمایت دولت از کشاورزی

واردات بی‌رویه و بی‌کیفیت ضربه‌ای مهلک بر پیکره کشاورزی و مکانیزاسیون در کشور وارد کرده است. این مساله را همه کسانی که سررشته‌ای در اقتصاد و کشاورزی دارند تایید می‌کنند.

ورود انواع محصولات کشاورزی بی‌کیفیت وارداتی به خصوص در سال‌های اخیر حال و روز خوش را از کشاورزان منطقه گرفته است و آنان را بیش از پیش نگران وضعیت کشاورزیشان کرده است. ورود انواع و اقسام محصولات کشاورزی بی‌کیفیت و با قیمت نازل در حالی است که به عنوان مثال کشاورزی در استان گلستان که قطب مهم محصولات کشاورزی کشور بوده و حدود ۳،۵۵ درصد تولیدات کشاورزی کشور و بیش از ۹۲ نوع محصول در آن تولید می‌شود را تحت الشعاع قرار داده است. ورود اجناس و محصولات کشاورزی از سایر کشورها به گلستان؛ داد کشاورزان منطقه را درآورده است و موجب اعتراض مسئولان استان نیز شده است اما این مساله هنوز هم ادامه دارد.

از سوی دیگر در استان مازندران نیز که قطب دیگر کشاورزی ایران است و دارای ۲۴۰ هزار هکتار زمین شالیزاری است که سالانه ۹۵۰ هزار تن برابری با ۴۴ درصد نیاز کشور، برنج تولید می‌کند نیز با ورود برنج‌های خارجی بی‌کیفیت و عدم برنامه‌ریزی درست برای مکانیزه کردن مراحل مختلف و به تبع آن افزایش هزینه‌ها، انگیزه برنج‌کاران از بین رفته است و به قول کشاورزان منطقه، برنج‌کاری دیگر در این روزها صرف ندارد. این در حالی است که کشاورزان مازندران

توجه به بخش کشاورزی در جهان امروز به عنوان یکی از موثرترین و کارآمدترین رویکردها جهت مقابله با فقر جوامع بشری خصوصاً جهان سوم است.

در حال حاضر نزدیک به ۸۰۰ میلیون نفر از جمعیت جهان گرسنه‌اند یا با سوء‌تغذیه شدید مواجه هستند و به این ترتیب است که رشد جمعیت در قرن بیستم و استفاده غیرعقلانی از تکنولوژی، غذا، انرژی و منابع زیست‌محیطی مهمترین مسائل قرن حاضر است و به همین علت امروزه برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بر روی تحقیقات و کاربرد تکنولوژی‌های نوین به‌عنوان راهکاری منطقی برای افزایش امنیت غذایی است. در برنامه چهارم توسعه تامین امنیت غذایی، توزیع مناسب درآمد، بهره‌مندی از محیط زیست، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل از موارد مهم توسعه کشور محسوب می‌شود. مواردی که می‌شد با توسعه کشاورزی که این روزها از یاد رفته است به آن‌ها دست یافت اما این مهم تا امروز اتفاق نیافتاده است.

همچنین سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ که به تایید مقام معظم رهبری رسیده است وظیفه سنگین امنیت غذایی را به عهده بخش کشاورزی و منابع طبیعی گذاشته است.

چقدر اراضی قابل کشت در ایران وجود دارد؟

وسعت کل کشور ایران ۱۶۵ میلیون هکتار است که از این مقدار ۵۱ میلیون هکتار اراضی مستعد و قابل کشت است. از این ۵۱ میلیون هکتار اما تاکنون تنها ۱۵/۶۵ میلیون هکتار آن کشت شده که از این مقدار ۸/۱۳ میلیون هکتار آن آبی و ۱۰/۳۷ میلیون هکتار بصورت دیم بوده است.

در این میان ۱۳/۰۵ میلیون هکتار اراضی کشت شده به صورت محصولات سالانه و ۲/۶ میلیون هکتار به صورت باغات است. از سوی دیگر از مجموع ۲/۶۰ میلیون هکتار اراضی زیر کشت باغات کشور ۹۵/۷۵ درصد آن به کشت درختان میوه و ۴/۲۵۰ درصد بقیه به کشت درختان صنعتی اختصاص داشته است و بنابراین با توجه به این آمار در ایران محدودیت زمین جهت توسعه باغات و مزارع وجود ندارد اما از این نعمت خدادادی به خوبی استفاده نمی‌شود و



مونا بالوانه
دبیر گرو

کشاورزی در سوگ اقتصاد معیشتی!

در اصطلاح علمی به حالتی از سبک زندگی اقتصادی یک خانواده که اعضا در طی یک فرآیند مشارکت بیشتر، نیازهای اساسی خانواده خود را تولید می‌کنند؛ خودکفایی گفته می‌شود. یعنی به زبان ساده تر همان چیزی که سی یا چهل سال پیش در اکثر روستاهای کشور دیده می‌شد. یک خانواده روستایی برای خود نان می‌پخت، شیر و ماست و سایر لبنیات و همچنین تخم مرغ و گوشت سفید و قرمز خود را خود تهیه می‌کرد. فرش خانه و حتی در بعضی موارد تهیه بخشی از پوشاک خانواده نیز توسط زنان خانه صورت می‌گرفت.

طبیعی است که در چنین شرایطی خانواده تنها به تولید این کالاها به قدر نیاز خود اکتفا نمی‌کند و با فروش مازاد لبنیات، تخم مرغ، گوشت و ... برخ دیگر از نیازهای خانوار را تامین می‌کند.

همین قدر اطلاعات کافی است تا بفهمیم زمانی که اقتصاد معیشتی در روستاهای ما حاکم بود و البته نیمی از جمعیت کشور را روستائیان تشکیل می‌دادند حتی در صورت صفر تصور کردن تولید مازاد بر نیاز خانواده؛ آنها با تولید نیازهای خود در واقع ۵۰٪ از نیاز کشور به مواد غذایی اساسی را تولید می‌کردند و قطعاً با توجه به تولید مازاد احتمالاً این عدد به بالاتر از ۷۰ درصد می‌رسیده است.

مابقی نیاز کشور به کالاهای اساسی نیز بخشی از طریق واردات و بخشی از طریق دام‌داری‌های صنعتی و ... تامین می‌شد.

این تصویری بود از ایران در ۳۰ یا حتی ۲۰ سال قبل؛ طبیعتاً دیگر نیازی به توضیح این مساله نیست که به چه دلیل امروز بیش از ۲۴ درصد کل واردات کشور را مواد غذایی اساسی از جمله گندم، برنج، روغن، گوشت سفید و قرمز منجمد، گوشت قرمز گرم؛ و حتی تخم مرغ تشکیل می‌دهد؛ و احتمالاً دیگر نیازی هم نیست تا به صورت علمی ارتباط میان اقتصاد معیشتی و اقتصاد مقاومتی اثبات گردد.

دلایل مختلفی من جمله از بین رفتن جهاد کشاورزی، تنها حامی حقیقی روستائیان پس از انقلاب اسلامی؛ از بین رفتن نظام بزرگ مالکی و خرد شدن زمین‌ها در اثر وراثت که صرفه کشت را از بین می‌برد، واردات گسترده و بی‌رویه و البته بدون مخالفت انواع محصولات کشاورزی، بحران آب و بی‌تدبیری دولت‌ها؛ شیوه‌های بسیار غلط خرید تضمینی و هزاران دلیل دیگر رفته رفته روستاها یا خالی از سکنه شد و یا اندک ساکنان باقی مانده در روستا نیز دست از شیوه اقتصاد معیشتی کشیدند.

آنان یا به دلایل خاص مثل از بین رفتن صرفه تولید برخی کالاها به شیوه معیشتی این مدل را رها کردند یا به دنبال سود بیشتر که کاملاً منطقی است، به تولید تخصصی یک کالا روی آوردند مثل تخصصی شدن روستاهای کاشان در تولید گل. طبیعی است که چنین کشتی بخصوص که اگر در کنارش چند دستگاه ساده تقطیر هم باشد بسیار به صرفه تر از تولید لبنیات و تخم مرغ و دام‌داری آن‌هم به شیوه سنتی است.

در این پرونده نگاهی کوتاه داشته‌ایم به مساله کشاورزی در کشور و مشکلات بر سر راه آن. هر چند که می‌دانیم این بحث کامل نیست و باید ادامه یابد.



روز افتاد؟

مرئی اصفهانی

در صورت حمایت دولت بی‌تردید قادرند تا بخش بزرگی از نیازهای کشاورزی کشور را تامین کنند.

در این میان حجم بزرگی از مرکبات سالانه به ایران وارد می‌شود و این در حالی است که میوه‌های باغداران ایرانی روی درختان می‌گندد!

در هر حال آنچه مسلم است، مقام‌های خرد و کلانی که کشاورزی را می‌شناسند و با مضایق و تنگنای آن آشنائی دارند بدون شک می‌دانند با توجه به تورم و گرانی مزد کارگر و نهاده‌ها و ابزار کشاورزی و بی‌بها شدن تولیدات داخلی به دلیل واردات بی‌رویه از یک سو و عدم برنامه‌ریزی و حمایت دولتی این حرفه صرفه اقتصادی خود را از دست داده و نمی‌تواند زندگی کشاورز را تامین و یا در نازل‌ترین صورت، شکم کشاورز را سیر کند.

اصلاحات ارضی با کشاورزی

چه کرد؟

البته می‌توان گفت مشکلات کشاورزی ایران مربوط به همین چند سال اخیر نیست و از همان دوران پهلوی و با صورت گرفتن اصلاحات ارضی سنگ بنای نابودی کشاورزی در ایران پی‌ریزی شد.

در دوران پهلوی و قبل از افزایش قیمت نفت، اصلاحات ساختاری با عنوان اصلاحات ارضی در بخش کشاورزی صورت گرفت که بر طبق آن زمین‌ها از مالکان بزرگ گرفته شد و بین روستاییان تقسیم شد.

این طرح اگر چه در نگاه اول و به ظاهر منصفانه و عادلانه به نظر می‌رسید و دست نظام ارباب‌رعیتی را کوتاه می‌کرد اما در نهایت چیزی جز به انحطاط کشاندن اقتصاد و کشاورزی ایران نداشت.

درواقع تا اوایل دهه ۱۳۴۰ و پیش از انجام اصلاحات ارضی، علیرغم وجود محرومیت‌ها و مشکلات متعدد فرهنگی، بهداشتی، رفاهی و... در روستاها و اکثر مناطق کشور، ایران عمدتاً از نظر تهیه مواد غذایی خودکفا بود و حتی می‌توانست کمبود ارز خارجی را هم با صدور پنبه، میوه و خشکبار و... تامین کند ولی دیری نپایید که در پی اجرای اصلاحات ارضی شاه و خیانت‌های آنان که به وسیله دولت آمریکا و در زمان «کندی» طرح ریزی شده بود از نظر تامین مواد غذایی به خارج وابسته و وضعیت روستاییان به شدت بدتر شد.

یکی از دلایل این امر، این بود که دولت

پس از کوچک شدن قطعات زمین که تولید را پایین آورد، علاوه بر تعاونی‌های روستایی، به ایجاد شرکت‌های کشت و صنعت، شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی‌های تولید، روی آورد. در شرکت‌های کشت و صنعت زمین‌های کوچک را برای ایجاد یک زمین حدوداً ۵۰۰ هکتاری می‌خرید و آن را به شرکت‌های خصوصی یا دولتی اجاره می‌داد. در شرکت‌های سهامی زراعی، زارعان مالکیتشان را با سهام شرکت عوض می‌کردند و هیئت مدیره آنها را دولت استخدام می‌کرد؛ ولی تعاونی‌های تولید، زارع مالکیتش را حفظ می‌کرد.

هم واحدهای بزرگ تجاری - کشاورزی کشت و صنعت، هم شرکت‌های زراعی مورد حمایت سازندگان ماشین‌آلات کشاورزی خارجی و صاحبان منافع خاص در ایران بودند و تاکید عمده آنها روی محصولات بود که به درد صادرات می‌خورد. در نتیجه، سطح تولید مواد غذایی پایین آمد و وابستگی به واردات این مواد افزایش یافت.

از دلایل دیگر این موضوع، باقی ماندن زمین‌هایی با موقع زیربنایی برتر در دست مالکان، عدم کفایت بودجه‌های مربوط به وام کشاورزی، فقدان خدمات توسعه کشاورزی، حفر چاه‌های عمیق و آسیب دین سیستم قنوات، کنترل قیمت فرآورده‌های کشاورزی به یاری واردات، پایین آمدن شانس استخدام کشاورزان بدون زمین به وسیله مالکان جدید، کافی نبودن زمین‌های کوچک ارائه شده به کشاورزان برای باقی ماندن در روستا، ملی کردن مراتع و جنگل‌ها و در نتیجه کوتاه کردن دست چوپانان و قبایل کوچ نشین از مراتع و... به عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی

انجامد و سیل روستاییان مهاجر را به سمت شهرها جاری ساخت.

اصلاحات ارضی تنها ۸۰۰ هزار کشاورز را به خرده مالک تبدیل کرد. از این تعداد ۱۰۰ هزار نفر قبلاً زمین داشتند و بدهی نیز نداشتند. باقی نیز باید ظرف ۱۲ تا ۱۵ سال اقساط مربوط را می‌پرداختند پس شرایط زندگی آنها تغییری نکرد. سپس اکثر زمین‌ها فقط تحت عنوان تشکیل تعاونی‌های روستایی و اغلب در پیوند با تعدادی کمپانی تجاری - کشاورزی آمریکایی از مالکیت آنها درآمد و وضعیت بدتر شد.

حتی حضرت امام نیز در آن روزها به اصلاحات ارضی اعتراض داشتند و می‌گفتند: «اصلاحات ارضی به امر دولت آمریکا بود برای آن که بازار درست کند که چیزهای آنها به فروش برود یعنی زراعت ما به هم بخورد، ما محتاج بشویم»

حالا نیز با آن که سال‌ها از آن روزها گذشته اما اصلاحات ارضی که باعث خرد

شدن و تقسیم شدن زمین‌های کشاورزی و کوچک شدن آنها شد هم‌چنان بالای جان کشاورزی است چرا که طی این سال‌ها زمین‌های کشاورزی از پدر به پسران رسید و بین آنها تقسیم شد و از پسران هم به فرزندان آنها رسید و این خرد شدن زمین‌ها تا آنجا ادامه داشت که در تورم و گرانی‌های امروز کاشت و برداشت در یک زمین ۵۰۰ متری با توجه به هزینه‌ها و درآمدها برای کشاورزان نمی‌صرفد و این در حالی است که کاشت در زمین چند هزار هکتاری هم می‌تواند برای کشاورزانی که زمین ندارند ایجاد اشتغال کند و هم سود را بالا ببرد.

به این ترتیب بود که کشاورزی ایران به سمت تنزل رفت و حال شاید بتوان با ایجاد تعاونی‌ها که از بخش کشاورزی حمایت کنند، بازگرداندن خرده مالکی به بزرگ مالکی و جلوگیری از واردات بی‌رویه به کشاورزی کشور سامان داد.

وسعت کشور (میلیون هکتار)	اراضی قابل کشت (میلیون هکتار)	اراضی غیر قابل کشت (میلیون هکتار)	اراضی کشت شده		
			از کل اراضی قابل کشت (%)	محصولات سالانه	باغات کشور
۱۶۵	۵۱	۱۱۴	۳۶/۳	۱۳/۰۵	۲/۶۰
			کل	۱۶۵/۶۵	۲۵/۳۵
				(میلیون هکتار)	(میلیون هکتار)
۱۰۰٪	۳۱٪	۶۹٪	۱۳/۰۵ زراعت -		
			۲/۶۰ باغات -		



آقای راغفر با توجه به این که بسیاری از کارشناسان درباره کم آبی و خشکسالی در ایران هشدار داده‌اند به نظر شما بحران آب در کشور چه چالش‌های اقتصادی می‌تواند ایجاد کند؟

هیچ جامعه‌ای بدون آب نمی‌تواند بقا داشته باشد و به تعبیر قرآن هم، حیات از آب آغاز می‌شود. مشکلات بی‌آبی به عنوان بزرگ‌ترین مشکلات آینده همه جوامع به خصوص برای کشورهایی که در مناطق خشک و نیمه خشک قرار دارند خواهد بود. این مسئله سبب می‌شود که تقاضا برای بسیاری محصولات غذایی افزایش پیدا کند و قیمت غذا نیز افزایش خواهد داشت.

محدودیت منابع آبی سبب کمبود محصولات غذایی کافی برای بخش عمده‌ای از جمعیت جهان که در مناطق خشک و نیمه خشک زندگی می‌کنند ایجاد کند و از طرف دیگر و با افزایش قیمت غذا در کشورهایی که منابع آبی کافی دارند روبرو خواهیم بود. در نتیجه این کمبود غذا که حاصل محدودیت منابع آبی است سبب کنترل و تسلط کشورهای که محروم از منابع آب از سوی کشورهای دارای منابع آبی خواهد شد.

یعنی معتقدید آب در آینده عامل استعمار کشورها خواهد بود؟

بله بدون شک آب یکی از ابزارهای قدرتمند برای استعمار و استعمار در آینده خواهد شد. از این جهت حفظ منابع آبی و حفظ محیط زیست باید یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای که در مناطق خشک و نیمه خشک قرار دارد باشد.

در شرایط کنونی کشور هم با توجه به آسیب‌های گسترده‌ای که به سفره‌های آبی وارد شده است، ضرورتاً هشدارهای جدی و اساسی در مورد آینده‌ی رشد اقتصادی در بخش‌های عمده‌ای از کشور است. از این جهت مسئله آب، مسئله کلیدی و اساسی ظرف چند سال نزدیک خواهد بود. به ویژه این که در بعضی از مناطق و شهرهای بزرگ کشورمان مانند خراسان این مسئله خیلی زود تحقق پیدا می‌کند.

برای کاهش تبعات منفی اقتصادی خشکسالی و بحران آب چه باید کرد؟

بایستی با استفاده بی‌رویه از منابع آبی به طور جدی مقابله کرد به خصوص از حفر چاه‌های عمیق که به لایه‌های آبی زیرزمینی صدمه می‌زند جلوگیری کرد. همچنین می‌توان به لحاظ فرهنگی باید خطرات جدی بی‌آبی و آسیب به سفره‌های



گفت و گو با دکتر حسین راغفر

بحران آب، زمینه استعمار گری جدید خواهد بود

گفت‌وگو
سحررستمی

از قدیم الایام خشکسالی را بلا، مصیبت، دشمن و دیو نامیده‌اند. دیوی که ایران مدت‌هاست به مبارزه با آن پرداخته و در سال‌های اخیر با کاهش سفره‌های زیرزمینی و منابع آبی می‌رود تا در این نبرد مغلوب شود. به تازگی قائم مقام وزیر نیرو با اشاره به اینکه بر خلاف ظاهر فراوان بارش‌ها، کشور در بدترین سال بارندگی قرار دارد، اعلام کرده: در شرایط فعلی تهران و هفت شهر دیگر اصفهان، بندرعباس، مشهد، قم، شیراز، اهواز و آبادان در مرز هشدار آبی قرار دارند.

خبری که زنگ خطر خشکسالی را برای کلان شهرهای پر جمعیت کشور بلند کرده است. این در حالی است که خشکسالی هر چه باشد واقعی است که با زندگی انسان عجین است و از آن گریزی نیست و حال سوال اینجاست که با این پدیده چه باید کرد؟ آیا می‌توان از وقوع آن جلوگیری کرد؟ می‌توان با آن جنگید و آن را محو کرد و یا از آن فرار کرد؟ تبعات اقتصادی خشکسالی در کشور چیست؟ اینها سوالاتی است که دکتر حسین راغفر اقتصاددان ایرانی و استاد اقتصاد دانشگاه الزهراء آنها پاسخ گفته است. مشروح گفت و گو با این استاد دانشگاه به شرح زیر است.



منابع آبی به وزارت نیرو کار درستی است؟

اگر مشخص شود که راهبرد توسعه در کشور چیست آن وقت چه بسا که اصلا اصفهان لازم نباشد که محصولات کشاورزی تولید کند بلکه تمام محصولات کشاورزی و لبنی کشور از استان‌های شمالی و آبخیز کشور و غرب کشور تامین خواهد شد و نیازی نیست که اصفهان خشک به طور گسترده به تولید محصولات کشاورزی بپردازد. البته این امر طبیعتا در نحوه امرار معاش مردم مناطق مختلف کشور تأثیر خواهد داشت. این اتفاقی است که در تمام مناطق مختلف دنیا رخ داده است. زمانی که آب کمبود پیدا کرده، شیوه زندگی تغییر کرده و آثار تعیین کننده‌ای در زندگی مردم داشته است. حتی سبب مهاجرت انسان‌ها شده است. آسیبی که به سفره‌های آب زیرزمینی وارد شده است طبیعتا شیوه زندگی را در آینده نزدیک در ایران تغییر خواهد داد. دولت برای پیشگیری از آن باید استراتژی راهبر توسعه نه تنها برای آب بلکه برای توسعه اقتصادی و اجتماعی داشته باشد.

چه راهکاری برای این مساله پیش‌بینی می‌کنید؟

راهکار من ارائه یک استراتژی راهبردی توسعه‌ای دقیق است که سهم نه تنها بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات را در این توسعه مشخص کند بلکه سهم تولید کالاها و محل تولید آنها را با توجه به میزان وفور نهاده‌ها و محدودیت‌های آنها در پهنه کشور مشخص کند.

تعریف و تعنی شود.

در واقع سهم آبربری و استفاده از آب در تولید کالاها و منطقه استفاده از آب باید مشخص شود به این معنا که چه کالاهایی باید در مناطقی که آب کمتری دارند و چه کالاهایی که در مناطقی که آب بیشتری دارد باید تولید شوند. اگر چنین اتفاقی بیافتد به نظر من ارزش نهاده‌های آبی در کشور مشخص می‌شود و دولت باید کاملا بر این راهبرد توسعه‌ای در



آسیبی که به سفره‌های آب زیرزمینی وارد شده است طبیعتا شیوه زندگی را در آینده نزدیک در ایران تغییر خواهد داد. دولت برای پیشگیری از آن باید استراتژی راهبر توسعه نه تنها برای آب بلکه برای توسعه اقتصادی و اجتماعی داشته باشد

کشور نظارت داشته باشد. در این صورت است که دیگر مهم نخواهد بود که کدام وزارت‌خانه و نهاد بر آن مدیریت خواهد داشت.

یعنی از نظر شما این نوع

مدیریت به عنوان مثال برای استانی مانند اصفهان که اکثر روستاییان آن از طریق کشاورزی امرار معاش می‌کنند تأثیری ندارد و تخصیص

این است که قیمت تمامی محصولات کشاورزی گران می‌شود، مگر این که در سیاست‌های جاری کشور خود را منعکس کند. کالاهایی که تولید می‌شود باید متناسب با شرایط اقلیمی باشد. در حال حاضر ما بسیاری از محصولات کشاورزی را با آب خیلی کمی که داریم تولید می‌کنیم و بعد ارزش متناسب و درستی از این تولید را با توجه به قیمت آب وضع نمی‌کنیم و در نتیجه محصول تولید شده بسیار کمتر از قیمت واقعی آب، قیمت‌گذاری می‌شود و بعد آن کالا صادر می‌شود، در صورتی که این کالاها حاوی آب گران قیمتی هستند که سود حاصل از آن نباید به جیب فرد یا افراد خاصی برود چرا که این تولید با هزینه ملی اتفاق می‌افتد. در نتیجه باید در صادرات محصولات کشاورزی تجدید نظر شود.

۹۰ درصد در حالی که آب کشور ۹۰ درصد مورد استفاده کشاورزی است و تنها ۱۰ درصد آب به مصرف شهری و صنعتی می‌رسد اما مدیریت این آب را به جای جهاد کشاورزی به وزارت نیرو داده است که تنها ۵ درصد تولید برقش، برق آبی و بقیه تولید می‌کند. از نظر شما چرا مدیریت منابع آب به سازمانی داده شده که دغدغه کشاورزی ندارد و این مساله چه تأثیری در وضعیت کشاورزی می‌تواند داشته باشد؟

این قضیه اهمیت ثانوی دارد. اگر یک استراتژی توسعه در کشور وجود داشته باشد، آن وقت نقش صنایع مختلف و فعالیت‌های مختلف اقتصادی باید در آن

آبی را به مردم اطلاع رسانی کرد. از سوی دیگر باید در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی برای تولید کالاهایی که آبر هستند باید تجدید نظر شود.

به طور مثال برنج باید در مناطق شمالی کشور کاشته شود چون بسیار آبر است. در صنعت نیز همین طور. یکی از دلایلی که اصفهان با کمبود آب روبرو شده است وجود کارخانه ذوب آهن است. کارخانه‌ای که قرار بوده در بندرعباس ایجاد شود اما



آب یکی از ابزارهای قدرتمند برای استثمار و استعمار در آینده خواهد شد. از این جهت حفظ منابع آبی و حفظ محیط زیست باید یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهایی که در مناطق خشک و نیمه خشک قرار دارد باشد

متأسفانه با اعمال نفوذ ذوب آهن را به اصفهان آوردند که با کمبود آب مواجهه و یکی از مناطق نیمه خشک کشور محسوب می‌شود. به همین دلیل است که باید در تمامی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشور در خصوص بحران آب توجه شود.

آثار بحران آب بر کشاورزی چیست؟

همان طور که عرض کردم اثر بحران آب



گرفت و سود ساخت و ساز در مزارع و نابود کردن شالیزارهای برنج هم برای کشاورزان از دست و پا زدن در شالیزارها بیشتر شد تا کشاورزان عطای برنج کاری را به لقایش ببخشند و به ویلا سازی و کسب درآمد از این راه اقدام کنند.

از سال ۱۳۸۵ به این سو، یعنی از همان سالهایی که نفت گران شد و جیب دولت با پول نفت گران قیمت پر شد، هر ساله وزارت بازرگانی قدیم و صنعت، معدن و تجارت جدید، میزان قابل توجهی برنج به کشور با توجه ذخیره سازی به کشور وارد کرده است.

سال ۱۳۸۴ بود که مجموعاً ۶۴۰ هزار تن برنج به ارزش ۲۱۴ میلیون دلار به کشور وارد شد. در سال ۱۳۸۵ اما سیر صعودی افزایش واردات برنج به خصوص به لحاظ وزن ادامه داشت. در این سال ۱۲۱۹ هزار تن برنج به ارزش ۴۰۴ میلیون دلار به کشور وارد شد.

در سال ۱۳۸۶ اما به دلیل بالا گرفتن انتقادات به دولت وقت به دلیل بالا رفتن نرخ تورم و سرانه واردات، واردات برنج اندکی کاهش یافت اما باز هم ۱۰۶۶ هزار تن برنج به ارزش ۴۲۹ میلیون دلار به کشور وارد شد و اگرچه در این سال واردات از نظر وزن کاهش داشت، اما به لحاظ ارزش رشد

برنج ایرانی از سفره‌ها پر می‌کشد؟

مونا بالوانه

برنج اگرچه یکی از محصولاتی است که جغرافیای ایران به خوبی ظرفیت کشت و تولید آن را دارد اما در سال‌های اخیر هم‌زمان با افزایش درآمدهای نفتی، به دلیل واردات گسترده برنج به کشور آسیب‌های بزرگی به تولید داخلی وارد شد.

به روایت دبیر انجمن برنج کشور در تیرماه سال گذشته واحدهای بهره‌برداری شالیزارهای شمال از ۲/۱ هکتار به ۰/۷ هکتار رسید تا جایی که سود واردات برنج از تولید آن پیشی

برنج ایرانی‌ها پر شده است از برنج هندی و پاکستانی که نه عطر دارد و نه طعم و تنها خوش قد و بالاتراست و ارزان‌تر. در این میان تنها نتیجه هم که حاصل شده نابودی بسیاری از مزارع برنج کاری است و سود هنگفت عده‌ای دلال که از سود واردات بی رویه برنج به نان و نوایی رسیده‌اند و طعم و بوی برنج ایرانی را برای بسیاری خاطره کرده‌اند.

واردات برنج و آسیب به کشاورزی

روزی روزگاری نه چندان دور، برنج ایرانی به عنوان برنج خوش عطر و طعم، میهمان سفره‌های خانواده‌های ایرانی بود. برنجی که وقتی در حال پخته شدن بود به قول معروف بویش تا هفت خانه دیگر هم می‌رفت و آنقدر مرغوب بود تا طرفداران خاص خود را در خارج ایران داشته باشد و به عنوان سوغات ایران شناخته شود.

اما حالا چند سالی است که برخی از کشاورزان ایرانی دیگر تمایلی به کاشت و برداشت برنج ندارند چرا که سفره



سال	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	درصد تغییرات وزن	درصد تغییرات ارزش
۱۳۹۲	۶۲۰	۲۱۲	-	-
۱۳۹۵	۱۲۱۹	۴۰۴	۹۰	۸۹
۱۳۹۶	۱۰۶۶	۲۲۹	- ۱۲	۶
۱۳۹۷	۱۳۵۲	۷۹۰	۳۰	۸۲
۱۳۹۸	۱۲۸۷	۱۰۷۱	- ۷	۲۵
۱۳۹۹	۱۰۸۷	۹۱۶	- ۱۵	- ۱۲
۱۳۹۰	۱۵۱۲	۱۴۵۲	۳۹	۳۷

میزان واردات برنج طی فروردین ماه سال ۱۳۹۱-۱۳۹۲

وزن	فروردین ماه سال ۱۳۹۱		فروردین ماه سال ۱۳۹۲		تغییرات
	وزن (هزار تن)	مقدار ارزش کل واردات	وزن (هزار تن)	مقدار ارزش کل واردات	
۱۱۲	۱۲۱	۶۲۲	۷۲	۴۵	۳۹
۱۰۰	۱۱۲	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۰

سه کشور عمده مبدأ واردات برنج طی فروردین ماه سال ۱۳۹۲

کشور	شرح تعرفه	کنترل طرف مبدا	وزن (تن)	ارزش (میلیون دلار)	مقدار کل واردات برنج	وزن	ارزش
۱۰۰۰	برنج	هند	۲۰,۱۴۰	۹۰,۲۰۰	۲۰,۱۱۱	۲۱,۸۹	۹۸,۸۱
		ایالات متحده عربی	۲۶,۱۹۸	۲۶,۱۹۸	۲۰,۱۱۱	۲۲,۸۱	۲۰,۱۱
		پاکستان	۲,۸۰۲	۶,۸۱۹	۲,۶۲۱	۶,۸۸	۲,۶۱
		سایر کشورها	۱,۱۱۵	۲,۶۲۱	۴,۵۶	۴,۵۱	۴,۵۶
		جمع کل	۱۱۲,۲۵۶	۱۲۰,۸۳۶	۱۱۲	۱۱۲	۱۰۰

نشان میداد. میلیون دلار وارد کشور شده است.

واردات این محصول نسبت به سال قبل ۹۳,۲۳ درصد افزایش وزنی و ۱۴۰,۵۱ درصد افزایش ارزشی داشته است.

همچنین بر اساس آخرین آمار گمرک ایران تا آبان ماه، در نیمه نخست امسال ارزش واردات برنج با رشد ۱۱۷,۱۷ درصدی به یک میلیارد و ۲۸۹ میلیون دلار رسیده است.

برنج در مدت زمان یاد شده از نظر ارزشی ۶,۴۷ درصد از کل واردات کشور را به خود اختصاص داده و این در حالی است که این سهم در مدت مشابه سال قبل تنها ۲,۲۲ درصد بود! و به این ترتیب است که واردات برنج در سایه انتقادهای همچنان زیاد شده است.

هند، امارات و ترکیه سه مبدأ اصلی واردات برنج ایران در شش ماهه امسال بودند. سهم این سه کشور از واردات برنج ایران در مدت زمان یاد شده به ترتیب به ۸,۹ و ۱۱,۴ و ۷۱,۵ درصد رسید. حدود هشت درصد از واردات برنج ایران نیز از سایر کشورها انجام شده است.

این در حالی است که سال گذشته یک سوم از حدود سه میلیون تن برنج باستانی که هند در سال مالی جاری

نشان میداد.

در سال آخر فعالیت دولت نهم اما از مجلس گرفته تا اکثر نهادهای غیردولتی به واردات بی‌رویه انتقاد کردند اما با وجود تمام این انتقادات باز هم واردات برنج در این سال از نظر وزن به هزار و ۳۸۳ تن و از نظر ارزش به ۷۹۰ میلیون دلار رسید.

در سال ۱۳۸۸ نیز با روی کار آمدن دولت دوم محمود احمدی نژاد، هر چند واردات برنج از نظر وزن اندکی کاهش دارد و به هزار و ۲۸۷ تن رسید اما از نظر ارزش باز هم رشد داشت و به ۱۰۷۱ میلیون دلار رسید.

این روند ادامه داشت به طوری که در سال ۱۳۸۹، مجموعاً هزار و ۸۷ تن برنج به ارزش ۹۱۶ میلیون دلار به کشور وارد شد و در سال ۱۳۹۰ نیز جمعاً هزار و ۵۱۶ تن برنج به ارزش ۱۲۵۶ میلیون دلار به ایران آمد.

این روند در سال ۹۱ ادامه دار شد تا جایی که مقدار ۱,۲۸۹ هزار تن برنج به ارزش ۱,۳۰۹ میلیون دلار وارد کشور شد. واردات این محصول در مقایسه با سال ۹۰، ۱۴,۹۶ درصد کاهش وزنی و ۴,۲۱ درصد افزایش ارزشی داشته است.

از سوی دیگر براساس آمار گمرک طی سه ماهه نخست سال ۹۲ مقدار ۵۳۷ هزار تن برنج به ارزش ۶۰۹





صادر کرده، به مقصد ایران بوده است!

بالاترین و کمترین میزان سرانه مصرف برنج در کشور

سال گذشته بود که وزارت صنعت، معدن و تجارت میزان سرانه مصرف برنج در ایران را حدود ۴۲ کیلوگرم در سال اعلام کرد.

این در حالی بود که وزارت جهاد کشاورزی معتقد بود میزان مصرف سرانه برنج در کشور نزدیک به ۳۲ کیلوگرم در سال بوده است.

به این ترتیب با جمعیت ۷۴ میلیون نفری ایران در حال حاضر، اگر سرانه مصرف برنج در کشور را بر اساس اعلام وزارت صنعت، معدن و تجارت ۴۲ کیلوگرم در سال در نظر گرفته شود، بر این اساس میزان مصرف سالانه کل کشور برابر سه میلیون و ۱۰۸ هزار تن خواهد بود.

حال اگر بر اساس اعلام جهاد کشاورزی، میزان سرانه مصرف برنج در کشور برابر ۳۲ کیلوگرم در سال در نظر گرفته شود یعنی مصرف برنج کل کشور در یک سال برابر دو میلیون و ۳۶۸ هزار تن خواهد بود.

با این تفاسیر، می‌توان گفت بالاترین میزان مصرف (که وزارت صنعت، معدن و تجارت به آن معتقد است) سه میلیون و ۱۰۸ هزار تن و پایین‌ترین که وزارت جهاد کشاورزی به آن اعتقاد دارد برابر دو میلیون و ۳۶۸ هزار تن است و بر این اساس می‌توان گفت میانگین مصرف برنج در سال بر اساس اعلام این دو وزارتخانه برابر دو میلیون و ۷۳۸ هزار تن است.

این در حالی است که بر طبق آمار به عنوان مثال در بهمن ماه سال ۹۱ لااقل سه میلیون و ۲۰۰ هزار تن برنج در کشور تولید و وارد شده که این رقم حتی از بالاترین میزان مصرف سرانه هم بالاتر است.

بر اساس اعلام انجمن برنج ایران سال ۹۰ حدود دو میلیون و ۲۰۰ هزار تن برنج در کشور تولید شده است. تابستان سال ۹۱ نیز که فصل برداشت برنج به شمار می‌رود هم چیزی در همین حدود برنج در کشور تولید شده است.

از ابتدای سال ۹۰ تا پایان آذرماه نیز نزدیک به ۹۰۰ هزار تن برنج به کشور وارد شده که ارزش این واردات برابر ۸۸۴ میلیون دلار بوده و سهمی ۲/۲۱ درصدی از کل واردات را به خود اختصاص داده است.

برنج در صدر لیست واردات

به تازگی اما گمرک ایران ۱۰ قلم عمده

وارداتی کشور در ۷ ماهه نخست سال جاری را اعلام کرد که بر اساس آن میزان واردات برنج در مدت زمان مذکور یک میلیارد و ۴۶۴ میلیون دلار و دانه گندم نیز ۶۵۵ میلیون دلار بوده است. در گزارش گمرک آمده است: در مدت یاد شده، اقلام عمده وارداتی به ترتیب شامل برنج به ارزش یک میلیارد و ۴۶۴ میلیون دلار، کنجاله و سایر آخال‌های جامد از سویا به ارزش ۹۱۷ میلیون دلار و دانه گندم سخت به ارزش ۶۵۵ میلیون دلار بوده است.

بر اساس این گزارش، دانه ذرت دامی، وسایل نقلیه با موتور پستونی درون سوز با حجم سیلندر ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ سانتیمتر مکعب، روغن خام سویا، شکر تصفیه نشده، پالم اولئین، مکمل‌های دارویی برای خرده‌فروشی و شمش از آهن و فولاد غیرمزوج به ترتیب دیگر اقلام وارداتی در مدت یاد شده بوده‌اند.

۱۰ قلم کالای عمده وارداتی یاد شده در مجموع ۲۵،۲۷ درصد از ارزش کل واردات کشورمان را در این مدت به خود اختصاص داده‌اند.

این در حالی است که واردات کشورمان طی هفت ماهه نخست امسال به میزان ۱۶ میلیون و ۱۱ هزار تن کالا به ارزش ۲۴ میلیارد و ۵۶ میلیون دلار بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن به لحاظ وزن ۳۲،۵۲ درصد و از نظر ارزش ۲۴،۸ درصد کاهش داشته است.

با همه این آمار و ارقام می‌توان دریافت دولت‌ها همواره نگران تامین نیازهای اساسی مردم بوده‌اند که این نگرانی به جا و درست و قابل فهم است لذا تلاش می‌کنند تا کوچکترین نگرانی را با واردات برطرف کنند؛ لذا از توجه کافی به تولید داخلی غافل می‌شوند. کسانی که سالها قبل به شهرهای شمالی کشور سفر کرده‌اند، امروز وقتی گذرشان به این شهرها می‌افتد از تعجب انگشت به دهان می‌گیرند. چرا که بسیاری از زمین‌های کشاورزی نابود شده و جای آن را ویلاهای رنگارنگ گرفته است و این نگرانی در میان مردمان این خطه نیز دهان به دهان می‌چرخد که تا سالیانی نه چندان دور دیگر خبری از برنج ایرانی نمی‌ماند.

لذا به نظر می‌رسد با توجه به قابلیت‌های کشور در زمینه تولید محصولات کشاورزی باید برنامه و عزمی جدی در این حوزه صورت پذیرد تا کشاورزی کشور احیاء شود و صنعت در خدمت این امر قرار گیرد و کشاورزان و فرزندانشان بدون دغدغه به این مهم بپردازند.



چای بی کیفیت هندی

کنندگان چای نیز تبدیل شود. این روزها اما بسیاری از چایکارانی که روزی برای خود برو و بیایی داشتند دیگر کالایی برای عرضه ندارند و تنها چشم به دور دست‌های جاده دوخته‌اند تا مسافری از راه برسد و چند روزی خانه و زندگی خود را در اختیار او قرار دهند و از این طریق امرار معاش کنند.

طی سال‌های گذشته به دلیل مشکلاتی چون واردات بی‌رویه چای خارجی و عدم حمایت از چایکاران ایرانی، سطح زیر کشت باغات چای که در استان‌های گیلان و مازندران حدود ۳۲ هزار هکتار بوده، هم‌اکنون به کم‌تر از ۱۸ هزار هکتار رسیده است.

همچنین بر اساس آمارهای موجود طی سال‌های اخیر برداشت برگ سبز چای روند کاهشی داشته، به طوری که طی سال‌های ۹۰ و ۹۱ به ترتیب ۱۳۱ و ۱۱۰ هزار تن برگ سبز چای برداشت شده که از این میزان بیش از ۲۵ هزار تن چای خشک به دست آمده است.

در سال جاری نیز میزان برداشت برگ

روزی روزگاری نه چندان دور، شهرهای استان گیلان به خصوص لاهیجان خوش عطر و سبز بود و عطر چای مرغوب ایرانی گردشگرانی را که به استان گیلان سفر می‌کردند، سرخوش می‌کرد و باغات چای در دشت‌ها و کوه‌ها منظره بدیعی از زیبایی را خلق کرده بود.

زن‌های گیلانی با لباس‌های محلی در حالی که برگ‌های چای را می‌چینند و شعر می‌خوانند، زحمت بسیاری را متحمل می‌شدند تا چای ایرانی را به سفرهای مردم ببرند و مردم دسته‌دسته روانه گیلان می‌شدند تا چای مرغوب لاهیجان را تهیه کنند و سوغات ببرند اما متأسفانه به مرور زمان، توانایی‌های این استان سر سبز کم رنگ و کم رنگ می‌شود و روز به روز از تعداد چایکاران کاسته می‌شود.

در سال‌های اخیر واردات، تیشه به ریشه صنعت چای ایران زده و باغات چای به مرور زمان از بین می‌رود تا کشور ایران به عنوان یکی از بزرگترین مصرف کنندگان چای، به یکی از بزرگترین وارد



به جای چای خوش عطر و طعم ایرانی

مهدی کاشفی فرد

بزرگ‌ترین واردکننده چای از این کشور در ماه‌های آوریل تا دسامبر ۲۰۱۳ برابر با ۹ ماهه نخست سال ۹۲ بوده است. بر اساس این گزارش هند در ماه‌های آوریل تا دسامبر ۲۰۱۳ بالغ بر ۱۸۵ هزار تن چای به ارزش ۴۱۶ میلیون دلار به بازارهای جهانی صادر کرده است. به این ترتیب، ایران ۱۲,۴ درصد از کل صادرات چای هند را در این مدت به خود اختصاص داده است و صادرات چای هند به ایران در ماه‌های آوریل تا دسامبر ۲۰۱۳ بالغ بر ۵۱/۵ میلیون دلار اعلام شده است. رقمی قابل توجه که اگر صرف تولید چای ایرانی می‌شد می‌توانست هم چایکاران و هم چای ایرانی را نجات دهد و هم قدمی مثبت در راه توسعه اقتصاد کشور باشد. این واردات اما در حالی صورت گرفته که به گفته بسیاری از کارشناسان، کیفیت چای هندی موجود در بازار بسیار پائین است چرا که هندی‌ها برای دادن طعم و عطر از دارو و مواد شیمیایی استفاده می‌کنند.

می‌شود. حتی بر طبق آمار، ایران با واردات ۵۱,۵ میلیون دلار چای از هند در ۹ ماهه نخست سال ۹۲ به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده

ایران با واردات ۵۱.۵ میلیون دلار چای از هند در ۹ ماهه نخست سال ۹۲ به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده چای از هند شناخته شد

چای از هند شناخته شد. ماجرا هم از این قرار است که آمارهای گمرکی هند نشان می‌دهد ایران

دارد. بحرانی که هر روز جدی‌تر و جدی‌تر می‌شود و هنوز چاره‌ای جدی برای آن اندیشیده نشده است. به این ترتیب است که با وجود اینکه هم اکنون سرانه مصرف چای خشک در کشور ۱۱۰ هزار تن است، تنها حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد آن در داخل تولید می‌شود و مابقی وارد می‌شود.

از سوی دیگر، با توجه به افزایش هزینه‌های تمام شده تولید، کاشت و برداشت این محصول برای چایکاران مقرون به صرفه نبوده و ترجیح می‌دهند با تغییر کاربری باغات چای مشکلات معیشتی خود را برطرف کنند.

ایران بزرگ‌ترین واردکننده چای از هند!

نکته مهم اما اینجاست که در حالی که بسیاری از کشورهای اروپایی معتقد به سالم و خالص بودن چای ایرانی هستند و چای تولیدی ایران را مصرف می‌کنند، در خود ایران بیشتر از چایی‌های وارداتی که عمدتاً قاچاق و ناسالم هستند، استفاده

سبز چای به حدود ۸۹ هزار تن رسیده که نسبت به سال گذشته حدود ۲۱ هزار تن کاهش تولید را نشان می‌دهد. از این میزان برگ سبز اما ۱۸ تا ۱۹ هزار تن چای خشک تولید شده است که باز هم نشان از روند تولید چای ایرانی دارد. امسال نیز تولید چای داخلی در حدود ۱۱۰ الی ۱۲ هزار تن بوده است که به دلیل ورود چای خارجی و سنواتی ارزان قیمت، همین تولید اندک هم خریدار ندارد! از سوی دیگر تعداد کارخانجات فرآوری برگ سبز چای نیز از ۱۸۰ مورد به تازگی به ۱۳۰ مورد فعال و نیمه فعال رسیده که این موضوع زنگ خطری برای صنعت چای کشور است.

این اتفاق در حالی رخ داده است که بر اساس آمار سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، در سال ۷۶ میزان برداشت برگ سبز چای ۳۰۵ هزار تن از ۳۴ هزار هکتار بوده است که از آن حدود ۷۰ هزار تن چای خشک در کشور تولید شده است. مقایسه آمار تولید چای در سال ۷۶ با سال ۹۲ نشان از بحران صنعت چای در ایران



قاچاق؛ بلای جان اقتصاد

بایک صرافی



نمی‌روند و مابقی صرف واردات برنج و روغن و گوشت و گندم و... می‌شوند. به تازگی نیز اسکندر زند - رییس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی - دولت یازدهم در این خصوص گفته: در حال حاضر ضریب خودکفایی براساس شاخص انرژی حدود ۷۰ درصد است و ۳۰ درصد مواد غذایی مورد نیاز کشور از طریق واردات تامین می‌شود اما می‌توان با توجه به در اختیار داشتن منابع غنی و در صورت ورود بیشتر یافته‌های تحقیقاتی محققان بخش کشاورزی به عرصه‌ها از طریق آموزش و ترویج بهره‌برداران که در حال حاضر از هم پاشیده است امنیت غذایی مردم را تامین کرد.

به عنوان مثال در چهار ماهه نخست سال ۹۱ حجم واردات گندم به کشور به بیش از ۲,۳ میلیون تن رسیده است. براساس آمار گمرک ایران در مدت زمان

حوزه کشاورزی نسبت به واردات بی‌رویه محصولات کشاورزی که در داخل کشور قابلیت تولید آنها وجود داشت، انتقاد کردند.

با روی کار آمدن دولت دهم و وزارت صادق خلیلیان، ظواهر نشان می‌دهد که تغییر زیادی در وضعیت کشاورزی کشور ایجاد نشده است و با وجود ارائه آمارهایی درباره خودکفایی در تولید بسیاری از محصولات کشاورزی مانند گندم، نگاه اجمالی به زندگی کشاورزان و رکود اقتصادی در زندگی‌شان و میوه‌هایی که روی دست باغداران می‌ماند تا تلف شود، حکایت از سیاست‌های غلط اقتصادی دولتی‌ها داشت.

درواقع بر اساس آمار از نزدیک به ۳۰ درصد از واردات کشور مربوط به مواد غذایی است که در این میان تنها ۲ درصد آن از مواد غذایی اساسی به شمار

از سوی دیگر واردات بی‌رویه در سال‌های اخیر همواره مورد انتقاد اقتصادی‌ها بوده است. به روایت بازار از صنایع دستی گرفته تا میوه و برنج و گوشت همه و همه از کشورهای دیگر وارد می‌شوند و کشاورزان و تولید کنندگان ایرانی را کلافه کرده است.

نکته اما اینجا بود که حجم واردات مواد غذایی که از کالاهای اساسی مورد نیاز مردم است و قابلیت تولید در داخل را دارد، نسبت به حجم واردات کل کشور روز به روز در حال افزایش بود و این بر نگرانی‌ها افزوده است.

در زمان وزارت اسکندری وزیر کشاورزی دولت نهم بود که هشدارها در باره واردات بی‌رویه و وضعیت بد کشاورزی در کشور شدت گرفت و حتی بارها بحث استیضاح وی روی میز بهارستان نشینها رفت. در همان روزها بسیاری از کارشناسان

سرمایه‌گذاری یکی از مهمترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری است و از میان سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی، سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است چرا که سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و باغداری، به دلیل افزایش پیوسته تقاضا برای مواد غذایی و دیگر محصولات کشاورزی، می‌تواند موجب رشد تولید و اشتغال در این بخش شود و در نتیجه به باروری اقتصاد کشور کمک کند اما این بخش مهم در اقتصاد و اشتغال‌زایی همیشه مورد بی‌مهری مسئولان قرار داشته و هرگز توجه جدی برای رفع مشکلات آن صورت نگرفته است و همین امر باعث شده بسیاری از کشاورزان و باغداران زمین‌های زراعی و باغ‌هایشان را رها کنند و به کلان شهرها مهاجرت کنند.

میزان واردات برخی کالاهای اساسی در شهریور و مهر ماه سال ۱۳۹۲

ردیف	کد	مهر ماه سال ۱۳۹۲		شهریور ماه سال ۱۳۹۲		تغییرات	
		ارزش (میلیون ریال)	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون ریال)	وزن (هزار تن)	تغییرات	تغییرات
۱	برنج	۱۶۶۶۵۳	۱۶۶۶۵۳	۱۶۶۶۵۳	۱۶۶۶۵۳	۰	۰
۲	جو	۲۲۹۵۲۹	۲۲۹۵۲۹	۲۲۹۵۲۹	۲۲۹۵۲۹	۰	۰
۳	ذرت	۱۸۸۲۶۹	۱۸۸۲۶۹	۱۸۸۲۶۹	۱۸۸۲۶۹	۰	۰
۴	کنجاله سویا	۲۰۷۰۸۳	۲۰۷۰۸۳	۲۰۷۰۸۳	۲۰۷۰۸۳	۰	۰
۵	کنجاله سویا	۲۷۷۲۷۸	۲۷۷۲۷۸	۲۷۷۲۷۸	۲۷۷۲۷۸	۰	۰
۶	گندم	۲۷۰۶۲۹	۲۷۰۶۲۹	۲۷۰۶۲۹	۲۷۰۶۲۹	۰	۰
جمع کل		۱۵۲۶۰۲۷۵	۱۵۲۶۰۲۷۵	۱۵۲۶۰۲۷۵	۱۵۲۶۰۲۷۵	۰	۰

یادشده بالغ بر ۸۰۶۸ میلیون دلار گندم از ۱۳ کشور جهان وارد ایران شد. این میزان واردات نسبت به مدت مشابه در سال قبل از نظر وزنی ۱۵ هزار و از نظر ارزشی ۲۰ هزار درصد رشد نشان می‌دهد. نکته اما اینجا بود که با وجود جشن خودکفایی تولید گندم، در این مدت نزدیک به ۱۲۶ هزار تن گندم نیز از آمریکا وارد ایران شد که این رقم نسبت به آمار واردات سه ماهه گندم از آمریکا رشد دو برابری را نشان می‌دهد. آماری که با توجه به کارشناسی‌های آمریکا در اقتصاد ایران و با توجه به جشن خودکفایی تولید گندم در سال ۸۳ فریبنده نیست.

روایت آمار از افزایش واردات و کاهش صادرات

با روی کار آمدن دولت یازدهم هم وضعیت واردات مواد غذایی هنوز بهبود نیافته است چرا که بر اساس اعلام گمرک جمهوری اسلامی ایران در مهر ماه سال جاری، ۱،۱۵۰،۶۰۷ تن کالای اساسی (برنج، جو، ذرت، قند و شکر، کنجاله سویا و گندم) به ارزش ۶۲۴،۴۹۶ هزار دلار وارد کشور شده است. این در شرایطی است که در شهریور سال جاری ۴۴۷،۸۹۲ تن کالای اساسی به ارزش ۳۸۹،۹۱۲ هزار دلار وارد کشور شده بود.

به این ترتیب واردات کالاهای اساسی با افزایش ۱۱۰ درصدی از نظر وزنی و ۶۰ درصدی به ارزش دلاری در ماه مهر مواجه شده است. همچنین در ماه مهر ۱۶۶۶۵۳ تن برنج به ارزش ۱۷۴،۱۵۱ هزار دلار، ۴۰،۲۰۷ تن جو به ارزش ۱۳،۷۱۰ هزار دلار، ۱۸۸،۲۶۹ تن ذرت به ارزش ۷۵،۱۰۵ هزار دلار، ۲۰۷،۷۷۸ تن قند و شکر به ارزش ۱۰۷،۷۸۲ هزار دلار، ۲۷۷،۲۷۸ تن کنجاله سویا به ارزش ۱۶۲،۴۷۷ هزار دلار و ۲۷۰،۶۲۹ تن گندم به ارزش ۹۱،۲۷۱ هزار دلار وارد کشور شده است.

بر همین اساس واردات برنج، جو، ذرت، قند و شکر، کنجاله سویا و گندم در مهر ماه در مقایسه با شهریور ماه به ترتیب ۲، ۱۰۰، ۵۷۹، ۳۰، ۲۳۳ و ۱۳۴ درصد افزایش یافته است.

از سوی دیگر، طی پنج ماهه نخست سال ۹۲ در مقایسه با مدت مشابه سال ۹۱ میزان واردات به کشور از نظر حجم معادل ۳۹،۱ درصد و از نظر ارزش معادل ۲۵،۵ درصد کاهش پیدا کرده است که این کاهش البته با افزایش ارزش هر واحد کالاهای وارداتی همراه بوده، به طوری که ارزش هر تن کالای وارداتی در دوره مورد بررسی معادل ۱۴۵۷ دلار بوده است در حالی که در دوره مشابه سال ۹۱

این رقم معادل ۱۳۸۸ دلار اعلام شده است.

در مقابل طی همین دوره صادرات کشور از نظر حجم معادل ۱۶،۷ درصد نسبت به مدت مشابه سال ۹۱ افزایش پیدا کرده و از نظر ارزش معادل ۴ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

البته مقایسه قیمت واحد کالاهای صادراتی کشور نشان می‌دهد که طی پنج ماهه منتهی به مردادماه سال ۹۲ هر تن کالای صادراتی کشور ۳۸۴ دلار قیمت گذاری شده که در مقایسه با مدت مشابه سال ۹۱ این رقم کاهش ارزش ۱۸ درصدی کالاهای صادراتی را نشان می‌دهد.

در یک جمله کوتاه مقایسه کلی تراز بازرگانی کشور نشان می‌دهد طی پنج ماهه نخست سال ۹۲ در مقایسه با مدت مشابه سال ۹۱ کالاهایی کمتر اما گران‌تر وارد شده است و کالاهای بیشتر و ارزان‌تر صادر شده است.

البته مقایسه ۱۰ ردیف تعرفه‌های اصلی صادراتی و وارداتی کشور نشان می‌دهد طی دوره مورد بررسی میزان واردات کالاهای صنعتی و اساسی به کشور افزایش پیدا کرده است که به طور کامل در جدول بالا به آن پرداخته شد. به این ترتیب آمارهای ۵ ماهه نخست سال نشان می‌دهد که هنوز تعادل در بازار واردات و صادرات برقرار نشده است و ایران همچنان محتاج واردات به خصوص واردات مواد غذایی از کشورهای دیگر است.

در هر حال نکته اینجا است که با افزایش

جمعیت جهان و افزایش تقاضا برای غذای بیشتر با منشأ گیاهی و دامی باید به بخش کشاورزی بیش از پیش توجه کرد تا بتوان با وجود مشکلات کنونی از جمله بیابان منفی سفره‌های زیرزمینی و تحلیل رفتن آن، فرسایش خاک و تغییرات اقلیمی امنیت غذایی مردم را تامین کرد اما با توجه به این که از برنامه اول توسعه تا پایان برنامه پنجم توسعه به طور

قاچاق مواد غذایی معضل دیگری برای کشاورزی و صنعت

از مشکلات مربوط به واردات بی رویه که بگذریم، با نگاهی به بازار مواد غذایی در ایران می‌توان این موضوع را دریافت که بسیاری از کالاهای اساسی خارجی موجود بدون بارکد وزارت بازرگانی و گمرک و مهر تأیید وزارت بهداشت به فروش می‌رسند و شوراها صنفی نیز به این واحدها رسیدگی نمی‌کنند. این در حالی است که تحریم‌های اقتصادی، افزایش قیمت‌های داخلی و جهانی، نوسان در تعرفه‌های گمرک، نبود امکانات و تجهیزات مناسب در مبادی ورودی و گمرک‌های کشور، نبود نرم‌افزارهای مناسب در اخذ اسناد گمرکی بخشی از چالش‌های موجود در عرصه مبارزه با قاچاق است.

همچنین سالانه حدود سه میلیارد دلار مواد غذایی به شکل قاچاق از کشور خارج می‌شود که آسیب‌های جدی را به اقتصاد کشور وارد می‌سازند.

بنا بر آمار در سال ۸۷، ۲۹ میلیارد کشفیات مواد غذایی در کشور وجود که نسبت به سال ۱۳۸۸ که ۹ میلیارد تومان بوده ۲۳۰ درصد افزایش داشته است و در سال‌های اخیر نیز با جدی‌تر شدن تحریم‌ها این رقم افزایش قابل توجه داشته است که به این ترتیب علاوه بر آمار رسمی گمرک، حجم زیادی از کالاهای اساسی خوراکی از طریق قاچاق وارد کشور شده‌اند که اگر چاره‌ای برای آن اندیشیده نشود نتیجه‌ای جز نابودی کشاورزی و صنعت مواد غذایی کشور نخواهد داشت.

افزایش جمعیت جهان و افزایش تقاضا برای غذای بیشتر با منشأ گیاهی و دامی باید به بخش کشاورزی بیش از پیش توجه کرد

متوسط ۷۰ درصد از مواد غذایی مورد نیاز از داخل و ۳۰ درصد از خارج کشور تامین شده اگر در آینده بیش از پیش به کشاورزی توجه نشود، وابستگی به واردات در بخش کشاورزی افزایش می‌یابد که می‌تواند مشکلات عدیده‌ای برای کشور به همراه داشته باشد.

سال	ماه	واردات		صادرات		تغییرات
		ارزش واحد (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	ارزش واحد (میلیون دلار)	وزن (هزار تن)	
۱۳۹۲	۱	۱۰۸۷	۱۰۸۷	۵۱۳۳	۵۱۳۳	۰
۱۳۹۲	۲	۱۶۱۷	۱۶۱۷	۷۵۴۶	۷۵۴۶	۰
۱۳۹۲	۳	۱۴۴۴	۱۴۴۴	۶۷۵۴	۶۷۵۴	۰
۱۳۹۲	۴	۱۴۵۵	۱۴۵۵	۶۴۳۳	۶۴۳۳	۰
۱۳۹۲	۵	۱۶۶۶	۱۶۶۶	۵۶۰۰	۵۶۰۰	۰
جمع کل		۱۶۳۰۷	۱۶۳۰۷	۲۹۸۱۷	۲۹۸۱۷	۰



حامد کبیری
دبیر پرونده

جشنواره امید به آینده

«همواره پای در عرصه های خلاف عادت و غیر متعارف نهاده ای...واین است که بسیاری را از تو رنجانده است. تو با قلبت در جهان زندگی می کنی و همان طور هم که زندگی می کنی فیلم می سازی. پس به تو اعتراض کردن خطاست، چرا که سرا پای وجودت «قلب» است به غیر از این هم مگر راهی برای هنر مند بودن وجود دارد؟»

اینها سخنان شهید اوینی درباره حاتمی کیاست که این روزها در معرض نقادی مخالف و موافق قرار گرفته است. آن هم در زمانی که ابراهیم حاتمی کیا بعد از «گزارش یک جشن سراغ شهید چمران رفته است».

«چ» حاتمی کیا به مقطعی از زندگی شهید چمران می پردازد، ابراهیم حاتمی کیا با ساخت فیلم سینمایی چ، شهید چمران را به خیلی ها از جمله نسل جوان معرفی کرد. نسلی که بیشتر نام شهید چمران را شنیده بودند و هیچ ذهنیت و درکی از آن نداشتند. ابراهیم حاتمی کیا با اعتماد کردن به جوان های همین سرزمین فیلم سینمایی چ را ساخت.

جشنواره امسال ورود فیلمسازان جوانی از تبار ابراهیم حاتمی کیا را نوید می دهد، فیلم سینمایی شیار ۱۴۳ ساخته نرگس آبیاری از جمله نشانه های این دوره است که مردم از آن استقبال کردند. فیلمی که انتظار مادران این سرزمین از بازگشت فرزندان خود در طی دوران دفاع مقدس و بعد از آن را به ما نشان میدهد. درخشش دو زن، یکی در نقش نویسنده و کارگردان و دیگری در نقش بازیگر اصلی فیلم حس و حال کاملاً لطیف مادرانه به فیلم داده است. نگاه مهربان و دلسوز مادرانه در فیلم موج می زند. فیلمی که حس و حال مادری داشته باشد، بدون شک احوالات آدمی را تحت تاثیر خود قرار می دهد.

سی و دومین جشنواره فیلم فجر یک پیام داشت و آن هم اعتماد کردن به نسل جوان سینما بود. نسلی که سالها در کنار بزرگان سینما درس آموخته است و این روزها موعد امتحان پس داندنش است.

هر چند که تب و تاب جشنواره فجر خوابیده است و حرفها گفته شده است. اما در این شماره نقبی زده ایم به برخی فیلمهای اکران شده در جشن سینمای ایران و از آن میان سراغ کارگردان «چ» و کارگردان «شیار ۱۴۳» رفتیم و گپ و گفتی کوتاه با آنها داشتیم.



جشنواره سی و دوم که از ابتدا با شعار امید همراه شد در درون خود فیلم های تلخ و نا امید کننده ای نیز داشت فیلم های که تلخیشان به قدری بود که اگر فیلم های چون چ، مهمان داریم ها نبود تلخی آنان بر جای می ماند.

از نکات قابل تامل جشنواره آثار کارگردانان صاحب نامی همچون کیمیایی، مهرجوی و کیومرث پور احمد و... بود که تماشاگران با نگاه و فیلم های آنان ارتباط برقرار نکردند و بعضاً سینما ها را ترک کردند.

جشنواره امسال این مهم را به اثبات رساند که می بایست به فیلمسازان جوان بیشتر بها داده شود تا آنان بتوانند با نگاه نو و خلاق خود آثاری همچون شیار ۱۴۳، سیزده و... را خلق کنند. خوشبختانه ورود این فیلمسازان نوید دهنده آثاری درخشان و شایسته برای سینمای آینده

سی و دومین جشنواره فیلم فجر که از ۱۲ بهمن ماه آغاز شده بود در شامگاه ۲۲ بهمن در برج میلاد با به پرواز در آمدن سیمرخ های خود بکار خود پایان داد.

فیلم های «چ» ابراهیم حاتمی کیا و «رستاخیز» احمد رضا درویش بیشترین سیمرخ های بخش سودای سیمرخ سی و دومین جشنواره بین المللی فیلم فجر را به خود اختصاص دادند.

از ویژگی های جشنواره امسال حضور همه نسل های مختلف سینمای اغلب پس از انقلاب در جشنواره است. آنچه بیش از همه چیز به چشم می خورد حضور فیلمسازان جوانی است که با نگاهی نو توانسته اند نظر مخاطبان را جلب کنند. فیلمسازی که فیلم های آنان هر چند از نظر برخی داوران جاماند ولی از نگاه مردم جانماند و مردم سیمرخ بلورین خود را به آنها هدیه دادند.



تصویری از فیلم‌هایی که می‌توانند در اکران موفق باشند

فیلم‌هایی که بیشتر دیده شدند

شباهت فراوانی با آثار اصغر فرهادی دارد.

■ **شیار ۱۴۳** نرگس آبیاری، شاید بشود گفت بهترین لحظه جشنواره مربوط به سکانس پایانی و تاثیر گذار شیار ۱۴۳ است. این فیلم از پدیده های جشنواره امسال بشمار می آید.

■ **پنجاه قدم آخر** کیومرث پور احمد، چطور امکان دارد کارگردان آثاری مثل خواهران غریب، اتیوس شب و ... فیلمی بسازد که تماشاگرانش به نشانه اعتراض شروع به دست زدن و یا ترک سالن کنند. این فیلم بسیار متوسط است.

■ **چند متر مکعب عشق** جمشید محمودی، فیلم خوبی است که یک جوان فیلم اولی با یک حکایت پر نفس از عشقی ساده برایمان پدید آورده است.

از اندازه به شخصیت پردازی کاراکتری که با سکوت و رفت آمدهای پیاپی اش مخاطب را کلافه میکند زمان صرف شده است. این فیلم خسته کننده و بدون هیچ تفکر و نگاه تازه ای است.

■ **خط ویژه** مصطفی کیانی یک فیلم خوب با اندیشه ای خوب که تماشاگران را راضی تا در آخر داستان می کشاند.

■ **زندگی جای دیگر است** منوچهر هادی، هر چند که فیلم در کل نمی تواند از حد متوسط بالا بیاید اما وجود بازیگران خوب در فیلم از نکات مثبت آن است.

■ **مردن به وقت شهریور** هانف علیمردانی، این فیلم یک سقوط همه جانبه برای علیمردانی می باشد. فیلم بسیار ضعیفی که از نبود فیلم نامه ای خوب رنج می برد.

■ **ملبورن** نیما جاویدی این فیلم

خصوصیاتی که با جزئی ترین شکل ممکن پرداخت شده است را با کلیت اثر و مسیری که داستان طی می کند در یک ظرف قرار دهد، با ضیافتی چشم نواز و پر انرژی روبه رو خواهد شد.

■ **خانه پدری** کیانوش عیاری، این فیلم بیشترین خوراک را به منتقدین و مخاطبانش برای پرداخت ها و تحلیل های گوناگون می دهد. هرچند که باید اشاره کرد که هوشمندی و زرنگی فیلمساز در چیدمان ساختمان فیلم نامه و شخصیت پردازی کارتها، کاملاً هدف گذارانه انتظار چنین واکنش های را می کشد. اما این خانواده را نمی شناسیم و این حجم تعصب و جهالت را در ک نمی کنم. سکانس ابتدایی این فیلم آنقدر تلخ و دردناک بود که پس از واکنش ها در روز نخست نمایش این فیلم حذف گردید. ■ **امروز** میرکریمی، در این فیلم بیش

کشور است. فیلم های که با آرمان های انقلاب اسلامی گره خورده است. در ادامه نیم نگاهی به برخی از فیلم های بخش مسابقه داریم:

■ **آذر، پرویز، شهیدخت و دیگران** ... بهروز افخمی هر چند سطح فیلم در برابر آثار برجسته کارنامه فیلمساز مثل عروس و گاو خونی اصلاً به حساب نمی آید ولی حداقل این امید را ایجاد می کند که افخمی همچنان می تواند فیلم خوب بسازد.

■ **خواب زده های** فریدون جیرانی، فیلمنامه این فیلم را جیرانی نوشته است. خواب زده ها مثل اکثر آثار او از ایده های عجیبی ضربه خورده که به کلیت فیلم ربطی ندارد.

■ **آرایش غلیظ** حمید نعمت اله، اگر مخاطب آرایش غلیظ این توانایی را داشته باشد تا تعدد شخصیت ها و



چطور شد که سراغ شهید

چمران رفتید؟ بعد از دعوت و گزارش یک جشن و...؟

ایده ساخت "چ" برای امسال و پارسال نیست بلکه حدود سال هشتاد این ایده مطرح شد و چندین سال در ذهنم بود؛ ولی زمان شروع سه سال پیش بود. این فیلم برایم سه برابر یک فیلم، عمر و انرژی گرفت. ساختن درباره شخصیتی که شناخته شده است همیشه کار سختی برایم به حساب می‌رود و همیشه از آن دوری می‌کردم که البته درباره شهید چمران خدا توفیق داد...

آقای حاتمی کیا فیلم "چ" را در کجا فیلمبرداری کردید؟

فیلم "چ" از پروژه‌های سنگین سینمایی بود که در یک محل در شرق تهران به نام دهکده مقاومت فیلمبرداری شد.

یعنی کل فیلم را آنجا فیلمبرداری کردید؟

حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد فضاهای فیلم از جمله قبرستان، میدان شهر و حتی سقوط هلی‌کوپتر در آنجا ساخته و فیلمبرداری شد.

به سکانس سقوط هلی کوپتر اشاره کردید. این سکانس را چگونه درآوردید؟

به نظر من این سکانس سقوط، نقطه عطفی است که در پاوه اتفاق افتاده است و این موضوع در نوشته‌های شهید چمران هم وجود دارد.

من همان روز اول به بچه‌ها گفتم که این سکانس قرار است تاریخی برای سینمای ایران باشد لذا باید برای آن بسیار زحمت بکشیم. خواست خود من این بود که این صحنه سقوط توسط بچه‌های خودمان در ایران در بیاید. برای این کار می‌توانستیم دعوت کنیم یک فرد اسکار گرفته‌ای بیاید ایران و این سکانس را پیاده کند ولی بعید می‌دانستم که این اتفاق با فرهنگی که ما داریم درست دربیاید به همین خاطر ترجیح دادم این زحمت را با صبر و حوصله و انرژی بیشتر خودمان انجام بدهیم.

چقدر درباره ارتش تحقیق کردید؟

من درباره ارتش بسیار تحقیق کردم و تلاش کردم تا جایی که از دستم برمی‌آید مشکلات را بیان کنم. ما دو ارتش قبل و بعد از انقلاب را داریم. ارتش بعد از انقلاب، ارتش نهضتی و انقلابی است. خلبان‌هایی را داریم که از جان خود گذشتند و مردانه جنگیدند مانند نیروهای ذوالفقاری. آن کسی که در فیلم



ابراهیم حاتمی کیا در گفت و گو با گو با ۴۲

این حرف‌ها به من زخم می‌زند

گفت‌وگو
هادی کبیری

وقتی با ابراهیم حاتمی کیا قرار گفت و گو می‌گذاری خیلی سخت است که بخواهی درباره فیلم‌های گذشته‌اش و سخنانش درباره اسکار و بحث‌های امسال جشنواره‌اش و نیامدنش به اختتامیه سخن نگویی. اما چاره‌ای نبود و خالق مهاجر و آژانس شیشه‌ای و به نام پدر و دعوت و گزارش یک جشن و "چ" و ... حاضر نشد سخنی به غیر از "چ" شهید چمران بگوید. سخنانی که شاید برخی هایش را در جشنواره هم گفته بود. قرار بود با کارگردان محبوب سینمای ایران در جشنواره صحبت کنیم که به بعد از آن موکول شد و بعد از آن هم به گپی کوتاه منتهی شد و وقتی سوالات به موضوعات جنجال برانگیز رسید حاتمی کیا مهر سکوت بر لب زد. به همین خاطر خواستیم حس خوبش را که از چمران بزرگ گرفته است خراب نکنیم و "چ" موضوع گفت و گوی کوتاهمان شد.

فیلم سینمایی "چ" به روایت دو روز و دو شب از زندگی شهید چمران می‌پردازد. "چ" روایت حاتمی کیا از چمران است و این موضوعی است که خود بارها بر آن تاکید می‌کند. وی با تصویر کشیدن برشی از زندگی شهید چمران می‌خواهد فیلمی درباره جامعه امروز ایران بسازد و این یکی از دلایل تاثیرگذاری فیلم است. چمران حاتمی کیا اسطوره نیست بلکه مردی است که می‌خواهد در شرایطی سخت، وضعیت را به گونه‌ای کنترل کند که مردم کمترین آسیب را ببینند. مردی که دنبال صلح است ولی به موقع‌اش دست به اسلحه نیز می‌برد.

ابراهیم میان آتش و دود

مجید تولایی

شاید آن روزی که شهید آوینی نوشت: "حاتمی‌کیا همه وجود خود را در فریبه‌ها می‌دمد و هر بار خود را می‌سوزاند تا از شعله آن چراغی برافروزد و هر بار ققنوس‌وار از همان آتش، حیات دوباره می‌گیرد." سوختن‌های سالهای اخیر ابراهیم را هم میدید که چگونه سکوت کرد و به قول خودش دود نکرد.

حاتمی‌کیا، اسطوره بسیاری از هم نسلان ماست. فیلم سازی که هم سینما را می‌شناخت و هم انقلاب و جنگ را و به همین خاطر هم بود که برای دفاع از آرمان‌های او و فیلم‌هایش خجالت نمی‌کشیدیم.

حاتمی‌کیا کارگردانی است که حرارت سوز درونش، دل‌های بسیاریمان را گرم می‌کرد؛ بدون آنکه دودهای تظاهر و ریا بخواهد چشم‌هایمان را بسوزاند و گلویمان را خفه کند. به همین خاطر بود که آژانس شیشه‌ای نقطه عطف سینما دوستی بسیاری از هم نسلان بعد از انقلاب به دنیا آمده‌ام شد.

حاتمی‌کیا، از معدود کارگردانانی بود که از انقلاب و جنگ گفتنش بوی خودنمایی و تظاهر نمی‌آمد و به همین خاطر بر دلها می‌نشست؛ حتی دل‌هایی که شاید با او خیلی هم در آرمان‌هایش هم دل نبودند.

ابراهیم حاتمی‌کیا اسطوره هم‌نسلان ما بود و به قول شهید حاج احمد پاریاب که همین روزها اولین سالگرد شهادتش است روزگاری ابراهیم‌ها برای اعزاز به جبهه محتاج امضای پاریاب‌ها بودند و امروز، فرزندان رزمندگان و سرداران برای امضاء گرفتن از ابراهیم‌ها صف می‌کشند.

اما ابراهیم ۸ سال گذشته به مذاق خیلی‌ها خوش نیامد؛ همان طوریکه ابراهیم "از کرخه تا راین" را نیز خیلی‌ها تحمل نمی‌کردند. خیلی‌ها که دل بسته حاتمی‌کیا بودند و یا شاید برخی‌هایی که از فیلم‌های او مقصود دیگری را طلب می‌کردند؛ این ۸ سال او را متفاوت از گذشته‌اش دیدند و زبان به انتقاد گشودند که او هم از نردبام ارزش‌ها پایین آمد. اما همه فراموش کردیم که ابراهیم، سینما را نه برای سینما که برای دغدغه‌هایش می‌خواست و فرمان دلش دست همین دغدغه‌ها بود و او را به ایستگاه‌های "به نام پدر" و "به رنگ ارغوان" و "دعوت" و "گزارش یک جشن" می‌برد و این به معنای تغییر او نبود؛ که نشان از حاتمی‌کیایی داشت که دغدغه‌ها دست از سرش برنداشته‌اند و درست یا نادرست، او روایت کننده مسائلی بود که نشان می‌داد، هنوز کنج عافیت را انتخاب نکرده است. به همین خاطر همواره-حتی همین ماه اخیر- از همه فیلم‌هایش دفاع کرده و از نادیده گرفتن برخی آثار گلایه‌مند بوده است.

اما به نظر می‌رسد ابراهیم حاتمی‌کیا با "ج" بغض فروخورده سالهای اخیر را بیرون ریخته و تلاش می‌کند پاسخ هجمه‌ها را به یکباره بدهد و از این شهر به آن شهر و از این همایش به آن همایش رفتن مجالی شده برای برون داد این بغض‌ها.

حاتمی‌کیای امروز کم طاقست شده و به نظر می‌رسد تاب سوختن را از دست داده و این روزها آتشی که حواشی برایش فراهم کرده است و خودش نیز گاهی بر آن می‌دمد؛ او را در حاله‌ای از دود قرار داده است و تصور می‌شود که ابراهیم، این روزها باید آژانسش را بار دیگر ببیند که می‌گفت: "خیبری سوز دارد؛ دود ندارد" و امید است که او از میان این آتش و دود به سلامت عبور کند.

می‌بیند. چمران روزی برای من چمران شد که دیدم او مرد صلح است اما نه به هر قیمت. این تحلیلی است که با وضعیت موجود با گوشت و پوستمان آن را احساس می‌کنم. بعد از قتل عامی که آن سالها در آن فضا صورت گرفته بود، اتفاقات تلخی که در بیمارستان رخ داده بود و افکار عمومی به شدت جریحه دار شده بود، چیزهایی که من زیاد نخواستیم در فیلم واردش شوم، درست بعد از این اتفاقات چمران فکر می‌کند باید این روح را آرام کند. چمران نهایتاً فیلم من است.

آقای حاتمی‌کیا برخی‌ها به شما بابت ساخت برخی فیلم‌ها مانند دعوت انتقاد داشتند و عنوان می‌کنند فیلم "ج" به معنی بازگشت مجددتان به قبل است. نظر شما چیست؟

این حرف‌ها به من زخم می‌زند و من از منتقدانی که می‌خواهند برخی فیلم‌های من را حذف کنند و نادیده بگیرند گله دارم.

من فیلم‌سازم و تلاش می‌کنم با شرایط زمان خودم فیلم بسازم. در واقع هر آنچه که از من در قاب سینما می‌بینید دغدغه من است و نباید برخی از این دغدغه‌ها را نادیده گرفت.

بارها درباره اینکه چرا سراغ سایر حوزه‌ها رفته‌ام از من سوال شده است و من هم بارها گفته‌ام که وابسته به هیچ کس نیستم و به هیچ دولتی هم ربط ندارم. خودم را آزادتر از این حرف‌ها می‌دانم و قبلاً هم گفتم جنگ برای من محدود به منطقه جنگی نیست و به یک تعریف، فیلم «دعوت» هم جنگ در یک نقطه است. خودم را در یک گیومه خاص جا نمی‌دهم.

البته غصه‌ام این است که فرزندان شهدا من را عمو ابراهیم صدا می‌کنند و من جوابی برای کم کاری در این عرصه برای آنها ندارم.

اگر حرفی با مخاطبان دارید...

فیلم "ج" حاصل اراده جمعی و گروهی است و باید دقت شود که من در آن زاویه نگاه خودم را داشتم با زبانی دراماتیک. امیدوارم که "ج" در قاب چشمان تماشاگر بدرخشد.

به آقای راد سلام نظامی میدهد تلاش کردم این‌ها را نشان بدهم. سعی شد تا در فیلم چهره مظلومیت را بوسیله آقای راد نشان بدهیم؛ فرمانده‌ای که خودش را به خطر می‌اندازد و در دل خطر می‌رود.

به کدام سکانس علاقه دارید؟
سکانس قبرستان خیلی کوبنده و قشنگ است و هر بار که می‌بینمش یادم می‌رود فیلم را خودم ساختم

سکانس قبرستان خیلی کوبنده و قشنگ است و هر بار که می‌بینمش یادم می‌رود فیلم را خودم ساختم

می‌رود فیلم را خودم ساختم. این سکانس هم‌آوردی چمران و عنایتی است. از لحاظ دراماتیک به این سکانس خیلی علاقه دارم. اما در کنار سکانس‌های مختلف آنچه که در این فیلم بسیار اهمیت دارد پیام امام (ره) است که در انتهای فیلم وجود دارد.

بارها گفته‌ام که وابسته به هیچ کس نیستم و به هیچ دولتی هم ربط ندارم. خودم را آزادتر از این حرف‌ها می‌دانم و قبلاً هم گفتم جنگ برای من محدود به منطقه جنگی نیست

در فیلم تلاش کردید کدام بعد از شخصیت شهید چمران را برجسته تر کنید؟

آنچه گفتم در همین قابی است که تعریف کردم. شخصیتی عارف و معناگرا که در عین حال اهل مجاهدت و فداکاری بود. شهید چمران دارای وجوه شخصیتی بسیاری بود.

البته قبلاً گفته‌ام اما باز باید اینجا تاکید کنم که چمران «ج» صراحتاً چمران بنده است. واقعیت این است که هر کسی هر واقع تاریخی را از منظر خودش



و هر کس این فیلم را می‌بیند می‌گوید من شبیه این شخصیت را دیدم و با این شخصیت‌ها ما مواجه هستیم به طور دائم چه در طول جنگ و چه پس از آن.

از چه زمانی پیش تولید را شروع کردید، لوکیشن‌هایتان چند تا بوده و فیلمبرداری چقدر طول کشیده؟ چقدر هزینه تولید شده است؟

از هزینه‌ها خیلی اطلاع ندارم چون بیشتر دست تهیه کننده است. اما لوکیشن کرمان خیلی برای من ناشناخته بود چون من نه آنجا به دنیا آمدم و نه زندگی کردم و نه تا به حال سر کاری داشتیم. در آوردن لهجه بسیار مشکل و حساس بود که ما سعی کردیم از لهجه شهدادی آقای یدالله شادمانی که بازیگر توانمندی هستند و در فیلم خسته نباشید بازی کردند لهجه‌ها را کار بکنیم. ما تقریباً در پنج یا شش تا روستا فیلم را کار کردیم. روستای مانی، ریسه، موقویه، سرخون، میمند؛ تا اونجا که یادم می‌آید و از همه مشکلتر و سختتر معدن مس سرچشمه بود که یک‌سری سکانس‌ها در معدن می‌گذشت و کار کردن در معدن خیلی سخت بود به خصوص در بخش تغلیظ و ذوب که خدا را شکر رفتیم و کار کردیم و البته گروه خیلی با هم همکاری کردند که توانستند از پس شرایط سخت فیلم برآیند آن هم در ماه تابستان.

نظرتان راجع به هیئت داوری چیست؟

خیلی ترکیب خوبی بود و شاید بی‌سابقه بود این ترکیب در سال‌های اخیر. به هر حال بزرگان سینما بودند که روی نظرشان بحثی وجود ندارد و نظر دیگران هم روی نظرشان تاثیری نمی‌گذارد.

شبیاری ۱۴۳ در جشنواره‌های

خارجی هم شرکت داده می‌شود؟ رایزنی کرده‌اید برای این موضوع؟ نه. هنوز هیچ اتفاقی نیافتاده است. آنقدر درگیر جشنواره‌های داخلی بودیم که جشنواره‌های خارجی را فراموش کردیم. اما چون ما یک نگاه کاملاً انسانی به موضوع جنگ داریم و اینکه جنگ به ما تحمیل شده و ما قربانی جنگ بودیم این خودش یک نگاه جهانی است و امکانش هست که فیلم شرکت داده بشود در جشنواره‌های جهانی و من خیلی خوشحال می‌شوم که در خارج از ایران هم دیده شود و مخاطب با آن ارتباط برقرار کند و معمولاً پخش کننده‌ها از جشنواره‌های الف شروع می‌کنند تا برسد به جشنواره‌های بعدی.

دوست دارید در یک ژانر

نرگس آبیاری، کارگردان شبیاری ۱۴۳ در گفت و گو با ۴۲

با فیلم‌های حاتمی‌کیا زندگی کرده‌ام



گفت‌وگو
حامد کبیری

شبیاری ۱۴۳ را خیلی‌ها پدیده جشنواره امسال می‌دانستند. پدیده‌ای که با حواشی زیادی بر سر زبانها افتاد و ابراهیم حاتمی‌کیا که سالها مهر سکوت بر دهان زده بود در تعریف از این فیلم سنگ تمام گذاشت. هر چند که ساختن فیلم درباره مادران شهدا قبلاً هم با تجربه خوب همایون اسعدیان در فیلم زیبای بوسیدن روی ماه اتفاق افتاده بود اما اینکه یک فیلم‌ساز جوان با ساختن اولین اثر سینمایی‌اش بتواند نگاه‌ها را به سمت خود بچرخاند ارزشمند بود. و مهمتر از همه این بود که این فیلم توانست نظر مخاطبان را جلب کند. درباره این اثر و حواشی‌اش گفت و گوی کوتاهی داشتیم با نرگس آبیاری کارگردان شبیاری ۱۴۳.

چرا سراغ شبیاری ۱۴۳ رفتید؟

در مورد جنگ و دفاع مقدس به هر حال همیشه موضوعات دراماتیک و جالبی را می‌شود کار کرد. من این موضوع و در واقع این شخصیت و کاراکتر و اتفاقاتی که برایش افتاده بود را سالها پیش با آن آشنا شدم. آن موقع برای تحقیقی به یک محلی رفته بودم و در آن شهر با کاراکتری شبیه الفت آشنا شدم و خواستم یک جایی از این کاراکتر استفاده کنم که البته در یکی از رمان‌هایم این کاراکتر

موجود است به اسم اختر. اگر چه من نگاهی به آن رمان داشتم ولی خیلی کارم شبیه آن رمان نیست و این را آوردم در بستر بومی و فولکلوریک کرمان کار کردم و نتیجه شد شبیاری ۱۴۳.

در این فیلم یک حس خوبی

وجود دارد و در مورد مادران شهدا این حس خوب به خوبی به بیننده منتقل می‌شود. می‌خواستیم بدانیم آیا خودتان از خانواده شهدا هستید یا

ارتباطی دارید با مادران شهدا؟ این فیلم درباره مادری است که چشم انتظار است. پدر و برادر در جبهه بودند و مادر لحظاتی را برای بازگشت اینها سپری می‌کرد و دلشوره زیادی داشت برای اینها که سالم باشند و زخمی نشوند یا شهید یا اسیر نشوند و من همواره مواجه بودم با این دلشوره‌های مادر اما ما نمونه‌های شبیه این مادر یا این شخصیت را در اطرافیانمان و در فامیل و اقوام و همسایه و دوست زیاد دیده‌ایم

نهایی هم یک سری باید و نبایدهایی بود که آقای رضا داد خودشان فیلم را دیدند و رای به این دادند که این فیلم در بخش مسابقه حضور داشته باشد.

ل برای فیلم حواشی درست کردند؟

نه حواشی خاصی نبود. البته یکی دو تا سایت هستند که بدگویی‌هایی در مورد فیلم می‌کنند اما کلیت جامعه و گرایش‌های مختلف فکری جامعه روی فیلم متفق القول هستند و فیلم را دوست دارند و من کامنت‌هایی که می‌دیدم از افراد مختلف می‌دیدم که می‌گویند تا به حال ندیده بودیم این همه وفات سر یک موضوعی وجود داشته باشه در بین مردم. بازخوردها تا به اینجا خیلی عالی و غافل گیر کننده و خارج از حد انتظار من بوده و این نشان می‌دهد که مردم آن طور که مشهور است و می‌گویند در دوره جدید مردم از سینمای جنگ خسته و دلزده شده‌اند و استقبال نمی‌کنند واقعی نیست و اگر ما یک برش واقعی و یک نگاه واقعی و درست به سینمای جنگ و دفاع مقدس داشته باشیم مردم استقبال هم می‌کنند چنان که یک فیلم دفاع مقدسی داشته باشیم خیلی دور از انتظار هست که در آرای مردمی نفر اول بشود.

گفتند که این فیلم را دوستان نمی‌خواستند به بخش مسابقه جشنواره راه بدهند و یک سری از دوستان رایزنی کردند تا این فیلم وارد بخش مسابقه شد. چرا نمی‌خواستند و این که چه افرادی



در دو تا لیست اولیه که از دفتر جشنواره اعلام شد فیلم ما نبود در لیست نهایی هم یک سری باید و نبایدهایی بود که آقای رضا داد خودشان فیلم را دیدند و رای به این دادند که این فیلم در بخش مسابقه حضور داشته باشد

آمدند و صحبت کردند که این فیلم در بخش مسابقه قرار گرفت؟

خیلی نمی‌خواهم به این موضوع بپردازم اما در دو تا لیست اولیه که از دفتر جشنواره اعلام شد فیلم ما نبود در لیست

پنجگانه را دنبال میکنید؟

نه لزوماً که بخواهم یک پنجگانه را دنبال کنم ولی بدم نمی‌آید که در حوزه‌های مختلف و موضوعات مختلف کار بکنم.

ل آقای حاتمی‌کیا تعریف ویژه‌ای

از فیلم شما کردند. شاید همین تعاریف باعث شد که این فیلم بهتر دیده شود. نظر شما در این رابطه چیست؟

با فیلم های آقای حاتمی‌کیا من دوره ای را زندگی کردم. مثلاً یاد هست که زمانی که از کرخه تا راین پخش می‌شد من سنی نداشتم و خیلی درگیر آن فیلم شده بودم و احساسات من را خیلی برانگیخته بود. با این شخصیت‌های مثل حاج کاظم، جمعه یا شخصیت‌های مختلف بوی پیراهن یوسف با این داستان‌ها زندگی کردم و آقای حاتمی‌کیا به هر حال در حقیقت سردمدار و طلایه دار سینمای دفاع مقدس هستند و آثار تاثیرگذاری ساختند در این حوزه و به این دلیل که خودشان دغدغه جنگ و دفاع مقدس را داشتند و چون حرفشان از دل بر می‌آمده قاعدتاً بر دل هم می‌نشست.

ل در جشنواره آقای حاتمی‌کیا

بخصوص شناخته شوید؟

جنگ و مسائل اجتماعی خیلی موضوعات به هم تنیده‌ای هستند و نمی‌شود از هم جدایشان کرد اما خودم به شخصه دوست ندارم فیلم‌ساز یک ژانر بخصوص شناخته شوم. بلکه دوست دارم در همه



یادم هست که زمانی که از کرخه تا راین پخش می‌شد من سنی نداشتم و خیلی درگیر آن فیلم شده بودم و احساسات من را خیلی برانگیخته بود

زمینه‌ها کار کنم؛ مثلاً کودک، جنگ یا ژانر اجتماعی کار کنم. مثلاً شیار ۱۴۳ هم جنگ هست و هم اجتماعی.

ل شما هم مثل آقای حاتمی‌کیا یک

مینوفر شچی
فیلمنامه‌نویس



نمایش قهرمانان واقعی جنگ

که چرا بازی آنها در جشنواره نادیده گرفته شده است. به عنوان مثال خانمی که نقش مادر بزرگ را بازی می‌کرد و از بازیگران تئاتر کرمان بود در ایفا نقش خود بسیار خوب و عالی عمل کرده بود.

در خصوص فیلم‌نامه تعلیق بسیار خوبی در فیلم وجود دارد و این تعلیق تماشاگر را تا پایان فیلم روی صندلی می‌نشانند. به لحاظ کارگردانی هم کار خانم آبیار بسیار خوب و بسیار سطح بالا است، بازی‌های فیلم بسیار روان و ساده و یک‌دست ارائه می‌شود و این ممکن نیست مگر با مدیریت یک کارگردان قوی و با دقت.

در زمان جنگ اغلب فیلم‌هایی که تولید می‌شوند فیلم‌های تبلیغاتی و حماسی هستند اما در زمان بعد از جنگ می‌توان به تدریج فیلم‌هایی را تولید کرد که به واقعیات جنگ نزدیک تر باشند و اتفاقات به وجود آمده در آن را با دقت بیشتری به تصویر بکشند.

صحنه پایانی فیلم که بسیار تاثیر گذار است را من زمان جنگ از یک مادر شهید شنیدم و همیشه آرزو می‌کردم شرایطی پیش بیاید که این صحنه به عنوان صحنه‌ای ماندگار در سینما و تلویزیون این مملکت ثبت شود و خدا را شکر این اتفاق در شیار ۱۴۳ افتاد.

فیلم شیار ۱۴۳ بدون نشان دادن توپ و تانک و صحنه‌های اکشن قهرمانان واقعی جنگ که همان مادران شهید هستند را به ما معرفی کرد.

من به همراه مردم این فیلم را در سینما دیدم و عکس العمل مردم را از نزدیک مشاهده کردم، مردم واقعا تحت تاثیر این فیلم قرار گرفتند و همراه با آن گریستند. مردم با این فیلم همذات پنداری کردند و برای آن اشک ریختند چون داشتند فیلمی درباره بچه‌های خودشان و جگر گوشه‌هایشان می‌دیدند، مردم درباره مادران شهیدی فیلم دیدند که سالها است به عنوان همسایه یا خواهر یا فامیل یا دوست در کنار آنها زندگی می‌کنند و از نزدیک با مشکلات آنها آشنا هستند.

تاکنون درباره مادران شهدا یک تعداد فیلم مستند تولید شده است که فیلم‌های بسیار خوب و تاثیرگذاری هم هستند اما در این باره هیچ فیلم داستانی تا به حال تولید نشده و فیلم «شیار ۱۴۳» اولین فیلمی است که به طور کامل به این بحث می‌پردازد.

از طرفی بازی خانم مریلا زارعی بسیار عالی و در خور توجه بود. من با این که خودم تجربه بازی در فیلم های سینمایی را دارم هنگام تماشای فیلم، خیلی وقتها فراموش کردم که بازیگر این فیلم خانم زارعی است. بازی کسانی که نقش‌های دوم و سوم این فیلم را بازی کردند نیز بسیار خوب و عالی بود و من تعجب می‌کنم



ناصر سهراپی
منتقد

«چ» میلیاردی خواهد شد

فیلم است که به جرات می‌توان گفت این صحنه در تاریخ سینمای ایران بی‌نظیر است. فیلم «چ» خصوصیتی دارد که با توجه به این خصوصیات می‌تواند به یکی از فیلم‌های پر فروش سال تبدیل شود. فیلم‌های فاخر و ارزنده‌ای که توسط ابراهیم حاتمی کیا تولید شده است نام او را به یک برند معتبر تبدیل کرده است. وجود نام او به عنوان نویسنده و کارگردان یک فیلم می‌تواند تماشاگران زیادی را برای دیدن آن فیلم به سالن سینما بیاورد و آنها را جذب فیلم کند. وجود صحنه‌های بسیار جذاب و جلوه‌های ناب و بصری فیلم و همین‌طور وجود صحنه‌های تیراندازی و سقوط هلیکوپتر و درگیری‌های اصغر و صالی باعث شده که فیلم «چ» فیلمی مخاطب‌پسند از کار در بیاید.

البته نکاتی هم در فیلم وجود دارد که اشاره به آن خالی از لطف نیست. به نظر می‌رسد که شخصیت پردازی شهید چمران در فیلم تحت الشعاع شخصیت پردازی اصغر و صالی قرار گرفته و در بسیاری از موارد این اصغر و صالی است که قهرمان فیلم است و لحظه‌ها و سکانس‌ها را او به پیش می‌برد.

ابراهیم حاتمی کیا یکی از شاخص‌ترین کارگردانهای سینمای ایران است. وی با کارگردانی فیلم‌های مهم و قابل توجهی مثل دیده بان و مهاجر و از کرخه تا راین و آژانس شیشه‌ای توانسته است جایگاه مهم و درخور اعتنایی را در بین مردم برای خود تعریف کند و جایگاه خود را به عنوان کارگردانی که مساله دفاع مقدس برای او اهمیت دارد در سینمای ایران تثبیت کند.

در بین آثار ابراهیم حاتمی کیا هم آثار پر فروش مثل از کرخه تا راین و آژانس شیشه‌ای دیده می‌شود و هم آثاری مثل دیده بان و مهاجر و خاکستر سبز که بار مفهومی آنها به بار تجاری‌اش می‌چربد. اما در این بین فیلم «چ» کاملاً چیز دیگری است و ابراهیم حاتمی کیا با این فیلم روند جدیدی را در فیلمسازی‌اش تجربه کرده است.

«چ» با رویکردی کاملاً تجاری تولید شده و به جرات می‌توان گفت که از تمام کارهایی که در بنیاد سینمایی فارابی انجام شده است یک سر و گردن بالاتر است. برخی سکانس‌های فیلم آن قدر خوب و عالی از کار درآمده‌اند که می‌توان آنها را با فیلم‌های هالیوود مقایسه کرد. به عنوان مثال صحنه سقوط هلیکوپتر یکی از صحنه‌های درخشان و ماندگار



حاتمی کیا از افشای دیروز کوتاه نمی آید

محمد تقی فهیم
منتقد

فیلم «چ» از جمله آثاری است که به تمام معنا «سینما» است. سینمایی که واجد عوامل ساختارمند است. موضوع و مضمون با فرمی جذاب عجین و محقق شده است، داستان پرمایه و با شاخ و برگ مناسب، شخصیت دارد، قهرمان و ضد قهرمان دارد، زمان و مکان قصه پردازی قابل شناسایی است، در «گونه» تثبیت شده دفاع مقدس پرداخت شده و روایت کاملاً ساختار دارد. کلا سینمایی است که لذت می بخشد.

«چ» روایت دوشبانه روز حضور دکتر چمران (فریریز عرب نیا) در مقام نماینده دولت به اتفاق تیمسار فلاحی (سعید راد) و ... در پناه کردستان است. دکتر وقتی می رسد که شهر در آستانه سقوط است. اصغر وصالی (بابک حمیدیان) فرمانده نیروهای پاسدار با تعدادی رزمنده تنها حافظان مردم در برابر هجوم سرتا پا مسلح ضد انقلاب به سرکردگی دکتر عنایت (مهدی سلطانی) است. و ...

حاتمی کیا در اجرای سینمایی این روایت با استفاده از تجارب متعدددش در گونه دفاع مقدس اوج پختگی اش را به کار برده است. یک فیلم سخت، نفس گیر، پرتلیق، گره افکن، اکشن، عاطفی، عاشقانه، پرچالش، کنشمند، اکتیو، میهن پرستانه، اینتولویک، بسیجی، مردمی و دریک کلام سینما به مفهوم اثر گذار و هیجان آور و این یعنی نزدیک به قله، یک یا علی مانده است.

حاتمی کیا نه تنها در این فیلم خوب قصه می گوید که در روایت به سادگی برگزار نمی کند. طراحی صحنه و لباس، جلوه های ویژه میدانی و کامپیوتری، کنترل فصل های شلوغ بی غلط، میزاسن های کاملاً در خدمت درام، ممانعت از افت ریتم، بازی های انرژیک و اکتیو مخصوص این ژانر، همه خوب طراحی و اجرا شده اند. شکوهمند و غافلگیر کننده، سکانس سرنگونی هلیکوپتر حامل زخمی ها به غایت به اندازه است. فراتر از تکنیک نگه دارنده تماشاگر، پر از حس و عاطفه است. این فصل به شدت از همه صحنه های پر تیر و تفنگ و رجزخوانی های مخالف و موافق، بدویت و قساوت دشمن را بهتر و عمیق تر به نمایش درمی آورد.

اما بنیادی ترین عامل در موضوع و مضمون، تاریخ نگاری و اطلاع دهی «چ» است. حاتمی کیا برای نسل کنونی و فردا از افشای دیروز کوتاه نمی آید. او در عین زنده کردن کاروزار و صحنه های رزم و حضور خصم، این هنگامه را بدون بک گراند سیاسی نمی بیند. مناسبات پشت پرده ای در کار است. زد و بند و معامله ای شده است، چگونگی عملکرد مرکز نشینان فراموش نمی شود، به دادگاه رفتن فرماندهان ارتش، کوتاهی کردن دولت موقت تا سیاسیون همراهش، به بحث و چالش کشیده می شود، چنانکه راهی نمی ماند جز ورود امام به صحنه و چه کار ساز است پیام آن مراد بسیجیان و مردم کوچک و بازار و گرنه آرزوی طاعوت فراری مبنی بر ایرانستان شدن ایران، شدنی بود.



امکانات بیشتر «چ» را بهتر می کرد

محمدصادق آذین
مدیر تولید

در حوزه دفاع مقدس و انتقال ارزشهای آن به نسل جدید آن قدر کم کاری شده است که اگر از همین امروز شروع به کار کنیم باز هم ده الی پانزده سال طول می کشد تا به سطح قابل قبولی برسیم. این کم کاری باعث شده است تا آن چیزی که به عنوان واقعیت در جبهه های جنگ حضور داشت مورد تحریف متقلبان قرار بگیرد و شخصیت های جعلی و صحنه های جعلی که هیچ گاه در جبهه وجود نداشتند، جای شخصیت های واقعی و واقعیت های اصیل جنگ را بگیرند و جوانان امروز را سرگردان کنند.

چند سال قبل مسئولین آمدند و برای اینکه ما را از درگیر شدن با ارگانهای دولتی نجات دهند شهرک سینمایی دفاع مقدس را احداث کردند؛ اما امکانات این شهرک به جای اینکه زیاد شود روز به روز کم شد و تهیه کنندگان و عوامل تولید را بیشتر و بیشتر درگیر این اداره و آن اداره کرد. به نظرم اگر قرار است که در مورد دفاع مقدس و ارزشهای آن کار شود لازم است که یک بار برای همیشه ارتش و سپاه دست به دست هم بدهند و لوازم مورد نیاز شهرک سینمایی دفاع مقدس را تجهیز کنند.

در خصوص شهید چمران نیز ساختن اثر ارزشمند بسیار لازم و ضروری بود چرا که شهید چمران علاوه بر اینکه مرد جنگ بود مرد خدا هم بود. وی جملاتی عارفانه دارد که می توان با یادآوری آنها به آرامش رسید و در این دنیای پراز هیاهو، دقایقی را با یاد خدا سر کرد. به نظرم اگر امکانات بهتری را در اختیار ابراهیم حاتمی کیا می گذاشتند ایشان فیلم بسیار بهتری را تحویل می داد و فیلم می توانست با بهترین های هالیوود رقابت کند.

چندی پیش فیلمنامه ای به دست من رسید درباره شهید متوسلیان که بهزاد بهزادپور آن را نوشته بود و من از خواندن این فیلم نامه بسیار لذت بردم، حتی در برخی از سکانس های فیلمنامه منقلب شده واشکم سرازیر شد. طبق برآوردی که من کردم برای تولید این فیلم حداقل صد تانک و توپ لازم بود که متاسفانه ما در شهرک سینمایی این امکانات را نداریم. عدم امکانات باعث می شود که فیلمنامه به این شگنی و زیبایی در اجرا آن طور که لازم است تصویری نشود و تاثیر لازم را نگذارد.



به نظر شما ضرورت و اهمیت آموزش در توسعه سینمای دینی چیست؟

ببینید، مهمتر از آموزش در حوزه سینمای دینی تربیت سینماگر دینی است، تربیت قلم دینی است. به نظرم این امر ضروری‌ترین نیاز سینمای دینی است. فیلمساز و آفریننده سینما، ابتدا حاصل تربیت است نه حاصل آموزش. در واقع معتقدم که باید به نوعی خودسازی رسیده باشند به نوعی باور دینی، تا بتوانند بعدها با آموزش‌هایی که می‌بینند، آن باور را نمایشی و سینمایی کنند.

این که می‌گویید تربیت صورت بگیرد و این باور ایجاد بشود در افرادی که آموزش می‌بینند، این را چگونه می‌شود ایجاد کرد؟

به حوزه‌های علمیه نگاه کنید. از چه زمانی و سنی تربیت در آنها شروع می‌شود؟ اگر تربیتی انسانی و دینی در مورد هدایت‌گران سینما و تلویزیون صورت بگیرد، نتیجه خواهیم گرفت. این کار در حوزه پذیرش و جذب نیرو و استعدادیابی باید از سنین پایین آغاز شود. یعنی تشکیلاتی منظم و مستمر وجود داشته باشد که در این حوزه‌ها استعدادیابی کند و نیروهایی که دارای خانواده و پیشینه فرهنگی و خانوادگی هستند برای آموزش‌های بعدی، مستعد تشخیص داده شوند. یعنی چنین افرادی، هم از نظر خلاقیت خوب خواهند بود و هم از نظر هدایت‌گری، دیگر نگرانی‌ای نخواهیم داشت که جامعه را به دست‌شان بسپاریم. بالاخره پرورش نیرو هم برای خودش ساز و کارهای مختلفی دارد.

یعنی معتقدید تربیت هنرمند باید از سنین پایین شروع شود؟

بله. چون بلوغ فیلم‌سازی در مثلاً پنجاه سالگی خیلی دیر است. اگر از سنین پایین شروع شود می‌توانند در سنین بیست یا هجده سالگی به بلوغ فیلم‌سازی برسند. در این صورت می‌توانیم نیروهایی داشته باشیم که هم جوان هستند، هم بازده فیلم‌سازی مفیدشان بیشتر است. بالاخره با انرژی و توان و خلاقیت ناب‌تری می‌توانند کار کنند.

بعد از انقلاب چقدر روی مقوله تربیت برای سینما کار شده است؟

فعلاً که نداریم. شاید مثلاً به طور خصوصی و فردی شکل بگیرد. یعنی یک فیلمساز فیلم دینی، به صورت شخصی تربیت می‌شود و یک نفر و دو نفر به او اقتدا می‌کنند و کار را ادامه می‌دهند.

چرا الان بعد از سی و چهار سال که به هر حال زمان کمی هم نیست هنوز نتوانسته‌ایم موسساتی داشته باشیم که آن جور که باید به تربیت



گفت و گو با پرویز شیخ طادی؛ کارگردان شکارچی شبانه

باید قوه چهارم ایجاد شود!

محسن تولایی

شاید مهمترین بخش سینمای دینی را، بتوان تربیت یا در وهله اول پیدا کردن افرادی دانست که هم دغدغه دین داشته باشند، هم دغدغه فرم و سینما. و شاید گاهی یکی از این وجوه نادیده گرفته شده و ما با آثاری روبرو شده ایم که نمی‌توانستیم تمام قد از آن دفاع کنیم.

گفتگو با پرویز شیخ طادی، کارگردان و نویسنده آثار سینمایی، در همین موضوع و پیرامون انجام شده است. شیخ طادی اعتقاد راسخی دارد که قبل از آموزش فرم، باید آموزش محتوا و اخلاق صورت بگیرد. به این صورت که فرم را یک تیغ می‌داند که می‌تواند این تیغ، در دست یک زنگی مست باشد، یا در دست یک جراح.

کارگردان فیلم «شکارچی شبانه» معتقد است که کاری شبیه حوزه‌های علمیه، در حوزه سینما نیز باید شکل بگیرد؛ به این شکل که تربیت نیرو باید از سنین پایین صورت بگیرد تا فیلمساز، به یک بلوغ زود هنگام اخلاقی و سینمایی برسد که از قبل این بلوغ زودرس، انرژی و بازده زمانی بیشتری برای تولید محصولات دینی داشته باشد.

این کارگردان در ادامه مصاحبه، همچنین اشاره می‌کند که بعد از انقلاب، هنوز به یک سیستم روشمند و منظم بابت تربیت نیروی انسانی دست نیافته‌ایم. علتش را هم در ناهماهنگی نهادها می‌داند و موج‌ها و جزر و مد‌های مدیریتی. او البته پیشنهاد می‌کند که باید قوه چهارمی برای فرهنگ و اندیشه ایجاد شود که فراتر از این موج‌ها و جزر و مد‌ها باشد.

آمده اند، که نه تنها مفید نیستند بلکه بعضا کاملاً مضر و خطرناک هستند. در واقع قبل از اینکه تربیت شوند رفته اند مسلح شدند. تیغ تیز در دست زنگی مست! ما نباید همچین اشتباهاتی را دوباره تکرار کنیم، یا اینکه خدای ناکرده در دام صرفاً آموزش آموزش بیفتیم. ما باید تربیت را در اولویت قرار بدهیم، بعد آموزش را.

آیا در حال حاضر کارهایی صورت می گیرد در زمینه تربیت هنرمند دینی؟

به صورت سازماندهی شده نیست. البته در قم من شنیدم که حوزه‌ها یک تلاش‌هایی دارند می‌کنند. در مشهد هم همین طور. فعالیت‌هایی را دارند انجام می‌دهند تا این دو را، تربیت و علم را در کنار هم قرار دهند و بتوانند هنرمندهایی را ترغیب کنند یا هدایت کنند به سمت حوزه‌های نمایشی.

بعضی‌ها معتقدند دین با ظرف سینما جور در نمی‌آید و دو مقوله کاملاً جدا هستند. این را قبول دارید؟

کسانی که معتقد به این هستند به نظرم ناامید شده‌اند از سینما. چون تا حالا سینما نتوانسته به این وظیفه عمل بکند لذا کل صورت مساله را بر عیب و مشکل می‌بینند. سینما نه این که بگوییم ظرفیت این را دارد که تمام حوزه‌های دینی را پوشش دهد، ولی این طور هم نیست که بگوییم اصلاً نمی‌تواند وارد حوزه دینی بشود. بعضی از آثار به صورت تجربی این را ثابت کرده اند.

شما کدام دستگاه را موظف می‌دانید که در این امر کار کند و هنرمند دینی را تربیت کند؟

الآن دستگاه‌ها هر کدام شرح وظایفی پیدا کرده اند. به دلیل این که ما خیلی اعتقاد به تربیت فیلمساز دینی نداریم و بیشتر آموزش و جست و جو هست، در واقع یک جوری قیاس می‌کنیم بین هنرمندان و آن کسی را که قدری نزدیک‌تر باشد به سینمای دینی، انتخاب می‌کنیم. این نشان می‌دهد که ما در حوزه مدیریت هم مشکل داریم. یعنی ما مدیر فرهنگی دینی که افقی داشته باشد با رویکرد دینی، یک نقشه راه داشته باشد یک راهبرد داشته باشد، نداریم. کاملاً در روزمرگی افتاده ایم. یا نقشه راهی را ارائه ندادند. والا حوزه هنری امکانات بسیاری دارد. وزارت ارشاد به همین صورت. وزارت ارشاد سال‌ها دست‌خوش پستی و بلندی‌های حوزه مدیریت بوده است. نمی‌توان امید داشت که بتواند کار درازمدت انجام بدهد. می‌ماند سازمان صدا و سیما که در واقع موثرترین رسانه فرهنگی کشور است و مخاطب چند ده میلیونی دارد. در مجموع می‌توان گفت که ما مدیریت واحد فرهنگی نداریم و استقلال هم وجود ندارد. مشکل اینجاست.

دارد، نگاه هدایت کننده دارد و خطایش هم بسیار پایین است.

این که گفته می‌شود صرفاً یک زمینه مذهبی داشته باشیم و وارد یادگیری فرم شویم این درست نیست؟

نه. اینها جواب نمی‌دهد و به تنهایی کافی نیست. ما نیازمند انسان تربیت شده

هنرمند دینی قبل از این که آموزش پوسته‌ای داشته باشد نیازمند این است که بنیادهای فکری و اعتقادی‌اش تکمیل شود

هستیم. عالم بی عمل محصولی تولید نمی‌کند، یک چیزی هست مثل فلش مموری. ما اگر که همه فیلمسازان مان فقط صرف این که به حرف بگویند ما معتقدیم و به لحاظ شناسنامه‌ای مسلمان باشند و چند تا کتاب خوانده باشند کافی نیست. در آن صورت این محصولات محصولات الکنی خواهد بود. تربیت خیلی متفاوت است.

ما نیازمند انسان تربیت شده هستیم. عالم بی عمل محصولی تولید نمی‌کند. یک چیزی هست مثل فلش مموری. ما اگر که همه فیلمسازان مان فقط صرف این که به حرف بگویند ما معتقدیم و به لحاظ شناسنامه‌ای مسلمان باشند و چند تا کتاب خوانده باشند کافی نیست

تربیت یعنی تمرین. یعنی همه تمرینات الهی را اجرا کردن. تمرینات تهذیب نفس داشته باشیم. این تربیت متفاوت است از آموزش. ما بسیاری از دانشمندانی را داریم در سراسر جهان در کشور خودمان بسیاری از علما را داریم، از عربستان و الازهر و مراکز دینی مسیحی اروپا و غیره، علمایی بیرون

بنیادهای فکری و اعتقادی‌اش تکمیل شود. باید در بحث فقه و فلسفه دوره ببیند و ابتدا صاحب فکر و اندیشه اسلامی باشد و بعد آن اندیشه، مسلح به فرم شود تا با ذهنی پیدا کند و در راستای احکام الهی باشد. این هم شیوه‌های خود را می‌طلبد. در این شیوه‌ها ممکن است فصل‌هایی قرار بگیرد، بخشی‌اش همین آموزش‌های فلسفه جهان است و فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف و از همه مهم‌تر بحث خودسازی و تقوا است. بعد از اینها، آموزش پوسته‌ای شروع می‌شود. اگر از ابتدا آموزش پوسته‌ای را شروع کنیم هیچ تضمینی وجود ندارد. ممکن است که فکر و اندیشه در جهت اهداف دیگر قرار بگیرد یا الکن و ناقص باشد. در واقع می‌خواهیم بگوییم آقا اول باید انسان باشیم، انسان مد نظر خداوند. بعد از آن می‌توانیم به احساس و هنر آن انسان خودساخته و تربیت شده اعتماد کنیم. می‌توانیم به آنچه در حوزه تخیل می‌آورد اعتماد کنیم و می‌تواند آن را بروز دهد و آن را به صورت داستان و هنرهای دیگر ارائه دهد.

حوزه‌های علمیه در این میان چه نقشی دارند؟

تقوا و تربیت ممزوجند، یعنی در تربیت دینی تقوا یکی از اساسی‌ترین مولفه‌ها است. این برمی‌گردد به بحث اول که این‌ها نیازمند تربیت فیلمساز است و این دراز مدت است. ما نمی‌توانیم بگوییم ظرف شش ماه این‌ها را فیلمساز دینی کرده‌ایم. این‌ها باید رسوخ پیدا کرده باشد در فطرت و جان فیلمساز! و این نیازمند آن است که در دوره طفولیت کار کنیم تا در آینده فیلمسازان خوبی داشته باشیم. حوزه‌های علمیه در پذیرش این موضوع، گزینش‌هایی انجام می‌دهند: خود پدر و مادرها که می‌خوانند فرزندانشان را به حوزه بفرستند عموماً یک سری آمادگی‌هایی دارند، آمادگی تربیتی دارند و در نتیجه وقتی اینها وارد حوزه می‌شوند دست پیدا می‌کنند به کلیدهای مهم زندگی که در حوزه اجتماعی بسیار کاربرد دارد. یعنی این کلیدها که در حوزه ارائه می‌شود، کلیدهای الهی است، در واقع یک کاتالوگ الهی برای انسان است. این کاتالوگ‌ها باید در واقع در دسترس فیلمسازان تربیت شده قرار بگیرد. این هنرمندان اول باید زیر ساخت‌های خود را به لحاظ اندیشه و تولید فکر محکم بکنند و بعد از آن در حوزه تخیل آنها را تقویت بکنند تا در موضوعات مختلف اجتماعی و اقتصادی و غیره بتوانند از نگاه دینی آن موضوع را پرداخت بکنند. در این صورت چنین امری کاملاً تخصصی می‌شود و این باعث می‌شود که خیلی ضریب خطای این افراد پایین‌تر بیاید. فیلمساز دینی در حوزه آسیب‌های اجتماعی نگاه امیدوار کننده دارد، نگاه اصلاح کننده

پیردازند؟

ما حساس‌ترین و در واقع مهم‌ترین حوزه سرنوشت‌ساز را در حوزه فیلم سپرده‌ایم به دست دولت. به دلیل متغیرهای مختلف ساختاری و... که دارد، خب مدیران فرهنگی نمی‌توانند برنامه‌ریزی بلند مدت داشته باشند. فرهنگ و اندیشه در خود متغیرهای مختلفی دارند و از دیگر سو بسته به دیپلماسی عمومی در هر دولت، فرهنگ جهت عوض می‌کند، سینما جهت عوض می‌کند.

خب، اگر به دولت نسپریم به چه کسی باید بسپریم؟

شما مثلاً مجموعه شبکه‌های بی بی سی در انگلیس را نگاه کنید، زیر نظر دولت نیست، زیر نظر قوه قضاییه نیست، می‌بینید که زیر نظر رئیس کشور است. در کشور ما به دلیل این که فرهنگ، دامنه‌اش بسیار گسترده‌تر از حوزه دولت است لذا فرهنگ و اندیشه نیازمند یک قوه مستقل مثل سایر قوا است؛ یک قوه چهارمی باشد مثل فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ بدون تاثیر و هدایت پذیری از دولت. قوه‌ای که مثل ارتش می‌تواند بدون دخالت و متاثر از فضای سیاسی قرار بگیرد و توسط سیاست‌پویان هدایت نشود. این هدایت از سمت ولایت باید باشد و از سمت مردم. اگر این استقلال نباشد ما مدام از این مشکلات داریم و برنامه‌ریزی دراز مدت هم نمی‌توانیم داشته باشیم.

آیا در کشورهای دیگر نیز برای این که هنرمند مورد نظرشان را تربیت کنند با ساختارهای دولتی این کار را انجام می‌دهند؟

به طور مشخص در در آمریکا قوه چهارم هالیوود است که تشکیلاتی است مستقل؛ که به شکل خصوصی تصمیم‌گیری‌هایی در آن انجام می‌شود. گاهی به دولت‌ها هم سرویس می‌دهد، گاهی به پنتاگون سرویس می‌دهد، گاهی به آن قوه سرویس می‌دهد، گاهی به پلیس سرویس می‌دهد، ولی مستقل است. البته این استقلال مثل آن چیزی نیست که گفتیم. آنها بخش خصوصی را در واقع تبدیل کردند به قوه چهارم و فرهنگ.

سئوالی که در این میان مطرح می‌شود، این است که آموزش نیروهای سینمای دینی صرفاً به آموزش فرم خلاصه می‌شود که یک عده دیندار را بیابوریم و نوع فیلمبرداری و نما و... را یاد بدهیم، یا اینکه شامل مولفه‌های دیگری هم هست؟

هنرمند دینی قبل از این که آموزش پوسته‌ای داشته باشد نیازمند این است که



صهیونیست‌ها چگونه وارد حوزه فرهنگ شده‌اند؟

لیلا سروی

سازمان فراماسونری نام برد چرا که دارای افکار ماسونی و ضد مسیحی بود و هدف آن کاستن قدرت مسیحیان بود. در سال ۱۷۸۶ با پیوستن فراماسونی‌ها به مجمع نورانی « وایز هاویت » آلمانی، زمینه ورود یهودی‌ها به این سازمان بیش از پیش فراهم شد و به دلیل تشابه فکری در میان پروتستان‌ها مورد توجه بسیار بود برای همین است که این مجمع در کشورهای پروتستانی چون آمریکا، انگلیس، استرالیا و شمال اروپا گسترش چشمگیری داشت. بعدها عقاید بی دینی و شیطانی در مجمع فراماسونی نمایان‌تر شد و کم‌کم یهودی‌ها بر فراماسونی تسلط یافتند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد این نظریه که مجمع فراماسونری همان یهودیت صهیونیسم است دور از عقل و باور نیست به‌ویژه فراماسونری‌های مسیحی

ملت‌های مسیحی و مسلمان اصابت کرده است. آری صحبت از تهاجمی همه‌گیر است، تهاجمی که باید از آن با عنوان تهاجم خاموش یا تهاجم شیطان نیز یاد کرد که تلفاتش بیش از تلفات یک حمله نظامی است. البته حضور فرهنگ صهیونیستی در میان مسلمانان چندان محسوس نیست اما پشت پرده آیین‌های نفوذی چون فراماسونری و شیطان پرستی این اسرائیلی است که جولان می‌دهد.

■ آیین فراماسونری لانه عنکبوت

اولین محفل فراماسونری در سال ۱۷۱۷ در انگلستان با هدف متحد ساختن بشر با تکیه بر عقل و منطق و کنار زدن دین از زندگی بشر تاسیس شد. اما باید سازمان مخفی شاه « هیرووس » یهودی را به عنوان اولین

نوشته‌های فوق بخشی از پروتکل‌های ۲۴ گانه سران صهیونیسم و در واقع همان تفکرات اهریمنی آنان برای سلطه بر جهان و برپایی حکومت یهودی است. طبق نوشته‌های دانشوران یهودی مهمترین ابزار نابودی یک ملت مشغول کردن جوانان به امور غیر اخلاقی و دور کردن آنان از اندیشیدن به علم و اخلاق می‌باشد. اسرائیل بارها ادعا کرده گزینه نظامی تنها راه برای رسیدن به حکومت جهانی است اما هیچ‌گاه میدان‌های دیگر را خالی نگذاشته است شاید یکی از سیاست‌های این رژیم سرگرم کردن دولت‌ها به تجهیز دفاعی است تا آنها را از امور مربوط به جوانان غافل کند. اگرچه اسرائیل با آن همه امکانات نظامی پیشرفته تاکنون نتوانسته با تهاجم نظامی به نتیجه‌ای برسد اما گویی تیرش به قلب فرهنگ

اعتیاد به الکل و افراط در نوشیدن نوشابه‌های سکرآور، مشکلی است که پس از اعطای آزادی میان غیر یهودی‌ها رواج پیدا می‌کند. بر ما یهودی‌ها لازم است که در چنین مسیری گام برنداریم. مردم غیر یهودی از همان آغاز جوانی به وسیله عوامل ما بی بند و بار و بدون اخلاق بار می‌آیند. عوامل ما عبارتند از معلمان سرخانه، خدمتکاران، منشی‌ها و زنانی که در خانه‌های ثروتمندان بچه داری می‌کنند. به کمک زنان یهودی مردان غیریهودی را در عشرت‌کده‌ها و محل‌های عیاشی به فساد اخلاقی می‌کشانیم و آنها را از جاده عفت و پاکدامنی منحرف می‌سازیم. من این جامعه را که به دست زنها به فساد کشانده می‌شود، جامعه زنان نام می‌نهم زیرا در فساد و تجمل پرستی دنباله رو دیگرانند.

خود را پیدا می‌کند و به دلیل آنکه ظرفیت کار هنری دارند به صورت جذابی در جامعه به خصوص در بین جوانان و زنان گسترش می‌یابند. نمادها و سمبل‌های شیطانی امروزه روی لباس‌ها، گردنبندها و دستبندها، انگشترها و ساعت، از کفش تا کلاه همه جا دیده می‌شود. این نمادها با طراحی‌های زیبا و متنوع جوانان را جذب می‌کنند پس از اینکه استفاده از آنها تکرار شد به عنوان بخشی از رفتار و سلیقه شخصی در آمده و به نوعی هویت فرد را تشکیل می‌دهند. این نمادها که در روابط انسانی جریان پیدا می‌کند به واسطه هنر موثرتر عمل می‌کنند و سینما یکی از تاثیرگذارترین هنرهاست. امروزه یکی از نمادهای معروف شیطان پرستی که در میان جوانان رایج است کرنا تو (شاخ شیطان) نام دارد که متأسفانه این نماد را در برخی از فیلم‌های ایرانی نیز می‌بینیم. یکی دیگر از نمادهای فراماسونی چشم جهان‌بین است که بر روی مثلث تاکید



لباس‌های رنگی جلف، آرایش‌های مشکی بنفش یا قرمز تند مدل موه‌های عجیب و غریب و ... است.

نمادهای شیطان در میان غفلت ما

اندک‌همت کوتاه‌نظر ظاهرپرست گشته‌اند و اساس کار فراماسون‌ها، همواره در هر زمانی و در هر کشوری، بهره‌جویی و بهره‌یابی از مردم زبون ناتوان سست‌پای سست‌دل سست‌رأی بوده است.»

براساس گزارش‌های نیمه رسمی چندین

که به آیین شیطان پرستی گرایش یافتند فلسفه خود را کابالا همان مشرب فکری آیین یهودیت معرفی کردند. مشربی که بر شیطان پرستی و بت‌پرستی و جادو تکیه دارد. مشرب کابالا نوعی شیطان پرستی است که در کشور ما در دوره نمادین به سر می‌برد اما در کشورهای غربی به یک ایدئولوژی سیاسی و مذهبی تبدیل شده است و کاملاً با آرمان‌های صهیونیسم هماهنگی دارد. از جمله اعتقادات دیگر فراماسونی‌ها که آنها را به صهیونیسم‌ها بیشتر شبیه می‌کند اعتقاد آنها به ساختن معبد سلیمان است.

در برخی سایت‌های عبری نیز اشاره شده برخی از بنیان‌گذاران تل‌آویو ماسونی بودند (forum.emetaheret.org.il) و همچنین اشاره کردند که معبد هیکل نیز به سفارش برخی یهودیان ماسونی ساخته می‌شود. (old.conspil.com)

نفوذ فراماسونی در ایران



بر نشانه تثلیث دارد. این آرم بر روی همه دارایی‌های فراماسونی یعنی دلار دیده می‌شود و نشانه قدرت حاکمیت بر همه مادیات جهان را دارد و دارای یک دیدگاه مادی سرمایه داری می‌باشد. حال این چشم جهان‌بین با سهیل انگاری ما در برخی از آرم‌ها و نمادها و ساختمان‌های مهم ایران به وضوح دیده می‌شود و جای بسی تأسف است. در طراحی برخی آرم‌های شبکه‌های تلویزیونی چندان دقت نشده و گاه نام آنها نیز باعث تعجب شده است.

یا در طراحی برخی معابر یا ساختمان‌ها و غیره آرم چشم جهان‌بین به وضوح دیده می‌شود.

متأسفانه این گونه سازمان‌ها و جنبش‌ها تنها به دلیل نمادها نیست که اینگونه طرفدار دارد تبلیغ سرمایه‌داری و ایجاد برنامه‌های هیجان زا و جالب نیز باعث حرکت بشر بسوی آنها شده است چرا که به دنبال آن است با به انحصار درآوردن انسان در دنیای مادی به

جنبش‌هایی مثل فراماسونری و صهیونیسم که بدون شک باید از آنها به عنوان سازمان‌های شیطانی یاد کرد برای نشان دادن اعتقادات خود از نمادها استفاده گسترده ای می‌کنند. انتقال و نشر اندیشه‌ها از طریق نمادها به راحتی در فرهنگ عمومی جایگاه



فرقه شیطان پرستی صهیونیسمی در کشور ما فعال هستند که به صورت برنامه‌ریزی شده و هدفمند در حال جذب نیرو هستند. بیشتر این برنامه‌ها در میهمانی‌های شبانه با دوستان و پارتنرها انجام می‌شود. برخی نشانه‌های این افراد شلواری‌های گشاد،

در ایران به جای فراماسونی اصطلاح فراموش خانه، یا مجمع فراموشان و مجمع فرامیسان به کار رفته است. بعد از تاسیس نخستین لژ فراماسونری در سال ۱۷۲۵ در کلکته هند این مکان محل توزیع این آیین در آسیا به‌ویژه در ایران شد و شهرهای فارس و اصفهان مهم‌ترین مراکز توسعه آن بودند و شهرهایی که بیشتر یهودیان کشور را در خود جا داده‌اند. این مجمع در زمان‌های مختلف به‌ویژه در زمان پهلوی رشد گسترده‌ای داشت و امروز آثار آن باقی است. البته شاید گمان شود امروزه دیگر از افکار پلید این سازمان در میان دولت اسلامی دیده نمی‌شود اما نباید فراموش کرد که غفلت ما، ناآگاهی از شناخت این گروه باعث شده ناخواسته عامل تبلیغ این گروه در میان جوانان باشیم و این را هم باید بدانیم که دشمن آرام نخواهد نشست. یکی از پژوهشگران می‌نویسد: «فراماسون‌ها همیشه در همه جای جهان در پی مردم متوسط



اهداف بزرگ خود دست یابند. برای مثال استفاده از موسیقی متال و راک که در بین ایرانیان برخی از ایرانیان هم رواج دارد شاید علت ایجاد هیجان و هراس است و همچنین توجه بیش از حد جوانان ایرانی به فیلم های ژانر وحشت هالیوودی که مسلمانان پیزی تبلیغ جادو و سحر و معرفی کردن الگوی موراوی یا جاویدان در میان اروپاییان نیست و البته بدست آوردن سرمایه های بسیار و نابود کردن ریشه جوان یک ملت.

زبان عبری نیز طبعاً وسیله ای است برای نشان دادن زبان و فرهنگ ملت یهود به ویژه رژیم اسرائیل که به طور گسترده از آن استفاده می کند اما گاهی اوقات بدون هیچ گونه فرهنگ سازی و هیچ دلیل و توجیهی ما از این زبان به سود دشمن استفاده می کنیم و نمی دانیم دلیل نوشتن برخی جملات عبری بر پشت برخی کتب درسی چیست؟

■ نماد X و مفاهیم آن

متأسفانه چند وقتی است که شاهد گسترش و اشاعه نمادهای شیطانی و صهیونیستی در میهن عزیزمان هستیم، نوع و گستردگی این نمادها و افزایش ضریب نفوذ آنها همزمان با گسترش پدیده شیطان پرستی و عرفان های نو ظهور دیگر، خبر از فتنه ای بزرگ می دهد که موازین و چهار چوب دینی و اعتقادی ما را هدف گرفته است.

X یکی از این نشانه ها حرف سفید رنگ در زمینه ی سیاه است که شما حتماً آن را تحت عنوان بوگیر در زیر آینه خودروها مشاهده کرده اید.

این نماد همراه با سایر آموزه های شیطانی کابالا (سنت شفاهی جادو و جن گیری) نسل به نسل منتقل گشت تا اینکه در سال ۱۶۰۰ میلادی یک کابالیست و کیمیاگر آلمانی به نام JACOB BOMEH آنرا دوباره در اروپا باب نمود. پس از بومه این علامت به صورت مخفیانه و به شکل یک کد ارتباطی سالیان دراز در بین صهیونیست ها، کابالیست ها، فراماسون ها و شیطان پرستان استفاده می شد تا اینکه اخیراً به صورت گسترده و علنی و تحت عناوین مختلف (فیلم، بازی رایانه ای و...) از آن استفاده می شود و همان گونه که عرض نمودم این علامت نشان ظهور و احضار ابلیس و بندگی اوست. خود این مسئله (استفاده علنی از علامت X پس سال ها مخفی کاری) خبر از طرحی شیطانی برای جهانیان دارد.

■ هالیوود و صهیونیسم

بی تردید یکی از قدرتمندترین ابزارهای شکل دهنده افکار در جهان امروز، رسانه های آمریکا و به ویژه صنعت فیلم سازی هالیوود است. سینما و تلویزیون آمریکا که تصویر منفی ای را از غیرسفیدپوست ها - بومیان آمریکا، آمریکایی های آفریقایی تبار و آمریکایی های اسپانیایی تبار - به نمایش

گذاشته اند، از دهه ۱۹۵۰م. اعراب و مسلمانان را بیش از هر گروه قومی - مذهبی، به عنوان مایه نفرت، بیزاری و تمسخر، دستاویز قرار داده اند؛ زیرا اعراب، پرجمعیت ترین گروه سامی هستند و این خصوصیت علیه آنها، به معنی ضد سامی بودن آنهاست. نمایش تصویری منفی از اعراب در صنعت فیلم آمریکا، چندان تعجب آور نیست؛ اگر بدانیم که نقش اصلی را در هالیوود؛ یهودی ها و حامیان صهیونیست آنها بازی می کنند. در تحقیقی که در سال ۱۹۸۸م. با عنوان «یک امپراتوری برای خودشان» انجام شد، این موضوع که چگونه یهودی ها، هالیوود را پدید آوردند، مورد بررسی قرار گرفت.

نیل گابلر، نویسنده یهودی نشان می دهد که یهودی ها تمام کمپانی های اصلی فیلم آمریکا را پایه گذاری کردند که شامل کلمبیا، متروگلدوین میر، برادران وارنر، پارامونت، یونیورسال و فکر قرن بیست و یک می باشند. امروزه فیلم های هالیوودی بدون توجه دقیق به آنها در کشور خود ما دوبله می شود و از صدا و سیما پخش می شود. فیلم هایی که با معرفی کردن یک الگو و قهرمان غربی با سهل انگاری به دشمن پشت پرده یاری می رسانند فیلم هایی چون ارباب حلقه ها و فیلم هایی با مضمون زندگی جاویدان، یا زنده کردن مردگان (مومیایی) و غیره. برخی از فیلم های کودکان نیز علناً روابط زشت و قبیح را تبلیغ می کنند و از برخی شبکه ها پخش می شوند.

در برخی از بازی های رایانه ای نیز این افکار بسیار گسترده است. مدل مو کاراکترهای رایانه ای، انواع خال کوبی ها بر روی بدنشان، طرز لباس پوشیدنشان و غیره نمادهای فراوانی را تبلیغ می کنند. از جمله این بازی ها، بازی تیکن ۶ است که در میان جوانان و نوجوانان دارای طرفدارانی می باشد و بسیار نگران کننده است. از سوی دیگر خانه ها و افکار جوانان در زنجیر ماهواره ها و شبکه های غربی هستند. واقعا رویای دنیای آزاد در آن سوی آبها و روابط نامشروع به بهانه آزادی چرا اینقدر راحت و آسان در افکار جوانان ما راه یافته است. متأسفانه گاه ابزار تبلیغات صهیونیستی خواسته یا ناخواسته توسط هنرمندان عزیز ما فراهم می شود. در هر حال امروزه باید از هر زمان دیگر از این تهاجم خاموش ترسید متأسفانه موارد بسیار زیادی می توان از حضور فرهنگ صهیونیستی به طور مستقیم و یا به شکل آیین های دیگر چون فراماسونری و شیطان پرستی در ایران نام برد اما همین اندک؛ فکر می کنم خود نشانه خروارها در افکار جوانان مسلمان باشد. آیا لازم نیست بیشتر به فکر جوانان خود باشیم تا زندگی شان به پوچی نرسد؟ نتیجه ای که پایان همه اهداف آیین های فراماسونری و شیطان پرستی است.



دست در دست شیطان

«نظریه توطئه» (conspiracy the-ory) مفهومی جدلی و تبلیغاتی است که در دو دهه اخیر در فرهنگ سیاسی و مطبوعاتی و حتی محافل دانشگاه ایران به شدت رواج یافته است.

برخی تحلیلگران زمانی که در تبیین پدیده ها و تحولات قاصرند به «توهم توطئه» روی می آورند و می کوشند حوادث را به «دست پنهان توطئه گران» منتسب نموده و به این روش خویشتن را از هر ضعف و نقصانی برهانند.

در مقابل «توهم توطئه» در گروهی دیگر نیز بدین گونه بروز می نماید که تمامی امور را به دور از هر گونه ترتیب سنجی نقش دشمن ارزیابی و معادلات خویش را در خلاء متصور می شوند.

با این همه فهم منازعه نرم با جمهوری اسلامی ایران که در چند سال گذشته با تاسیس شبکه های گوناگون ماهواره ای به بالاترین حد خود رسیده است، به گونه ای خاص با گیر و دار «نظریه توطئه» (conspiracy theory) روبرو گردیده و فرایند قرار گرفتن اندیشه خدا محور و ضد سکولار جمهوری اسلامی ایران با تفکر اومانستی تمدن غرب در بُعد جهانی از سوی گروهی مصداق «توهم توطئه» قلمداد و در مقابل عدم توجه و شناخت یهود بین الملل و فرایند دشمنی مستکبرین در نوع دشمنی خود به صورت حرکتی خزنده و موزیانه در جهت تغییر سبک زندگی خانواده اسلامی و ایرانی از سوی گروهی دیگر «توهم توطئه» خوانده می شود.

در این میان اگر چه تقابل این دو گروه و صف آرایی ایشان موجبات شفافیت و فهم حقیقت هر چه بیشتر جبهه ی دشمن گردیده و ماهیت واقعی رسانه ها و شبکه های ماهواره ای وابسته به ژنرال های جنگ نرم، مانده رابرت مرداک و دیگر اعوان و انصار یهود بین الملل را نمایان ساخته، اما به نوبه ی خود موجبات ائتلاف نیروی گسترده در جبهه را پدید آورده که این خود ضایعه ای بسیار می باشد.

به طور حتم یکی از جدی ترین و مهمترین شبکه هایی که در حوزه تغییر سبک زندگی ایرانی و اسلامی در تاریخ ۲۸ اکتبر ۲۰۱۰ میلادی افتتاح شد شبکه بهایی من و تو (Manoto) می باشد. فهم ماهیت بهایی در کنار کنترل و پیشبرد اوامر یهود توسط شبکه ی من و تو (Manoto) موضوعی است که از بدو تاسیس این شبکه مصادیقی روشن از برای نزاع تفکرات مختلف در قالب «نظریه توطئه» (conspiracy theory) محسوب می شود.

از منظر دلسوزان و دغدغه مندان به ارزشهای ایرانی و اسلامی، رسالت شبکه ی من و تو (Manoto) تغییر سبک زندگی ایرانیان و هجمه به ارزش های دینی و اسلامی بوده و به نوعی این شبکه به عنوان مکمل شبکه تلویزیونی بی بی سی فارسی ارزیابی و هجمه ی آن مورد رصد قرار گرفت. شبکه ی من و تو (Manoto) وابسته به شرکت تلویزیونی مرجان، توسط



ان

موسی اسماعیل نژاد

عضو هیات علمی پژوهشگاه خانواده و زندگی

قلمداد می‌شود، لذا صهیونیست‌ها بنای همکاری ویژه در ساخت سری جدید آن را به صورت رسمی نهاده و سعی در گشودن جناح دیپلماسی عمومی یهود از پنجره و زبان این برنامه برای مخاطب مسلمان ایرانی دارند.

به این ترتیب کانال ۱۰ اسرائیل یکی از اولویت‌های خود را جهت همسویی القائیات و ذائقه سازی برنامه‌های طنز اسرائیلی "کشور عروسکی" و برنامه معادل ایرانی آن در قالب "شبکه نیم" متمرکز ساخته و سعی بر آن دارد تا این برنامه که به گونه‌ای گسترده مورد توجه مخاطب رسانه‌ای قرار گرفته، در راستای هجو و تمسخر و اهانت گسترده به مسئولین جمهوری اسلامی ایران، ترجمه‌ای از برای زبان دیپلماسی عمومی یهود گردد. از این رو مبتنی بر همان نگاه "توهم توطئه" مذکور، در حال حاضر برنامه‌ی شبکه نیم من و تو ۱ به پایان رسیده و در آن سو کارکنان کانال ۱۰ اسرائیل نیز برای فصل دوم برنامه طنز که ماه اکتبر امسال از تلویزیون این رژیم پخش خواهد شد، برنامه ریزی می‌کنند و در این میان الی بن داوید، به عنوان مدیر و سر دبیر، همراه با ویرایشگر برنامه، تومر لوین، با کیوان عباسی مدیر شبکه‌ی من و تو ۱ در مورد ادامه‌ی این برنامه به زبان فارسی و عبری و همکاری و ایجاد برنامه‌ای مشترک در مورد روابط پر تنش بین ایران و اسرائیل با قالب هجو مسئولین جمهوری اسلامی برنامه ریزی نموده‌اند.

است. این خبرگزاری طی گزارش خود ضمن افشای همکاری رسمی شبکه‌ی من و تو ۱ (Manoto) و کانال ۱۰ اسرائیل به اعلام همکاری ساخت مجموعه‌ای مشترک و یا به تعبیری بهتر مجموعه‌ای سفارشی از جانب صهیونیست‌ها برای شبکه‌ی من و تو ۱ می‌پردازد.

از مدتی توانست حق اقامت دائم در این کشور را کسب کند، فرزند فریبرز عباسی، مدیر شبکه تلویزیونی پارس و شبکه مبتدل و جنسی (Porn)، هُستلر تی وی (Hostler Tv) در کانادا می‌باشد. در این میان کیوان عباسی به همراه مرجان عباسی، که طبق بعضی از گفته‌ها و داشتن تشابه فامیلی، خواهر و برادر می‌باشند، به مدت شش سال در شبکه‌های وابسته به پدرشان فریبرز عباسی فعالیت تبلیغاتی داشتند تا آنکه در سال ۲۰۰۱ در لندن با یکدیگر ازدواج نمودند.

اگر چه این امر یعنی موضوع خواهر و برادری کیوان و مرجان توسط هیچ یک از آن‌ها تایید و یا نفی نشده است اما طبق آئین بهایت این امر چندان دور از واقعیت نمی‌باشد. حال باید دید که آیا آنچه که گذشت مبتنی بر نوع نگاهی همچنان محکوم به "توهم توطئه" و امور خیالی است، اگر چه این توهم توسط دشمن القاء شود و یا آنکه دشمن نیز جهت پوشش شکست خویش "دست پنهان توطئه‌گران" را که همانا دشمنی خود باشد را آشکار می‌سازد؟!؛

به عبارتی دیگر برجسب همیشگی "توهم توطئه" این بار باید به خبرگزاری رژیم صهیونیستی چسبانده شود؛ خبرگزاری ای که در گزارش منتشر شده‌ی خود در ۳ سپتامبر ۲۰۱۳ میلادی مدعی همکاری و هماهنگی گردانندگان شبکه‌ی من و تو ۱ (Manoto) و کانال ۱۰ اسرائیل شده

کیوان و مرجان عباسی در تاریخ ۲۸ اکتبر ۲۰۱۰ میلادی یعنی دقیقا در اوج تحولات براندازانه‌ی صورت گرفته پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ راه اندازی شده است. مدیریت شبکه‌ی من و تو ۱ (Mano) توسط کیوان عباسی اولین تجربه وی محسوب نمی‌شود و او پیشتر شبکه تلویزیون اینترنتی فارسی زبان "بین تی

الی بن داوید،
مدیر کانال ۱۰ اسرائیل :

همکاری فوق نشان
می‌دهد که مردم و
شهروندان عادی ایران
و اسرائیل بیش از
سیاست‌مداران خود
قادر به برقراری ارتباط
و دوستی نزدیک‌تر با
یکدیگر هستند و حتی
عروسک‌ها این رابطه را
به نحو بهتری از انسانها
برقرار می‌کنند

وی" را راه‌اندازی کرد و در آنجا با همکاری و تربیت افرادی نظیر رها اعتمادی، تیم بصیر و سیاوش حبیبی که از گردانندگان اصلی شبکه من و تو ۱ می‌باشند، اولین گام رسانه‌ای خود را برداشت.

کیوان عباسی که در سال‌های پس از انقلاب از ایران به قصد ادامه تحصیل و کار به کشور انگلیس سفر کرده و بعد

کیوان عباسی، از
بنیانگذاران شبکه‌ی
من و تو ۱:

بر این باور هستم که مردم
اسرائیل بهترین مردم
جهان هستند و همین
واقعیت مرا واداشت تا در
یک تولید مشترک با کانال
۱۰ به توافق برسیم

همکاری مشترکی که در آینده طی سری جدید یکی از برنامه‌های شبکه‌ی من و تو ۱ با عنوان شبکه نیم به صورت رسمی آغاز شد.

از آنجا که برنامه‌ی شبکه نیم یکی از ویژه‌ترین برنامه‌های شبکه‌ی من و تو ۱ محسوب می‌شود که سری نخست آن به تازگی به پایان رسید و به نوبه‌ی خود حرکتی جدید در بعد فعالیت این شبکه



جواد حیران نیا
دبیر گروه

سیاست خارجی اعلامی

اهداف سیاست خارجی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مانند هر دولت دیگری که خواهان حضور فعال و تأثیرگذار در صحنه متحول منطقه‌ای و جهانی است بر اساس یک رشته‌اهداف کلان که عموماً در تمامی شرایط و احوال ثابت و غیرقابل خدشه بوده و هم‌چنین یک سلسله اهداف اجرایی و عملیاتی که در پرتو شرایط و تحولات منطقه‌ای و جهانی و ضرورت‌ها، نیازها و مصالح ملی تعیین می‌شوند شکل می‌گیرد. هریک از این موارد می‌باید به روشنی و با صراحت و دقت ترسیم شود.

اهداف کلان

- اهداف سیاست خارجی دولت یازدهم در محورهای ذیل قابل دسته بندی است:
- پاسداری از استقلال، وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور.
- کمک به تأمین امنیت ملی.
- اعتلای منزلت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و ایرانی.

فرصت‌ها

- مجموعه‌ای از توانمندی‌های فعلی و بالقوه، ظرفیت جدی برای بازیگری مؤثر ایران در دوران گذار کنونی درصحنه جهانی فراهم آورده است.
- عدم وابستگی و استقلال ایران در سیاست خارجی امکان حضور ایران در صحنه بین‌المللی بدون محظورات معمول سایر بازیگران را فراهم کرده است.
- پیام جهانی مردم‌سالاری دینی و رسالت جهانی تعریف شده در قانون اساسی و اسناد بالادستی، هویتی تأثیرگذار از ایران ساخته است که امکان فراتر رفتن گستره حضور و نفوذ ایران از یک قدرت میانی و منطقه‌ای را فراهم می‌سازد.
- توانمندی جمهوری اسلامی برای ایفای نقش به عنوان یک کنش‌گر ارتباطی میان مناطق مختلف، که از آثار استقلال سیاسی و دیدگاه و رسالت جهانی کشور است، ظرفیت ویژه‌ای را برای کشور فراهم می‌نماید.
- حضور پرشور مردم در انتخابات ۲۴ خرداد با بازسازی سرمایه اجتماعی کشور زمینه را برای تقویت نقش الهام‌بخشی ایران مهیا ساخته است.
- تقویت جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نهضت‌های اجتماعی پس از انتخابات ۹۲ توان بازیگری جمهوری اسلامی ایران را نیز افزایش داده است.
- ثبات و آرامش جمهوری اسلامی ایران در زمانی که منطقه در آتش بی‌ثباتی می‌سوزد، فرصت و مسئولیت بی‌نظیری را فراروی نظام قرار داده است.
- موقعیت ایران در شکل‌دهی به ساختار معنایی نظام بین‌الملل آینده، با عنایت به فرصت‌های استراتژیک ناشی از شرایط انتقالی، بسیار قابل توجه است.

تکیه بر اصول، نگاه بر واقعیات

دولت روحانی با شعار "اعتدال" قدرت قوه اجرایی کشور را در دست گرفت و اعتدال در هر حوزه‌ای معنا و مفهومی دارد و در ساحت‌های مختلف تعاریف مختلفی از آن ارائه می‌شود. اما پرسشی که مطرح است این است که "اعتدال" در سیاست خارجی دولت روحانی به چه معناست و در چه زمینه‌هایی قابل فهم است و آیا اساساً سیاست خارجی یک کشور از جمله ایران با تغییر کارگزاران اجرایی در حوزه سیاست خارجی تغییر می‌کند؟ تغییر کارگزاران اجرایی در سیاست خارجی باعث تغییر در چه حوزه‌ها و تداوم چه حوزه‌هایی را به دنبال خود دارد؟ و آیا سیاست خارجی دولت یازدهم رویکرد واقع‌بینی را در پیش گرفته است؟ و اصولاً بین واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی تفاوت وجود دارد و باید این دو را در تقابل با یکدیگر تعریف کنیم؟

چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، از دلایل تقویت و تشدید عنصر واقع‌گرایی در سیاست خارجی دولت تدبیر و امید است. بررسی اجمالی تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به خوبی آشکار می‌سازد که این سیاست‌ها بر مدار اصول کلی در رفت و آمد و نوسان بوده است. این واقعیت بیانگر آن است که پس از یک دوره هشت ساله در سیاست خارجی ایران در دولت‌های نهم و دهم، اکنون دولت جدید فصلی دیگر را گشوده است و برخی معتقدند که واقع‌بینی مبتنی بر آرمان‌طلبی جای آرزویابی نشسته است.

"جیمز روزنا" بنیانگذار مکتب فرارفتارگرایی در روابط بین‌الملل ۵ متغیر را به عنوان متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر سیاست خارجی یک کشور به عنوان متغیر وابسته در نظر می‌گیرد که عبارتند از: فرد، نقش، جامعه، حکومت و نظام بین‌الملل.

به اعتقاد روزنا متغیرهای "فرد" و "نظام بین‌الملل" بر سیاست خارجی کشورهای در حال توسعه چون ایران از ۳ متغیر دیگر بیشتر اثرگذار هستند. بر این اساس، تغییر در کارگزاران اجرایی باعث تغییر در برخی اولویتهای سیاست خارجی می‌شود ضمن اینکه شاهد تداوم در برخی اصول و رفتارها نیز هستیم.

باید توجه داشت توازن و تعادل یکی از مهم‌ترین مختصات و عناصر سیاست خارجی موفق است. تنظیم، تعقیب و توسعه روابط خارجی متوازن نیز یکی از شاخص‌های توازن و تعادل در سیاست خارجی است، چون تأمین اهداف و منافع ملی، مستلزم برقراری توسعه و تعمیق تعاملات متوازن با همه کشورها و کنشگران بین‌المللی در حوزه‌های موضوعی و جغرافیایی گوناگون است.

در یک بررسی مختصر "اعتدال" در سیاست خارجی دولت روحانی قابل ردگیری در ایجاد توازن و تعادل میان اهداف فراملی (ایده‌آلیستی) و اهداف ملی (رئالیستی)، تناسب در نگاه به شرق و غرب از یک سو و شمال و جنوب از سوی دیگر، تعامل و سازگاری با دنیا، تناسب میان ابزار و توانمندیها و اهداف سیاست خارجی، دیپلماسی فعال، توسعه‌گرایی متوازن، توازن میان سنت و تغییر، توازن در درک جایگاه خود و دیگران در نظام بین‌الملل، است و از طرفی بازیگری فعال در جهان اسلام به عنوان کشوری مسلمان است.

پرونده پیش رو نگاهی اجمالی داشته است به سیاست خارجی دولت روحانی و تفاوت‌های آن با دولت محمود احمدی‌نژاد در این حوزه.

چالش‌ها

تداوم بی‌ثباتی در منطقه پیرامونی ایران:

خاورمیانه همچنان کانون حادث‌ترین و عمده‌ترین بحران‌های منطقه‌ای است که حتی نسبت به گذشته از وضعیت پیچیده‌تری برخوردار شده است. ریشه‌دارترین بحران خاورمیانه، اشغال و نقض حقوق مردم فلسطین است که تمامی روندهای منطقه‌ای از جمله روند توسعه سیاسی و اقتصادی را تحت تأثیر خود قرار داده است.

تحولات داخلی در کشورهای عربی علاوه بر تغییر در وضعیت داخلی کشورهای منطقه موجب تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای شده و به نظر می‌رسد این تحولات در سال‌های آینده نیز همچنان تداوم داشته باشد. بحران سوریه با توجه به دخالت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامتنقه‌ای یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که می‌تواند بر آینده موازنه قدرت در منطقه تأثیرگذار باشد. بحران افغانستان به دلیل تأثیرات منطقه‌ای آن، مداخله آمریکا، حضور نیروهای ناتو، و ارتباط آن با تروریسم، افراطی‌گری و مواد مخدر به چالشی بین‌المللی تبدیل شده است. تلاش آمریکا و رژیم صهیونیستی در گسترش ایران‌هراسی، اسلام‌هراسی و ...

شعبه‌هراسی و امنیتی‌سازی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران:

جلوه دادن ایران به عنوان یکی از تهدیدات امنیت بین‌الملل با تصویب قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت حاوی تحریم‌های گسترده علیه کشور و همچنین تصویب قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای حقوق بشر در مورد ادعای نقض حقوق بشر، تلاش برای نهادینه کردن تهدیدها علیه کشور، تلاش برای تضعیف موقعیت و اعتبار جهانی ایران، افزایش وحدت رویه میان مخالفان کشور، تلاش برای شکستن و ناموفق نشان دادن الگوی جمهوری اسلامی ایران در مردم سالاری دینی، افزایش تأثیرگذاری رقبا در سطح منطقه، تلاش برای تضعیف اهرم‌های راهبردی ایران در برخی کشورهای منطقه، تلاش‌ها برای بازگرداندن طالبان به صحنه تعاملات منطقه‌ای، تشدید اختلافات ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس، پیشی گرفتن برخی کشورهای منطقه برخلاف هدف گذاری‌های سند چشم‌انداز و توفیق نسبی آنها در ایفای نقش مؤثر منطقه‌ای و ارائه الگوی الهام بخش، غیبت ایران در سازوکارهای امنیتی منطقه در خلیج فارس، اوراسیا و جهان عرب.

اهداف اجرایی و عملیاتی در پرتو تحولات جهانی و شرایط ایران:

- تعامل سازنده و مؤثر با جهان؛
- شکست دادن طرح آمریکایی - صهیونیستی امنیتی کردن ایران در نظام بین الملل؛
- تنش زدایی، بازسازی و اصلاح تعاملات با قدرت‌های مؤثر بین المللی در جهت منافع ملی؛
- عادی سازی و بهبود روابط با کشورهای منطقه به ویژه همسایگان؛
- بازسازی روابط با شرکای سنتی در اروپا و آسیا؛
- مدیریت، کاهش و لغو تحریم‌های بین المللی، چندجانبه و یک جانبه؛
- تأثیرگذاری سازنده بر روند تحولات جهانی به ویژه در حوزه‌های مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی؛
- تقویت نقش الهام بخشی ایران از طریق تبیین نگاه مبتنی بر مردم سالاری دینی.

دولت یازدهم در یک نگاه

- افزایش نفوذ منطقه‌ای و جهانی و کاهش آسیب پذیری‌های کشور.
- ارتقای روابط و کاهش تنش‌ها و خصومت‌ها.
- کمک به توسعه، پیشرفت و رشد همه جانبه کشور.
- ترویج مردم سالاری دینی و معیارهای الهی.
- ایفای نقش مؤثر و نهادسازی به منظور کمک به استقرار صلح و ثبات پایدار در منطقه و جهان.

اهداف اجرایی و عملیاتی

- به منظور تبیین هوشمندانه اهداف عملیاتی سیاست خارجی، فهم و شناخت دقیق و عینی شرایط جهانی، ترسیم جایگاه ایران در شرایط متحول فعلی و شناسایی واقع‌بینانه فرصت‌ها و چالش‌ها غیرقابل اجتناب است. بر این اساس اهداف اجرایی به صورت زیر صورت‌بندی می‌شوند:
- شناخت محیط سیاست خارجی.
- جایگاه ایران در شرایط انتقالی جهانی.

- ایران با خودباوری نقش معنایی خود را فراتر از مرزهای جغرافیایی تعریف کرده و در مورد آینده نظام بین‌الملل دارای دیدگاه مستقل و قابل ارائه است.
- سابقه غنی فرهنگی و تمدنی و عمق و گستره خاستگاه فرهنگی ایران، توان عملی برای نقش آفرینی جهانی در حوزه نظام معنایی برای ایران فراهم کرده است.
- ترکیب خودباوری، پیام جهانی و توان‌مندی فرهنگی، به ایران توانایی تأثیرگذاری بیشتری بر جهت‌گیری مبانی نظم آینده بین‌المللی اعطا کرده است.
- آینده منطقه به نقش ایران بستگی بنیادین خواهد داشت و هیچ بازیگری در سیاست خود نمی‌تواند نقش ایران را نادیده انگارد.
- حذف برخی رقبای منطقه‌ای ایران شرایط را برای بازیگری ایران فراهم‌تر ساخته است.

- چالش‌های داخلی و منطقه‌ای قدرت‌های رقیب پیرامونی و شرایط دشوار آمریکا و سایر قدرت‌های معارض در سوریه، عراق و افغانستان می‌توانند زمینه‌های قابل استفاده‌ای برای تبدیل به فرصت و بهره‌برداری هوشمندانه از وضعیت‌های مذکور تلقی شوند.

- موفقیت حرکت‌های مردمی در منطقه، چالش‌های فراروی حکومت‌های سکولار اسلام‌گرا و ضرورت تبیین الگوی بومی مردم سالاری دینی فرصت مناسبی برای تبیین و ارائه عملی اعتدال به عنوان تجلی گفتمان اصیل انقلاب اسلامی به ویژه در سایه انتخابات اخیر در کشور فراهم می‌کند.

- ریاست ایران بر جنبش عدم تعهد نیز می‌تواند فرصتی را برای بهره‌برداری بهینه در جهت ارتقای دیدگاه‌ها و منافع ایران و کشورهای هم‌سو و هم‌فکر فراهم سازد.



«واقع گرایی» در گفتمان اعتدال گرایی و «آرمان گرایی» و سیاست خارجی دولت یازدهم به چه میزان است؟

اگر اعتدال در سیاست خارجی را براساس تعادل و توازن بین آرمان گرایی و واقع گرایی در نظر بگیریم می‌توانیم بگوئیم سیاست خارجی اعتدال‌گرا نوعی سیاست خارجی آرمان‌گرای واقع‌بین یا واقع‌نگر است که از طرف دیگر گفتمان غالب و کلان در جمهوری اسلامی ایران، یا به بیان دیگر گفتمان انقلاب اسلامی هم هست که مقام معظم رهبری هم صراحتاً تصریح کردند که گفتمان جمهوری اسلامی ایران، آرمان‌گرایی واقع‌نگر است. بنابراین سیاست خارجی اعتدالی بر پایه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است. بنابراین سیاست خارجی را بر این اساس می‌توان توضیح داد. در واقع بعد آرمان‌گرایی سیاست خارجی در برگزیده این عناصر است: جهان‌گرایی اسلامی، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، حق‌طلبی و اعتدال‌خواهی، صلح‌طلبی و عزت‌طلبی، که واقع‌بینی و واقع‌گرایی سیاست خارجی هم شامل این عناصر هست. عقل‌گرایی، تکلیف‌گرایی معطوف به نتیجه، تحول و تدرج‌گرایی در واقع شاخص سوم واقع‌گرایی در سیاست خارجی هست. چهارم امنیت‌طلبی و منزلت‌طلبی، به بیان دیگر تلاش برای حفظ امنیت و منزلت و جایگاه جمهوری اسلامی ایران و مصلحت‌گرایی و حزم‌اندیشی و مشکل‌گشایی. در واقع مجموعه این عناصر مختلف در چارچوب آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، عناصر متشکله گفتمان آرمان‌گرایی واقع‌بین است که همان گفتمان اعتدال‌گرایی است را می‌توان مورد توجه قرار داد اما اینکه در سیاست خارجی آقای روحانی کدام بعد، نمود بیشتری دارد، باید گفت: با توجه به علل و عواملی که توضیح خواهیم داد به نظر من فعلاً بعد واقع‌گرایی در سیاست خارجی دولت یازدهم برجسته‌تر است. ضرورت و الزام گفتمان اعتدال‌گرایی که توضیح دادیم، به توازن بین دو عنصر آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است که در واقع وزن واقع‌گرایی بیشتر شده است. همچنین توجه به مسائل و منافع و مشکلات معیشتی مردم هم به نوعی واقع‌بینی را صورت کرده و همچنین علت دیگر را می‌توان گفت اولویت یافتن رفع تحریم‌ها در سیاست‌گذاری‌های دولت یازدهم هم منجر به تشدید این موضوع در سیاست خارجی شده است، اما نکته مهم این است که اولویت و تقویت واقع‌گرایی در سیاست خارجی به معنای نادیده گرفتن آرمانها نیست. همان‌گونه که سیاست خارجی آرمان‌گرایی محض قرین موفقیت نمی‌تواند باشد به همین صورت سیاست خارجی مبتنی بر واقع‌گرایی محض که آرمانها را نادیده بگیرد موفق نخواهد بود.

سیاست خارجی دولت تدبیر و امید
در گفتگو با دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی
استاد روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

سیاست دولت احمدی نژاد تهاجمی‌تر بود



گفت‌وگو
سید حسین امامی

کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» از آثار مهم و قابل توجه دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی در حوزه مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. آنچه در ادامه می‌آید گفتگو با این استاد دانشگاه در مورد ماهیت سیاست خارجی دولت روحانی است.

در چارچوب نهادها و نهادهای نظام بین‌الملل و محور سوم هم تعامل سازنده یا به بیان دیگر تعامل گرای است که در هر دو سیاست خارجی مشاهده می‌شود. اما تفاوت‌هایی هم بین سیاست خارجی این دو وجود دارد که می‌توان به مهم‌ترین آنها در این محورها اشاره کرد: یکی از تفاوت‌ها افزایش میزان واقع‌گرایی در سیاست خارجی آقای روحانی نسبت به سیاست خارجی آقای خاتمی است. هم‌چنین نکته مهم دیگر این است که در دولت یازدهم به صرف تنش‌زدایی و اعتمادسازی توجه نمی‌شود و حداقل در سطح گفتگویی تأکید بر این است که تنش‌زدایی، اعتمادسازی متقابل هست و یک جاده دو طرفه است به ویژه اینکه این تنش‌ها و بی‌اعتمادی‌ها را طرف مقابل ایجاد کرده است و بنابراین در سیاست خارجی باید تلاش کنند که این تنش‌زدایی و اعتمادسازی به صورت متقابل صورت گیرد.

سیاست خارجی دولت روحانی در حوزه تمرکز بر مناطق جغرافیایی بر چه نقاطی متمرکز است؟

با توضیحاتی که بیان شد، شاید بتوان مناطق جغرافیایی در سیاست خارجی آقای روحانی را به دو دسته یا به دو اولویت تقسیم کرد: در اولویت نخست این مناطق قرار می‌گیرند: اروپا، آمریکا، خلیج فارس، خاورمیانه. در اولویت دوم این مناطق وجود دارند: آسیا، آسیای مرکزی و قفقاز، آمریکای لاتین و آفریقا. با توجه به گفتگمان اعتدال‌گرای که در ابتدا اشاره شد، معتقدیم یکی از محورها و ابعاد اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی ایجاد توازن بین مناطق مختلف جغرافیایی است. البته همواره برای همه دولت‌ها همه مناطق از درجه اهمیت و استراتژیک یکسانی برخوردار نیستند. طبیعتاً بعضی از مناطق در اولویت سیاست خارجی قرار می‌گیرند اما این اولویت یافتن مناطق نباید به مثابه نادیده گرفتن سایر مناطق باشد که سیاست خارجی متوازن و متعادل نوعی همه‌جانبه‌گرایی منطقه‌ای هم در سیاست خارجی باید رعایت شود.

آیا سیاست خارجی دولت روحانی از سیاست "نگاه به شرق" عدول کرده و متوجه مغرب زمین شده است؟

با توضیح سؤال پیشین، نمی‌توان گفت که از سیاست نگاه به شرق در سیاست خارجی آقای روحانی عدول شده یا نادیده گرفته شده است ولی با توجه به اینکه اولویت به مناطق پیرامونی و اروپا - آمریکا داده شده است طبیعتاً جایگاهی که سیاست نگاه به شرق در دولت آقای احمدی‌نژاد داشت در دولت آقای روحانی تنزل پیدا کرده است. نکته دیگر اینکه سیاست نگاه به شرق در

و سیاست‌هایی که دیپلماسی محقق می‌شود، تفاوت مشهود است و تفاوت مهم دیگر هم تفاوت مربوط به این است که سیاست خارجی دولت پیشین ماهیت تهاجمی‌تر داشت و سیاست خارجی دولت یازدهم تعاملی‌تر است.

گفتگمان سیاست خارجی دولت

مصالح اسلامی و منافع ملی لزوماً و ضرورتاً با هم تعارض ندارند و به نظر در عرض هم نیستند بلکه در طول هم هستند. بسیاری از مصالح اسلامی در واقع منافع ملی هم هستند یا برعکس

روحانی چه تفاوت‌هایی با سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد و دولت خاتمی دارد؟

با توضیحاتی که ارائه شد معتقدیم اصول و مبانی و کلیات سیاست خارجی ایران همواره تداوم داشته است و در دولت‌های مختلف سیاست خارجی ایران استمرار پیدا کرده است، ضمن اینکه یک سری شباهت‌هایی هم بین سیاست خارجی آقای روحانی و خاتمی وجود دارد که شاید مهم‌ترین آنها

سیاست خارجی دولت یازدهم، گسست گفتگمانی در سیاست خارجی ایران ایجاد نکرده است، بلکه گفتگمان اعتدال‌گرایی هم خرده‌گفتگمانی در گفتگمان کلان است که در سیاست خارجی ایران بنام اسلام‌گرایی قرار دارد

را در این محورها می‌توان مشاهده کرد: تنش‌زدایی، اعتمادسازی و تأکید بر گفتگو و مذاکره در هر دو سیاست خارجی، به نوعی شبیه است. نکته دیگر اصول‌گرایی و تدرج‌گرایی در سیاست خارجی هر دو دولت یاد شده است که تأکید بر تعامل و به کارگیری ابزارهای مسالمت‌آمیز و تلاش برای تغییر و تحول در نظام بین‌الملل

تفاوت ماهوی با سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد دارد؟

یک نکته مهم در این بحث این است که با توجه به اینکه سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران، فقط محدود و منحصر به قوه مجریه نیست، تغییر دولت در جمهوری اسلامی ایران مستلزم تغییر ماهوی در سیاست خارجی ایران نیست. به طور کلی به ویژه با توجه به اینکه رهبری، سیاست‌های کلی نظام را از جمله سیاست‌های کلی در عرصه سیاست خارجی را تعیین می‌کنند، بنابراین تغییر دولت‌ها سیاست خارجی ایران را دچار تغییر و تحول بنیادی و ماهوی نمی‌کند. اما اساس دیگر سیاست خارجی ایران با روی کار آمدن دولت‌های مختلف دچار تغییر و تحول هم می‌شود، بنابراین الگوی سیاست خارجی در ایران، الگوی تداوم و تحول است. بر این اساس سیاست خارجی دولت یازدهم، گسست گفتگمانی در سیاست خارجی ایران ایجاد نکرده است، بلکه گفتگمان اعتدال‌گرایی هم خرده‌گفتگمانی در سیاست کلان است که در سیاست خارجی ایران بنام اسلام‌گرایی قرار دارد. خرده‌گفتگمان‌های دولت‌های قبلی هم در درون گفتگمان کلان اسلام‌گرایی قرار می‌گرفته است اما با یک تفاوت‌هایی که بیشتر می‌توان گفت گزاره‌های رونمایی و فرعی بوده است. بنابراین اصول و مبانی سیاست خارجی دولت‌های مختلف در ایران از جمله دولت دهم و دولت یازدهم یکی است اما برای تحقق این اصول و مبانی و منافع ملی راهبردها و تاکتیک‌ها و سیاست‌های متفاوتی به کار گرفته شده است که در مورد این دولت و دولت پیشین هم صادق است. بنابراین می‌توان تفاوت‌هایی در سطح راهبردها و تاکتیک‌ها و سیاست‌ها در سیاست خارجی این دو دولت، مشاهده کرد. نکته بسیار مهم این است که با توجه به توضیحاتی که داده شده اولویت‌بندی و اولویت‌های اهداف و منافع، موضوعات و اولویت‌های جغرافیایی در این دو دولت متفاوت است. به ویژه که در دولت پیشین الگوهای رفتاری بر مبنای نگاه به شرق، آمریکای لاتین‌گرایی، جهان سوم‌گرایی وجود داشت. بازنگری در دیپلماسی هسته‌ای که این سیاست‌ها در دولت یازدهم متحول شده و نگاه به غرب در سیاست خارجی دولت یازدهم، اولویت بیشتری پیدا کرده است البته توضیح خواهیم داد که این امر به معنای نادیده گرفتن سایر حوزه‌ها نیست.

تفاوت مهم دیگر دولت دهم و یازدهم در دیپلماسی هسته‌ای است که در واقع به رغم شباهت‌هایی که وجود دارد، خطوط قرمز سیاست خارجی ایران است و همان‌طور که گفتیم مقام معظم رهبری آنها را تعیین می‌کنند اما در تاکتیک‌ها

از منظر توجه و اولویت بندی بین منافع ملی و منافع فراملی (مصالح اسلامی)، بر اساس قاعده وسع و تدرج، سیاست خارجی روحانی اولویت را به کدام می‌دهد؟

اولین نکته‌ای که در پاسخ به این سؤال باید توضیح داد این است که مصالح اسلامی و منافع ملی لزوماً و ضرورتاً با هم تعارض ندارند و به نظر در عرض هم نیستند بلکه در طول هم هستند. بسیاری از مصالح اسلامی در واقع منافع ملی هم هستند یا برعکس. برای نمونه حفظ امنیت و بقای جمهوری اسلامی ایران هم یک منافع ملی و هم یک مصلحت اسلامی است. نکته دیگر این است که به هر حال در عرصه پیگیری منافع و مصالح و یا به بیان دیگر تعیین و تحقق اینها ممکن است که تراحم‌هایی پیش بیاید که باید آنرا در عرصه سیاست خارجی رفع کرد. به همین علت به طور کلی در سیاست خارجی ایران ما باید اشاره‌ای به انواع و اقسام منافع ملی داشته باشیم.

از یک بعد منافع ملی را می‌توان به چهار دسته وجودی، حیاتی، مهم و حاشیه‌ای تقسیم کرد. هم‌چنین براساس طول مدت زمان منافع را به کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت می‌توان تقسیم کرد. به لحاظ ماهوی منافع به ملی و منافع دفاعی امنیتی، رفاهی - اقتصادی، ایدئولوژیک و نظم جهانی تقسیم می‌شود. بر همین اساس در سیاست خارجی ایران ما دو دسته از اهداف سیاست خارجی وجود دارد که یکی اهداف ملی و دیگری اهداف فراملی است. در واقع اهداف فراملی مبتنی بر منافع ملی و اهداف فراملی متأثر و مبتنی بر مصالح اسلامی هست، در واقع آنچه که در عمل ممکن است موضوعیت پیدا کند این است که اگر بپذیریم منافع ملی و مصالح اسلامی در طول هم هستند بحث اولویت‌بندی آنها پیش می‌آید. بنابراین با توجه به اینکه مصالح اسلامی و منافع ملی را به لحاظ اولویت‌بندی در کدام یک از آن دسته از منافع مختلفی که عرض کردم قرار دهیم ممکن است سیاست خارجی متفاوتی باشد. آنچه که به نظر می‌رسد این است که با توجه به شرایطی که جمهوری اسلامی ایران در شرایط فعلی با آنها مواجه است، به نظر دولت یازدهم منافع و اهداف ملی را در اولویت قرار داده است و به ویژه منافع رفاهی - اقتصادی و همچنین امنیتی و نسبت به منافع دیگر در اولویت بیشتری در سیاست خارجی دولت یازدهم قرار دارد.

تأثیر کارگزاران اجرایی چه تأثیری بر سیاست خارجی می‌گذارد و با توجه به این موضوع آیا می‌توان گفت سیاست خارجی دولت روحانی



عناصر و دقایق گفتمان اعتدال گرای سیاست خارجی دولت روحانی

جواد حیران نیا

مقدمه

خارجی برخی از کشورها امکان پذیر نباشد؛ چرا که هر یک از بازیگران نسبت به یک رویکرد پاسخ‌های کاملاً متفاوتی دارند و در اصل بستگی به ترکیب مختلف عوامل داخلی و خارجی دارد، ولی بهره‌گیری و الگو برداری متغیرهای مختلف می‌تواند در زمینه مطالعه سیاست خارجی مفید واقع گردد.

تصمیم‌های سیاست خارجی هر کشوری از جمله جمهوری اسلامی ایران بر اساس تئوری جیمز روزنا متأثر از عامل "فرد" نیز هست. بر اساس نظریه روزنا سیاست خارجی یک کشور به عنوان متغیر وابسته از ۵ عامل و متغیر مستقل فرد، نقش، جامعه، حکومت و نظام بین الملل تأثیر می‌پذیرد. به ویژه آنکه عامل فرد و نظام بین الملل بر سیاست خارجی کشورهای در حال توسعه از جمله ایران در مقایسه به ۳ متغیر دیگر تأثیر بیشتری دارد.

بر این اساس سیاست خارجی ایران در دوره روحانی به سبب تغییر کارگزاران سیاست خارجی دچار تغییراتی است. روحانی سیاست خارجی دولت خود را مبتنی بر شعار اعتدال قرار داده است. اعتدال شعار محوری روحانی در مبارزات انتخاباتی نیز به شمار می‌رفت. از آنجا که سیاست خارجی یک کشور ادامه سیاست داخلی است لذا نمی‌توان در عرصه سیاست داخلی از رویه اعتدالی پیروی نمود و در عرصه سیاست خارجی به آن بی‌توجه بود.

اعتدال در سیاست خارجی از شاخص‌هایی چون عقلانیت مبتنی بر محاسبه هزینه-فایده و بهره‌گیری از اصل تفکیک امور از یکدیگر، توازن حق و تکلیف، تناسب بین ساختار و کارگزار، تعادل در مناسبات با شرق و غرب، استفاده از ادبیات متقن و منطقی به جای شعارزدگی و هیجان گرایی، تداوم اصول در عین تغییر و روشها و تعادل و توازن بین فرهنگ، سیاست، و اقتصاد و حتی اهتمام به فرهنگ محوری در عرصه دیپلماسی برخوردار است.

جهت‌گیری سیاست خارجی دولت روحانی معطوف به تجربه روندهای سیاسی ایران در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی که در دولت خاتمی نیز شاهد تداوم آن بودیم است. بهره‌گیری از مفاهیمی چون تنش‌زدایی و بازسازی روابط در حوزه سیاست خارجی، بیان‌گر آن است که دولت روحانی تلاش خواهد داشت تا روندهای جدیدی از کنش‌گری در راستای عادی سازی روابط جهت‌گذار از محدودیت‌های راهبردی و روندهای سیاست خارجی را در دستور کار قرار دهد. روندهای سیاست خارجی ایران تابعی از مؤلفه‌ها و متغیرهای ساختاری، ضرورت‌های راهبردی، شکل بندی‌های سیاست بین‌الملل و الگوهای کنش کارگزاران اجرایی است. بر این اساس مانند هر دوره دیگر شاهد "تداوم و تغییر" در عرصه سیاست خارجی در دولت روحانی بوده و هستیم.

عوامل مؤثر بر سیاست خارجی

کشورها به عنوان بازیگران رسمی و تعیین‌کنندگان اصلی خط مشی‌های عمده در سیاست بین‌الملل از ابزار سیاست خارجی برای پیگیری اهداف ملی خود و دستیابی حداکثری به منافع ملی خویش در این زمینه بهره می‌گیرند. از این رو مطالعه سیاست خارجی کشورها در دوره‌های مختلف ضمن آنکه می‌تواند در فهم رفتارهای آنها در عرصه بین‌المللی راهگشا باشد، ابزاری برای ارزیابی دوره‌های گفتمانی متفاوت حاکم بر سیاست‌گذاری کشورهاست.

رفتار سیاست خارجی واکنشی به محرک‌های داخلی و خارجی است که به صورت حلقه‌های یک زنجیر به هم ارتباط دارند. وجود متغیرهای گوناگون و تأثیرگذار بر روند تصمیم‌گیری، باعث گردیده که امکان تعمیم رفتار سیاست

متعارض است و در مورد مسائل لبنان، فلسطین و رژیم صهیونیستی و مهم‌تر از همه در شرایط فعلی سوریه منافع متعارضی دارند که واگرایی‌های هست، حتی در مورد پرونده هسته‌های منافع دو کشور در بعضی از موارد یا حتی در شکل کلی‌تر متعارض است و اختلاف‌نظرهایی که امروزه در تفاسیر مختلفی که از توافق نامه ژنو وجود دارد برخاسته از این است که امریکایی‌ها منافع خودشان را به صورت حداکثری تعریف می‌کنند که نهایت آن برچیدن و تعطیلی تأسیسات و برنامه هسته‌ای ایران است در حالی که منافع حداقلی جمهوری اسلامی ایران هم فراتر از منافی است که امریکایی‌ها تعریف می‌کنند و ایران به دنبال حقوق خود است. بنابراین در منطقه کماکان نقاط تعارض وجود دارد.

با توجه به تحولات منطقه، رویکرد سیاست خارجی دولت روحانی چگونه باشد تا منافع ملی ما به بهترین شکل ممکن تحقق پیدا کند؟

با توضیحاتی که در مورد ماهیت و ابعاد سیاست خارجی اعتدال‌گرا ارائه شد، طبیعتاً همان راهکارها را می‌توان در منطقه خلیج فارس هم پیش گرفت. اولین موضوع این است که پرونده هسته‌ای نباید باعث شود که مناطق پیرامونی به ویژه منطقه خلیج فارس و خاورمیانه در سیاست خارجی را تنزل مرتبه و اولویت دهیم. کماکان منطقه پیرامونی در اولویت نخست قرار دارد و باید تأکید کنیم که منابع قدرت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران حتی برای مذاکره هم منشأ درون منطقه‌ای دارد.

نکته دیگر این است که در سیاست خارجی منطقه‌ای باید همه‌جانبه‌گرایی مورد توجه قرار گیرد، در واقع همه ابعاد و وجوه منطقه‌ای باید از سیاست خارجی ایران مورد توجه قرار گیرد؛ اقتصادی، نظامی، فرهنگی، همچنین استفاده متوازن و متعادل از همه عناصر قدرت نرم و سخت جمهوری اسلامی ایران هست. همچنین برقراری نوعی توازن بین دیپلماسی رسمی و غیررسمی در منطقه به ویژه تقویت دیپلماسی عمومی در خاورمیانه و خلیج فارس به ویژه در شرایط فعلی که بنا به دلایل اقتضایی که وجود دارد امروزه دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران بیشتر معطوف به جهان غرب و نظام بین الملل است. این امر نباید باعث شود که ما از دیپلماسی عمومی برای مخاطبین منطقه‌ای و جهان اسلام غافل شویم. نکته دیگر چندجانبه‌گرایی متوازن در سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در کنار دیپلماسی دوجانبه است که این دو هم باید متوازن و به صورت مکمل پی‌گیری شود.

دولت یازدهم به لحاظ گستره هم محدودتر است و یا حداقل در شرایط فعلی بیشتر متمرکز است و مناسبات و تعامل با دو کشور روسیه و چین کانون نگاه به شرق در دولت روحانی دو کشور چین و روسیه است و سایر قدرت‌های آسیایی که در دولت پیشین اهمیت داشتند شاید آن درجه و اهمیت را ندارند. بنابراین سیاست نگاه به غرب در سیاست خارجی آقای روحانی اهمیت و اولویت بیشتری دارد و دلیل مهم آن هم تلاش برای رفع تحریم‌هاست و همچنین اولویت یافتن دیپلماسی هسته‌ای در سیاست خارجی ایران که لاجرم تعامل با اروپا و آمریکا را برجسته‌تر می‌کند.

با توجه به تحولات منطقه آیا منافع آمریکا با منافع ایران در منطقه از واگرایی به همگرایی میل پیدا کرده است؟

قبل از اینکه به این سؤال پاسخ بدهم باید توجه داشته باشیم که در سیاست خارجی، انواع مختلف منافع بین کشورها وجود دارد. به عبارت دیگر نسبت بین منافع کشورهای مختلف متفاوت است. حداقل تقسیم‌بندی که در این ارتباط می‌توان ارائه داد این است که منافع کشورها را به موازی، مشترک و متعارض می‌توان تقسیم کرد. بنابراین هر دو کشور ممکن است نسبت منافعی با متعارض یا مشترک یا موازی باشد. منافع موازی به این معناست که هر دو کشور می‌توانند منافعی را بدون اینکه هیچ تعارضی و اصطلاحاً بین آنها به وجود بیاید، پی‌گیری کنند. منافع مشترک هم منافی است که مستلزم این است که کشورها با هم هم‌گرایی داشته باشند. منافع متعارض هم به معنای این است که تأمین منافع دو کشور با هم تقاطع و تعارض پیدا می‌کند و گاهی از مواقع این تعارض به صورت حاصل جمع جبری صفر هم هست یعنی تأمین منفعت یکی به مثابه کاهش یا از بین رفتن منفعت دیگری هست.

در مورد ایران و آمریکا همه این موارد صادق است یعنی لزوماً نمی‌توان گفت منافع ایران و آمریکا از واگرایی به هم‌گرایی حرکت کرده است. گاهی از مواقع منافع دو کشور به صورت در چارچوب اتحادهای طبیعی تجلی پیدا کرده است به معنای اینکه دو کشور منافع همسویی داشتند ولی بدون هماهنگی و همکاری این منافع تأمین شده است. مثلاً از بین رفتن صدام حسین در عراق یا سرنگونی طالبان در افغانستان، منافی بوده است که به نوعی براساس اتحاد طبیعی محقق شده است. بنابراین در شرایط فعلی به طور کلی نمی‌توان گفت منافع ایران و آمریکا از واگرایی به هم‌گرایی سوق پیدا کرده است. بسیاری از حوزه‌های منافع دو کشور کماکان

بعد دیگر توسعه‌گرایی ناظر بر توسعه ظرفیت‌های ملی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران جهت تأمین منافع ملی است. ایران و انقلاب اسلامی دارای توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مادی و معنوی بسیاری است که باید از همه آنها برای تأمین منافع ملی به طور متناسب و متوازن استفاده شود. منحصر کردن پیگیری منافع ملی از طریق یکی از عناصر قدرت و توانمندی‌های کشور، سیاست خارجی را از حالت تعادل خارج و ناموفق می‌کند.

توسعه دیپلماسی از عناصر و مؤلفه‌های تشکیل دهنده سیاست خارجی توسعه‌گر است. بر این اساس علاوه بر دیپلماسی رسمی و سنتی و دولتی باید به انواع دیپلماسی از جمله دیپلماسی عمومی، فرهنگی، اقتصادی-تجاری، دیجیتال، رسانه چند جانبه، بحران، دفاعی و ... نیز به صورت متناسب و متوازن استفاده کرد. به ویژه با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران در چشم انداز ۲۰ ساله، کشوری الهام بخش تعریف شده، در سیاست خارجی باید دیپلماسی عمومی و فرهنگی با حفظ توازن، اولویت بخشید. از این رو در گفتن اعتدال، توسعه متوازن دیپلماسی در سیاست خارجی ضرورت می‌یابد.

توسعه‌گرایی متوازن در سیاست خارجی اعتدال‌گرا از سوی دیگر در ایجاد توازن میان مناطق جغرافیایی مختلف و کشورهای مختلف نیز قابل تفسیر است.

فرجام سخن

حاکمیت گفتن اعتدال‌گرایی را نباید به معنای گسست گفتن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تلقی کرد. زیرا این گفتن در عین افتراقات و تفاوتها با دیگر گفتن‌های پیش از خود در سیاست خارجی، وجه اشتراک زیادی با آنها دارد. از محورهای اصلی این گفتن تعامل سازنده با دنیاست. بازسازی و توسعه روابط با جهان خارج و ایجاد توازن در روابط با کشورهای مختلف و مناطق مختلف جغرافیایی از جمله مؤلفه‌های این گفتن به شمار می‌رود.

گفتن اعتدال سعی دارد تا میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی که ناشی از جمهوری اسلامی ایران یعنی «انقلابی بودن» و «دولت بودن» است، توازن و تعادل ایجاد کند. این دو بعد هویتی مولد اهداف فراملی و ملی هستند و سیاست خارجی اعتدال‌گرا سعی دارد در سایه اولویت‌بندی و بر اساس قاعده وسع و تدرج میان این دو دسته از اهداف توازن در عرصه عمل ایجاد کند.

و دیگران در نظام بین الملل

درک درست از موقعیت استراتژیک اقتصادی و فرهنگی یک کشور از خود و نیز از همسایگان و دیگران از لوازم یک سیاست اعتدال‌گراست. اغراق و بزرگ‌نمایی در توانایی خود همان قدر خطرناک است که کوچک و ناتوان فرض کردن دیگران. در یک مشی اعتدال، شاخص‌های اقتدار هر کشوری ابتدا مشخص می‌شود و کشورها بر اساس این شاخص‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شوند، چه کشورهایی که در اثر اشتباه محاسبه در توان خود دچار خطاهای استراتژیک فاحش شده‌اند و حتی هستی خود را به خطر انداخته‌اند، نمونه آن حمله صدام حسین به ایران سپس کویت که چنان نتایج فاجعه باری برای مردم عراق داشت. کسانی که جایگاه خود را به درستی نشانخته‌اند یا در عرصه روابط بین المللی دچار تحقیر و تسلیم شدند یا اگر ماجراجویی پیش گرفته‌اند؛ سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور را به تاراج داده و جوهره مقاومت مردم را فرسوده و بی فرجام کرده‌اند. حفظ منافع و تثبیت امنیت کشور مستلزم شناخت عمیق نسبت به فرصت‌ها و تهدیدات و به کارگیری بهترین شیوه‌ها برای بهره برداری از

تعامل متوازن و متعادل در چارچوب گفتن اعتدال دولت روحانی در عرصه سیاست خارجی پیگیری می‌شود. هم در محتوا و ماهیت تعامل با دیگران در این گفتن تعادل و توازن وجود دارد و هم در چگونگی و قلمروی تعامل، توازن و تعادل برقرار است. تعامل‌گرایی سازنده را می‌توان بر حسب همزیستی مسالمت آمیز، تنش زدایی متقابل، اعتمادسازی متقابل، احترام متقابل، منافع مشروع و متقابل و تفاهم تعریف کرد.

عقلانیت در گفتن اعتدال

لازمه اعتدال، عقل‌گرایی و خردورزی است که خود متضمن و مستلزم واقع‌بینی است اما واقع‌گرایی در گفتن اعتدال به معنای واقع‌گرایی انفعالی یا تهاجمی به معنای به کارگیری زور و قدرت در سیاست خارجی نیست بلکه واقع‌گرایی به معنای شناخت مقدرات و محظورات ملی برای تأمین حداکثر منافع ملی در نظام بین‌الملل موجود، بر پایه درک درست از ساختار و روابط قدرت و نهادهای بین‌المللی است. از اینرو واقع‌گرایی در مقابل آرمان‌گرایی قرار نمی‌گیرد بلکه مکمل آن بوده و در برابر آرمان‌گرایی هیجانی و احساسی قرار دارد.

اعتدال؛ تعادل میان واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی

گفتن اعتدال سعی دارد تعادل و توازن میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی ایجاد کند. جمهوری اسلامی ایران دارای دو بعد انقلابی و بعد «دولت» (State) است. بر اساس بعد انقلابی جمهوری اسلامی یک نظام آرمان‌خواه و رسالت‌مدار است. از سوی دیگر بر اساس بعد «دولت» بودن دارای منافع واقع‌گرایانه است.

متعاقب هویت انقلابی، اسلامی و «دولت» بودن اهداف متنوع و گوناگونی را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شاهد هستیم. اهداف ملی و اسلامی یا فراملی از رهگذر این وجوه هویتی تعریف می‌شوند. گفتن اعتدال درصدد است بین این دو دسته از اهداف نوعی توازن ایجاد کند و از گرایش یک طرفه به یک سو بپرهیزد.

گفتن اعتدال سعی در توازن و تعادل بین مصالح اسلامی و منافع ملی دارد. باید توجه داشت که تدرج و اولویت میان مصالح اسلامی و منافع ملی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران همواره در سیاست خارجی مطرح بوده است.

اعتدال و تعامل سازنده با جهان

ایجاد توازن در رابطه با کشورهای مختلف و مناطق جغرافیایی گوناگون از اصول گفتن اعتدال است. اصل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برقراری و توسعه روابط برابر و عاری از سلطه با همه کشورهای مشروع است اما در عمل، بر اساس شرایط خاص زمانی توسعه روابط با برخی از کشورها و مناطق بر حسب ضرورت‌ها و اقتضات، خود یکی

از شاخص‌های سیاست خارجی موفق و مطلوب است ولی در اولویت قرار گرفتن روابط با برخی از کشورها و مناطق به معنای غفلت از دیگران نیست. از اینرو گفتن اعتدال در سیاست خارجی ایجاد می‌کند که روابط جمهوری اسلامی ایران به صورت متوازن و متعادل با کشورها و مناطق مختلف برقرار شود و توسعه یابد. به ویژه اعتدال مستلزم آن است که بین سیاست نگاه به غرب و سیاست نگاه به شرق، سیاست نگاه به جنوب و سیاست نگاه به شمال و سیاست نگاه به مناطق جغرافیایی مانند جهان سوم گرای، آمریکای لاتین گرای، جهان اسلام گرای، و ... توازن و تعادل برقرار شود.

در چشم انداز ۲۰ ساله، روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه دکترین «تعامل سازنده» تعریف و تعقیب می‌شود.

حاکمیت گفتن اعتدال‌گرایی را نباید به معنای گسست گفتن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تلقی کرد. زیرا این گفتن در عین افتراقات و تفاوتها با دیگر گفتن‌های پیش از خود در سیاست خارجی، وجه اشتراک زیادی دارد

امکانات است.

افزون بر این، واقع‌بینی در گفتن اعتدال متضمن آرمان‌خواهی و پیگیری عادلانه و واقع‌بینانه آرمان‌ها و ارزش‌هاست.

اعتدال و توازن میان سنت و تغییر

اعتدال، توجه و تمرکز بر هسته اصلی یک سنت مستقر و در عین حال پذیرش تغییر و تحول و ایجاد تعادل مناسب بین این دو است. اعتدال‌گرایی مواجه شدن با چالش حفظ تعادل در کشاکش بین سنت و تغییر است. نیروهایی که در درون نظام حامی حفظ سنت و وضع موجود هستند و نیروهایی که خواهان تغییرند، هر کدام بخشی از قدرت را در اختیار دارند.

اعتدال‌گرایی و درک جایگاه خود



دولت‌ها و استراتژی‌های سیاست خارجی

الهام ترسلی

داخلی و عرصه سیاست خارجی و به حاشیه راندن ملاحظات اقتصادی در روابط خارجی؛ - نفی هر نوع آراء و افکار و تکاپوی ملی‌گرایانه و مادی‌گرایانه؛ - ضرورت صدور انقلاب اسلامی و حمایت از مستضعفین و نهضت‌های ضدامپریالیستی جهان؛ - جایگزین کردن واحد "امت" به جای "دولت-ملی" و استقلال و استقبال از ایثار و شهادت در راه اسلام و انقلاب؛ - نفی مرزهای جغرافیایی موجود و ترسیم مرزهای ایدئولوژیک؛ - برقراری تماس با ملت‌ها در راستای حمایت از مبارزات آزادی بخش به جای تماس با دولت‌ها؛ - کوشش در جهت خودتکالی و استقلال در کنار استکبارستیزی و نفی هرگونه سلطه؛ - گرایش به سیاست‌های انزواطلبانه؛ - ارجحیت منافع و مصالح اسلامی بر منافع ملی کشور.

گفتمان عمل‌گرایی اقتصادی

با بازنگری در قانون اساسی و تمرکز قدرت در دست رهبری، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط حکومت ایران و به تبع آن پایان یافتن جنگ عراق علیه ایران و تحولات و رخدادهای تاریخ ساز در نظام جهانی و روابط بین‌الملل از جمله اتحاد دو آلمان، پایان نظام دو قطبی ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اواخر دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ از جمله عواملی بودند که شیوه تصمیم‌گیری و اجرایی کارگزاران

نگاهی تجدید نظر طلبانه به مسائل بین‌المللی داشت در تعارض قرار داشت. اصول این گفتمان در سیاست خارجی به اختصار عبارتند از: - تأکید و تقدم بر منافع ملی به جای مصالح اسلامی و منافع فراملی چون تشکیل حکومت جهانی اسلام؛ - پذیرش وضع موجود ساختار و نظام بین‌الملل و همکاری با کشورها در چارچوب قواعد بازی و هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی؛ - تأکید بر عمل در قالب رویه‌های سیاسی و دیپلماتیک پذیرفته شده در عرف بین‌الملل؛ - رعایت اصل عدم تعهد در رقابتها و مخصصات بین‌المللی و گسترش روابط با تمام کشورها بدون لحاظ اولویت‌های ایدئولوژیک.

گفتمان آرمان‌گرایی انقلابی

در حالی که گفتمان ملی‌گرایی مصلحت محور نگاهش به محیط کاملاً یک نگاه درون‌گفتمانی بود، گفتمان آرمان‌گرایی انقلابی تلاش دارد از منظری برون‌گفتمانی به متغیرهای محیطی خود نظاره کند. ویژگی‌های اصلی این گفتمان هژمونیک انقلابی عبارتند از: - شالوده شکنی نظم و وضع موجود جهانی؛ - تبلیغ و ترویج و اجرای احکام اسلام در داخل و کفرستیزی و محو نظام‌های مستکبر و الحادی در سطح بین‌الملل؛ - مبنا قرار دادن ایدئولوژی در عرصه امور

تاکنون با عطف توجه به دال‌هایی مانند امنیت و قدرت، هر کدام از دال‌های محوری این گفتمان را مورد توجه قرار داده‌اند.

با حاکمیت هر یک از این گفتمان‌ها رفتار و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز دستخوش تغییر و تحول شده است. اگرچه براساس بعضی از رویکردهای گفتمانی، عامل یا کارگزار انسانی خود در درون گفتمان تعریف می‌شود و در چهارچوب آن رفتار می‌کند، اما تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیانگر این واقعیت است که رؤسای جمهور نقش تعیین‌کننده‌ای در تدوین و تعریف گفتمان سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کنند.

ملی‌گرایی مصلحت محور

این دوره که مصادف با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و دوره حاکمیت دولت موقت است، اصولاً به خاطر حاکم بودن شرایط نابسامان ناشی از وقوع انقلاب، حفظ انقلاب و کشور از تجزیه و فروپاشی مجدد در دستور کار دولتمردان قرار گرفت. دولت موقت و شخص نخست وزیر (بازرگان) که از رهبر انقلاب به واسطه سابقه شرکت در مبارزات علیه رژیم پهلوی و به عنوان کسی که پای‌بند "مکتب مقدس اسلام است" حکم گرفته بود، به رغم اینکه "متعهد و کاملاً مذهبی بودند، بافت فکری آنان ولی معطوف به ارزش‌ها و معیارهای ملی بود" بدین خاطر با گفتمان انقلابی که رهبر انقلاب مروج و مبلغ آن بود و

نظریه گفتمان ریشه در علوم تفسیری داشته و از عمده‌ترین جریان‌های فلسفی-علمی مانند پدیدارشناسی، زبان‌شناسی، ساخت‌گرا و هرمنوتیک در مطالعه موضوعات و مسائل انسانی و اجتماعی شدیداً تأثیر پذیرفته است. نظریه گفتمان به نقش معنی دار رفتار و کردار اجتماعی و اندیشه‌ها در زندگی سیاسی توجه دارد و به ارزیابی نظام‌های معنایی و گفتاری می‌پردازد که فهم انسان‌ها را از نقش ویژه خود در جامعه و سیاست در یک مقطع زمانی از تاریخ شکل می‌دهد.

دولت‌های پس از تاسیس نظام جمهوری اسلامی در سیاست خارجی، استراتژی‌های متفاوتی را داشته‌اند. اصل سیاست خارجی حاکمیت جمهوری اسلامی در قانون اساسی به صورت گفتمانی آمده است و از نظر سیاست کلان مربوط به ولی فقیه زمان است لکن دولت‌ها هر کدام با رعایت این اصول طبق مبانی استراتژیک خود هر یک به گونه‌ای عمل کرده‌اند که آنها را در ۶ استراتژی می‌توان دسته بندی کرد.

در ایران گفتمان اسلام‌گرایی از آغاز نهضت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۱ شروع شده و استمرار یافته است. پس از پیروزی انقلاب این گفتمان با تعیین حکومت اسلامی با نوع جمهوری اسلامی مبنای نظام جدید شد. این گفتمان که تاکنون تلاوم یافته است، دال‌هایی مانند عدالت اجتماعی، دفاع از مظلوم و ظلم‌ستیزی را مورد توجه قرار داد و مجموعه غرب به‌ویژه آمریکا را به عنوان غیر بیرونی خود، بازتعریف کرد. خرده‌گفتمان‌های این گفتمان مسلط،



- گسترش و تعمیق روابط با کشورهای همسایه به خصوص کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس.

■ گفتمان اعتدال گرا

گفتمان حاکم بر سیاست خارجی دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران را می‌توان گفتمان اعتدال نامید. این گفتمان نیز یکی از خرده گفتمان‌های کلان گفتمان اسلام‌گرایی است. این گفتمان را نباید به مثابه گسست گفتمانی در سیاست خارجی ایران تلقی کنند. زیرا، این گفتمان در عین افتراقات و تفاوت‌ها با سایر خرده گفتمان‌های پیشین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقاط مشترک زیادی نیز با آنها دارد.

عناصر و دقایق این گفتمان به اختصار عبارتند از:

- توازن و تعادل بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی؛
- تعادل و توازن بین اهداف سیاست خارجی؛
- تعادل و توازن بین مصالح اسلامی و منافع ملی؛
- تعادل و توازن بین اهداف و ابزار سیاست خارجی؛
- توازن و تعادل بین عناصر قدرت ملی؛
- تعادل و توازن بین اعمال قدرت و دیپلماسی؛
- تعادل و توازن بین حق و تکلیف؛
- توازن و تعادل در توسعه روابط خارجی.

■ دوره آرمان‌گرایی اصول محور

گفتمان سیاست خارجی دولت احمدی نژاد در ادامه گفتمان اسلام‌گرایی قابل تحلیل است و کارگزاران این دولت در سیاست خارجی هم در تئوری و هم در عمل به مسائل ایدئولوژیک نسبت به مسائل استراتژیک و مصالح ملی توجه بیشتری ابراز می‌دارند.

بدین ترتیب می‌توان تأیید دوباره آرمان‌های انقلاب اسلامی و تأکید بر اصول آن را از مشخصه‌های اصلی دوره آرمان‌گرایی اصول محور در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست.

اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره حاکمیت گفتمان آرمان‌گرایی اصول محور را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ایستادگی و پافشاری بر حقوق هسته‌های کشور و تحمل مشکلات ناشی از آن؛
- مخالفت اعلانی و اعمالی با سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا در سطح بین‌المللی و خصوصاً منطقه‌ای؛
- تأکید بر آرمان‌های انقلاب اسلامی از جمله محور رژیم اسرائیل از نقشه سیاسی جهان؛
- حمایت از نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی بخش در لبنان و فلسطین؛
- اتخاذ رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی و نزدیکی به چین و روسیه؛
- تأثیرپذیری رویکردهای سیاست خارجی از ضرورت‌های ایدئولوژیک بیش از تحولات محیط بین‌المللی؛

سیاست توسعه‌گرایی دوره قبل تلاطم یافت، با این تفاوت که مباحث سیاسی و فرهنگی در این فرآیند جایگزین محوریت اقتصاد در دوره قبل گردید.

در این دوره از سیاست خارجی ایران «تجوه بیان و شیوه رفتار و برخورد با دیگران تغییر یافت و سیاست تعدیل اقتصادی و قابل شدن به توسعه صنعتی دولتی جای خود را به توسعه سیاسی داد و در روابط خارجی، پذیرش پلورالیسم جهانی به معنی نفی نظام تک قطبی و پذیرش تساوی فرهنگ‌ها به محور اصلی سیاست خارجی تبدیل شد»

اصول کلی سیاست خارجی در این گفتمان عبارتند از:

- تنش‌زدایی و کوشش در جهت اعتمادسازی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- تأکید بر گفت و گو و مفاهمه بین فرهنگ‌ها جهت حل و فصل مسائل و مشکلات مطرح در سطح سیاست خارجی؛
- تلاش در جهت خنثی‌سازی سیاست‌های ضد ایرانی، از طریق شرکت فعالانه در کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی جهت کسب پرستیژ در سطح نظام بین‌الملل؛
- کوشش برای شناساندن تمدن اسلامی به عنوان تمدنی خواهان صلح، عدالت و گفت و گو در روابط بین‌الملل؛
- سعی در جذب و استفاده از پتانسیل‌ها و توانایی‌های ایرانیان مقیم خارج از کشور؛
- سیاست‌گذاری خارجی با توجه به مقدرات و محذورات بین‌المللی.

اصولی دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی را شدیداً تحت تأثیر گذارده، بسیاری از کارگزاران تصمیم‌ساز و تدبیرپرداز را به جایگزین کردن گفتمان «برون‌گرا/ آرمان‌گرا» با گفتمان «درون‌گرا/واقع‌گرا» وادار ساختند.

اصول اصلی این گفتمان عبارتند از:

- در دستور کار قرار گرفتن عادی سازی روابط با سایر کشورهای جهان؛
- برقراری ارتباط با سایر کشورها به خاطر ملزومات اقتصاد داخلی و سازندگی؛
- جایگزینی درک ایدئولوژیک از سیاست جهانی با درک ژئوپولیتیک از آن؛
- عضویت فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- انعطاف‌پذیری و جهت‌گیری‌های مصلحت‌گرایانه جهت خروج ایران از انزوای سیاسی تحمیل شده، ناشی از جنگ عراق علیه ایران؛
- تأکید بر صدور انقلاب از طریق پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور، تا بدین ترتیب انقلاب با الگو شدن برای سایر محرومان صادر شود؛

■ گفتمان عمل‌گرایی

سیاسی-فرهنگی

با روی کار آمدن سید محمد خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶ گفتمان نوینی در عرصه سیاست خارجی شکل می‌گیرد که در روابط خارجی مبلغ و مروج تنش‌زدایی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و گفتگو با سایر کشورهاست.

در این دوره از سیاست خارجی ایران،



استفن والت

استاد روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد

آیا شیوه‌ای برای ارزیابی و قضاوت در مورد موفقیت سیاست خارجی وجود دارد؟

گسست میان تعهدات اخلاقی و اهداف

در خصوص سیاست خارجی این پرسش‌ها مطرح است که چگونه بایستی در مورد سیاست خارجی یک کشور قضاوت کرد؟ چه سنجش و محکمی می‌تواند به ما کمک کند که تعیین و مشخص کنیم مقامات دولتی در مواجهه با کشورهای دیگر ضعیف عمل کرده‌اند یا قوی؟

تعیین اینکه سیاست خارجی یک کشور کار می‌کند یا خیر یک عمل سراسر است و مشخص نیست. بخشی از نتایج و خروجی‌های سیاست خارجی یک کشور در نتیجه تصمیمات خود آن کشور است، به‌ویژه برای قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده آمریکا- اما همچنین سیاست خارجی یک کشور به وسیله رفتارهای سایر بازیگران (که می‌تواند شامل بازیگران غیر دولتی) باشد تعیین شود. حتی در بهترین شرایط مرجع سیاست خارجی بایستی با موارد بی ثبات و نامشخص قابل توجهی دست و پنجه نرم کنند: آنها به درستی نمی‌دانند دیگران چگونه پاسخ خواهند داد (واکنش یا کنش نشان خواهند داد)، چگونه یک ابتکار عمل مشخص پیش خواهد رفت، یا چگونه کنش‌ها و رفتارهای آنها توسط سایر جوامع چگونه درک و فهم خواهد شد.

در نتیجه، ما نمی‌توانیم عملکرد سیاست خارجی را تنها به ارزیابی اینکه به نتایج مشخصی رسیده یا خیر، مورد قضاوت قرار دهیم. گاهی اوقات شانس و بخت خوب باعث نجات و کمک قضاوت ضعیف یا اجرای نامناسب می‌شود و گاهی اوقات نیز یک برنامه‌ای که خوب طراحی شده خیلی بد پیش می‌رود. حتی گاهی رهبرانی که درایت زیادی دارند خطا می‌کنند و شکست می‌خورند و گاهی نادانها، بخت یارشان است.

ما همچنین بایستی "درجه سختی و دشواری" را در محاسبات خود در ارزیابی سیاست خارجی مورد توجه قرار دهیم. رهبرانی که با چالش‌های وخیم مواجه

می‌شوند ممکن است که سخت کار کنند و سخت‌کوشی کنند، بهای زیادی بپردازند و نسبتاً کار کوچکی را به انجام برسانند. اما هنوز نیز در مورد آنها قضاوت می‌کنیم که بایستی در شرایط سخت، عملکرد خوبی داشته باشند.

رهبران دولت‌های نسبتاً ضعیف ممکن است در مواجهه با چالش‌های شدید خارجی خوب عمل کنند و استقلالشان را در مواجهه با این چالش‌ها به دست آورند اما این رهبران (رهبران کشورهای قدرتمند و امن) بایستی چیزی بیش از آن انجام دهند تا اقدام آنها به عنوان یک موفقیت بزرگ مورد قضاوت قرار گیرد.



در واقع، دولت‌هایی که تنها نتایج و دستاورد معمولی به رغم فرصت‌ها و مزیت‌های زیاد، به دست می‌آورند بایستی سختگیرانه تر مورد قضاوت قرار بگیرند چرا که برای آنها آسان و راحت خواهد بود که بتوانند بهتر عمل کنند. همچنین در مورد

سیاست خارجی پرسش در مورد زمان بندی وجود خواهد داشت. یعنی ممکن است یک دستاورد در زمینه سیاست خارجی در زمانی که مأموریت انجام شد، موفق ارزیابی شود ولی با گذشت زمان به یک فاجعه مصیبت بار تبدیل شود. اما عکس این موضوع نیز صادق است. ممکن است یک تصمیم سیاست خارجی بسیار پرهزینه در زمان خودش باشد اما نتایج و آثار مثبت و مهم بلند مدت را به دنبال داشته باشد.

همه این عوامل باعث می‌شود که نتوان به سادگی به سیاست خارجی یک کشور نمره داد. می‌توان به جای توجه و تمرکز

بر نتایج و دستاوردهای سیاست خارجی بر روی خود فرآیند تصمیم‌گیری تمرکز کرد. آیا رهبران ملی اهداف خود را بر پایه شواهد متقن و منسجم و بر اساس دلایل دقیق انتخاب می‌کنند یا اینکه آنها سیاست‌های مخاطره آمیز و غیر مسئولانه مبتنی بر توهمات و افسانه‌ها را انتخاب و اتخاذ می‌کنند. این نگرش به ما این اختیار را می‌دهد که فراتر از "موفقیت" یا "شکست" بنگریم.

از آنجایی که سیاست خارجی هیچ کشوری ۱۰۰ درصد موفقیت آمیز نبوده است ما می‌توانیم همچنین معیار قضاوت خود را در مورد سیاست

خارجی بر روی ویژگی تصمیم‌گیرندگان قرار دهیم. به عبارت دیگر می‌توان ارزیابی کرد که آیا تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی در طول زمان از اتفاقاتی که می‌افتد "یاد می‌گیرند" و یا با گذشت زمان خود را با تحولات تطبیق می‌دهند.

همچنین زمانی که شکستی رخ دهد، آیا سیاستمداران از این شکست درس می‌گیرند یا اینکه همان اشتباه را در آینده نیز بارها و بارها تکرار می‌کنند.

متأسفانه یک الگوریتم یا فرمول مشخص و دقیق برای ارزیابی "موفقیت" سیاست خارجی وجود ندارد. اما می‌توان فاکتورهایی را در نظر گرفت و بر اساس آنها سیاست خارجی یک کشور را مورد بررسی قرار داد.

اولین و مهم‌ترین عامل این است که سیاست خارجی یک کشور بایستی به امنیت مردم یک کشور در مقابل تهدیدهای

خارجی کمک کند. در یک مفهوم گسترده تر، حکومت‌هایی که با یکدیگر تقابل دارند امیدوار به منزوی کردن، بازداشتن، شکست دادن و در برخی موارد کاهش تهدیدات و خطرات خارجی هستند.

بر این اساس دولت‌ها ابزارهای گوناگون و مختلفی را به کار می‌برند که عبارتند از: دیپلماسی، نیروی نظامی و ابزارهای اقتصادی و غیره تا بتوانند اهداف بنیادی سیاست خارجی خود (منزوی کردن، بازدارندگی، شکست دادن و کاهش تهدید خارجی) را محقق سازند.

عامل دوم توجه به این نکته است که فرض است که حکومت‌های دموکراتیک به شهروندان و تأمین رفاه و آسایش آنها و ایجاد زندگی شادتر مردم توجه و اهتمام دارند. بر این اساس ساست خارجی موفق اینگونه ارزیابی می‌شود که آیا سیاست خارجی توانسته به طور مستقیم یا غیر مستقیم به شکوفایی ملی منجر شود یا خیر. برای نمونه اگر سیاست خارجی آمریکا به رشد اقتصادی بیشتر کمک کند در این صورت بیشتر مردم آمریکا پول بیشتری برای هزینه کردن خواهند داشت و قادر خواهند بود که زندگی راحتتری داشته باشند.

سومین عامل که برای ارزیابی سیاست خارجی می‌توان در نظر گرفت این است که آیا سیاست خارجی با هنجارهای اخلاقی پذیرفته شده تطبیق دارد و آیا ارزش‌های سیاسی گسترده تر را مورد تشویق قرار می‌دهد.

برای حکومت‌های دموکراتیک این موضوع به معنای حمایت از آزادی‌های فردی، حکومت دموکراتیک و حقوق بشر بنیادین است. مطمئن باشید که گاهی اوقات میان تعهدات اخلاقی و اهدافی که برای امنیت و شکوفایی اقتصادی در نظر گرفته می‌شود، گسست وجود دارد.

متأسفانه یک الگوریتم یا فرمول مشخص و دقیق برای ارزیابی "موفقیت" سیاست خارجی وجود ندارد. اما می‌توان فاکتورهایی را در نظر گرفت و بر اساس آنها سیاست خارجی یک کشور را مورد بررسی قرار داد

نقدی بر مقاله اسفتن والت

آشفتگی در توسل به شانس یا خرد

ایمان محمدی

سیاست خارجی کشورها فقط در تقابل این کشور با سایر کشورها نیست.

علت پنهانی این نظر والت این است که غیرمستقیم القاء کند در برابر کشورهای تهدیدگر خارجی که سردرسته آنها آمریکاست، عامل اصلی موفقیت در سیاست یک کشور که مورد تهدید آمریکاست این است که این کشور با سیاست خارجی، در برابر تهدید آمریکا امنیت کشور خود را تأمین کند. و امیدوار به منزوی کردن، بازداشتن و شکست دادن آمریکای تهدیدگر نباشد. و بهتر است با مذاکرات سازشی، تهدیدات آمریکا و خطرات خارجی را کاهش دهد.

در این صورت سیاست خارجی آن کشور از نظر امثال والت موفقیت آمیز خواهد بود. والت اشاره‌ای به مقاومت ملت‌ها در برابر زورگویی‌های دولت‌های مستکبر ندارد و نخواهد داشت زیرا او اندیشه‌اش و خودش در خدمت استعمار سلطه‌خواه غرب است.

عامل دوم از نظر والت؛ میدان باز گذاشتن در امور دموکراسی از دیدگاه غرب در کشور مورد تهدید است و می‌گوید: این امر موجب تأمین رفاه و آسایش شهروندان و زندگی شاد آنها می‌شود.

بعد مثال می‌زند «برای نمونه اگر سیاست خارجی آمریکا به رشد اقتصادی بیشتر کمک کند، در این صورت بیشتر مردم آمریکا، پول بیشتری برای هزینه کردن خواهند داشت و قادر خواهند بود که زندگی راحت‌تری داشته باشند».

این همان دم خروس است که از جیب والت بیرون زده، و مقاصد پنهانی او را آشکار می‌سازد در واقع، او می‌گوید اگر دولت ایران، بر طبق خواست‌های آمریکا، میدان را برای عوامل غرب در کشور ایران باز بگذارد تا آنها در پوشش دموکراسی غربی و جامعه مدنی دموکراتیک غربی نقشه‌های پنهانی آمریکا و غرب را در ایران اجرا نمایند؛ آنگاه آمریکا تهدید و تحریم‌ها را کاهش می‌دهد و این موجب می‌شود که پول بیشتری گیر مردم ایران بیاید تا هزینه بیشتری بکنند و راحت‌تر باشند.

والت به عنوان مدافع سرمایه‌داری غرب، ارزیابی سیاست خارجی را در استقلال، روابط مستقل ملی در صحنه بین‌المللی، و رعایت حقوق متقابل نمی‌داند، آن را در شکوفایی اقتصادی می‌داند.

والت بالاخره، عامل سوم را در موفقیت و ارزیابی سیاست خارجی موفق، هنجارهای اخلاقی اعلام می‌کند که البته از نظر غرب، همان مسئله حقوق بشر آمریکایی و غربی است که آن را در سطر بعدی آشکار می‌سازد.

«حکومت دموکراتیک، به معنای حمایت از آزادی‌های فردی، حکومت دموکراتی و حقوق بشر» و بعد در اظهار نظری زندانه، می‌گوید: «مطمئن باشید که گاهی اوقات، میان تعهدات اخلاقی و اهدافی که برای امنیت (منظورش جلوگیری از تهدیدهای دولت‌های غربی است) و شکوفایی اقتصادی (منظورش اقتصاد سرمایه‌داری غربی است) در نظر گرفته می‌شود، گسست وجود دارد».

البته از نظر والت و امثال او، شکوفایی اقتصاد بر اخلاق تقدم دارد.

در نجات سیاست خارجی و اجرای مناسب یا نامناسب آن می‌داند.

و عجیب‌تر آن که حکم می‌دهد. «حتی گاهی رهبرانی که درایت زیاد دارند خطا می‌کنند و شکست می‌خورند و گاهی نادان‌ها، بخت یارشان است».

از آنجا که دانشمندان غربی معمولاً در هر تحلیل تبلیغ غرب و دولت‌های بزرگ غربی را دارند این دانشمندان نیز می‌گویند: «رهبران دولت‌های نسبتاً ضعیف، ممکن است در مواجهه با چالش‌های شدید خارجی، خوب عمل کنند، ... اما رهبران کشورهای قدرتمند و امن (مقصودش آمریکا و انگلیس و فرانسه و... است) بایستی چیزی بیش از آن انجام دهند تا اقدام آنها به عنوان یک موفقیت بزرگ مورد قضاوت قرار گیرد».

این تحلیل دقیقاً در چارچوب سلطه‌گری استکبار غرب بر جهان است. و القاء اینکه آن کشور هم قدرت و هم امنیت دارند و طبعاً ناخودآگاه در ضمیر خواننده تحلیل القاء می‌کند که به قدرتمندی و امنیت آمریکا و سایر کشورهای غرب، اعتقاد یابند.

والت به علت شکست‌ها و بحران‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و فلسفی غرب نظر می‌دهد که «نمی‌توان به سادگی به سیاست خارجی یک کشور نمره داد، ... می‌توان بر روی خود فرآیند تصمیم‌گیری تمرکز کرد».

اتفاقاً به خوبی می‌توان بر سیاست خارجی کشورهای غربی و کمونیستی در دهه‌های اخیر نمره داد. مثلاً سیاست خارجی بوش که بر پایه «جنگ» بود را منفی دانست زیرا بحران‌های اقتصادی و سیاسی غرب، را شدت داد و هم‌چنین به سیاست خارجی او با ما که آمریکا را نتوانست از بحران، ولو بطور نسبی آرامش دهد، نمره منفی داد.

و این موضوع آنقدر آشکار است که توده‌های مردم آن را به خوبی فهمیده‌اند و حالا امثال والت می‌کوشند به توده‌های مردم بگویند که فهم آنها علمی نیست و بر اساس نظر علمی آنها باید از نمره دادن خودداری کنند و در فهم خود شک نمایند.

والت بر خلاف تمام موازین علمی، در علم سیاست می‌گوید: «متأسفانه یک الگوریتم یا فرمول مشخصی و دقیق برای ارزیابی موفقیت سیاست خارجی وجود ندارد». آنگاه خودش محورهایی را مطرح می‌کند که باید گفت اگر فرمول مشخص و معینی وجود ندارد او بر اساس کدام قانون یا حتی فرضیه‌های علمی این محورها را مطرح می‌نماید.

در واقع او متوجه نیست که «ناممکن» به نظر خودش را به «ممکن» رسانده است.

بقیه مقاله وی تبلیغ غیرمستقیم برای دولت بحرانی و ضعیف آمریکاست و تبلیغ حکومت‌های به اصطلاح دموکراتیک غربی.

عامل اول از نظر او کمک به امنیت مردم کشور در برابر تهدیدهای خارجی، در سیاست خارجی است و این عامل را در تقابل کشورهای مخاصم با می‌کند در حالی که

با دیدگاه نگاه استقلالی به همه اندیشه‌های غربی و شرقی، تمامی این نظریه‌ها و تحلیل‌ها ولو شهرت تبلیغی داشته باشند باید زیر ذره‌بین صاحب‌نظران مستقل قرار گیرند و اگر تحلیل درستی بود پذیرفته می‌شود وگرنه مورد نقادی واقع می‌شوند. مطالعه و اطلاع بر نظرات دانشمندان غربی ولو مدافعان استکبار و استعمار و سلطه‌گری غربی باشند مفید است به شرط آنکه دید مستقل اسلامی و ایرانی، و توجه به مقاصد پنهانی در اینگونه تحلیل‌ها داشته باشیم و در این راستا نقدی بر مقاله جناب اسفتن والت به ذهن رسیده است که تقدیم می‌شود.

مقاله‌ای که از آقای اسفتن والت، استاد مشهور روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد آمریکا درج شده است به نظر بسیار آشفته و متضاد است.

وی نوشته است: در خصوص سیاست خارجی، این پرسش‌ها مطرح است که چگونه باید در مورد سیاست خارجی یک کشور قضاوت کرد؟

بعد پرسش دیگری را مطرح می‌کند:

چه سنجش و محکمی می‌تواند به ما کمک کند که تعیین و مشخص کنیم مقامات دولتی در مواجهه با کشورهای دیگر ضعیف عمل کرده‌اند یا قوی؟

بعد جواب می‌دهد:

– تعیین اینکه سیاست خارجی یک کشور کار می‌کند یا خیر، یک عمل سرراست و مشخص نیست!

توضیح:

– سؤال اول وی چگونه قضاوت در مورد سیاست خارجی یک کشور است.

او بجای پاسخ به این سؤال و بیان محورهایی که قضاوت بر اساس آنها صورت می‌گیرد سؤال دیگری مطرح می‌کند.

چه سنجش و محکمی می‌تواند کمک کند که مشخص کنیم مقامات دولتی در مواجهه با کشورهای دیگر ضعیف عمل کرده‌اند یا قوی؟

در این سؤال او سیاست خارجی را رها می‌کند. ضعف یا قوت مقامات دولتی را مطرح می‌نماید که این ضعف یا قوت سیاست خارجی نیست بلکه ضعف یا قوت مجریان در آن سیاست خارجی مطرح است.

می‌دانیم چه بسیار قوانین خوب و مفیدی که به علت اجرای ضعیف مجریان، نتایج منفی داشته است سپس او قضاوت می‌کند:

«تعیین اینکه سیاست خارجی یک کشور کار می‌کند یا نه؟ یک عمل سرراست و مشخصی نیست»

یعنی در حقیقت وی یک اصل علمی قوی و متقن که بتواند قضاوت صحیح بر عملکرد سیاست خارجی یک کشور را تحقق بخشد، نمی‌کند. این همان آشفتگی است که در نوشته والت به چشم می‌آید.

عجیب است که این شخص که غرب را از خداوندان اندیشه سیاسی معاصر می‌داند به بخت خوب و بعد، و شانس و بد شانس رو می‌آورد و بر اساس تفکر خرافی و بدور از علم، شانس و بخت ناسازگار یا سازگار را مؤثر



مهدی صولی
قائم مقام مرکز بین الملل حزب مؤلفه اسلامی

ارزیابی سیاست خارجی دولت تدبیر و امید بر مبنای سیاستهای اعلامی و مواضع ابرازی

شکست هدف راهبردی رژیم صهیونیستی با سیاست

امنیت ملی، رفع تهدیدات خارجی و محور قرار گرفتن اقتصاد و توسعه ملی در روابط بین المللی، به اهداف سند چشم‌انداز نزدیک کند.

همچنین این رویکرد می‌تواند موجب خنثی‌سازی برنامه اسلام‌ستیزی و ایران‌هراسی در سطح جهان و به‌ویژه منطقه و همچنین به تبع آن افزایش اعتبار و حرمت و عزت ایران اسلامی در سراسر جهان و جامعه بین الملل باشد. بر این اساس تطبیق اجمالی مواضع ابرازی و عملکردی دولت با سیاستهای اعلامی در زمینه سیاست خارجی، از انطباق متناسبی برخوردار است. یعنی دولت توانسته است در مدت بسیار کوتاه به سمت این تحقق این سیاست‌ها حرکت کند و موفقیت‌های بدست آمده بسیار قابل توجه و چشمگیر است. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت مواضع اتخاذ شده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی چند ماه گذشته نه تنها بر افزایش سطح ثبات منطقه‌ای تأثیرگذار بوده، بلکه مؤلفه‌های امنیت بین‌المللی را نیز دستخوش تغییرات مثبت کرده است.

به عنوان نمونه، چندی پیش در خبرها آمده بود که میان روسیه و آمریکا مجادله جدی در خصوص استقرار سامانه موشکی ناتو در منطقه بالکان و شرق اروپا شکل گرفته است. در این مجادله مهم‌ترین بهانه روس‌ها این است که با تحرکات انحراف پیش آمده در مسیر رسیدن به افق سند چشم‌انداز، اصلاح کند و تداوم آن می‌تواند در بازه زمانی میان مدت، جمهوری اسلامی ایران را از طریق تقویت

نظام بین‌الملل شکل داده است. متناسب با سیاست‌هایی که در ابتدا مرور شد، راهبردهایی توسط دولت تدبیر و امید برای پیشبرد این سیاست‌ها، اتخاذ شده است. این راهبردها در دو سطح کلان و عملیاتی مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت به‌عنوان اصول بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، متولی صیانت و پیشبرد منافع ملی کشور در

دولت باید توجه بیشتری به دیپلماسی عمومی په و یژه با استفاده از ظرفیت فرهنگ، آموزش، علم و دانش و فناوری، هنر و نیز ظرفیت احزاب و سازمان‌های غیردولتی، تشکلهای مردم‌نهاد و... داشته باشد تا از این طریق عرصه عمومی هم بتواند به شکل عملی، پشتیبان سیاست خارجی دولت باشد

نظام بین الملل هستند. براساس آنچه ذکر شد و با عنایت به عملکرد دوران کوتاه دولت تدبیر و امید می‌توان در نگاهی منصفانه گفت این سیاست‌ها و راهبردها توانسته است جهت حرکت سیاست خارجی کشور را از انحراف پیش آمده در مسیر رسیدن به افق سند چشم‌انداز، اصلاح کند و تداوم آن می‌تواند در بازه زمانی میان مدت، جمهوری اسلامی ایران را از طریق تقویت

ایران مخالف، و وحدت ارتجاعی را در مقابل ایران شکل داده بودند، از جمله این مختصات است.

از چالش‌ها هم می‌توان به تداوم بی‌ثباتی‌ها در منطقه پیرامونی جمهوری اسلامی ایران و همچنین تلاش‌های گسترده آمریکا و رژیم صهیونیستی درخصوص گسترش ایران‌هراسی، شیعیه‌راسی و همچنین جلوه دادن ایران به عنوان یکی از تهدیدات امنیت بین الملل، اشاره نمود. در خصوص گفتمان حاکم بر سیاست خارجی دولت تدبیر و امید هم می‌توان گفت، مفهوم اساسی و بنیادین گفتمان سیاست خارجی دولت تدبیر و امید، بر مبنای مفهومی بنام «اعتدال» است. در اندیشه سیاست خارجی دولت یازدهم، اعتدال به معنای ایجاد توازن میان آرمان و واقعیت در مسیر جهت دادن واقعیت‌ها به سمت آرمان‌ها تعریف می‌شود. بر این اساس باید گفت، گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت آقای روحانی مبتنی بر حرکت واقع‌بینانه، خودباورانه، متوازن و هوشمندانه از تقابل به گفتگو، تعامل سازنده و تفاهم است که در نهایت ارتقای جایگاه، منزلت، امنیت و توسعه جمهوری اسلامی ایران را شامل می‌شود. ویژگی‌های مهم گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت روحانی عبارتند از: واقع‌بینی، خودباوری، و مهم‌تر از همه به تعبیر دکتر محمد جواد ظریف «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» که می‌توان گفت تلقی جدیدی از توازن مفهومی میان نظریه‌های آرمان‌گرایانه و واقع‌گرایانه در

در این نوشتار، ابتدا چارچوب کلی سیاست خارجی دولت تدبیر و امید بر مبنای سیاست‌های اعلامی مرور و در ادامه موفقیت این سیاست‌ها براساس مواضع ابرازی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

اهداف کلان سیاست خارجی دولت تدبیر و امید بر مبنای اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر قانون اساسی، رهنمودهای امام راحل (ره) و تدابیر مقام معظم رهبری تدوین شده است و در ذیل آن اهداف اجرایی و عملیاتی تعریف شده که بیش از هر چیزی، مبتنی بر شناخت محیط سیاست خارجی است. مهم‌ترین مؤلفه‌ای که درخصوص شناخت محیط سیاست خارجی مورد توجه دولت تدبیر و امید است، توجه ویژه به تحولات ساختاری در مفهوم قدرت در نظام بین‌الملل است.

مؤلفه دوم تلقی واقع‌بینانه از جایگاه ایران در شرایط انتقالی جهانی است که این تلقی مبتنی بر فرصت‌هایی است که در این مقطع زمانی پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و چالش‌هایی هم بر این موضوع مترتب است که باید هم‌زمان ارزیابی دقیقی از این فرصت‌ها و چالش‌ها وجود داشته باشد. در حوزه فرصت‌ها، پذیرش الگوی جدید حکومتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، تحولات بیداری اسلامی در منطقه و گسترش گرایش مردمی در منطقه به همراهی با پیام‌های جهانی انقلاب اسلامی، حذف برخی از رقبای منطقه‌ای و همچنین حذف و تضعیف برخی از دولت‌هایی که به شکل سنتی با جمهوری اسلامی

خارجی دولت تدبیر و امید

سی سال گذشته در مدیریت امروز وزارت امور خارجه شکل گرفته است، می‌تواند به کاهش اثرات زیانبار این نقیصه کمک کند. به خصوص تقویت ارتباط با مجامع، اندیشمندان، نهادهای علمی و تشکل‌های غیردولتی که با دغدغه‌های انقلابی و دینی و نیز با اتکا به اندیشه‌های اصیل انقلاب اسلامی شکل گرفته‌اند، بسیار ضروری است.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین اولویت‌های دولت، ساماندهی ارتباطات موثر در سیاست خارجی است، باید از همه ظرفیت‌های داخلی برای پیشبرد این راهبرد استفاده نمود تا منافع ملی تأمین شود. دستگاه سیاست خارجی دولت با توجه به کارکرد سنتی و کلاسیک خود بیشتر متمرکز بر دیپلماسی رسمی است، بنابراین دولت باید توجه بیشتری به دیپلماسی عمومی به ویژه با استفاده از ظرفیت فرهنگ، آموزش، علم و دانش و فناوری، هنر و نیز ظرفیت احزاب و سازمان‌های غیردولتی، تشکل‌های مردم‌نهاد و... داشته باشد تا از این طریق عرصه عمومی هم بتواند به شکل عملی، پشتیبان سیاست خارجی دولت باشد.

در پایان، به نظر می‌رسد، سیاست خارجی دولت تدبیر و امید نیازمند توجه بیشتر به سرمایه اجتماعی بین المللی ایرانیان است. منظور از سرمایه اجتماعی بین المللی ایرانیان بهره‌گیری از ظرفیت بسیار بالای ایرانیان سراسر جهان است که می‌تواند بسیاری از مشکلات و موانع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را پیش برده و حل کنند.

عوامل رژیم صهیونیستی در داخل و خارج بسیار از تداوم این سیاست‌ها نگران هستند.

موفقیت بسیار مهم دیگر سیاست خارجی دولت تدبیر و امید، برقراری نسبت منطقی میان خردورزی و دیپلماسی است. یعنی دیپلماسی دولت جدید بر مبنای پایه‌های خرد و اندیشه مبتنی بر نظریه



ما برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خودمان هیچ‌گاه نباید نقش نیابتی برای هر یک از قدرت‌های جهانی ایفا کنیم بلکه در مقابل آنها باید نقش مستقل و تابع منافع ملی خود داشته باشیم

علمی شکل گرفته‌است، که این امر بسیار ارزشمند است. اما چند نگرانی و دغدغه وجود دارد که لازم است به آنها توجه شود: نکته اول این است که در بعد نظری، سیاست خارجی جمهوری اسلامی همچنان از فقر دانش بومی در روابط خارجی رنج می‌برد. البته رفع این نقیصه از وظایف اساسی دستگاه سیاست خارجی نیست ولی همت بلندی که در بهره‌گیری از انباشت متراکم تجربیات بومی

گرفته و آن سیاست دائمی "نه شرقی و نه غربی" است. درست است که امروزه بر حسب ظاهر، بلوک شرق در دنیا وجود ندارد، اما مفهوم ماهوی این راهبرد این است که ما برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خودمان هیچ‌گاه نباید نقش نیابتی برای هر یک از قدرت‌های جهانی ایفا کنیم بلکه در مقابل آنها باید نقش مستقل و تابع منافع ملی خود داشته باشیم. به نظر می‌رسد در دوره قبل، این نقش تا حدی مخدوش شد و به ویژه در دولت قبل در برخی از اتفاقات منطقه‌ای و بین المللی نقش نیابتی ایفا می‌کردیم. رویکرد دولت روحانی به سیاست خارجی، نه تنها استقلال را به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بازگردانده، بلکه آنر تحکیم کرده و باعث شده که موازنه مثبتی در روابط با همه همسایگان و متحدین و رقبا و حتی قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شکل گیرد. امروز مخالفت با سیاست خارجی دولت روحانی در دوره جدید در پاره‌ای مواقع توسط کسانی صورت می‌گیرد که در دوره‌ای حامیان اصلی جریان دوستی با مردم اسرائیل بودند و امروز به عنوان منتقدین سیاست خارجی دولت آقای روحانی محسوب می‌شوند. این وضعیت نشان می‌دهد جهت‌گیری سیاست خارجی دولت روحانی، جهت‌گیری صحیحی است و باعث شده تا هدف راهبردی رژیم صهیونیستی در اجماع جهانی بر ضد جمهوری اسلامی شکست خورده و برعکس انزوای جهانی نسبت به سیاست‌های ددمنشانه رژیم صهیونیستی شکل گیرد و به همین جهت

شرق اروپا اتخاذ شده بود، وجود ندارد. این‌ها نشان می‌دهد که مواضع دولت تدبیر و امید، نه تنها تأثیرات مهمی بر افزایش سطح ثبات و امنیت جمهوری اسلامی داشته است، بلکه روابط امنیتی قدرت‌های بزرگ را هم با چالش اساسی مواجه کرده است.

امروزه دیگر آرایش و صف بندی جهانی علیه ایران موضوعیت خود را از دست داده است. تا چندی پیش با اتخاذ سیاست‌های غلط، جمهوری اسلامی یک طرف و همه جهان به ناحق در مقابل ایران صف آرایی کرده و متحد شده بودند ولی اکنون با نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران، کاملا صحنه بازی در نظام بین‌الملل در حال تغییر است.

نکته بسیار مهم دیگر در ارزیابی سیاست خارجی دولت تدبیر و امید، جلوگیری از اعمال سیاست‌های سلیقه‌ای و جناحی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران است.

سیاست خارجی و روابط بین‌الملل در کشورها از جمله حوزه‌های مهمی است که باید کمترین تأثیر را از تغییرات جناحی و اختلافات داخلی بپذیرد و از ثبات دائمی برخوردار باشد. به بیان دیگر معمولاً سیاست خارجی تصویری از آرایش متوازن منابع قدرت داخلی است و دولت آقای روحانی به خوبی توانسته تصویر و بازتاب متناسبی از آرایش متوازن منابع قدرت داخلی را به جهان عرضه کند.

نکته دیگر اینکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصل بنیادینی است که توسط حضرت امام(ره) شکل



ویژگی‌های سیاست خارجی دولت روحانی
در گفتگو با دکتر مهدی مطهرنیا

بدبینان واقع‌گرا و واقع‌گرایان بدبین ناراحت‌اند



تفت وگو
سید حسین امامی

دکتر مهدی مطهرنیا استاد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی معتقد است: احمدی نژاد به جای رئیس‌جمهور کشور، خود را در جایگاه رهبری کشور می‌دید و تلاش می‌کرد در این وادی حرکت کند. از این منظر او در عین حالی که رئیس‌جمهور بود می‌خواست امضاءکننده نهایی سیاست خارجی باشد، در حالی که در چارچوب قانون اساسی و مقررات موجود در ایران و همچنین عرف ناشی از هم‌پیوندی سیاست و دیانت در قالب عنصر ولایت فقیه است.

آنچه در ادامه می‌آید گفتگو با این استاد دانشگاه درباره ویژگی‌های سیاست خارجی دولت روحانی و تفاوت‌های آن با دولت احمدی نژاد است و قاعدتا دیدگاه‌های وی می‌تواند مخالفان بسیاری هم داشته باشد که نشریه فارغ از داوری به انتشار آن پرداخته و از نظرات سایر دیدگاه‌ها نیز استقبال می‌کند. به خصوص آنکه وی مباحثی را در خصوص منافع ملی و نسبت آن با مصالح دینی مطرح کرده است که می‌تواند مورد نقادی جدی و اصولی قرار گیرد.

نفع ایران و آینده منافع ملی ایران مدیریت نمایند.

تاکنون این تلاش بیشتر دیده شده است؛ اگرچه باید بگوئیم گاه این تلاش اعوجاج‌های خاصی داشته و تردیدهایی هم در آن ایجاد شده است، به گونه‌ای که بعضی از تحلیل‌گران درون کشور، با جهت‌گیری‌های نومحافظه‌کارانه و رادیکالیستی آنرا زمینه‌ساز سازش معرفی می‌کنند و برخی دیگر تحرکات دولت روحانی را در رادیکالیسم روبرو، ایجادکننده فضای ماندگاری نظام جمهوری اسلامی دانسته و هر دو در این مسیر تلاش کردند تا در حرکت روحانی اختلال ایجاد کنند. به عبارت دیگر از یکسو، بدبینان واقع‌گرا و از سوی دیگر واقع‌گرایان بدبین نسبت به نظام جمهوری اسلامی در تحرک روحانی به ویژه در پرونده هسته‌ای ناراحت و نگران بودند و این نشان‌دهنده این امر است که اعوجاج‌ها ناشی از تلاش روحانی برای معدل‌گیری میان واقعیت و آرمان‌ها تا حدود زیادی توانسته، در امتداد یک خط و در دو سوی مختلف آن مخالفت‌های را برانگیزد. عده‌ای که تحت عنوان کاسبان تحریم از آنها یاد می‌شود و عده‌ای دیگر که آنها را عصیان‌خواهان تحریم می‌دانم، چرا که در این سو نیز عده‌ای وجود دارند که می‌خواهند به واسطه استمرار و ادامه تحریم‌ها زمینه‌های ایجاد اغتشاشات و نگرانی‌های درونی به وجود بیاید به گونه‌ای که اخیرا در مسیر دادن سبک کالا و آنچه که در این موضوع پیش آمد، ضربه‌های زیادی را وارد کنند. در واقع اگر این روند، نارضایتی در جهت اقتصادی درست کند و بروز پیدا کند می‌تواند ضربه‌های بسیار زیادی به امنیت روانی و اجتماعی آینده جامعه وارد کند.

L اگر به دو مؤلفه "آرمان‌گرایی" و "واقع‌گرایی" توجه کنیم، سیاست خارجی دولت روحانی از هر مؤلفه چه بهره‌ای برده و وزن کدام متغیر در سیاست خارجی دولت فعلی پررنگ‌تر است؟

آنچه که در سیاست دولت روحانی باید به آن نگاه کرد، معدلی میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی است. این تلاش در نزد روحانی و تیم سیاست خارجی او مشاهده می‌شود که برآند تا میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، خط معدلی را در جهت رسیدن به اهداف تعریف شده ملی به دست بیاورند. در واقع اگر روحانی بتواند این خط معدل را در چارچوب حقیقت‌گرایی شکل و محتوا بخشد موفق خواهد بود.

حقیقت‌گرایی به این معناست که اگر روحانی بتواند این خط معدل را در مسیر حفظ اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی و در عین حال مدیریت واقعیت‌های جهانی به نفع جامعه ملی به گونه‌ای به انجام برساند که اگر چهره‌ای از ایران براساس عملیات رسانه‌ای در جهان به‌عنوان تهدید ثبات و نظم و صلح بین‌المللی مطرح شده، بازآفرینی شود و چهره نرم قدرت جمهوری اسلامی ایران در پرتو انقلاب اسلامی، گسترش و تعمیق پیدا کند او خواهد توانست خط معدل میان واقعیت و آرمان را در مسیر حقایق شکل بخشد و از این جهت هم‌گرایی ملی در دفاع از آرمان‌های انقلابی و هم‌گرایی بیشتری در دفاع از آرمان‌های انقلابی به وجود آید و هم تحرکات رقبا را در مسیر ایجاد جنگ نامتعادل بر علیه ایران در ارتباط با مخدوش ساختن چهره ایران در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی با چارچوب‌های ایران‌هراسی در حوزه منطقه‌ای و از سوی دیگر اسلام‌هراسی در حوزه بین‌المللی به

نهادها و ارگان‌ها و سازمان‌های رسمی و حتی غیررسمی بسیاری دخیل هستند که در نهایت با تصویب رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، هر فعل و انفعال عملیاتی در حوزه سیاست خارجی صورت می‌پذیرد. بلکه! می‌توان گفت در نحوه اجرای فرامین رهبری، دولت‌های گوناگون و وزارت امور خارجه سلاقی مختلفی را در نحوه اجرا حاکم می‌کنند. باید گفت از این جهت آنچه دولت روحانی عمل می‌کند تغییر ماهوی با آنچه که احمدی‌نژاد انجام می‌دهد، دارد نه از نظر سیاست خارجی و ماهیت سیاست خارجی. احمدی‌نژاد به جای رئیس‌جمهور کشور خود را در جایگاه رهبری کشور می‌دید و تلاش می‌کرد در این وادی حرکت کند. از این منظر او در عین حالی که رئیس‌جمهور بود می‌خواست امضاءکننده نهایی سیاست خارجی باشد، در حالی که در چارچوب قانون اساسی و مقررات موجود در ایران و همچنین عرف ناشی از هم پیوندی سیاست و دینت در قالب عنصر ولایت فقیه است، که در واقع نوعی چالش درون ساختاری ایجاد می‌کرد.

امروزه در عین حالی که روحانی، رئیس‌جمهور است و تلاش می‌کند که عنصر اجراکننده سیاست خارجی تأیید شده باشد، به عنوان عنصر آگاه در عرصه سیاست خارجی به رصد مسائل بین‌المللی پرداخته و با اطلاعات دقیق در ارتباط با این معنا به عنوان رئیس‌جمهور و شخص دوم مملکت پس از رهبری، در تعیین اهداف سیاست خارجی و روش‌های اعمالی آن وارد عمل شود و توانسته این منزلت را در جایگاه رئیس‌جمهوری از دو جهت ایجاد کند؛ یک اینکه رئیس‌جمهور است و به هر تقدیر به طور رسمی فرد دوم در ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و گفته‌های او پشتوانه آرای مردم را دارد، همان‌گونه که همه رؤسای جمهور داشتند و از طرف دیگر او خود یکی از دیپلمات‌ها و بازیگران عرصه اصلی تحولات امنیتی - سیاسی در کشور بود که به آنها نیز وقوف دارد، لذا در این زمینه مهرهای تأثیرگذار است؛ هم از جهت جایگاه حقیقی‌اش و هم از نظر جایگاه حقوقی‌اش، ولی در عین حال در تحلیل نهایی، روحانی تلاش دارد که آنچه که می‌اندیشد و پیشنهاد می‌کند بدون در نظر داشتن سلسله مراتب قانونی در قانون اساسی و ساختار قدرت در ایران نباشد و لذا روحانی بدون هماهنگی با رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران در این زمینه هیچ فعالیتی را انجام نمی‌دهد ولی نکته اساسی را برخلاف رئیس‌جمهور سابق در نظر می‌گیرد و آن اینکه از موجودیت و جایگاه رهبری در زمینه‌های گوناگون سیاسی در عرصه آشکار بهره‌گیرند، چون اگر چالش‌هایی به وجود بیاید جایگاه و شأن رهبری نظام جمهوری اسلامی حفظ شود.

آنها پرسش می‌کنیم)، بر این گزاره جدی پای می‌نشانم که بالاترین مصلحت دینی ما و دیگر ادیان جهان در عالم واقعیت و واقعیت‌های عملی در حوزه سیاست تأکید بر منافع ملی ماست، لذا مصلحت دینی ما تأکید بر منفعت ملی ما خواهد بود. احساس می‌کنم با این فهم و درک روحانی به‌واسطه پیشینه عملیاتی خود در عرصه سیاست خارجی و مسائل امنیت ملی از یک‌سو و از سوی دیگر به‌عنوان فقیهی که به متون اسلامی کاملاً واقف است و در طرف دیگر به‌عنوان متخصص حقوق زمینه‌های سه‌گانه‌ای را در فهم این معنا در درون خود نهادینه کرده و هم‌اکنون حسن روحانی، این درک عمیق را در رفتار خود نشان می‌دهد که بالاترین مصلحت دینی ما تأکید بر منافع ملی است اگرچه مجبور می‌شویم براساس مقتضیات زمان، منافع ملی را گاه محدود تعریف کرده و آن را مضیق ببینیم و گاه موسع و فراگیرتر و لذا باید واقعیت‌ها را در کنار آرمان‌ها مد نظر قرار داد و در کنار آنچه به تکلیف می‌اندیشیم نتیجه عمل را به قول رهبری جمهوری اسلامی ایران، مد نظر قرار دهیم. به نظر می‌رسد روحانی، این تلاش را به خرج داده است هر



احمدی‌نژاد به جای رئیس‌جمهور کشور، خود را در جایگاه رهبری کشور می‌دید و تلاش می‌کرد در این وادی حرکت کند. از این منظر او در عین حالی که رئیس‌جمهور بود می‌خواست امضاءکننده نهایی سیاست خارجی باشد

چند که باید منتظر آینده بود و رفتارهای او را در این مسیر بیشتر تحت نظر قرار داد.

آیا می‌توان گفت سیاست خارجی دولت روحانی تفاوت ماهوی با سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد دارد؟

اتخاذ سیاست خارجی برعهده و به اصطلاح در دست دولت احمدی‌نژاد یا دولت روحانی نیست، سیاست خارجی مقوله‌ای مشارکتی است که در نهایت با تصویب رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران عملیاتی می‌شود، اگرچه ممکن است به طور مستقیم مهر و امضای رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران را بر تحرک دولت‌های گوناگون در سیاست خارجی ببینیم، ولی هر تحلیل‌گر آگاهی به مسائل ایران به‌خوبی می‌داند که در تمام مسائل مربوط به سیاست خارجی،

هم‌اکنون نمی‌توان از کشورهای بزرگ جهان خواهان آن بود که حق غنی‌سازی ایران را به رسمیت بشناسند چرا که اساساً کاربرد کلمه حق در سیاست بین‌الملل و روابط خارجی کشورهای بزرگ جهانی با کشوری مانند ایران می‌تواند زمینه‌ساز درخواست این حق از سوی دیگر اعضای جامعه بین‌المللی و تراکم درخواست‌های فزاینده در نظام بین‌الملل برای دستیابی به انرژی هسته‌ای در داخل کشورهای مختلف باشد که نظام موجود بین‌المللی را (علی‌رغم چالش‌ها و انتقادهایی که به آن داریم)، به هم می‌زند و کشورهای بزرگ جهان در مقابل آن مقاومت می‌کنند، لذا برنامه غنی‌سازی در ایران پذیرفته شده است یعنی حق غنی‌سازی از منظر تعریف عملیاتی پذیرفته شده، مورد توجه قرار گرفته است. لذا می‌توان گفت در این بافت موقعیتی با توجه به وارد کردن ما به ساحت جنگ اقتصادی و دست بالا داشتن رقیب در این جنگ اقتصادی موجب شده که هم‌اکنون بگوئیم ما توانسته‌ایم حد اعتدال را رعایت کرده و حتی بیش از اندازه‌های مورد توقع در بازه زمانی سه ماهه در دست‌یابی به برنامه غنی‌سازی اورانیوم در داخل کشور به‌عنوان اصل پذیرفته شده از سوی قدرت‌های بزرگ جهانی در قالب ۱+۵ نائل آئیم.

ما با تثبیت این دستاورد هزینه‌های ملی خود را در زمینه دست‌یابی به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز کاهش خواهیم داد و از طرف دیگر اعتمادافزایی و اعتباربخشی به ایران در نظام بین‌الملل را کلید خواهیم زد. این نشان‌دهنده این است که توانسته‌ایم با رعایت حد اعتدال به همه این دستاوردها دست پیدا کنیم. در حالی که ممکن است در بافت موقعیتی دیگری در چند سال آینده دیگر این وضعیت حد اعتدالی ما نباشد بلکه وضعیتی بالاتر و بهتر را در زمینه مسائل بین‌المللی دنبال کرده و به قدرت فزاینده‌تری در جهت دست‌یابی به اهداف خویش دست یابیم.

از منظر توجه و اولویت‌بندی بین منافع ملی و مصالح اسلامی، سیاست خارجی روحانی اولویت را به کدام می‌دهد؟

آنچه که مسلم است این است که در امر واقع و واقعیت ادبیات سیاسی، هنگامی می‌توانیم به مصالح دینی برسیم که به منافع ملی توجه کرده باشیم. این را در سنت رسول‌الله (ص) هم مشاهده می‌کنیم، مکه به عنوان سرزمین جغرافیایی مشخص برای پیامبر (ص) و مسلمین هم جایگاه ویژه‌ای داشته است؛ همین‌گونه دفاع از کیان اسلام و سرزمین‌های اسلامی. لذا از منظر زوایه تخصص سیاسی خود به عنوان متخصص مسائل سیاسی و بین‌المللی نه فقه (فقه از آن فقه‌است و ما نیز در ارتباط با این معنا از

اعتدال، مفهوم محوری سیاست دولت روحانی است. اعتدال در سیاست خارجی این دولت به چه معنایی است؟

اعتدال امر فلسفی ریشه‌دار در تاریخ فلسفه سیاسی و در آرای ارسطوی حکیم حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد حضرت مسیح (ع) است. ارسطو دانش‌واژه‌های بنام «نئودایمونیا» دارد. در واقع «دایمونیا» به معنای کوچیتوی صغری - کبری، به معنای خوب زیستن از طریق خوب کار کردن است. زمانی که به ارسطو گفتند: یا ارسطو، همگی از خوب زیستن معنای ذهنی افاضه می‌کنند به این معنا که هر کسی که سعادت را یک چیز می‌داند، اما خوب کار کردن یعنی چه؟ ارسطو گفت: خوب کار کردن یعنی به اعتدال رفتار کردن. عرض کردند یا ارسطو، به اعتدال رفتار کردن یعنی چه؟ گفت: اعتدال حد وسط افراط و تفریط است. زمانی که از او خواستند حد وسط را نشان دهد، گفت: حد وسط، امر ثابتی نیست. در واقع حد وسط با قیاس و استقراء معنا نمی‌شود، بلکه باید با تمثیل به معنای آن پرداخت، لذا شجاعت حد وسط زبونی و بی‌باکی است. مقتصد بودن حد وسط ولخرجی و خساست است.



اتخاذ سیاست خارجی برعهده و به اصطلاح در دست دولت احمدی‌نژاد یا دولت روحانی نیست، سیاست خارجی مقوله‌ای مشارکتی است که در نهایت با تصویب رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران عملیاتی می‌شود

از این جهت می‌توان گفت که «نئودایمونیا» به معنای خوب زیستن از طریق خوب کار کردن است. در واقع خط واسطی است که باید در بافت موقعیتی آنرا مورد ملاحظه قرار داد. به طور مثال می‌توان گفت هم‌اکنون در پرونده هسته‌ای، اعتدال رعایت می‌شود اما اگر در بافت موقعیتی اقتصادی پیشرفته‌ای بودیم که فشارهای اقتصادی از یک‌سو و از سوی دیگر زمینه‌های ایجاد فضای مثبت‌تر برای تحکیم اصول و آرمان‌های انقلاب در پس‌سی و پنج سال کوشش فراهم آمد، هم‌اکنون می‌توانستیم با قدرت بیشتری ایستادگی کنیم. این در حالی است که توانسته‌ایم با تمسک به همان اصول و نگرش‌ها هم‌اکنون بعد از ۱۰ سال برنامه غنی‌سازی اورانیوم در داخل کشور را به عنوان امر پذیرفته شده بین‌المللی به نمایش بگذاریم. کاری که

زمینه‌های شکل‌گیری «داعش» و آرمان‌شهر آن

(بخشی از مخالفان سوری که مورد حمایت غرب هستند) در استان ساحلی لatakia توسط مبارزان داعش به ضرب گلوله کشته شد.

داعش با دیگر گروه‌های اسلام‌گرا نیز درگیری دارد. در ماه نوامبر ۲۰۱۳ داعش به کشتن عضو برجسته گروه اسلامی «حرار الشام» متهم شد.

داعش در عراق

داعش که از ابتدا در عراق شکل گرفته در سوریه فعالیت زیادی دارد. در ماه اوت سال ۲۰۱۳، مسئولیت یک‌سری از بمب‌گذاری در بغداد و مناطق دیگر عراق که طی آن ده‌ها تن کشته شدند را بر عهده گرفت. به تازگی برخی منابع امنیتی عراق اعلام کردند که «ابومحمد العذنانی»، سخنگوی داعش که بیانیه‌های این گروه را اعلام می‌کند پیش از این به مدت ۵ سال تحت عنوانی جعلی در عراق زندانی بوده است. یک مسئول بلندپایه امنیتی عراق گفته است که «ابومحمد العذنانی» طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ با نام جعلی زندانی بوده است. به گفته این منبع امنیتی، نام اصلی او «یاسر خلف حسین نزال الراوی» است و تا کنون اسامی مختلفی برای خود انتخاب

سوریه که در ماه مارس ۲۰۱۳ به تصرف نیروهای داعش درآمد، اولین منطقه‌ای بود که به طور کامل تحت کنترل این شورشیان قرار گرفت.

به کار بردن نام شام (به جای سوریه) که منطقه‌ای به گسترده‌گی سوریه، اردن، لبنان، اسرائیل و فلسطین و بخش‌هایی از غرب عراق و صحرای سینا را شامل می‌شد، ریشه‌های فکری این سازمان را نشان می‌دهد

این گروه تا کنون اعلام کرده که از دیگر گروه‌های جهادی در سوریه مستقل است و گذشته از این رابطه تنش آلودی با دیگر گروه‌های مخالف دولت بشار اسد در سوریه دارد. در ماه ژوئیه ۲۰۱۳ فرمانده ارتش آزاد سوریه،

توحید و جهاد» نامید، اما در اکتبر ۲۰۰۴ نام خود را به «تنظیم قیادت الجهاد فی بلاد آل رافدین» تغییر داد.

این سازمان بر پایه جهاد شکل گرفته و از همان سال ۲۰۰۴ متعهد به وفاداری و حمایت از القاعده شده و به عنوان القاعده عراق مشهور شد. در ژانویه ۲۰۰۶ این سازمان با چند گروه کوچک‌تر ادغام شد و خود را «شورای مجاهدین» نامید. در اکتبر سال ۲۰۰۶ نام دولت بر خود نهاد و «دولت اسلامی عراق» نامیده شد. در ماه آوریل ۲۰۱۳ این گروه نام خود را به «دولت اسلامی عراق و شام» تغییر داد تا منعکس کننده نقش آنها در جنگ داخلی سوریه باشد.

گروه «دولت اسلامی عراق و شام» از آوریل ۲۰۱۳ تا کنون به یکی از اصلی‌ترین گروه‌های جهادی مخالف با دولت سوریه تبدیل شده است.

تعداد دقیق افراد این سازمان مشخص نیست اما تصور می‌شود که شامل هزاران مبارز است که بخشی از آنها را جهادیون خارجی تشکیل می‌دهند.

تحلیل‌گران معتقدند که بیشتر افراد جنگی این گروه و هم‌چنین رهبری این گروه غیر سوری است. شهر رقا در شمال شرق

حکومت اسلامی عراق و شام (الدولة الإسلامية فی العراق والشام) یا داعش یکی از گروه‌های شورشی و تکفیری فعال در عراق و سوریه است. این گروه در اوایل سال‌های جنگ عراق تاسیس شد. این گروه در سال ۲۰۰۴ متعهد به وفاداری و حمایت از القاعده شده و به عنوان القاعده عراق مشهور شد. در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ این گروه به یک سازمان فراگیر برای گروه‌های شورشی عراق تحت عنوان حکومت اسلامی عراق تبدیل شد.

گفته می‌شود که این گروه از ادغام سازمان «دولت اسلامی عراق» که بخشی از نیروهای القاعده در عراق است با جبهه «النصره» که گروهی از جهادیون سوری هستند، تشکیل شده است. البته ابوبکر البغدادی رهبر «دولت اسلامی عراق و شام» بلافاصله ترکیب با جبهه النصره را رد کرد و دو ماه بعد خبر رسید که ایمن الظواهری دستور لغو این ادغام را داده است. دولت اسلامی عراق و شام بخشی از «دولت اسلامی عراق» هستند که در اوایل جنگ عراق تاسیس شد. این گروه از زمان شکل‌گیری چندین بار نام خود را تغییر داده است. این سازمان برای اولین بار در اوایل سال ۲۰۰۴ پدیدار شد و خود را «جماعت



الهام ترسلی

دنبال بازسازی خلافت اسلامی در شام بود. به رغم نضج گرفتن این دو جریان با دو انگیزه متفاوت (یکی به منظور مقابله با امریکا در عراق و دیگری به منظور مقابله با رژیم بشار اسد)، ریشه‌های فکری آنان به یک جا منتهی می‌شود: بنیادگرایی اسلامی از نوع سلفی.

این دو جریان سیاسی به محض تصرف هر منطقه‌ای مبادرت به اجرای موازین شرعی و اجرای حدود و سخت‌گیری در این زمینه‌ها می‌کنند.

چنین شد که ریشه‌های سلفی این دو جریان از یک سو و ضرورت یاری رسانی نظامی به یکدیگر از سوی دیگر، سرانجام در ۹ مارس ۲۰۱۳ منتهی به تأسیس دولت اسلامی عراق و شام (داعش) شد. این رویداد پس از آن بود که هر دو سازمان، تبعیت و پیروی خود را از ایمن الظواهری رهبر القاعده اعلام نموده بودند.

با اعلام رسمی رهبر جبهه‌النصره مبنی بر ارتباط سازمانی با دولت اسلامی عراق (که خود در شمار سازمان‌های زیر مجموعه القاعده بود) و تصریح بر اینکه جبهه‌النصره امتداد دولت اسلامی عراق است، جبهه‌النصره در دسامبر ۲۰۱۲ توسط امریکا و متعاقب آن در می ۲۰۱۳ توسط

به گفته جبهه‌النصره، ضربات سنگینی به دولت بشار اسد از قبیل انفجار مرکز ستاد مشترک سوریه (که منجر به کشته شدن وزیر دفاع سوریه شد) و همچنین انفجار

با ارتباط گسترده داعش و القاعده، کلیه ریشه‌های فکری القاعده که مبتنی بر آن، آرمان شهر خود را ترسیم کرده، شامل داعش نیز می‌شود

باشگاه افسران این کشور، به دست این گروه صورت گرفته است.

۳ - اتحاد میان دولت اسلامی عراق و جبهه‌النصره:

دولت اسلامی عراق به دنبال بنیاد نهادن دولتی اسلامی در عراق و جبهه‌النصره به

این تشکل علیه حضور ارتش امریکا، ضربه زدن و اخراج امریکا از عراق را هدف خود قرار داده بود.

جزو نخستین عملیات‌های موفق این سازمان مسلح، آزاد کردن زندانیان ابوغریب، حمله به بانک مرکزی عراق و وزارت دادگستری این کشور بود.

از دسامبر ۲۰۱۳ این سازمان مناطقی از شهر فلوجه در عراق را به تصرف خود درآورده است.

۲ - مقابله با دولت سوریه:

با بالاگرفتن جنگ داخلی سوریه، یکی از سازمان‌های مسلحی که در جبهه اپوزسیون سوریه سلاح در دست گرفتند "جبهه نصرت" بود. نام کامل این جریان مسلح "جبهه‌النصره لاجرار الشام" (جبهه پیروزی آزادمردان شام) است که در اواخر ۲۰۱۱ تأسیس شد.

به کار بردن نام شام (به جای سوریه) که منطقه‌ای به گستردگی سوریه، اردن، لبنان، اسرائیل و فلسطین و بخش‌هایی از غرب عراق و صحرای سینا را شامل می‌شد، ریشه‌های فکری این سازمان را نشان می‌دهد.

با گزیدن این نام، بازگشت به دوران اقتدار خلافت اموی، آرمان این سازمان است.

کرده است که از بین آن‌ها می‌توان به «جابر طه فلاح»، «ابوالخطاب» و «ابوصادق الراوی» اشاره کرد.

در اوایل ژانویه ۲۰۱۴ با بالا رفتن تنش‌ها میان اقلیت سنی عراق و دولت شیعه این کشور به رهبری نوری المالکی، داعش ابتدا کنترل بخش سنی نشین و غربی فلوجه را در دست گرفت.

عقب نشینی ارتش از دو شهر رمادی و فلوجه، باعث شد نیروهای «حکومت اسلامی عراق و شام» از این فرصت استفاده کرده و تمامی شهر فلوجه و قسمتی از شهر رمادی را به تصرف خود درآورده و در این دو شهر به ایجاد ایستگاه‌های ایست و بازرسی مبادرت کردند.

زمینه‌های پیدایش داعش

داعش دلایل زیر را به عنوان دلایل وجودی خود ذکر می‌کند:

۱ - مقابله با امریکا در عراق:

با بالاگرفتن حمله به اهداف امریکا در عراق، تدریجاً گروه‌های کوچک جهادی در اکتبر ۲۰۰۶ (سه سال پس از اشغال عراق) زیر چتر سازمانی با نام "دولت اسلامی عراق" به رهبری "ابوعمر البغدادی" گرد هم آمدند.





شورای امنیت و به اجماع آرا در فهرست سازمان‌های تروریستی زیر مجموعه القاعده قرار گرفت.

این سازمان مسئولیت عملیات تروریستی در برابر مرکز فرهنگی ایران در بیروت را که منتهی به کشته شدن رایزن فرهنگی ایران شد، برعهده گرفته است.

■ آرمان داعش

با ارتباط داعش به القاعده، کلیه ریشه‌های فکری القاعده که مبتنی بر آن، آرمان‌شهر خود را ترسیم کرده، شامل داعش نیز می‌شود.

با حمله امریکا به عراق و افغانستان، القاعده معتقد است که نوعی پیمان یهودی-

مسیحی برای نابود کردن اسلام شکل واقع به خود گرفته که هدف این سازمان‌های جهادی-تکفیری (جهاد علیه کفار) امحاء این توطئه است.

القاعده، احیای مجد و عظمت دوران خلافت اسلامی و اجرای "شریعت" را هدف مبارزات خود می‌داند.



جنگیدن داعش و ارتش آزاد با یکدیگر، فرسایش نیروهای مخالف بشار اسد را دامن زده و از سوی دیگر نگرانی‌های بین المللی را موجب گردیده که سوریه زیر نظر داعش به افغانستان دیگر تحت کنترل طالبان تبدیل شود

با ارتباط ارگانیک که داعش با القاعده برقرار کرده، بدیهی است که کلیه تجارب و توان رزمی، مالی و لجستیکی القاعده را پشت سر خود داشته باشد.

همان‌طور که گفته شد، جبهه‌النصره عملیات‌های موفق به نام خود اعلام کرده که از جمله آن انهدام مرکز ستاد مشترک ارتش سوریه در قلب دمشق بود. تسلط بر مناطقی از قبیل الرقه، حلب، لاذقیه و روستاهای اطراف دمشق، دیگر پیروزمایی است که این سازمان به نام خود اعلام کرده است.

اما، به رغم هدف مشترک داعش (یک جریان اسلامگرا) و ارتش آزاد سوریه (یک جریان سکولار) در سرنگونی بشار اسد، آرمان متفاوتی که هر یک برای فردای سوریه تصور می‌کنند، موجب شده که این دو جریان اپوزیسیون مسلح در عین جنگیدن با ارتش بشار اسد، با یکدیگر نیز در نبرد باشند.

ارتش آزاد موکدا رفتارهای غیرمسئولانه داعش را در کشتن غیرنظامیان و همچنین تحمیل شریعت قبول ندارد.

از اینجاست که داعش هیچ گوشه‌ای از مذاکرات و اجلاس‌های دوستان سوریه را به خود اختصاص نداده که هیچ، در فهرست سازمان‌های تروریستی نیز قرار گرفته است.

جنگیدن داعش و ارتش آزاد با یکدیگر، فرسایش نیروهای مخالف بشار اسد را دامن زده و از سوی دیگر نگرانی‌های بین المللی را موجب گردیده که سوریه زیر نظر داعش به افغانستان دیگر تحت کنترل طالبان تبدیل شود.

■ خطرات داعش برای منطقه

عراق امروز که برآمده از دخالت امریکایی‌ها و حذف صدام در این کشور است، اینک در معرض خطر داعش است. سوریه بدون اسد نیز اگر تحت کنترل داعش باشد هم افغانستان دوم برای امریکاست و هم خطری برای متحد استراتژیک امریکا یعنی اسرائیل. از سوی دیگر، تحقق آرمان‌شهر مورد نظر داعش (خلافت اسلامی)، هم با آرمان‌شهر جمهوری اسلامی (عدل علوی) در تعارض است و هم نفوذ جمهوری اسلامی را در عراق، لبنان و سوریه به خطر می‌اندازد.

■ اعلام موجودیت داعش در لبنان

"ابو سیاف الانصاری" از سرکردگان گروه‌های مسلح در طرابلس لبنان با انتشار یک فایل صوتی بیعت خود را با ابوبکر البغدادی "سرکرده گروه تروریستی دولت اسلامی در عراق و شام موسوم به داعش" را علنی کرد.

وی در این فایل صوتی با انتقاد شدید از عملکرد ارتش لبنان (که برای برقراری امنیت در طرابلس تلاش می‌کند) این ارتش را یک "لشکر صلیبی" توصیف کرد. الانصاری همچنین با اتهام زنی به حزب الله لبنان، آن را به زعم خود، حزب شیطان خطاب کرده است. وی در این فایل صوتی با اعلام بیعت با ابوبکر البغدادی سرکرده داعش وی را امیر مومنان معرفی کرد و اعلام داشت که از این پس بیانیه‌های این گروه توسط "ابا عمر المهاجر" که سخنگوی دولت اسلامی در لبنان (دال) خواهد بود اعلام می‌شود.

محافل سیاسی و امنیتی با بررسی فایل صوتی ابوسیاف الانصاری معتقدند که وی برخی اهداف مشخص در لبنان را برای برهم زدن امنیت در نظر گرفته و تلاش دارد با انتشار این گونه بیانیه‌ها، میان مردم و افکار عمومی جایگاه مناسب پیدا کند. اظهارات الانصاری نشات گرفته از تفکرات گروه‌های افراطی و مسلح سلفی است که مردم لبنان را به طور مستقیم مخاطب خود قرار داده است.

اهداف "داعش"

کویت با ۷۰۰ تروریست، الجزایر با ۶۰۰ نفر، سومالی با ۸۸۰ نفر، روسیه با ۷۵۰ نفر، مغرب با ۵۵۰ تروریست، آلمان با ۶۶۸ نفر و فرانسه با ۴۵۰ نفر از جمله کشورهای هستند که بیشترین تعداد تروریست را در سوریه به خود اختصاص داده‌اند.

این در حالی است که چینی‌ها در صدر تروریست‌های موجود در سوریه هستند به طوری که تعدادشان، ۱۴ هزار نفر بوده که تا کنون سه هزار و ۶۷۱ نفر از آنها به هلاکت رسیده و هزار و ۳۹۷ نفر هم مفقود شده‌اند.

تروریست‌های سعودی، مکان دوم را پس از تروریست‌های چینی اشغال کرده‌اند به طوری که ۱۲ هزار تروریست سعودی به سوریه رفته بودند که تا کنون، سه هزار و ۸۷۲ نفر از آنها به هلاکت رسیده و دو هزار و ۶۸۹ نفر هم مفقود شده‌اند. یکی از این گروه‌ها که در سوریه و عراق فعال است "دولت اسلامی عراق و شام" است که به اختصار داعش خوانده می‌شود.

این گروه به لحاظ فکری تکفیری و افراطی سلفی به شمار می‌رود که در سال ۲۰۰۴ و متعاقب اشغال عراق توسط آمریکا تشکیل شد و به القاعده اعلام وفاداری

از زمانی که ناآرامی‌های سوریه از جنبه اعتراضی به یک جنگ داخلی و جنگ نیابتی (proxy war) تبدیل شد و عرصه و زمینه مداخلات خارجی فراهم گشت گروه‌های سلفی نیز به تدریج با دریافت کمک‌های خارجی کنش و نقش آفرینی مؤثرتری را یافتند.

نکته قابل توجه در مورد این نیروها این است که پایگاه اجتماعی در سوریه ندارند و عمده نیروهای آنها را خارجیانی که از نقاط مختلف دنیا گرد آمدند تشکیل می‌دهد.

تازه‌ترین گزارش آماری از تعداد تروریست‌های خارجی در سوریه که در ژانویه ۲۰۱۴ تهیه شده حکایت از حضور تروریست‌هایی از ۸۷ کشور جهان در این کشور دارد که با ارتش و ملت سوریه می‌جنگند و به ارتکاب جنایت مشغول هستند.

بر اساس این گزارش آماری، لبنان با ۹ هزار فرد مسلح، لیبی با ۴۴۰۰ نفر، عراق با ۱۱ هزار نفر، تونس با چهار هزار نفر، فلسطین با پنج هزار نفر، ترکیه با ۵۵۰۰ نفر، مصر با دو هزار و ۶۰۰ نفر، اردن با دو هزار و ۴۰۰ نفر، یمن با هزار و ۶۰۰ تروریست، پاکستان با هزار و ۹۰۰ تروریست، افغانستان با هزار و ۲۰۰ نفر،



در عراق و شامات

رضاسلمی

پایه است. چرا که برای گروه‌هایی چون داعش، "مذهب" عامل تعیین دوست و دشمن نیست و با گروه‌های همفکر خود برای به دست آوردن جایگاه بالاتر به جنگ مشغول است.

اگرچه این گروه برای فریب افکار عمومی و جذب عضو تلاش برای بازگشت سیره سلف صالح و تظاهر به تنزه طلبی و دنیاگریزی را مطرح می‌سازند ولی در عمل به دنبال قدرت طلبی هستند و در این مسیر نه تنها پیروان دیگر ادیان و مذاهب را قربانی مطامع خود می‌سازند بلکه به هم‌فکران سلفی خود نیز رحم نمی‌کنند. افزایش درگیری میان داعش و جبهه النصره گواه این مدعاست.

گسترش نفوذ و قدرت یابی جریان سلفی و تغییر حوزه عملکرد آنها از مبارزه علیه دولت سوریه به ایجاد امارت اسلامی در عراق و شام مغایر با منافع کشورهای است که این گروه‌ها را تقویت و پشتیبانی کرده‌اند. تنگناها و محدودرات امنیتی حامیان منطقه‌ای سلفی گری و مشخصاً ترکیه، عربستان و قطر به مراتب شدیدتر از آمریکا است. دامنه تهدیدات مترتب بر امنیت و منافع آنها از ناحیه افراطیون مورد حمایت خودشان قوی تر و فراگیرتر به نظر می‌رسد.

امارت اسلامی با مرکزیت استان الانبار می‌خواند- اعلام کرد پس از این قلمرو حاکمیتی این امارت سرزمین شامات یا سوریه را نیز دربرمی‌گیرد و گستره اهداف خود را فراتر از عراق به شامات نیز کشاند. در مقابل این اعلام موضع، رهبری جبهه النصره که رقیب داعش نیز به شمار می‌رود در واکنش به ابغدادی مبنی بر گسترش حوزه نفوذ خود به شامات اعلام کردند که آنها تنها تابع فرمان "ایمن الظواهری" رهبر القاعده هستند.

کارشناسان در تحلیل عوامل قدرت یابی این گروه مواردی مانند رهبری و انضباط درون گروهی، خشونت ورزی سبوعانه و پشتوانه مالی را از جمله عوامل قدرت یابی سریع گروه داعش در سوریه و عراق می‌دانند. در سوریه، نیروهای داعش بیش از آنکه در پی حمله به نیروهای ارتش سوریه باشند به دنبال یورش به نیروها و تصرف مواضع مخالفان اعم از نیروهای ارتش آزاد و دیگر گروه‌های سلفی هستند. آنها برای تصرف مناطق جدید از هر شیوه‌ای از تطمیع اعضا و کادریهای دیگر گروه‌ها گرفته تا انجام عملیات وبمب‌گذاری و دیگر اقدامات خشن ابایی ندارند. این موضوع نشان می‌دهد که طرح جنگ مذهبی در سوریه و عراق ادعایی بی

است که گروه‌های وابسته به اقلیت همچون متحدون به ریاست اسامه النجفی رئیس پارلمان عراق هم‌چنان وجود چنین تروریست‌های خطرناکی را در الانبار انکار کرده و به محکومیت عملیات ارتش و عشایر برای سرکوب آنها می‌پردازند. استان‌های الانبار و صلاح الدین که هم‌مرز با سوریه هستند به مکانی برای هم‌افزایی عناصر سلفی دوسوی مرز تبدیل شده است. باید توجه داشت که استان الانبار و شهرهای رمادی و فلوجه که در این استان واقع هستند از سوی دیگر پایگاه عمده بعضی‌ها عراق نیز به شمار می‌رود. تمرکز تروریسم داعش در غرب الانبار و در نزدیکی مرز عربستان نشان از این واقعیت دارد که این نیرو از سوی عربستان حمایت می‌شود. عربستان علاوه بر حمایت‌های فکری، مالی و تبلیغاتی از نیروهای تروریست فعال در عراق از جمله داعش حمایت تسلیحاتی می‌کند. بررسی سلاح‌های کشف شده از سوی تروریست‌های بازداشت شده توسط ارتش عراق حکایت از این دارد که این سلاح‌ها از نوع تسلیحاتی است که در اختیار نیروهای نظامی عربستان قرار دارد.

در ماه آوریل ۲۰۱۳ "ابوبکر البغدادی" رهبر جریان سلفی عراقی- که خود را امیر

کرد. از سال ۲۰۰۶ این گروه اهداف خود را به فراتر از مرزهای عراق برد.

کنش‌گری داعش در عراق و سوریه در حالی است که سلفی گری و افراط گری در این دو کشور زمینه رشد نداشته و از پایگاه اجتماعی نیز برخوردار نبوده است. کانون اصلی کنش‌گری داعش در استان الانبار است و مقر آنها نیز در این استان است. این استان از سوی سلفیون مرتبط با القاعده به عنوان مرکز امارت اسلامی عراق اعلام شده است. این گروه برای این امارت خود واحد پولی موسوم به "دینار" نیز تعیین کرده است. اخیراً شیخ احمد ابوریسه رئیس کنگره بیداری یکی از شیوخ عشایر عراق اعلام کرده گروه تروریستی داعش واحد پولی خاص خود را برای آنچه امارت الانبار خوانده، چاپ کرده است.

ابوریسه تصویری از پول جدید داعش را از طریق تلفن همراه خود نشان داد که در سمت راست این پول که دینار داعش خوانده می‌شود، تصویر اسامه بن لادن سرکرده سابق القاعده با آرم داعش و امضای وزیر دارایی این گروه تروریستی قرار دارد.

ابوریسه این اقدام گروه را مدرک و دلیل روشنی درباره حضور این گروه در الانبار



سیدمرتضی مفیدینژاد
دبیر گروه

چگونه دیندارانی هستیم؟

هویت دینی مردم ما امری جدا نشدنی و جزئی لاینفک از مؤلفه‌های هویتی‌شان به شمار می‌آید. این را می‌توان به خوبی در ایام خاص مثل ماه رمضان، محرم و صفر و ... دریافت. اما اینکه دینداری ما بر چه مسلک و ممشایی استوار است و چگونه دینداری هستیم، سؤالی است که باید با تأمل و تحقیق بیشتر به آن پاسخ داد.

دقت کنید؛ وقتی می‌خواهیم یک فرد دیندار را توصیف کنیم، محور وصف و تعریف‌ها بر این مقوله استوار است که چهره وی، تسبیح در دستانش، شیوه لباس پوشیدنش، مدل صحبت کردنش، حضور مستمرش در مساجد و هیئت، سفرهای زیارتی و ... حکایت از دینداریش می‌کند. ولی آیا دینداری واقعی فقط در چارچوب خصوصیات ظاهری، شرکت در مناسک مذهبی جمعی و کارهایی از این دست می‌گنجد؟ دیندار واقعی قطعاً ظاهرش هم حکایت از دینداریش دارد و این مقوله به هیچ وجه منتفی نیست. اما آیا فقط همان جلوه‌های ظاهری و بیرونی باقی می‌ماند؟ روایات و آیات قرآن از یک دیندار واقعی چه تصویری ارائه می‌دهند؟ علمای بزرگ، اساتید اخلاق و مراجع به عنوان الگوهای دینداری در جامعه امروز، چه روش و مسلکی را برگزیدند؟ روزی حلال، خوش اخلاقی، صبر، تواضع، قناعت، دوری از حسادت و ... چه قدر در ارزیابی‌های ما از یک دیندار واقعی دخالت دارد؟ عیار دینداری جامعه ما با چه چیزی پایستی سنجیده شود؟

هر چند که در اهمیت نماز و روزه و شرکت در مراسمات مذهبی و بسیاری از مناسک دینی تردیدی نیست اما چرا مبنای قضاوت در دینداری افراد را گاهی وقت‌ها صرفاً همین‌ها در نظر می‌گیریم و فراموش می‌کنیم که روایات و آیات فراوانی در خصوص کسب روزه حلال و دوری از تهمت و غیبت و ادای امانت و حفظ آبروی مومن برایمان به عنوان میراث مسلمانی گذاشته شده است و در ملاک‌ها و قضاوت‌هایمان چندان اهمیتی به اینها نمی‌دهیم. مگر نه اینکه در حدیثی از معصوم آمده است که عبادت ده جزء دارد، که نه جزء آن، طلب روزه حلال است. یا امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: به بسیاری نماز و روزه و زیادی حج و احسان و زمزمه‌شان در شب منگرید؛ بلکه به راستی سخن و امانت داریشان بنگرید.

یا با اندک غور و جستجو در روایات به احادیث تکان دهنده‌ای درباره ضرورت حفظ آبروی مومن برمی‌خوریم.

به نظر می‌رسد باید عینک‌هایمان را عوض کرد و جور دیگری به موضوع نگاه کنیم. برخی معیارها و سنج‌ها نیازمند بازنگری و تحول هستند. مطالبی که در ادامه خواهد آمد به این جریان کمک خواهد کرد.

دین‌دار واقعی از منظر رهبر معظم انقلاب

ایمان عاریه‌ای؛ پاشنه آشیل دین‌داری در جامعه دینی

دین به عنوان یک نهاد اجتماعی با خصیصه فردی و اجتماعی، از ارزش‌ها و قواعد اجتماعی پشتیبانی می‌کند و جهت‌دهنده و مظهر قدرت جامعه و انسان، بستر ساز ارتباطات انسانی و موجب ثبات، استمرار و همبستگی جامعه است. دین ارزش‌ها را می‌آفریند و هنجارها را شکل می‌دهد به ارزش‌های ثابت اخلاقی قداست می‌بخشد، زندگی انسان از آن معنی می‌گیرد و راهنمای مؤثری برای هدایت و سعادت انسان در دنیا و آخرت است. دین کارکردهای مختلفی را برای جامعه و فرد به انجام می‌رساند. دین برای جامعه معنایی از اجتماع و اجماع را به وجود می‌آورد و آن را تحکیم می‌بخشد. این نعمت گران‌قیمت در جامعه می‌تواند دچار افت‌ها و تهدیداتی از ناحیه رفتار و سلوک دین‌داران گردد، بنابراین ضروری است تا به بررسی این افت‌ها و تهدیدها و راه‌های مقابله با آن پرداخت. نظرات و رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان یک رهبر دینی و فقیه برجسته‌ای که از سال‌های دور تاکنون به احیای تفکر اسلامی و ارتقا جایگاه و موقعیت دین در جامعه همت گمارده و تلاش کرده‌اند می‌تواند در این زمینه بسیار راه‌گشا باشد.

حقیقت دین‌داری را تسلیم خدا بودن

مقام معظم رهبری حقیقت دین‌داری را تسلیم خدا بودن می‌دانند (۱۳۷۰/۰۲/۲۱) و معتقدند محبت به خوبان و بغض به شیطان‌ها که از آن به تولی نسبت به دوستان خدا و تبری نسبت به دشمنان خدا در تعالیم دینی یاد می‌شود، جزئی اصلی و جدایی‌ناپذیر از دین‌داری است از این‌رو «مردم نباید هیچ‌وقت کینه‌ی شیطان‌ها و شیطان‌صفتان را از دل خود بیرون کنند» (۱۳۶۸/۰۶/۰۸) زیرا «دین، عبارت از محبت و کینه است؛ از یک طرف، محبت به خوبان و خوبی‌ها و مظلومان و انسان‌هایی که مورد جفای شیطان‌ها قرار گرفته‌اند و از طرف دیگر بغض و کینه نسبت به شیطان‌ها و موجودات پلید و پلیدی‌ها و کسانی که برای آنها، انسان و انسانیت و خدا، حرف ممت است. این هم جزو دین است. تولی و تبری، جزو فروع دین و به قول بعضی از علما، جزو اصول دین است. (۱۳۶۸/۰۶/۰۸)

ایشان فقدان اخلاق را عامل گرفتاری‌های امروز جوامع دانسته و لازمه تحقق جامعه

دین‌دار حقیقی را تحول اخلاقی در میان مردم جامعه می‌دانند و در توضیح این تحول اخلاقی می‌فرمایند:

«تحول اخلاقی، یعنی این‌که انسان هر رذیلت اخلاقی را - هر اخلاق زشت، هر روحیه بد و ناپسندی که موجب آزار دیگران یا عقب‌ماندگی خود انسان است - کنار بگذارد و خوشتن را به فضایل و زیبایی‌های اخلاقی، آراسته کند. در جامعه‌ای که حقد و بددلی و کینه نباشد، اگر کسانی صاحب فکرند، آن فکر را در راه توطئه برای دیگران و تقلب با دیگران و خدعه در کار دیگران به کار نبرند؛ اگر کسانی دارای سواد و معلوماتند، آن را در راه ضرر زدن به مردم و کمک کردن به دشمنان مردم به کار نبرند؛ بلکه همه افراد انسان در یک جامعه، نسبت به یکدیگر خیرخواه باشند، به هم کینه نوزند، به هم حقد و حسد نداشته باشند، بهای نابودی دیگران، زندگی خود را سروسامان ندهند و دست یافتن به همه چیز را نخواهند، این تحول اخلاقی است و حداقل قضیه است. در جامعه‌ای که بد عمل کردن نسبت به محرومان با بی‌اعتنا بودن نسبت به آنان



همراه نباشد؛ مال مردم خوردن وجود نداشته باشد؛ اگر خَلقیات اسلامی - همان چیزهایی که در اسلام برای یک انسان فضیلت است، همان چیزهایی که به تعبیر روایات، جنود عقل است - رواج پیدا کند؛ مردم اهل صبر و استقامت باشند؛ اهل توکل و تواضع و حلم باشند، نسبت به یکدیگر بدبین نباشند؛ نسبت به احوال یکدیگر بی تفاوت نباشند؛ نسبت به سرنوشت جامعه قناعت و وجود داشته باشد؛ زیاده‌روی و اسراف و ریخت و پاش و این چیزها نباشد و نشانی از حرص و افزون‌طلبی در امور مادی نباشد، این جامعه به بهشت و گلستان تبدیل می‌شود. گرفتاری امروز مردم دنیا، حتی کشورهای ثروتمند و پیشرفته، این چیزهاست. تهیدستی از اخلاقیات است که انسانیت را امروز در دنیا پریشان کرده است. (۱۳۷۶/۰۷/۰۱)

ایمان عاریه‌ای؛ پاشنه آشیل دین‌داری در جامعه دینی

مقام معظم رهبری با استناد به خطبه ۱۸۹ امیرمؤمنان علی (ع) در نهج البلاغه ایمان و دین‌داری را به دو نوع مستقر و عاریه‌ای تقسیم کرده و در توضیح این دو نوع ایمان می‌فرماید:

«ایمان ثابت و مستقر، یعنی جای گرفته‌ی در قلب، تکیه کرده‌ی به یک استدلال و یک بینش عمیق، و پشتیبانی شده‌ی با عمل صالح. نوع دیگر ایمان این است که با احساسات پیدا شده، با منطق پیدا نشده؛ انسان پای آن، عمل صالح نگذاشته؛ همین‌طور شعار ایمانی داده و گاهی هم خیلی تند شعار داده؛ اما پای این، عمل صالحی که به خاطر آن با نفس خودش مجاهدت و مبارزه کند، خرج نکرده؛ یعنی این ایمان با عمل صالح آبیاری نشده؛ این می‌شود ایمان عاریه‌ای.» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۳/۰۸/۲۰)

ایشان زمان مشخص شدن این دو نوع ایمان از یکدیگر را هنگام امتحان و سوسه‌های نفسانی می‌دانند که در این هنگام اگر ایمان عاریه‌ای باشد انسان میان خواست‌های مختلف نفسانی و ایمان و دین‌داری، اولی را انتخاب خواهد کرد و در نتیجه دین‌داری او در امتحان الهی نمره قبولی نخواهد گرفت. ایشان این ایمان عاریه‌ای و غیر مستقر را به مثابه پاشنه آشیل و چشم سفندیاری می‌دانند که ممکن است سبب لغزش و سقوط انسان و انحراف از جاده دین‌داری شود. (همان)

رهبر انقلاب از همین منظر، «از بعضی از تحول‌های صدوشتاد درج‌ای از اول انقلاب تا کنون» در بعضی از افراد به ظاهر با ایمان و انقلابی را همین ایمان غیر مستقر دانسته و راه در امان ماندن از آن را افزایش تقوا و خودسازی در میان آحاد جامعه و تلاش

برای تبدیل ایمان عاریه‌ای به ایمان مستقر می‌دانند. (همان)

کارکرد دین در جامعه

مقام معظم رهبری کارکرد دین در یک جامعه را شکل دهنده، جهت دهنده و قالب بخشنده به همه‌ی تلاش‌های انسانی می‌دانند و در توضیح آن می‌فرمایند: «دین، یعنی صراط زندگی. اگر شما به یک جامعه‌ی انسانی و به یک کشور نگاه کنید، می‌بینید انسانها در این جامعه، برای مسائل شخصی و عاطفی و معیشتی و عمومی خود، فعالیت‌های متنوع و گوناگونی دارند. دین، همه‌ی این فعالیتها را جهت می‌دهد؛ آنها را هدایت می‌کند و به کمک خرد انسانی می‌شتابد تا انسان بتواند این فعالیتها را طوری تنظیم کند و کنار هم بنشاند تا سعادت او را در دنیا و آخرت تأمین کند. تلاش‌هایی که انسان‌ها می‌کنند، بعضی مربوط به مسائل شخصی آنهاست که بخش کوچکی از فعالیت‌های انسانی را شامل می‌شود - مثل معیشت و معنویت و عواطف و ارتباطات شخصی آنها با این و آن - اما بخش بزرگتر فعالیت‌های انسانی، فعالیت‌هایی است که در صحنه‌ی جامعه با تلاش جمعی صورت می‌گیرد، که به آن «سیاست» می‌گویند؛ سیاست‌های اقتصادی، سیاست‌های اجتماعی، سیاست‌های نظامی، سیاست‌های فرهنگی، سیاست‌های مدنی، سیاست‌های بین‌المللی. اینها بخش عمده‌ی تلاش انسانها در زندگی خود است. چرا عمده است؟ چون این سیاستها در واقع افراد را در فعالیت‌های

شخصی خود به سمت و سوی خاصی می‌کشاند. عمده‌ی تلاش انسان، تلاش کلانی است که جهت‌گیری‌های کلی فعالیت‌های شخصی و ریز و کوچک را هم جهت می‌دهد. دین، به هر دو صحنه مربوط می‌شود؛ هم صحنه‌ی تلاش‌های فردی انسان، هم صحنه‌ی سیاست که صحنه‌ی بسیار گسترده و وسیعی برای زندگی انسان است.»

آفات دین‌داری در جامعه دینی

با نگاه کلان فوق‌الذکر به مقوله دین و دین‌داری، رهبر فرزانه انقلاب، آفات متوجه دین در جامعه دینی و فرد دین‌دار را که منشاء آن افراط و تفریط در نوع نگاه به دین و کارکردهای آن است را چنین احصاء می‌کنند:

- ۱ - انحراف از دین و اصول دین‌داری
 - ۲ - بی‌مبالایی در تقید و پایبندی به دین و دستورات دینی
 - ۳ - تحجر و جمود در شناخت و عمل به دین و فراموش کردن نقش عقل در این زمینه
 - ۴ - التقاط و قرائت‌های خودساخته از دین و تعالیم دینی
 - ۵ - محدود شدن دین به زندگی شخصی و کنار گذاشته شدن آن از عرصه‌ی وسیع زندگی جمعی انسانها و جامعه (سکولاریسم) (بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۰/۱۲/۱۲)
- از دیدگاه معظم‌له در صورت وجود هریک از آفات فوق‌الذکر در نوع نگاه به دین و

دین‌داری در جامعه، دوخطر جدی می‌تواند عرصه سیاست را در جامعه دینی تهدید کند این دو خطر عبارتند از:

- ۱ - فاصله گرفتن سیاست از اخلاق، معنویت و فضیلت و غلبه پیدا کردن هواهای نفسانی، منافع طبقات زورگو و زرسالاران بر فضای سیاسی و اداره امور جامعه.
 - ۲ - حاکم شدن انسانهای کوتاه‌بین، کودک‌منش و ضعیف‌النفس بر زمام امور جامعه و خارج شدن آن از دست انسان‌های باکفایت، کاردان و دارای قدرت روحی و معنوی لازم برای اداره جامعه (بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۰/۱۲/۱۲)
- ایشان راهکار فائق آمدن و گرفتارنشدن در چنبره این آفات و تهدیدات را در آن می‌دانند که در جامعه دین‌دار اسلامی در رأس سیاست و اداره‌ی امور، کسانی قرار گیرند که دینداری و سیاست‌گذاری آنها این دو آفت را نداشته باشد؛ یعنی کسانی اداره‌ی امور جوامع را بر عهده گیرند که دیندار و دارای معنویت باشند؛ فکر دینی آنها بلند باشد؛ از انحراف و خطا و التقاط و کج‌بینی در دین مصون باشند؛ از تحجر و جمود و متوقف ماندن در فهم دین برکنار باشند؛ دین را ملعبه‌ی دست زندگی خود نکنند؛ از لحاظ سیاست، انسان‌های باکفایت و باتدبیر و شجاعی باشند و سیاست را از معنویت و اخلاق و فضیلت جدا نکنند. چنین کسانی اگر زمام امور یک جامعه را به دست گرفتند، آن‌گاه جامعه از بیشترین خطراتی که ممکن است برای آن پیش آید، محفوظ خواهد ماند (بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۰/۱۲/۱۲)



حجت الاسلام والمسلمین موسوی هوایی
معاون پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی

ویژگیهای فردی و اجتماعی مؤمنین

ویژگیهای فردی مؤمنین

در ابتدای سوره‌ی مؤمنون می‌خوانیم: **قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ**؛ یعنی: «مؤمنان رستگار شدند.» و این نشان دهنده‌ی سرنوشت لذت بخش و پرافتخار مؤمنان است. در حقیقت، افراد پیروزمند، موانع را از سر راه برمی‌دارند و راه خود را به سوی مقصد می‌شکافتند و پیش می‌روند. البته، رستگاری، معنای وسیعی دارد که هم پیروزی‌های مادی را شامل می‌شود و هم معنوی راه، و در مورد مؤمنان، هر دو بُعد منظور است. پیروزی و رستگاری دنیوی در آن است که انسان، آزاد، سربلند، عزیز و بی‌نیاز زندگی کند. و این امور، جز در سایه‌ی ایمان امکان‌پذیر نیست. رستگاری آخرت نیز در این است که در جوار رحمت پروردگار، در میان نعمت‌های جاویدان، در کنار دوستان شایسته و پاک، و در کمال عزت و سربلندی به سر برد.

برای رسیدن به این سعادت و کامیابی لازم است که انسان مؤمن، دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی باشد که مسیر منتهی شونده به رستگاری را به سلامت طی کند.

در آیات زیادی، ویژگی‌ها و صفات مؤمنین راستین و حقیقی تحت عنوانی همچون: پرهیزگاران، عبادالرحمان، متوکلان، انسان‌های شایسته و اولوالایباب، در عباراتی کوتاه بیان شده است.

در این قسمت سعی شده به ویژگی‌های مؤمنان از بُعد فردی و نیز از بُعد اجتماعی اشاره شود. هم چنین در روایاتی از پیامبر اکرم و ائمه‌ی معصومین، به بیان ویژگی‌های انسان مؤمن پرداخته شده است.

۱- ارتباط با خدا

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پرهیزگاران برپا داشتن نماز است.

نمازی که رمز ارتباط با خداست، مؤمنانی را که به جهان ماورای طبیعت راه یافته‌اند در یک رابطه‌ی دایمی و همیشگی با آن مبدأ بزرگ آفرینش نگه می‌دارد. آنها تنها در برابر خدا سر تعظیم خم می‌کنند، و تنها تسلیم آفریننده‌ی بزرگ جهان هستی هستند، و به همین دلیل، دیگر خضوع در برابر بت‌ها، و یا تسلیم شدن در برابر

جباران و ستمگران، در برنامه‌ی آنها وجود نخواهد داشت.

چنین انسانی، احساس می‌کند از تمام مخلوقات دیگر فراتر رفته، و ارزش آن را پیدا کرده که با خدا سخن بگوید، و این بزرگ‌ترین عامل تربیت اوست.

در پاره‌ای از آیات قرآن، آن جایی که صحبت از نیاز مؤمنین شده، خداوند می‌فرماید: **(وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ)**؛ یعنی: «و آن‌ها (مؤمنان) بر نمازشان مواظبت می‌نمایند.» و در آیه‌ی دوم از سوره‌ی مؤمنون می‌فرماید: **(الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ)**؛ یعنی: «آنها که در نمازشان خشوع دارند.» در این جا، خشوع در نماز و مواظبت بر نماز را یکی از صفات مؤمن برشمرده است. «خاشعون»، از ماده‌ی «خشوع» به معنی حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا می‌شود، و آثارش در بدن ظاهر می‌گردد.

در اینجا، قرآن «اقامه‌ی صلوة» (خواندن نماز) را نشانه‌ی مؤمنان نمی‌شمارد، بلکه خشوع و نماز را از ویژگی‌های آنان می‌شمارد. این نکته اشاره به این است که نماز آنها الفاظ و حرکاتی بی‌روح و فاقد معنی نیست، بلکه به هنگام نماز آنچنان توجهی به پروردگار در آنها پیدا می‌شود که از غیر او جدا می‌گردند و به او می‌پیوندند؛ چنان غرق حالت تفکر و حضور و راز و نیاز با پروردگار می‌شوند که بر تمام ذرات وجودشان اثر می‌گذارد؛ خود را ذره‌ای می‌بینند در برابر وجودی بی‌پایان، قطره‌ای در برابر اقیانوسی بی‌کران.

اما در مورد محافظت بر نماز می‌توان بیان داشت که سخن از حفظ آداب، شرایط، ارکان و خصوصیات آن است؛ آدابی که هم ظاهر نماز را از آنچه مایه‌ی فساد است حفظ می‌کند، هم روح نماز را که حضور قلب است، تقویت می‌نمایند، و هم موانع اخلاقی را که سد راه قبول آن است از بین می‌برد. بنابراین، هرگز تکرار محسوب نمی‌شود.

۲- خوف از خدا

یکی دیگر از صفات مؤمنان خوف و ترس از مجازات و کیفر الهی است:

(وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا) «وکسانی که می‌گویند: پروردگارا! عذاب جهنم را از ما بر طرف گردان، که عذابش سخت و پردوام است.»

۳- توکل به خدا

امام علی (ع) می‌فرماید: «لَا يُصَدِّقُ إِيْمَانُ عَبْدًا، حَتَّى يَكُونَ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ أَوْثَقَ مِنْهُ بِمَا فِي يَدِهِ»؛ «ایمان بنده‌ای درست نباشد، جز آن که اعتماد او به آن چه در دست خداست بیشتر از آن باشد که در دست اوست.»

ایمان صادقانه‌ی انسان، اولاً به میزان باور، و ثانیاً به کمال آن بستگی دارد، و هر اندازه میزان ایمان آدمی بالاتر رود و به رشد و بالندگی بیشتری نایل آید، ارزش صداقت و خلوص آن بالاتر می‌رود.

آن چنان که به تناسب عمق اخلاص، ایمان آدمی نیز تقویت می‌شود. از نشانه‌های این تعالی، امید شایسته به خداوند و توکل به قدرت نامتناهی حضرت حق است تا جایی که شایسته است مؤمن داشته‌های خویش را پرتوی از لطف و عنایت خداوندی بداند.

یکی از ویژگی‌های مؤمنین که جنبه‌ی روحانی، معنوی و باطنی دارد، توکل است. در آیه‌ی ۲ از سوره‌ی انفال می‌خوانیم: **(... وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ)**؛ یعنی: «تنها بر پروردگار خویش توکل و تکیه کنند.» آنان افق فکرشان آن چنان بلند است که از تکیه کردن بر مخلوقات ضعیف و ناتوان، هر قدر به ظاهر عظمت داشته باشند، ابا دارند. آنها، تنها از خدا روزی می‌طلبند و تکیه‌گاشان تنها خداست.

۴- هدف مثبت در زندگی (دوری از لغو و بیهودگی)

(وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ)؛ «مؤمنین [از لغو و بیهودگی روی گردانند.» چهارمین صفتی که می‌توان برای مؤمنان بیان کرد، دوری از لغو و بیهودگی است. در واقع، تمام حرکات و خطوط زندگی مؤمنان هدفی را دنبال می‌کند؛ هدفی مفید و سازنده؛ چراکه لغو به معنی کارهای بی‌هدف و بدون نتیجه‌ی مفید است. البته لغو را مفسران بزرگ به معانی مختلفی

تعبیر کرده‌اند. بعضی به باطل تفسیر کرده‌اند، بعضی به همه‌ی معاصی، بعضی به دروغ، بعضی به دشنام یا مقابله‌ی دشنام به دشنام، و بعضی به معانی غنا و لهو و لعب. مؤمنان، نه تنها خود را از لغو و بیهودگی مصون می‌دارند، بلکه زمانی هم که با آن مواجه می‌شوند بزرگوارانه از کنار آن می‌گذرند:

(... وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا)؛ «... و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می‌گذرند.»

در حقیقت، آنها، نه در مجلس باطل حضور پیدا می‌کنند و نه آلوده‌ی لغو و بیهودگی می‌شوند. و اگر این گونه کارها در مسیر زندگی آنان قرارگیرد، چنان از کنار آن می‌گذرند که بی‌اعتنایی آنها خود دلیل عدم رضای باطنی‌شان به این اعمال است، و آنچنان بزرگوارند که هرگز محیط‌های آلوده در آنان اثر نمی‌گذارد و رنگ نمی‌پذیرند.

۵- صبر در برابر مشکلات

یکی دیگر از خصوصیات که نه تنها پیامبران و ائمه به حد کمال از آن دارا بودند، بلکه در آیات قرآن اشاره‌ی ویژه‌ای به آن شده است، صبر در مقابل سختیها و مشکلات است. فراموش نشود که صبر، نه تنها در برابر طاعت، معصیت و مصیبت لازم است، بلکه در برابر نعمت نیز باید صبر کرد؛ یعنی در برابر نعمت به گونه‌ای باید عمل کرد که انسان را به غرور و مستی و بی‌بند و باری نکشاند. خداوند در قرآن، در آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی مبارکه‌ی رعد می‌فرماید: **(وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ ...)**؛ «و آنها به خاطر ذات پاک پروردگارشان شکیبایی می‌کنند...»

«**وَجْهِ رَبِّ**» در این جا، به معنی «رضایت و خشنودی پروردگار» است؛ یعنی آنها به خاطر جلب رضای حق، در برابر همه‌ی مشکلات صبر و استقامت به خرج می‌دهند.

ویژگی‌های اجتماعی مؤمنین

همه‌ی ما نیاز داریم تا صفات و خصوصیات را که یک انسان مؤمن باید دارا باشد، شناسایی و آنها را در خود محقق نماییم. در قرآن، نهج‌البلاغه و کتابهای روایی، به این صفات اشاره شده است. سعی بر این است

که در این قسمت از بُعد اجتماعی، صفات یک مؤمن را بررسی کنیم.

۱- احساس مسؤلیت

یکی از خصوصیات انسان مؤمن این است که نسبت به دین، خودش، پدر و مادر و بستگان، همه‌ی انسانها، حیوانات، درختان، ساختمانها، آب و هوا و دیگر چیزها، احساس مسؤلیت میکند؛ یعنی در مقابل هیچ کدام از آنها بی تفاوت نیست. امام علی «ع» میفرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ»؛ «از خداوند نسبت به بندگان و سرزمین‌های او بترسید؛ زیرا شما حتی نسبت به خانه‌ها و حیوانات هم مسؤلید.»

پیامبر «ص» فرموده است: «المؤمن من آمنه الناس على دمائهم و أموالهم»؛ مؤمن کسی است که مردم او را بر جان و مال خود امین کرده باشند.

منظور از روایت این است که مؤمن آن چنان در مقابل جان و مال مردم خود را مسؤول بداند که مردم او را همچون یک فرد امین و درستکار بدانند.

۲- انفاق

در آیات زیادی، به همراه ویژگیهای مؤمنین راستین، انفاق و زکات از آنچه خداوند روزیشان کرده است یادآوری شده است:

(... وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً...) «و از آن چه به آنها روزی دادیم، در پنهان و آشکار، انفاق میکنند...»

توجه به جمله‌ی (مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ) که هرگونه موهبتی از مال، علم، قدرت، موقعیت، نفوذ اجتماعی و غیر آن را شامل میشود، لازم است؛ چراکه انفاق، نباید یک بُعدی باشد، بلکه باید در تمام ابعاد و همه‌ی مواهب انجام گیرد.

تعبیر (سِرًّا وَ عَلَانِيَةً) (پنهان و آشکار)، اشاره‌ی دیگری به این واقعیت است که آنها در انفاقهای خود، به کیفیتهای آن نیز نظر دارند؛ چراکه گاهی اگر انفاق پنهانی صورت گیرد، بسیار مؤثرتر است، و این در مواردی است که حفظ حیثیت طرف، چنین ایجاب کند؛ زیرا حفظ آبروی مؤمن واجب است؛ چنان که در روایت است از رسول

خدا (ص) که: «المؤمن أخو المؤمن...». «مؤمن برادر مؤمن است» و برادر، هیچ‌گاه علیه برادر خود کاری که باعث ناراحتی او شود، انجام نمیدهد.

البته گاهی اگر انفاق آشکارا صورت گیرد، اثرش وسیعتر خواهد بود. و این، در مواردی است که باعث تشویق دیگران به این کار خیر و تأسی و اقتدا به او شود، و یک عمل خیر او سبب ده‌ها یا صدها یا هزاران کار خیر مشابه گردد. در فرمایش حضرت محمد (ص) به حضرت علی (ع) آمده است که: «مؤمن کسی است که در پرداخت زکات (انفاق) شتابان باشد.»

۳- پاکدامنی

سومین ویژگی مؤمنان، پاکدامنی و رعایت عفت و پرهیز از هرگونه آلودگی جنسی است؛ چنان که در قرآن آمده است: (وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ)؛ یعنی: «و آنها دامان خود را از آلوده شدن به بی‌عفتی حفظ میکنند.»

بدون شک، غریزه‌ی جنسی از غرایز سرکش انسان و سرچشمه‌ی بسیاری از گناهان است، تا آن جا که بعضی معتقدند در تمام پرونده‌های مهم جنایی، اثری از این غریزه دیده میشود. لذا کنترل و حفظ حدود آن از نشانه‌های مهم تقواست، و به همین دلیل، بعد از ذکر نماز، کمک به نیازمندان، ایمان به روز قیامت و ترس از عذاب الهی، کنترل این غریزه ذکر شده است.

۴- تواضع و فروتنی

یکی از صفات بسیار مهم و نمایان مؤمن، تواضع و فروتنی اوست. در قرآن آمده است: (...الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا)؛ یعنی: «انها کسانی هستند که بی‌تکبر بر زمین راه میروند...»

منظور از صفت تواضع این است که انسان مؤمن، هیچ وقت، خود را بالاتر از دیگران نمیداند، و لذا همیشه در رفتار و گفتارش احترام دیگران را رعایت می‌کند و در برخورد با مردم، آنها را تعظیم می‌کند.

نخستین نشانه‌ی بندگی مؤمنان، تواضع و فروتنی است؛ تواضعی که در تمام ذرات وجود آنان نفوذ کرده و حتی در راه رفتن آنها آشکار است. تواضع، کلید ایمان است،

در حالی که غرور و کبر، کلید کفر محسوب میشود.

در سوره‌ی مابکه‌ی لقمان، آیه‌ی ۱۸ آمده است: «صورتت را از روی تکبر برای مردم کج مکن و در زمین با شادمانی گام زن؛ زیرا خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست نمیدارد.»

به نظر میرسد که علت انتخاب این نوع از تواضع آن باشد که غالباً افرادی که متواضع نیستند در وقت راه رفتن، تکبر آنها بیشتر نمایان میگردد.

۵- فرو بردن خشم

توصیف دیگری که از مؤمنین شده است و جنبه‌ی پاک‌سازی دارد، تسلط بر نفس به هنگام خشم و غضب است. قرآن می‌فرماید: (وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ)؛ «انها کسانی هستند که به هنگام غضب عفو می‌کنند.»

نه تنها در موقع خشم، زمام اختیار از کفشان ربوده نمیشود و دست به اعمال زشت و جنایات نمی‌زنند، بلکه با آب عفو و غفران، قلب خود و دیگران را از کینه‌ها شستشو میدهند. و این صفتی است که جز در پرتو ایمان راستین و توکل بر حق، پیدا نمیشود. جالب این که نمی‌گوید: «انها غضب نمیکنند»؛ چراکه این جزء طبیعت انسان است و در بعضی موارد، یعنی در آنجا که برای خدا و در راه احقاق حق مظلومان باشد، ضرورت دارد، بلکه میگوید: بعد از این که خشم خود را فرو بردند، از اشتباه آنها میگذرند: (... وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ...)؛ «انها میگذرند...»

فرو بردن خشم، بسیار خوب است، اما به تنهایی کافی نیست؛ زیرا ممکن است کینه و عداوت را از قلب انسان ریشه‌کن نکند. در این حال، برای پایان دادن به حالت عداوت، چنان‌چه فرو بردن خشم توأم با عفو و بخشش باشد بسیار نیکو خواهد بود. در مرحله‌ی بعد خداوند میفرماید: (... وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ...)؛ «خدا نیکوکاران را دوست دارد...»

در این جا، به مرحله‌ی عالی‌تری از عفو اشاره شده که همچون یک سلسله مراتب تکاملی پشت سر هم قرار گرفته‌اند. انسان، نه تنها باید خشم خود را فرو برد و با عفو و گذشت کینه را از دل خود بشوید، بلکه با

نیکی کردن در برابر بدی، ریشه‌ی دشمنی را در دل طرف نیز بسوزاند و قلب او را نسبت به خویش مهربان گرداند، به طوری که در آینده چنان صحنه‌ای تکرار نشود.

۶- وفای به عهد و پیمان

یکی از مهمترین صفات مؤمنان، پایبند بودن به عهد و پیمان‌هایی است که بسته‌اند. در قرآن آمده است: (وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ)؛ یعنی: «و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می‌کنند.»

امانت معنای وسیعی دارد، هم شامل عهدهای فطری و پیمان‌هایی میشود که خدا به مقتضیات فطری از انسان گرفته، همانند فطرت توحید و عشق به حق و عدالت، و هم پیمان‌های عقلی، یعنی آنچه را که انسان با نیروی تفکر و اندیشه و عقل، از حقایق عالم هستی و مبدأ و معاد درک میکند. او هم به پیمان‌های شرعی، یعنی پیمان‌هایی که پیامبر «ص» از مؤمنان در رابطه با اطاعت فرمان‌های خداوند و ترک معصیت و گناه گرفته، وفا میکند، و هم به پیمان‌هایی که با دیگر انسانها می‌بندد؛ چراکه خدا فرمان داده است که این پیمان‌ها نیز باید محترم شمرده شود.

افزون بر شش صفت یاد شده که صفت بارز مؤمنان است، صفات دیگری نیز برای مؤمنین ذکر شده که در ذیل به فهرستی از آنها اشاره می‌گردد:

- ۷- امر به معروف و نهی از منکر؛
- ۸- پاک‌ی از قتل؛
- ۹- احترام و حفظ حقوق دیگران؛
- ۱۰- یاری یکدیگر در برابر ستم؛
- ۱۱- خوش‌خو و مهربان بودن؛
- ۱۲- چون سخن گوید راست گوید؛
- ۱۳- مستمندان را اطعام کند؛
- ۱۴- بر سر بتیم دست نوازش کشد؛
- ۱۵- تشییع جنازه انجام دهد؛
- ۱۶- مردم از شرش در امان باشند؛
- ۱۷- به کسی که او را محروم کرده مال بخشد؛
- ۱۸- از فحاشی و بد زبانی دوری کند؛
- ۱۹- اهل کار خیر باشد؛
- ۲۰- با لقب‌های زشت کسی را صدا نزند.



میزان دین‌داری در کشور کاهش داشته است؟

گزارش حاضر تلاشی برای ترسیم روند تغییرات دین‌داری مردم ایران طی سه دهه گذشته است که بر اساس داده‌های پیمایش‌هایی که طی سه دهه گذشته در ایران انجام شده تهیه شده است.

در این گزارش یافته‌های پیمایش‌های سنجش دین‌داری در ایران تغییرات و نوسانات در وضعیت دین‌داری مردم را که اغلب به تفکیک بزرگسالان، جوانان، مردان و زنان آمده است، به تصویر کشیده‌ایم و نشان داده‌ایم این تغییرات در ابعاد مختلف دین‌داری و در میان اقشار مختلف جامعه و در زمان‌های مختلف متفاوت بوده است؛ به گونه‌ای که نمی‌توان به طور کلی از تغییرات وضعیت دین‌داری سخن گفت، بلکه باید به تفکیک گروه‌های مختلف اجتماعی و ابعاد متفاوت دین‌داری وضعیت دین‌داری را تشریح کرد.

در این بین نماز خواندن و روزه گرفتن به عنوان مهم‌ترین شاخص ارزیابی رفتارهای جمعی دینی مطرح شده است. در کنار این سؤالات، سایر رفتارهای دینی همچون قرآن خواندن، شرکت در مراسم دینی (مجالس روضه خوانی، دعای کمیل، مراسم تا سوعا وعاشورا) زیارت اماکن

۱ - بعد اعتقادی: هم‌چون اعتقاد به وجود خدا، بهشت و جهنم، نبوت، عدالت (امامت در بین شیعیان)، قرآن و...
۲ - بعد مناسکی: مناسک و رفتارهای دینی را می‌توان در دو بعد فردی و جمعی در نظر گرفت: مناسک فردی هم‌چون نماز خواندن، روزه گرفتن، قرآن خواندن و...، مناسک جمعی هم‌چون نماز جماعت و جمعه، شرکت در مراسم دینی و...

۳ - بعد تجربی: احساس حضور خدا در کارهای روزانه، ترس از گناه، توبه و...
۴ - بعد آگاهی: منظور اطلاعات دینی است هم‌چون دانستن تعداد سوره‌های قرآن، تاریخ زندگی پیامبر و ائمه، رویدادهای مهم دینی احکام و...
۵ - بعد پیامدی: نگرش افراد به پیامد مواردی هم‌چون بی‌حجابی، مصرف مشروبات الکلی، غیبت کردن و... در جامعه.

مناسک و رفتارهای دینی در جامعه ایران

طی سال‌های گذشته پیمایش‌های بسیاری در ایران تلاش کرده‌اند وضعیت رفتارهای دینی را بررسی کنند. در بین سؤالات و گویه‌هایی که طراحی شده، برخی بر رفتارهای واجب دینی تأکید داشته‌اند و برخی بر رفتارهای مستحب.

کلی است که تاکنون در تحقیقی عام و گسترده سنجش نشده است. به عبارت دیگر پژوهشی وجود ندارد که به تنهایی به این سؤال پاسخ دهد. از سوی دیگر پاسخ به این سؤال نیازمند جزئی‌تر کردن پرسش اصلی است. میزان دین‌داری در بین چه گروه‌هایی مد نظر است؟ میزان کدام بعد از دین‌داری باید اندازه‌گیری شود؟

زیرا بر اساس داده‌های موجود می‌توان قضاوت کرد که این میزان در هر بعد متفاوت است. همین‌طور نتایج گواه بر این است که دین‌داری بین گروه‌ها به لحاظ جنسیتی و سنی تفاوت می‌پذیرد. هنگامی که از وضعیت دین‌داری سخن می‌گوییم منظور وضعیت اعتقادات دینی، مناسک دینی، تجربه‌های دینی و ابعاد پیامدی دین است.

همه ادیان جهانی به رغم تفاوت‌هایی که در جزئیات دارند، عرصه‌های مشترکی دارند که دین‌داری در آنجا متجلی می‌شود.

این عرصه‌ها که می‌توان آنها را ابعاد اصلی دین‌داری در نظر گرفت، عبارتند از: بعد مناسکی، بعد تجربی، بعد فکری و بعد پیامدی.

ابعاد دین‌داری در تحقیقات ایرانی بدین اشکال مورد استفاده قرار گرفته است:

«میزان دین‌داری در ایران چقدر است؟»
«آیا میزان دین‌داری در ایران در سال‌های اخیر کاهش داشته است؟»

اینها سؤالاتی است که احتمالاً ذهن بسیاری از مردم، نخبگان، صاحب‌نظران و مسئولان کشور را در سال‌های اخیر به خود مشغول داشته است. حجم وسیع تحقیقاتی که در ایران در سال‌های اخیر به انجام رسیده است نشان دهنده چنین نگرانی در جامعه ایرانی است. عواملی به این نگرانی دامن زده‌اند؛ به عنوان مثال شکل‌گیری طیفی از طرفداران نظریه سکولار شدن در ایران در سال‌های اخیر به این توهم دامن زده که جامعه ایرانی با افول دین‌داری همراه بوده است.

از سوی دیگر شکل‌گیری حکومت اسلامی در ایران موجب بالا رفتن توقعات از رفتارهای دینی مردم شده است. در حالی که ممکن است جامعه ایرانی به لحاظ درجه مذهبی بودن در جایگاه تقریباً ثابتی مانده باشد، بنا به دلایل گفته شده، این تصور در میان دولت‌مردان و محققان غالب شده که وضعیت دین‌داری نسبت به گذشته با تنزل همراه بوده است.

آیا به راستی چنین تصویری درست است؟ پاسخگوی به پرسش میزان دین‌داری در ایران، تابع پاسخ به پرسش‌های خردتری است. میزان دین‌داری مفهومی

اما اگر روند تغییرات نماز خواندن طی یک دهه گذشته را در میان خود جوانان مقایسه کنیم، می‌توانیم ادعا کنیم روند به گونه‌ای نبوده که از کاهش رفتارهای دینی در بین جوانان سخن بگوییم

مذهبی، نذر و نیاز و... نیز بررسی شده است.

الف. رفتارهای فردی دینی

روند تغییرات در مهم‌ترین رفتار دینی



و حضور جمعی افراد محقق می‌شود. منظور از مناسک جمعی دینی، اجتماعاتی است که برای انجام مناسک دینی ایجاد می‌شود، همچون نماز جماعت در مساجد، نماز جمعه، مجالس روضه خوانی، هیئت‌های عزاداری، زیارت اماکن مذهبی و ...

از بین این مناسک برخی از اهمیت بالاتری برخوردارند، مثل مسجد رفتن، نماز جماعت، نماز جمعه و برخی دیگر اهمیت کمتری دارند.

در سال ۱۳۵۳، ۷۱ درصد مردم گفته‌اند به مسجد می‌روند. تعداد مردانی که به مسجد می‌روند بیش از زنان است. ۸۳ درصد مردها و ۵۷ درصد از زن‌ها به مسجد می‌روند. در سال ۱۳۷۴ حدود ۴۳/۷ درصد مردم در نماز جماعت شرکت می‌کردند. به تفکیک جنسیت، ۴۷/۵ درصد مردها و ۴۰/۱ درصد از زن‌ها در نماز جماعت مساجد شرکت می‌کنند. این روند حضور در مساجد برای اقامه نماز در سال ۱۳۷۹ به ۴۵/۵ درصد می‌رسد و در سال ۱۳۸۲ به ۴۱/۸ درصد.

در این بین هم در سال ۷۹ و هم سال ۸۲ تعداد حضور مردان در نماز جماعت مساجد بیش از زنان است. حضور و شرکت جوانان در نماز جماعت نیز طی یک دهه گذشته علاوه بر اینکه نسبت به بزرگسالان کمتر

چنانچه داده‌ها نشان می‌دهد درصد بالایی از جامعه اعمال فردی واجب و مستحب را انجام می‌دهند. درصد نماز خواندن در جامعه نسبتاً بالاست و علاوه بر آن روزه گرفتن و دیگر اعمال فردی مستحب نیز درصد قابل توجهی را به خود اختصاص داده است.



درصد نماز خواندن در جامعه نسبتاً بالاست و علاوه بر آن روزه گرفتن و دیگر اعمال فردی مستحب نیز درصد قابل توجهی را به خود اختصاص داده است

ب. مناسک جمعی دینی

اغلب ادیان علاوه بر اعمال عبادی فردی، ابعاد اجتماعی زندگی را نیز در برمی‌گیرند. بعد اجتماعی ادیان با انجام مناسک

در سال ۱۳۸۲، ۸۴/۵ درصد و در سال ۱۳۸۵، ۷۷/۱ درصد روزه گرفته‌اند. همچنین حدود ۶۸ درصد جوانان در سال ۱۳۵۳ روزه می‌گرفته‌اند که این میزان بعد از حدود یک دهه در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ کاهش نداشته و ثابت مانده و با یک روند رو به رشد تدریجی تا سال ۱۳۸۵ همراه است.

یکی دیگر از اعمال فردی دینی، قرآن خواندن است. خواندن قرآن در دین اسلام، عملی واجب نیست اما جزء اعمال مستحبی است که مسلمان مؤمن را از مسلمان عادی جدا می‌کند. در سال ۱۳۷۸ حدود ۴۲/۴ درصد مردم ایران گفته‌اند قرآن می‌خوانند که سهم زنان بیش از مردها است. همچنین در سال ۱۳۸۲ نیز ۵۸/۱ درصد مردم گفته‌اند گاهی اوقات یا اکثر اوقات قرآن می‌خوانند. در این میان، زن‌ها بیش از مردها قرآن می‌خوانند. ۶۴/۹ درصد دانش آموزان تهرانی نیز گفته‌اند که قرآن می‌خوانند.

یکی دیگر از اعمال مستحب نذر و نیاز است. ۷۶/۵ درصد افراد جامعه در سال ۱۳۷۴ گفته‌اند که نذر و نیاز می‌کنند. زن‌ها بیش از مردها نذر می‌کنند. همچنین ۶۸/۶ درصد مردم نیز صدقه می‌دهند و نیز زن‌ها بیش از مردها صدقه می‌دهند.

(یعنی نماز خواندن) نشان می‌دهد وضعیت نماز خواندن از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۵ تغییر خاصی نداشته و تقریباً ثابت مانده است. در ۱۳۵۳ حدود ۸۳ درصد مردم نماز می‌خوانده‌اند، در سال ۸۱/۱۳۷۹، ۵ درصد.

به لحاظ سنی میزان نماز خواندن جوانان (گروه سنی ۱۵-۲۴ سال) نسبت به میزان نماز خواندن بزرگسالان کمتر است که این امر به لحاظ ویژگی سنی طبیعی است.

اما اگر روند تغییرات نماز خواندن طی یک دهه گذشته را در میان خود جوانان مقایسه کنیم، می‌توانیم ادعا کنیم روند به گونه‌ای نبوده که از کاهش رفتارهای دینی در بین جوانان سخن بگوییم. در سال‌های گوناگون، داده‌ها بین ۶۰ تا ۷۳ درصد در نوسان بوده‌اند. بنابراین داده‌های پژوهش‌های انجام شده وضعیتی بحرانی را به لحاظ رفتارهای دینی بین جوانان نشان نمی‌دهند.

اما وضعیت روزه گرفتن، طی این سال‌ها روند متفاوتی داشته است. در سال ۱۳۵۳ حدود ۷۹ درصد پاسخگویان روزه گرفته‌اند. در حالی که در سال ۱۳۷۹ حدود ۸۱/۶ درصد پاسخگویان گفته‌اند روزه می‌گیرند. و در سال ۱۳۸۲ حدود ۸۵/۶ درصد پاسخگویان روزه می‌گرفته‌اند،



در روز جزا محاسبه می‌شود». ۹۵/۶ درصد مردم به این مسئله اعتقاد دارند. همین مسئله در سال ۱۳۸۲ نیز پرسیده شده است که ۹۴/۸ درصد مردم با این اعتقاد موافق بوده‌اند. در هر دو سال، زنان کمی بیش از مردان به این امر اعتقاد داشته‌اند. همچنین در سال ۱۳۸۲ نیز در پژوهش دیگری، ۹۷/۷ درصد به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشته‌اند. چند پژوهش دیگر نیز که در بین دانش‌آموزان انجام شده با در نظر گرفتن عامل سن، مؤید داده‌های بالاست. در مورد اینکه روز قیامت به اعمال و رفتار دقیقاً رسیدگی می‌شود، ۸۵/۷ درصد دانش‌آموزان تهرانی موافق هستند. همچنین ۸۴/۹ درصد دانش‌آموزان تهرانی به زندگی پس از مرگ و ۸۴/۳ درصد نیز به بهشت و جهنم اعتقاد دارند.

در سال ۱۳۸۲ نیز ۸۸/۲ درصد دانش‌آموزان کل کشور معتقدند روز جزا و بهشت و دوزخ حقیقتی انکار ناپذیر است. چنانچه داده‌ها نشان می‌دهد، هم در میان بزرگسالان و هم در میان جوانان اعتقاد به روز جزا و بهشت و جهنم درصد قابل توجهی از مردم را به خود اختصاص داده است.

در مورد وجود خداوند، ۹۲/۶ درصد جوانان تهرانی معتقدند خداوند و شیطان واقعا وجود دارد؛ و در نهایت اینکه ۸۵/۵ درصد آنها قبول دارند با ظهور حضرت مهدی جهان پر از عدل و داد خواهد شد. در مجموع بیشتر مردم از اعتقادات دینی بسیار بالایی برخوردار هستند.

تجربه دینی در جامعه ایران

منظور از تجربه دینی، بعد خصوصی و شخصی دین است که می‌تواند در هر



در سال ۱۳۷۹ حدود ۹۴/۲ درصد مردم گفته‌اند به میزان زیادی از خداوند کمک می‌خواهند. همچنین در سال ۱۳۸۲ نیز ۹۳/۱۷ درصد افراد، بیشتر اوقات در زندگی از خداوند کمک می‌خواهند

فردی به شکلی متجلی شود. با این اوصاف بعد تجربه دینی یا احساس و عواطف دینی بیانگر شخصی‌ترین و خصوصی‌ترین ابعاد دین‌داری افراد است. احساس نزدیکی به خدا، توبه، ترس

بوده تقریباً روندی نزولی داشته است. حضور در نماز جمعه، یکی از مناسک جمعی دینی است که در بین مسلمانان از اهمیت سیاسی نیز برخوردار است. ۷۲/۸ درصد مردم در سال ۱۳۷۹ به ندرت به نماز جمعه می‌رفتند (تنها ۲۷/۲ درصد در بیشتر اوقات به نماز جمعه می‌رفتند). همچنین زن‌ها کمتر از مردها به نماز جمعه می‌رفتند.

در سال ۱۳۸۲ این میزان افزایش پیدا کرده و ۷۸/۵ درصد مردم گفته‌اند به ندرت به نماز جمعه می‌روند. باز هم حضور زن‌ها در نماز جمعه کمتر از مردهاست. اما جالب توجه اینکه سایر اعمال جمعی دینی تغییرات دیگری را نشان می‌دهند.

مثلاً در سال ۱۳۷۴ حدود ۵۶/۷ درصد مردم گفته‌اند در مجالس روضه خوانی شرکت می‌کنند و در سال ۱۳۷۸ نیز این میزان ۵۴/۹ درصد بوده است. همچنین در سال ۱۳۸۲ حدود ۷۴/۶ درصد گفته‌اند در مجالس روضه خوانی و عزاداری شرکت می‌کنند. ۶۵/۱ درصد مردم در سال ۱۳۸۲ در هیئت‌های مذهبی شرکت کرده‌اند.

زیارت اماکن متبرکه نیز می‌تواند یکی دیگر از شاخص‌های سنجش دین‌داری باشد. در سال ۱۳۷۴ حدود ۷۰ درصد و در سال ۱۳۸۲ حدود ۷۶/۷ درصد مردم به زیارت اماکن متبرکه رفته‌اند.

همچنین مراسم حاشیه‌ای مثل دعای کمیل در سال ۱۳۷۴ حدود ۲۷/۱ درصد و در سال ۱۳۸۲ حدود ۴۲/۹ درصد شرکت کننده داشته است.

در اینجا دو نکته قابل ذکر است: اولاً برخی مناسک مثل نماز جماعت و به ویژه نماز جمعه، روند نزولی دارند یعنی هر چه به لحاظ زمانی جلوتر برویم، شرکت در آنها کاهش می‌یابد اما شرکت در اجتماعات دینی چون روضه خوانی، مراسم عزاداری، شرکت در هیئت‌های مذهبی و زیارت اماکن مذهبی نه تنها کاهش نیافته بلکه سیر صعودی دارد.

دوم؛ زنان که در تمامی ابعاد دینی پیش‌تر از مردان هستند در مناسک جمعی دینی، حضور کمتری دارند. علت این مسئله به امر اجتماعی دیگری مربوط است چرا که ساختار عموماً مردانه حوزه عمومی باعث شده زنان نسبت به مردان در بیشتر حوزه‌های عمومی و از جمله حوزه عمومی دینی کمتر حضور یابند.

اعتقادات دینی در جامعه ایران

در دین اسلام سؤالاتی همچون اعتقاد به خدا، اعتقاد به بهشت و جهنم، شیطان، حقیقت داشتن دین اسلام و در مجموع اعتقاد به اصول دین را می‌توان در این بخش سنجید. یکی از سؤالات اعتقادی که در پژوهش ملی سال ۱۳۷۹ پرسیده شده این است: «اعمال خوب و بد انسان

هر شکل ممکن می‌توانند با خدای خود ارتباط برقرار کنند و تجربه‌ای از وجود و حضور خدا پیدا کنند. در میان ابعاد مختلف دین‌داری، تجربه‌های دینی نیز زنان از مردان، پیش‌تر هستند.

پیامد دینی در جامعه ایران

منظور از پیامدهای دینی این است که اگر برخی دستورات و یا نهی شده‌های دینی مانند خرید و فروش مشروبات الکلی، خوردن گوشت خوک، بی‌حجابی و... انجام نشود، آیا لزوماً پیامدی برای جامعه خواهد داشت؟ متأسفانه در این زمینه داده‌های بسیار کمی وجود دارد. با این حال به چند گویه‌ای که در این زمینه وجود دارد اشاره می‌کنیم.

در پژوهشی از دانش‌آموزان پرسیده شده آیا با پدیده بدحجابی باید با قاطعیت مبارزه کرد؟ ۵۳/۲ درصد دانش‌آموزان موافق هستند. (در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی نباید سخت‌گیری کرد): ۷۸/۲ درصد مخالف هستند. (زهربران سیاسی باید کاردان باشند و مذهبی بودن یا نبودنشان چندان مهم نیست): ۳۶/۰ درصد موافقت و ۴۲/۲ درصد مخالف. همچنین ۵۳/۱ درصد مردم در سال ۱۳۷۹ موافق عدم اجازه چاپ به کتاب‌هایی

از خدا، احساس وسوسه شدن توسط شیطان، توکل، توسل به خدا و ائمه و خواب‌های دینی همگی بیانگر تجربه‌های دینی افراد است. در مورد اینکه افراد چقدر از خدا در زندگی کمک می‌خواهند، در سال ۱۳۷۹ حدود ۹۴/۲ درصد مردم گفته‌اند به میزان زیادی از خداوند کمک می‌خواهند. همچنین در سال ۱۳۸۲ نیز ۹۳/۱۷ درصد افراد، بیشتر اوقات در زندگی از خداوند کمک می‌خواهند.

در زمینه احساس حضور خداوند، ۹۵/۶ درصد دانش‌آموزان کل کشور در سال ۱۳۸۲ معتقدند همواره خدا را حاضر و ناظر بر رفتارهای خود می‌بینند. ۸۶/۷ درصد دانش‌آموزان تهرانی نیز گفته‌اند گاهی اوقات احساس ترس از خداوند به آنها دست می‌دهد و ۸۸/۲ درصد دانشجویان نیز حضور خدا را در زندگی روزانه‌شان احساس می‌کنند. ۹۳/۸ درصد دانش‌آموزان گاهی احساس توبه می‌کنند و از خدا می‌خواهند برای جبران گناهانشان به آنها کمک کند. ۷۵/۸ درصد نیز هرگاه به حرم امامان می‌روند احساس معنویت عمیق به آنها دست می‌دهد.

از آنجا که تجربه دینی افراد خصوصی‌ترین جنبه دینی آنهاست و از طرفی کمترین آیین و قواعد را دارد، لذا افراد آزادانه و به



دکتر سید احمد زهرانی
معاون دانشگاه مذاهب اسلامی

چالش امروز جامعه ما

کتاب چالش‌های امروز جامعه ما که به قول نویسنده سیری در آفات انقلاب اسلامی ایران داشته است، توسط دکتر سید احمد زهرانی مدرس دانشگاه به رشته تحریر درآمده است که با نگاهی دینی سعی کرده است تا چالش‌ها و آفات موجود در جامعه مورد واکاوی و بازبینی قرار دهد. منابع نویسنده در این کتاب قرآن و سنت و بیانات رهبر معظم انقلاب و امام خمینی (ره) است. آنچه در ادامه می‌آید خلاصه‌ای از یکی از فصول این کتاب است که به پدیده "ظاهر فریبی و ریاکاری" پرداخته است.

آگاه باشید که ریا - هر چند اندک - شرک است و هم‌نشینی با اهل هوی و هوس، عامل فراموشی ایمان و زمینه حضور شیطان است." امام علی (ع)

قدرت بالا می‌روند. استمرار این وضعیت موجب می‌شود تا نظام اداری، اقتصادی و اجتماعی به تدریج از درون پوک شود و باندها و گروه‌هایی در بدنه حاکمیت، منافع نامشروعی را برای خود سازماندهی کنند و به نام دین، کام خود را از امکانات ملی شیرین سازند چون ظاهر سازی و دورنگی با فطرت الهی انسان سازگار نیست، پس از مدتی موجب انحطاط، ارتشاء و باندبازی در جامعه شده و افکار عمومی را منجر می‌کند. باید با روش‌های سنجیده‌ای و مدیریت جامعه را از افراط در ظاهر گرایی و اصالت دادن به کلیشه‌ها بازداشت و قبح ردایی چون ریا را با زبان هنر، وعظ و ادب برای جامعه تشریح کرد و با تشویق و قدردانی از کسانی که وجدان کاری دارند و مخلصانه برای تحقق اهداف انقلاب و خدمت به جامعه می‌کوشند، زمینه را برای طرد عناصر متملق و دو رنگ از گردونه قدرت فراهم نمود. عملکرد افراد بهترین راه تشخیص وجدان کاری آنهاست. فرد مطبوعی که ظاهری موجه دارد اما کار موشی برای مردم نمی‌کند و تنها از مقام خود برای راحتی خویشاوندان و بستگانش بهره می‌جوید، نباید با فرد منتقدی که گرچه ظاهری موجه ندارد، اما با کارنامه‌ای درخشان برای اعتدال دین و رفاه مردم می‌کوشد، مساوی قلمداد گردد. اگر اصل را بر دستاورد افراد بگذاریم و عملکردها را ارزشیابی کنیم، فضای مدیریت جامعه غنی می‌شود و مدیران از خطر افراط در ظاهر گرایی نجات می‌یابند. ادای حقوق مردم بدون توجه به ظاهر ایشان، پایگاه ریا در بستر فرهنگ عمومی را تضعیف می‌کند.

تظاهر و ریا شاید آفت عمومی جوامع دینی تلقی شود. هر چند اکنون تا حدودی حصارها شکسته شده و فردگرایی رو به گسترش است و دیگر بازار ریا و تظاهر مانند گذشته گرم نیست، اما هنوز هم از بین نرفته، کسانی برای دستیابی به موقعیت‌های برتر از این حربه استفاده می‌کنند.

یکی از عوامل گسترش ریاکاری اصالت دادن مدیران جامعه به ظاهر و کلیشه‌هاست. وقتی متقاضیان کار و ارباب رجوع متوجه اهمیت ظاهر برای مدیران می‌شوند، با زیرکی ظاهر خود را با خواسته آنان ولو به صورت گذرا مطابقت می‌دهند و با دو شخصیت پنهان و آشکار از سد نظارت مدیران می‌گذرند و به مقصد می‌رسند. در این میان تنها اخلاص که گوهر دین به شمار می‌آید قربانی می‌شود، افراد فرصت‌طلب با مهارت در سایه‌ی ریاکاری خویش وارد گردونه قدرت سیاسی و اقتصادی می‌شوند و به نان و نوایی می‌رسند. گرچه اگر عمل انسان بر اخلاص، ایمان، شناخت و عواطف دینی متکی نباشد، فاقد ارزش است، اما برخی مدیران و نخبگان چون روشی برای درک دینداری دیگران نمی‌شناسند، به ظاهر بسنده می‌کنند. البته در جامعه اسلامی حفظ ظاهر و شئون اجتماعی کم اهمیت نیست و اجتماع مسلمین باید از ظاهری آراسته و شایسته احکام و اخلاق دینی برخوردار باشد، اما افراط در ظاهر سازی نتیجه‌ای جز ریاکاری و دورنگی ندارد. امروزه انسان‌های شایسته‌ای که ظاهر سازی را مغایر با عزت نفس می‌دانند، منزوی شده، افراد سبک‌ساز و سیاست با ظاهری متین و تکرار الفاظی خوشایند از نردبان

همانطور که گفتیم داده‌ها در زمینه پیامدهای دینی ناچیز و پراکنده است و امکان ارزیابی دقیق و مقایسه طولی را کمتر می‌دهد.

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان ادعا کرد نگرانی در مورد افول دین‌داری و تنزیل وضعیت دینی در ایران چندان موجه نیست. همانطور که گفته شد چنین نگرانی به دلیل افزایش توقعات از رفتارهای دینی مردم به دلیل در دستور کار قرار گرفتن دینی سازی جامعه بعد از انقلاب و به طور همزمان گسترش نظریه‌های سکولار شدن در دهه اخیر بوده است. این نگرانی موجب دامن زدن به طیف جدیدی از برنامه‌های دینی سازی در جامعه شده، تبلیغات رسانه‌ای جوانان را مخاطب خود قرار داده‌اند و بخش عمده‌ای از تحقیقات سازمان‌ها بر دین‌داری جوانان اختصاص یافته است، به گونه‌ای که ۷۲ درصد تحقیقات در زمینه سنجش دین‌داری بر جوانان متمرکز بوده‌اند. جالب آن است که نماد دین‌داری نه در توجه به خدا و غنای تجربه‌های دینی بلکه بر نوعی فرمالیسم دینی و رفتارهای ظاهری متمرکز بوده است، به گونه‌ای که ۷۰ درصد تحقیقات دینی بر سنجش مناسک دینی افراد متمرکز بوده‌اند. بنابراین غالب این محققان، تضعیف بخشی از ظواهر دینی و ایدئوژیک را تضعیف دینداری قلمداد کرده‌اند. در این گزارش مشخص شد که نه تنها رفتارهای دینی افراد نسبت به سال‌های گذشته چندان تفاوتی نداشته، بلکه در برخی از اشکال نیز گسترش داشته است.



هستند که با عقاید دینی تضاد دارند و ۳۴/۴ درصد نیز مخالف این امر هستند. در سال ۱۳۸۲ نیز ۴۱/۳ درصد مردم معتقدند باید جلوی کتاب‌ها و فیلم‌هایی را که باعث ناراحتی افراد مذهبی می‌شود، گرفت و ۴۴/۵ درصد مخالف این امر هستند. در سال ۱۳۷۹ حدود ۴۲ درصد با



منابع

- ۱- فرجی مهدی، کاظمی عباس (۱۳۸۸). بررسی وضعیت دینداری در ایران: با تأکید بر داده‌های پیمایش سه دهه گذشته، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۹۵-۷۹
- ۲- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۲). تحلیل ثانویه داده‌های طرح ملی تغییرات ارزش‌های فرهنگی در ایران، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، طرح پژوهشی منتشر نشده.
- ۳- اسدی، ع. (۱۳۵۲). گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران، گزارش از یک نظرسنجی ملی در سال ۱۳۵۲، تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
- ۴- رضایی، م. (۱۳۸۱). بررسی تأثیر محیط‌های آموزشی بر نگرش‌های دانشجویان دوره‌های بلندمدت علمی-کاربردی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت آموزشی، پژوهشی و فرهنگی، مرکز برنامه ریزی و آموزش نیروی انسانی.
- ۵- سراج زاده، ح. (۱۳۷۷). «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی» در نمایه پژوهش، دوره ۲، شماره ۸، صص ۱۲۰-۱۰۵.
- ۶- غیاثوند، (۱۳۸۴). بررسی نگرش دانشجویان نسبت به رفتارهای دینی (مطالعه تجربی دانشجویان دانشگاه‌های تهران)، سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی.

۷۰ درصد تحقیقات دینی بر سنجش مناسک دینی افراد متمرکز بوده‌اند. بنابراین غالب این محققان، تضعیف بخشی از ظواهر دینی و ایدئوژیک را تضعیف دینداری قلمداد کرده‌اند

این مطلب که (به کسانی که معتقد به جدایی دین از سیاست هست نباید پست و مقام داد)، مخالف و ۳۶/۵ درصد موافق و در سال ۱۳۸۲ نیز حدود ۵۳/۲ درصد مخالف و ۳۲/۴ درصد موافق بودند.



گفت و گو با حجت الاسلام و المسلمین علی سرک

ملاک‌های تشخیص دینداری تغییر کرده است

گفت و گو
امیرعلی هاشمی

برخی معتقدند این روزها توجه بیش از اندازه به ظواهر و مناسک دینی، ملاکی برای ارزیابی دین‌داری افراد شده است و در این راستا از باطن دین غافل شده‌ایم. در این زمینه گفت و گویی داشته‌ایم با حجت الاسلام والمسلمین علی سرک که سال‌ها مسئولیت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه هنر را بر عهده داشته است.



یکی از موضوعات مهم در عرصه فرهنگی و دین‌داری کشور این است که فاکتورهای دیندار بودن از جنبه‌های عملی و باطنی به مولفه‌های ظاهری و شکلی برگشته است. دلیل این مسئله را در چه می‌دانید؟

البته این موضوع فقط تا حدودی درست است و برخی از مردم مقیاس‌شان همان مقیاس ظاهر است و به قول ضرب المثل قدیمی عقل‌شان به چشم‌شان است. در صورتی‌که دیدنی‌ها را همه می‌بینند و این درک فهمیدنی‌ها است که کار دشواری است و هنر در فهم و درک فهمیدنی‌هاست. پس باید برای بهتر فهمیدن تلاش داشت.

البته بحث ظاهر هم مهم است و هم تاثیرگذار اما در اصطلاح، لازم اعم است. یعنی اینکه لازمی است که هم دینداری را نشان می‌دهد و هم غیر دینداری را. خاصیت و حسن آن هم این است که در این فضا ریا و تظاهر هم برملا می‌شود. اما در آن سوی ماجرا عده‌ای هم هستند که از مرحله ظاهرینی عبور کرده‌اند و متوجه باطن هستند. به نظر من مردم به دلیل فضای جمهوری اسلامی و پررنگ بودن شعارهای دینی و دیدن چهره‌های متنوع و دیندار آستانه باورپذیری بالاتری پیدا کرده‌اند و برای این عده ظواهر تقریباً کارکرد خودشان را در باورمندی مخاطب برای اینکه این شخص متدین است یا نه، از دست داده‌اند. حتی گاهی خود این ظواهر در اثر تبلیغات سوء می‌تواند اثر عکس داشته باشد و باعث شک و سوء تفاهم شود. به عنوان مثال اگر کسی انگشتر در دست می‌کند و یا در صف نماز جماعت ظاهر می‌شود و محاسن بلند دارد، ممکن است به دلیل وجود همین فضای سوءظن چنین تظاهرات دینی و رفتاری به حساب ریاکاری و تظاهر گذاشته شود. به همین دلیل تصور بنده با اینکه رفتارهای ظاهری سبب شود مردم شخصی را دیندارتر بدانند تفاوت دارد. به نظر من این رویه تغییر کرده و الان اساساً نگاه مردم هم مبتنی بر آفت‌ها و آسیب‌هایی است که به وقوع پیوسته و هم مبتنی بر تحقیقات عمیق است. در حال حاضر ظواهر را هرچند که مهم هستند اما تمام کننده نمی‌دانند و بیشتر به عمل فرد معطوف شده‌اند. باید سعی کنیم چنین بینشی را در احاد جامعه نهادینه کنیم تا دچار آسیب‌های ظاهر بینی و از سوی دیگر ریاکاری نشویم.

موضوعی که مطرح کردم و به آن اعتقاد دارم این است که بیشتر مردم با دیدن ظاهر شخص قانع نمی‌شوند. دلیل آن هم موضوعات روز جامعه است که جلوی

در جامعه موثر است؟

یکی از عواملی که به نظر می‌رسد در این‌باره بسیار تاثیرگذار باشد حاکمیت جامعه است به‌ویژه حاکمیت دینی و اخلاق زمامداران بسیار مهم است. اگر مردم ببینند در ادارات افرادی که مسئولیت دارند به حلال و حرام توجه ندارند و اهل ویژه خواری و حق را نادیده می‌گیرند هستند مسلماً در سست شدن ایمان افراد موثر است. در روایات هم داریم که الناس دین ملوکهم.

اگر مردم از مسئولین احساس معنویت نکنند در بی‌معنویت آنها موثر است. اگر ببینند بعضی از مسئولین اهل جهاد نیستند قطعاً در ایمان آنها تاثیر خواهد گذاشت. در زمان جنگ یکی از دلایل اینکه جنگ پیش می‌رفت و مردم همه بسیج شده بودند این بود که مسئولین خود در میدان نبرد حاضر بودند. مقام معظم رهبری آن زمان لباس رزم بر تن داشت و کنار رزمندگان در جبهه حاضر بودند.

در همان دوران جنگ مردم وقتی می‌دیدند که روحانیون به نسبت جمعیتشان بیشترین شهید را دارند متوجه می‌شدند که این قشر اهل شعار بروید بروید نیستند بلکه می‌گویند ما در صحنه هستیم شما هم بیایید. بنابراین یکی از عوامل اصلی تعمیق ایمان مردم زمامداران و منش آنهاست.

یکی دیگر از عواملی که در تعمیق دینداری موثر است بدون تردید نشست و برخاست با بزرگان، مطالعه و تلاش برای فهمیدن است، همانی که تحت کلید واژه بصیرت از آن یاد می‌شود.

بخشی از اتفاقاتی که در سال ۸۸ افتاد به دلیل این بود که عده‌ای نگاه ژرفی به موضوعات نداشتند و بعد از اینکه کم‌کم ابعاد حوادث مشخص شد بصیرت شکل گرفت و از دل آن خاموشی و خمودگی ۹۹ی مانند یک طوفان خروشید.

بنابراین بصیرت هم در تعمیق دینداری موثر است در روایات هم داریم که به نماز فرد نگاه نکنید بلکه به فکرش نگاه کنید. مطالعه و بحث و مجادله در این مسیر بسیار ثمربخش خواهد بود.

یکی دیگر از عوامل انس با قرآن است. عجیب این موضوع به انسان کمک می‌کند تا در حوادث گوناگون روزگار ثابت قدم باشد و دچار لغزش نشود. انس با قرآن به همراه ارتباط با مستضعفین و محرومان و افرادی که به هر دلیلی با نداشتن مورد امتحان الهی قرار گرفته‌اند و تلاش برای رفع مشکلات آنها واقعا در تعمیق ایمان افراد اثرگذار است.

سوم اینکه اهل مجاهده و اهل جهاد است. مومن واقعی مسولیت‌گریز نیست. یعنی التزام به شریعت او را از مسایل اجتماعی دور نکرده، به ذکر و ورد رو نیاورده و دشمن‌شناس و جریان‌شناس



اگر مردم از مسئولین احساس معنویت نکنند در بی‌معنویت آنها موثر است. اگر ببینند بعضی از مسئولین اهل جهاد نیستند قطعاً در ایمان آنها تاثیر خواهد گذاشت

است. عده‌ای از لشکریان عمر بن سعد که مقابل امام حسین(ع) ایستادند از خواستگاه تقدس به معنای خشک کلمه این کار را کردند. افرادی بودند که حلال و حرام را رعایت می‌کردند و ظاهر دینداری هم داشتند اما اهل مجاهده و همراهی با امام و یا نایب امام نبودند که



بصیرت هم در تعمیق دینداری موثر است در روایات هم داریم که به نماز فرد نگاه نکنید بلکه به عقل و فکرش نگاه کنید. مطالعه و بحث و مجادله در این مسیر بسیار ثمربخش خواهد بود

دچار چنین لغزشی شدند. بنابراین جهاد، نیایش و شریعت‌مداری سه ویژگی مومن است که هر زمانی رعایت شوند و مورد توجه قرار گیرند فرد به بلوغ ایمانی رسیده است.

چه عواملی در ریشه‌دار شدن و اصیل‌تر شدن سلوک ایمانی افراد

ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش اگر شخصی تمام این موضوعات را در درون خود محقق کرده باشد و بعد از سر درد آنها را بیان کند لاجرم بر دل هم خواهد نشست. مانند شهید آوینی که جنگ و ارزش‌های انقلاب را به معنای واقعی درک کرده بود و روایت فتحی را تولید کرد که هم اکنون به ژانری مستند و قابل تدریس در هالیوود تبدیل شده است. یعنی به دلیل اعتقاد قلبی که داشت رسانه را وسیله‌ای برای انتقال پیام خود ساخت و سبک جدیدی را در این زمینه بنا نهاد.

می‌خواهم بگویم مشکل اصلی در فضای سینما و هنر نبود نیروی کافی هنرمند و معتقد است. اگر چه که شکرخدا آدم‌های شریف و معتقدی که فیلمهایی مثل شیار ۱۴۳ را می‌سازند هم در این فضا وجود دارند و این‌ها نشان می‌دهد در این فضا زاد و ولدهای نورانی و تکثیر و رشد چشمگیر وجود دارد اما رسالتی که جمهوری اسلامی ایران و نیازی که جامعه مومنین دارند با این عده و با این ساخت‌افراز و نرم‌افزار قابل تامین نیست.

با توجه به منابع اصیل اسلامی دیندار واقعی کیست و چه نشانه‌هایی دارد؟

بنابر آنچه که در منابع اسلامی عنوان شده است سه ویژگی برای دیندار واقعی باید مورد تاکید قرار گیرد. اول آنکه ملتزم به دستورات شریعت و ملتزم به اوامر الهی باشد. به این معنی که غرق در دستورات خداوند باشد و اگر خود دارای اجتهاد نیست مسلمان رساله‌ای باشد، یعنی در دین خیال بافی نکند و از دستورات شرعی گریزان نباشد و اهل تقلید باشد.

دوم اینکه نیایش‌گر باشد. متدین واقعی کسی است که دست‌ان تمنا او همیشه به آسمان ناز خدا دراز است و با خدا خیلی راحت است و خلوت دارد. اهل گفتگو و اهل مناجات است نه فقط شب قدر و اعتکاف بلکه در همه حال با خدای خود گفتگو می‌کند. مثلاً یک خانم خانه‌دار هنگام انجام کارهای منزل و یا یک راننده تاکسی زمانی که پشت رل است نطقش با خدا قطع نشود. یعنی وقت کم می‌آورد اما حرف کم نمی‌آورد.

گفت دل و جانم به تو مشغول و نظر در چپ و راست تا ندانند حریفان که تو مقصود منی صبحا تو مدم که شب دراز است هنوز شمعا تو مسوز که وقت راز است هنوز پروانه برو کناری بنشین این صحبت عاشقی دراز است هنوز

چشمان ما اتفاق می‌افتد. مثلاً در بین متدینین و انقلابیون ما در حال حاضر شخصی که سابقه مجاهدت و زندان در زمان شاه داشته باشد به صرف چنین سوابقی مورد قضاوت قرار نمی‌گیرد و طبق فرمایش امام راحل ملاک آنها حال کنونی افراد شده است و سابقه فرد برای آنها کفایت نمی‌کند و حال افراد معیار شده است و متدینین با این عینک و دیدگاه نظاره می‌شوند.

در قضایای سال ۸۸ به واقع خیلی‌ها مدعی بودند و ادعاها داشتند که دارای سوابق انقلابی و دینی و ظاهر دینی هم بودند اما مردم در برخورد با آنها حال افراد را در نظر گرفتند و این موضوع به خوبی روشن‌گر این است که سطح بینش جامعه از یک بلوغ و رسایی برخوردار شده است که این رسایی بلوغ به هر کسی اجازه دریافت امتیاز دینداری را نمی‌دهد.

چهره‌ای که از دینداری در سینما و تلویزیون ترویج می‌شود دارای وجوه ظاهری پررنگ‌تری نسبت به وجوه باطنی است و همین موضوع این شبیه را ایجاد می‌کند که غلبه با وجوه ظاهری است. چقدر این مسئله را قبول دارید؟ چرا اینگونه است؟

در بررسی نقش رسانه‌ها و تلویزیون و سینما این نکته مشهود است که این بستر چقدر توان کشیدن بار مفاهیم بلند را دارد. بعضی‌ها معتقدند این فضا برای انتقال مفاهیم بلندی مانند ایمان و باور چیزهایی از این دست طراحی نشده‌اند که البته بعضی‌ها این را نمی‌پذیرند اما سینما و تلویزیون به معنای دقیق کلمه از نداشتن نیروی کارکشته و معتقد به اندازه کافی رنج می‌برد. فیلمنامه‌نویس، کارگردان، تهیه‌کننده و بازیگر خوب داریم اما به حد کفایت نیست.

زمانی که شخصی را که به شرب خمر عادت دارد و نمی‌تواند از مسکرات الکلی چشم پوشی کند برای بازی در نقش طلبه انتخاب می‌کنند مشخص است که این فرد نمی‌تواند فضای طلبگی را نشان دهد. همانطوری که به سراغ شخصیت معنوی می‌رود که به سراغ اسپار تاکوس و یا هیتلر و مارکس می‌رود. یعنی سوژه برای آنها موضوعیت محتوایی ندارد.

گرچه در رسانه افراد توانا و تولیدات خوبی هم به چشم می‌خورد اما فقدان شدید نیروی انسانی کیفی در رسانه احساس می‌شود. نیرویی کیفی یعنی نیروی متدینی که موضوعات دینی را در ظرفیت و ظرافت خودش باور داشته باشد تا بتواند آنها را همان ظرافت و ظرفیت انتقال دهد.



سنجه‌های دینداری کدامند؟

موسوی خورشیدی
جامعه‌شناس

های مقدس، اشیاء مقدس و ایستادگی در مقابل دشمنان توصیه شده است. داشتن اهتمام شعاعری که در غالب موارد داوطلبانه است، نشانه ای گویا از آمادگی و جدیت دینی فرد می باشد.

داشتن معلومات دینی نشانه خوبی است از اینکه فرد چقدر دغدغه و تاملات دینی داشته و چقدر دراهتمام دینی خود سابقه و جدیت دارد. معلومات یا دانش دینی شامل اصول عقاید، اطلاعات تاریخی و آگاهی های لازم از تکالیف شرعی و آداب عبادی می باشد.

را بر اساس آموزه های اسلامی، عقیده محتوای نظری یک آیین است که ناظر بر موضوعات بنیادین هستی شناختی و مسائل غایی حیات است. اما ایمان شدت تعلق و عمق دل بستگی و میزان اعتماد و اتکای به آن محتوا را می رساند. بنابراین عقیده از بعد ذهنی وجود انسان و ایمان از بعد روانی - عاطفی آن ناشی شده است. به همین نحو، اولی به وجه معرفتی و دومی با وجه عاطفی دین قرین تر است (ز منظور از عبادیات، کلیه رفتار و آدابی است که فرد در مقام پرستش، نسبت به پروردگار و معبود خویش انجام می دهد. پس عبادت در این معنا خاص تر از به جای آوردن شرط بندگی پروردگار است که تمامی زندگی را در بر می گیرد و همچنین خاص تر از فروع دین است که شامل ابعاد غیرعبادی هم می شود. عبادت می تواند به صورت فردی یا جمعی اجرا شود.

داشتن تعامل پسندیده با خود، با خداوند و با دیگران مربوط می شود. اخلاق از آن حیث که به سامان دهی حیات دنیوی و اخروی و سلوک جمعی انسان ها توجه دارد با فقه، قرین است. اخلاق به وجه رفتاری دین معطوف است. (ق مجموعه دستورات و اوامر صریح و غیر صریح دینی است که در اسلام، فقه - در صورتی که دستور العمل های عبادی را از آن جدا کنیم - خوانده میشود. شریعت مقرراتی است حداقلی که نحوه زندگی در دنیا و تعامل با خود، طبیعت و دیگران را تعیین می کند و لذا مشرع بودن بر حسب میزان اهتمام و پیروی فرد از این دستورات سنجیده می شود.

نتیجه کلام آنکه به نظر می رسد سنجش دیندار بودن یک فرد فقط ظاهر نیست. اقامه و برپای شعاعری، مشارکت دینی، معاشرت دینی، اهتمام به دین در عرصه زندگی خانوادگی، معلومات دینی، اعتقادات و ایمان، عبادیات، اخلاق و شریعت و... مقولاتی که به شرحی که در بالا ذکر شد، آمد، قطعاً در دیندار نامیدن یک فرد سهم بسزا و قابل توجهی دارد که نمی تواند در تعیین سنجشهای دینداری آنها را در نظر نگرفت.

برپایی شعاعری و داشتن اهتمام مشارکتی و پیوندهای معاشرتی اشاره کرد. پیامدهای عمیق دینداری را که همانا هدف غایی ادیان در متحول ساختن انسانهاست، باید در کسب بینش الهی، در تعمیق ایمان و تجلیاتش، در به چنگ آوردن ملکه تقوی و در ملکات اخلاقی که به ترتیب به روابط

فامیلی و دوستان خانوادگی و... است که می تواند بیانگر دغدغه های دینی فرد باشد.

(ج) توصیه صریح به رعایت حدود و مرزها در اسلام را می توان از احکام مربوط به شروط و ترجیحات ازدواج، معاملات و همسفرگی استنباط کرد. لذا میزان رعایت

برپایی شعاعری و داشتن اهتمام مشارکتی و پیوندهای معاشرتی اشاره کرد. پیامدهای عمیق دینداری را که همانا هدف غایی ادیان در متحول ساختن انسانهاست، باید در کسب بینش الهی، در تعمیق ایمان و تجلیاتش، در به چنگ آوردن ملکه تقوی و در ملکات اخلاقی که به ترتیب به روابط

یکی از موضوعات مهمی که در چند سال گذشته به شدت رواج یافته است و از سوی بسیاری از سازمانها و ارگانها و یا بعضی از مسئولین مطرح میشود، بیان آمارهایی است که مبین تغییرات شاخصهای دینداری در جامعه ایران است. جالب اینکه که برخی از این آمارها حکایت از کاهش مولفه های دینداری دارد و برخی دیگر بالعکس! اما نکته اینجاست که دینداری را با چه سنجه هایی می توان اندازه گیری کرد؟ مگر دینداری مقوله ایست که می توان آن را با خط کش یا مقیاس خاصی اندازه گیری کرد؟ در پاسخ به این سوالات ذکر چند نکته حائز اهمیت است: الف) دینداری را اگر تاثیر و تجلی کم و زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد بدانیم و آن را از طریق ابعاد تفصیلی یافته اش، یعنی عقیده، ایمان، عبادت، اخلاق و شریعت دنبال کنیم، با ابعاد پنج گانه زیرمی توان شناخت: معتقد بودن، مومن بودن، اهل عبادت بودن، اخلاقی عمل کردن و مشرع بودن. از آثار و نشانه های دینداری می توان به اهتمام فرد در بالاتر بردن دانش و معلومات دینی خود، در داشتن ظاهر دینی، در اقامه و

پیامدهای عمیق دینداری را که همانا هدف غایی ادیان در متحول ساختن انسانهاست، باید در کسب بینش الهی، در تعمیق ایمان و تجلیاتش، در به چنگ آوردن ملکه تقوی و در ملکات اخلاقی که به ترتیب به روابط فرد با خدا، با خود و با دیگران مربوط است، جست

و پایبندی به آن به عنوان یکی از نشانه های دینداری فرد در نظر گرفته شده است.

د) شعاعری جمع شعار است و منظور از آن آشکار ساختن متابعت و هواداری دینی است که برای تذکار و تکریم مقدسات، اعم از اشخاص مقدس، مکان و زمان

فرد با خدا، با خود و با دیگران مربوط است، جست.

ب) از جمله عرصه های ظهور اهتمام به دینداری در زندگی یک انسان، در معیار های همسرگزینی، در نام گذاری و تعلیم و تربیت دینی فرزندان، در مشارکتهای اجتماعی و سیاسی، در رفت و آمد های

استفاده می کند.

واقعیت تلخی که باید به آن اعتراف کرد آن است که برخی از برنامه هایی که از سوی رادیو و تلویزیون و سینما طی سالهای اخیر تهیه و ارائه گردیده است به گسترش دین عامیانه و بدتر از آن به «دین نمایشی» در میان عامه مردم انجامیده است. متقابلاً «دین اندیشیده شده» و «دین وجودی» تنگ تر و محدودتر گشته است. در این میان ساحت وجودی آدمی و حوزه ی اخلاق، از زیر نفوذ دین بیرون می آید و گوهر و روح دین در نمایش های تلویزیونی به بیراهه کشیده می شود. و این بزرگ ترین و بدترین صدمه ای است که می توان بر تفکر، اندیشه، فرهنگ و گوهر دین وارد کرد.

آنچه که باید در زمینه دینداری و ترویج آن در جامعه مورد توجه قرار گیرد آن است که دین مجموعه عقاید، احکام، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان ها به کار می آید و دارای دارای سه

حالت افراطی می تواند به فورمالیسم دینی یا ظاهرگرایی مفرط کشیده شود که در آن روح دین و گوهر شریعت در پای اجرای مراسم دینی، ذبح می گردد و از دین، صرفاً ظواهر و قالب های میان تهی باقی می ماند. شاید بتوان این نوع از دینداری را دینداری «جسمی - تنی - اندامی» نام نهاد که دین صرفاً بر بدن فرد دیندار ریزش می کند. و اندام او را تحت تاثیر قرار می دهد. به عنوان مثال در روزه گرفتن، فقط دهان از خوردن باز می ماند، در نماز گذاردن فقط این اندام است که خم و راست می شود.

این در حالی است که دو ساحت دیگر آدمی یعنی دل و قلب شخص دیندار و ساحت عقل و معرفت او از دین بی نصیب است.

توضیح آنکه وجود آدمی دارای سه ساحت است:

۱- ساحت تن و بدن
۲- ساحت دل و قلب (احساس و تجربه های درونی)

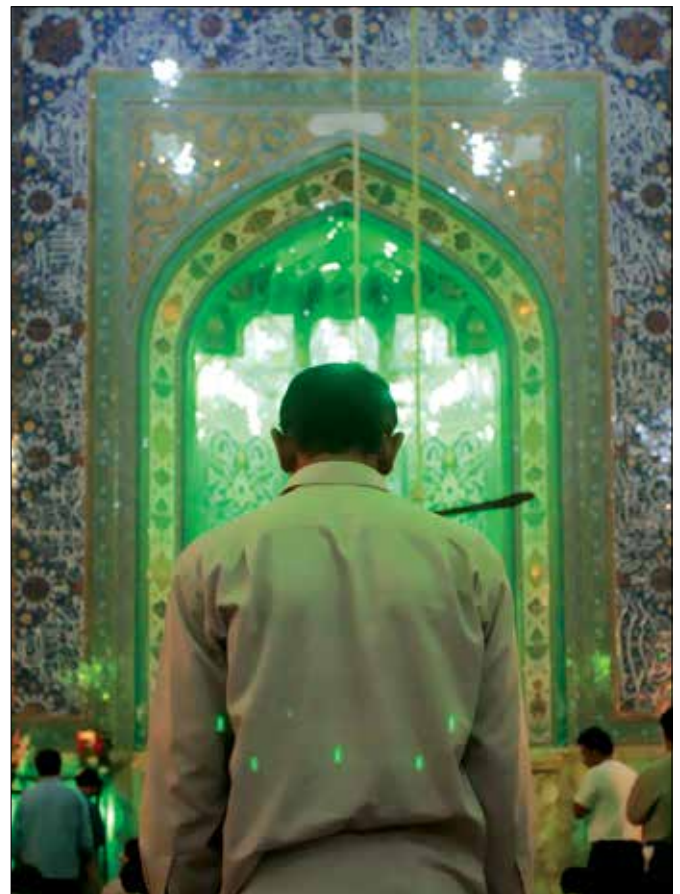
۳- ساحت عقل و معرفت

با توجه به این سه حوزه ی وجود آدمی، سه نوع دینداری قابل استخراج است:

۱- دینداری جوارچی
۲- دینداری جوانحی (یا دینداری وجودی)

۳- دینداری معرفتی، عقلانی
با این حساب باید گفت دینداری مناسک گرا عموماً دینداری جوارچی است. دیندار جوارچی، دیندار پاره وقت است. شخص در برخی اوقات و به هنگام برگزاری عبادات و شعایر دینی، دیندار است و پس از پایان مراسم، موقتاً دین را فراموش می کند. دیندار جوارچی مانند یک ورزشکار عمل می کند. ورزشکاری که در سالن تمرین و یا مسابقه حضور دارد، به انجام تمرین یا مسابقه می پردازد و هنگامی که از سالن خارج شد و به زندگی عادی روزمره بازگشت، آن حرکات و تمرین های ورزشی را کناری می نهد. دیندار جوارچی، مناسکی و شعایری تقریباً فاقد درد دین، دغدغه های دینی، حساسیت های دینی و پرسش های دینی است. این نوع دینداری، بسیار مستعد نمایشی شدن است، نمایشی شدن دین، آن چنان که در صحنه های تئاتر و یا بر پرده های سینما ملاحظه می کنیم. نمایشی شدن، صورت تنزل یافته دینداری مناسکی - شعایری است. در نمایشی شدن، شعایر از محتوای خود خالی می شود و به صورت دیگری ظاهر می گردد. این نوع دینداری ظرفیت بسیار بالایی برای بروز پدیده ای بنام «تفاق» دارد. به این ترتیب دینداری نمایشی را می توان مرگ دین انگاشت، زیرا از به نفاق و ظاهر سازی منتهی شده و از دین به عنوان سرگرمی

از نمایش دینداری تا دینداری حقیقی



با دقت در وضعیت دینداری در جامعه ما شاید بتوان گفت برخی از مردم دین را در بعد مراسم عبادی خلاصه کرده و از سایر ابعاد دین غفلت کرده اند. در واقع دینداری در میان عامه مردم، مبتنی بر دینداری مناسکی و شعایری است که در آن جنبه ظاهری مراسم عبادی بر جنبه ی دیگر دین غلبه دارد و ممکن است تا حد یک «فرایند مکانیکی یا قراردادی تنزل» پیدا کرده باشد. باید به این نکته دقت داشت که اگر مردم حرکات و اشارات مراسم مذهبی را بدون همراهی با نیت و احساساتی که مفهوم عبد بودن و رابطه بنده و مولا بدان می بخشد، انجام دهند، آن مراسم صرفاً جنبه ی صوری دارد.

این دینداری مناسکی - شعایری، در

دین واجد ابعاد متعددی است. بسته به این که کدام بعد از دین بیشتر مورد توجه قرار گیرد، ماهیت دینداری به آن سمت و سو تمایل می یابد. هر یک از ابعاد دین، بخشی و ساحتی از دین را تشکیل می دهد و نادیده گرفتن آن ها به معنای کم رنگ شدن زوایای دیگر دین است. دینداری تک بعدی، آن نحوه از دینداری است که صرفاً یک بعد از دین برجسته می شود و اذهان را به خود جلب و جذب می کند.

برخی دین پژوهان دین را دارای ابعاد زیر می دانند:

۱- بعد مراسم عبادی

۲- بعد اعتقادی و اصول عقاید

۳- بعد اخلاقی

۴- بعد اجتماعی

دینداری مناسکی - شعایری، در حالت افراطی می تواند به فورمالیسم دینی یا ظاهرگرایی مفرط کشیده شود که در آن روح دین و گوهر شریعت در پای اجرای مراسم دینی، ذبح می گردد

بخش اصلی است که باید همگی با هم و به صورت متعادل و معقول مورد توجه قرار گیرد:

۱- باورها

۲- اخلاقیات

۳- احکام و مناسک

به یاد داشته باشیم پابندی به مناسک و مراسم دینی و رعایت ظواهر دینی اگر همراه با حیا و پاکدامنی، خوش اخلاقی، راستگویی، سپاسگزاری از خدا و مردم و امانتداری (رازداری، رد کردن امانت های مادی، خیانت نکردن به همکار و همسر ...) نباشند نه تنها فایده ای ندارند بلکه به عنوان نشانه های نفاق، سوء استفاده از دین و مسخره کردن احکام خداوند، باعث نفرت و طرد مردم در دنیا و خشم و کيفر خداوند را در آخرت خواهد شد.



قدرت برنامه ریزی صحیح و مدیریت زمان

همگی دارای یک برنامه ریزی روزانه برای زندگی خودمان هستیم اما به دلیل مشکلات و گرفتاری‌های روزانه گاهی اوقات از این برنامه ریزی دور خواهیم شد. هنگامی که سفر می‌کنیم با علم به اینکه مدت زمان مشخصی را در این محیط خواهیم بود ناخودآگاه شروع می‌کنیم به کنترل این زمان. این جرقه خوبی است برای منظم شدن.



میثاق بدیعی مقدم
دبیر گروه

مشق زندگی

«هتل نوردی». این اصطلاحی است که «سفرروهای حرفه‌ای» به نوعی از مسافرت‌هایی که اخیراً باب شده است اطلاق می‌کنند. سفرهایی که وسیله نقلیه آن خوردهای لوکس یا هواپیما است و محل اقامت شیفته‌گان این نوع سفر هم غالباً هتل‌های چهار و پنج ستاره. بعید نیست که این نوع مسافران در طول سفر هم مرتباً تبلت در دست و هدفون در گوش، فارغ از دنیای اطراف خود باشند و لذت سفر را در رستوران رفتن بدانند.

انسان سالم (چه جسمی و چه روحی) از سفر لذت می‌برد و مترصد استفاده از ظرفیت‌های کم‌نظیر آن است. اما باید دید که این سفر چه نوع سفری است و به چه مقصدی و با چه نیتی. پر واضح است که در یک پرونده اجتماعی سخن از سفر کاری/تجاری/ماهوریتی نیست. سخن از یک سفر زیارتی و یا سیاحتی است که اغلب خانوادگی صورت می‌گیرد. در این نوع سفر، اولین مسأله که خود اهمیت پیدا می‌کند، در کنار هم بودن خانواده است. در روزگاری که با وجود هزاران ابزار مدرن و هزار گونه مشغله، جمع شدن اعضای خانواده کنار هم دیگر - البته نه صرفاً فیزیکی - غنیمت است، چند روز بودن کنار هم بودن پدر، مادر، فرزند و پدر بزرگ و مادر بزرگ و حتی دایی، عمو، عمه، خاله، یک مروارید کمیاب است که صید آن همیشه نصیب انسان نمی‌شود.

مسأله دیگر «نفس سفر» است. هر چند که «سفر برای سفر» شاید چندان پسندیده نباشد، اما ذات تنوع طلب انسان این مسأله را توجیه می‌کند. شاید هم فرار از مسایلی مثل آلودگی هوا در شهرهای بزرگ نفس سفر را ارزش ببخشد. بی‌شک اما شوق مهم سفر - ونه هتل نوردی - انسان سازی آن است. نبود همه امکانات زندگی در سفر، به هم ریختن نظم عادی زندگی، دور ماندن از عادات روزانه مثل خواب ظهرگاهی، محو شدن و یا کم شدن نقش وسایلی مانند تلویزیون و اینترنت، روبرو شدن با آدم‌های غریب و... مسایلی هستند که انسان را در سفر به چالش می‌کشاند. همه این‌ها برای فردی که مثل یک عزیزدانه در برقص بزرگ شده به یک کابوس می‌ماند، اما کدام جامعه‌شناسی است که بخش بخش این مسائل را یک ضرورت در تربیت انسان نداند.

سفر سنگ محکی است که فرد را اول از همه به خودش می‌شناساند و می‌گوید که چند مسأله حل‌ناپذیر و پس از آن راهنمایی است برای کسانی که در ماندن یا ترک او مرددند. تحمل نامالایمات و مواجه شدن با روی سیاه سکه سفر و روسفید بیرون آمدن از آن، هم آزمون است و هم تجربه، هم انسان‌سنجی است و هم انسان‌سازی.

صد البته این آزمون از شیرین‌ترین آزمون‌های عمر است. پیدا کردن دوستان جدید، آشنایی با فرهنگ‌های نو، تمدد اعصاب و فراموش کردن خاطرات تلخ، فراگرفتن تجربه‌های جدید، آموختن مهارت‌های تازه، دیدن مکان‌های تاریخی و طبیعی، همراه شدن با دوستان و اعضای خانواده، فاصله گرفتن از روزمرگی‌های زندگی و... همه‌گی حاشیه‌های شیرین‌تر از متن این بخش از زندگی ما هستند و اگر اهل توفیق باشیم می‌توانیم بیشتر از روز قبلمان با جلوه‌های زیبای آفرینش حق آشنا شویم و بهره‌مندی خود را برداشت کنیم که این سپیدترین روی سکه سفر است.



شناخت دوستان

در طول سفر ممکن است با افراد زیادی آشنا شوید به طور مثال در هواپیما، اتوبوس یا حتی در هنگام بازدید از یک موزه. معمولاً دوستی‌هایی که دو طرف هنگام سفر با یکدیگر آشنا شده‌اند پایدارترین نوع دوستی خواهد بود، چون هر دو طرف خود واقعیشان را به نمایش گذاشته‌اند و پس از آن تصمیم به دوستی گرفته‌اند.



رفتار اجتماعی

وقتی انسان به شهرها و کشورهای دیگر سفر می‌کند و آداب و رسوم خوب یا بد آن‌ها را می‌بیند و ناخودآگاه قسمت‌های خوب را در ذهن خود ثبت می‌کند و مشغول ترسیم نقشه جدیدی در زندگی اجتماعی خود می‌شود و هنگام بازگشت به دیار خود آن‌ها را جامه عمل می‌پوشاند. صفات نیکو و پسندیده که هر کدام ممکن از سوغات یکی از سفرهای قبلی شما باشد در کنار هم باعث اجتماعی‌تر شدن رفتار روزانه می‌شود و به روابط اجتماعی ما کمک فراوانی خواهد کرد.

مدیریت مالی فوق العاده

هیچ وقت مسافرت کردن ارزان نبوده و نیست بنابراین برنامه ریزی و مدیریت پول بسیار ضروری است. همین محدودیت ایجاد شده طبق برنامه ریزی باعث می شود به بهترین شکل ممکن توان کنترل خرج و مخارج را داشته باشیم. مدیریت مالی بهترین هدیه سفر کردن به ما است! این سیستم مالی خودکار ذهن ما درست زمانی که گروهی سفر می کنیم دو چندان فعال خواهد بود و توان کنترل مالی شما را بالا خواهد برد و مدیریت مالی گروهی باعث آموزش بهتر شما در این زمینه خواهد بود.



خدا حافظی با غمها

وقتی از مسئله‌ای پریشان شده‌اید در اولین فرصت سفر کنید تا بر آن مشکل غلبه کنید. گرفتاری‌های جدید از جمله عدم تسلط به زبان محلی منطقه، عدم آشنایی به منطقه و فرهنگ آن و... سطح بیشتری از مغز شما را درگیر می کند و دیگر مشکلات قبلی به حاشیه می روند. پس شما ناخودآگاه متوجه می شوید که کل مشکلات قبلی را فراموش کرده‌اید و روش نوینی را برای ادامه دادن اتخاذ کرده‌اید و ذهن کاملاً پاک و تازه‌ای دارید.

وقتی سفر می کنید خودتان را مسئول حفاظت از خود می دانید، بنابراین همین مسئولیت جدید باعث تمرکز روی محیط جدید و مسائل مربوط به آن می شود و در واقع باقی موارد به حاشیه رانده می شود پس متوجه می شوید که در کنترل اوضاع اطراف خود چقدر توانمند عمل کرده‌اید و راه حل برطرف کردن مشکل قبلی را به سادگی خواهید یافت.



چرا «سفر» مهم است؟

امیر اصغری راد

مسافرت همیشه باعث ایجاد انگیزه زندگی و تقویت روحیه شادابی و نشاط می شود. روان شناسان معتقدند که این شور و هیجان خود باعث بهبود کیفیت زندگی می شود و امید به زندگی را افزایش خواهد داد. اما به جز این، برخی دلایل مهم دیگر سفر کردن را به شما می گوئیم تا اگر هنوز برنامه‌ای برای سفرهای نورویتان ندارید، زودتر تصمیم نهایی را بگیرید.

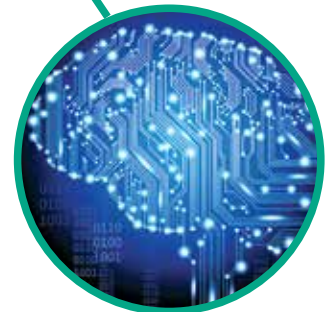
بازنگری خود

در طول زندگی صنعتی و مشغله‌های کاری کمتر فرصت بازنگری در روند زندگی خواهیم داشت، اما هنگام سفر تمام وقت متعلق به خودتان خواهد بود، تصور کنید که روی یک دریاچه مشغول پارو زدن هستید پس از کمی توجه به مناظر اطراف ناخودآگاه مشغول مرور کردن زندگی خودتان خواهید شد پس بیشتر فرصت تجزیه و تحلیل رفتارهای خودتان را دارید، اشتباهات را بهتر خواهید دید و نقاط مثبت بیشتر خودنمایی می کند. بنابراین هنگام سفر فرصت تجزیه و تحلیل زندگی خود را دارید و توان برنامه ریزی مجدد و تغییر نحوه زندگی در دست ماست که باید از این فرصت بخوبی استفاده کرد.



افزایش هوش

سفر هوش شما را زیاد می کند چون تحرک شما بیشتر می شود، تجربه‌تان افزایش می یابد و قدرت تحلیل‌تان بالاتر می رود. سفر پر از یادگیری است حتی اگر این یادگیری برای شما محسوس نباشد. بنابراین هوش‌تان دوباره متبلور می شود.





چرا می‌گویید باید انسان‌ها را در سفر شناخت؟ چقدر با این موضوع موافق هستید؟

این موضوع که مطرح می‌شود برای شناخت افراد باید با آن‌ها همسفر شد، کاملاً درست است. این موضوع به این دلیل مطرح می‌شود که در سفر زمینه بروز رفتارهایی فراهم می‌شود که در شرایط عادی معاشرت امکان آن وجود ندارد. یعنی در زمان مواجهه با شرایط غیرعادی و روبرویی با تغییرات افراد اخلاق خود را نشان می‌دهند. به همین دلیل است که می‌گویید اگر می‌خواهی کسی را بشناسی یا با وی معامله کن و یا مسافرت برو.

در مسافرت چه سفر زیارتی و چه سیاحتی، اتفاقاتی رخ می‌دهد که در جریان روال عادی زندگی و به طور طبیعی اتفاق نمی‌افتد، یعنی فرد در جریان سفر و دنبال کردن هدف خود از این سفر رفتارهایی را بروز می‌دهد که باعث شناخت بیشتر وی می‌شود. چرا که در این جریان مشخص می‌شود که فرد تا چه اندازه به همسفران خود اهمیت می‌دهد، چقدر آداب را رعایت می‌کند، چقدر پایبند مسایل اخلاقی است و یا اینکه چقدر به دیگران و همراهانش احترام می‌گذارد و مرز حفظ این احترام تا کجاست؟

به عنوان مثال در سفر ممکن است حداقل تغییر شرایط عادی تاخیر در زمان صرف غذا باشد. اما همین موضوع می‌تواند زمینه بروز رفتار و اخلاقیات فرد را مهیا کند و باعث شناخت بیشتر افراد شود. اگر فرد به خاطر همسفرانش برای دیر شدن غذا صبر کرد خویشتن داری خود را نشان داده است و معلوم می‌کند که فرد در مواجهه با این دیر و زود شدن‌ها چه تصمیمی می‌گیرد. موارد این چنینی که در سفر پیش می‌آید اخلاق‌های ضعیف و قوی فرد مشهود می‌شود. بنابراین کمال و واقعیت‌های فردی در چنین موقعیت‌هایی نمایان خواهد شد.

از دیگر اخلاق‌هایی که به راحتی در جریان سفر لو می‌رود، موضوع خرج کردن و رعایت مسایل اخلاقی در خوشگذرانی‌هایی است که در جریان مسافرت اتفاق می‌افتد. در سفر بالاخره موقعیت‌هایی پیش می‌آید که نشان می‌دهد شخص چقدر به اخلاق مقید است و یا اینکه تا چقدر حاضر است با همراهان خود مدارا کند. آیا در برابر ناهماهنگی‌هایی که بوجود آمده سرسختی نشان می‌دهد و به دیگران اهمیت نمی‌دهد و دایم منافع طلبی خود را در اولویت قرار می‌دهد؟ بنابراین جمع بندی این موارد در جریان سفر می‌تواند برآوردی از اخلاق فردی شخص باشد.



طیبه حاجی محمد یزدی:

سفر، روابط خانوادگی را عمق می‌بخشد

گفت‌وگو
محمد حسین صراف

طیبه حاج محمد یزدی جزو مشاوران با سابقه خانواده است. طی گفت‌وگویی که با وی داشتیم از او خواستیم تا برایمان از تاثیر سفر بر روابط خانوادگی بگوید.

توصیه‌های بهداشتی برای مسافرت

دکتر محمد شاهین پناه
پزشک عمومی

استفاده از غذاهای ناسالم و فاسد شده اصلی‌ترین علت مسمومیت در سفر است. بعضی‌ها ترجیح می‌دهند برای تغذیه در سفر، غذا را از محل زندگیشان ببرند که در این صورت این غذاها نباید از غذاهای فاسدشدنی مثل گوشت خام، تخم‌مرغ خام و فرآورده‌های لبنی باشند و اگر اصرار دارید آن‌ها را حمل کنید باید از یخدان استفاده کنید.

شما همیشه نمی‌توانید غذاهای مسموم را از طریق بو و مزه ناخوشایندشان تشخیص دهید و در برخی موارد این غذاها بو یا مزه بدی ندارند اما ممکن است بعد از ۲۴ ساعت باعث مسمومیت و در مواردی حتی مرگ مصرف‌کننده شوند. به همین دلیل، غذاهایی که بیش از ۳ روز در یخچال باقی مانده‌اند و غذاهای پخته شده‌ای که بیش از ۲ ساعت در هوای معتدل یا بیش از یک ساعت در هوای گرم باقی مانده‌اند را مصرف نکنید.

در صورتی که قصد استفاده از غذاهای کنسرو شده را دارید مراقب باشید که قوطی‌ها برآمده یا فرورفته نباشند و نشستی یا شکستگی نداشته باشند. قوطی کنسرو را پیش از بازکردن و مصرف، ۲۰ دقیقه بجوشانید. از مصرف مواد غذایی سرخ کرده، سنگین و پرچجم هم خودداری کنید.

در سفر باید از غذاهای آب‌پز با حجم کم استفاده شود. مصرف غذاهای حجیم، چرب و سنگین می‌تواند در طول سفر موجب تهوع و استفراغ مسافران شود، بنابراین بهتر است بیشتر از میوه‌ها و سبزی‌ها استفاده گردد.

مسافران باید از خرید یخ‌های قالبی در طول سفر خودداری کنند، چراکه منبع آبی تولید این یخ‌ها مشخص نیست و ممکن است این یخ‌ها از آب‌های ناسالم تهیه شده باشند که آلوده به انگل‌هایی است که ممکن است اسهال به همراه داشته باشد.

مصرف آب آلوده نه تنها ممکن است باعث مسمومیت شود، بلکه امراض دیگری را مانند تب تیفوئید، اسهال، بیماری‌های ویروسی مثل هپاتیت A و B، فلج اطفال و حتی وبا موجب می‌شود؛ به همین دلیل در سفر باید تا حد امکان از آب‌معدنی یا آب فربز شده شهری که به مرور زمان ذوب می‌شود استفاده کرد.

اگر با اتوبوس سفر می‌کنید و تشنه شده‌اید راننده وظیفه دارد لیوان یک‌بار مصرف در اختیار شما قرار دهد، در غیر این صورت باید از لیوان شخصیتان استفاده کنید اما به هیچ وجه از لیوان‌های معمولی پلاستیکی یا شیشه‌ای در اتوبوس استفاده نکنید.

در بین راه در دستشویی‌ها از صابون جامد استفاده نکنید و به جای آن از صابون مایع برای شستن دست‌ها استفاده کنید.

اگر در استان به دستگیره دستشویی یا به جاهایی که از تمیز بودن آن‌ها مطمئن نیستید، برخورد کنید، دستتان را بلافاصله با صابون بشویید.

در رستوران‌های بین راهی هم رعایت نکات بهداشتی حائز اهمیت است. بهتر است در رستوران از مواد غذایی پخته نشده مثل سالاد و سبزی استفاده نکنید و اگر لیوان یا ظروف یک‌بار مصرف دیگر در اختیارتان قرار گرفت پس از مصرف آن‌ها را با فشار دست بشوید تا امکان استفاده مجددش برای سودجویان وجود نداشته باشد.

می‌آورد و در کل باعث ساخت انسان می‌شود که بر شخصیت فردی و اجتماعی فرد تاثیر می‌گذارد. بنابراین سفر می‌تواند انسان را آب دیده کند و این موضوع تاثیر مستقیم بر روابط خانوادگی دارد و می‌تواند با تغییراتی که در فرد ایجاد می‌کند روابط خانوادگی و عاطفی فرد را تحکیم بخشد.

در تعمیق بینش افراد چه اثراتی دارد؟

چرا که سفر انسان را از دایره کوچک به دایره‌های بزرگ‌تر می‌رساند. زمانی که شخصی دنیا دیده شد و کاستی‌ها و فراوانی‌ها و خوبی‌ها و بدی‌های دنیا را کنار هم دید دیگر دنیای کوچک خودش جلوهای برای او ندارد و شخص با بینشی قوی مسایل را نگاه می‌کند. به همین دلیل است که خداوند در قرآن می‌فرماید: سیرو فی الافاق و الارض. چون سفر وسعت شناخت انسان را قوی‌تر می‌کند.

سفر تا چه اندازه روابط اجتماعی و شناخت‌ها را تقویت می‌کند؟

سفر همانطور که بر روابط خانوادگی اثر گذار است، می‌تواند در روابط اجتماعی و تعامل با دیگران هم تاثیرگذار باشد. سفر انسان را با واقعیت‌ها روبرو می‌کند و زمانی که فرد از نزدیک واقعیت‌ها را لمس می‌کند، نگرش جدیدی نسبت به موضوعات اجتماعی پیدا می‌کند که این بینش در تعاملات و روابط اجتماعی مستقیماً تاثیر گذار است.

از قدیم گفته‌اند شنیدن کی بود مانند دیدن. مسافرت هم می‌تواند با عث بهتر دیدن موضوعات و مقایسه آن‌ها با شنیده‌های قبلی شود. در نتیجه فرد می‌تواند نگرشی جدید نسبت به مکان‌ها، شهرها و اقوامی پیدا کند که تا پیش از این غیر از شنیده‌ها اطلاعات دیگری از آن‌ها نداشته است.

یعنی به واسطه سفر فرد با واقعیت‌هایی روبرو می‌شود که در برخی از موارد ۱۸۰ درجه با تصورات فرد تفاوت دارد و این موضوع می‌تواند در تقویت روابط و تعاملات اجتماعی افراد تاثیرگذار باشد. اگر فرد در طول سفر با قومیت‌ها و افرادی آشنا شود و با مقایسه واقعیت‌ها با شدت و ضعف و خوب و بد شنیده‌های قبلی‌اش می‌تواند واقعیت‌ها را تفکیک‌سازی کند و این موضوع در قضاوت‌هایش تاثیرگذار است. در نتیجه فرد با وسعت نظر راجع به دیگران قضاوت می‌کند و از شایعات و شنیده‌های بی‌اساس پیروی نمی‌کند. بنابراین این شناخت و این بینشی که در نتیجه سفر به دست آمده است سطح تعامل و ارتباطات اجتماعی را بالا برده و فرد را از دایره محدود ارتباط خارج می‌کند.

یک سفر چه میزان در تحکیم روابط خانوادگی موثر است؟

سفر در کل انسان‌ساز است البته این موضوع به افراد هم بستگی دارد. برخی‌ها از همین سفر کردن‌ها نهایت استفاده را می‌کنند. یعنی در جریان سفر

سفر می‌تواند انسان را آب دیده کند و این موضوع تاثیر مستقیم بر روابط خانوادگی دارد و می‌تواند با تغییراتی که در فرد ایجاد می‌کند روابط خانوادگی و عاطفی فرد را تحکیم بخشد

بینش و وسعت فکری خودشان را کمال می‌بخشند و برای خویشتن داری خویش تمرین می‌کنند و برای اولویت‌های اول و دوم خود ارزش گذاری می‌کنند. در عین حال برخی‌ها هم خیلی استفاده نمی‌برند اما برای همین افراد که کمترین بهره برداری از سفر می‌برند هم موثر است.

در سفر بالاخره موقعیت‌هایی پیش می‌آید که نشان می‌دهد شخص چقدر با اخلاق مقید است و یا اینکه تا چقدر حاضر است با همراهان خود مدارا کند. آیا در برابر ناهماهنگی‌هایی که بوجود آمده سرسختی نشان می‌دهد و به دیگران اهمیت نمی‌دهد و دایم منافع طلبی خود را در اولویت قرار می‌دهد؟

در شرایط عادی زندگی همه چیز مرتب و بر وفق مراد است اما در مسافرت این شرایط تغییر می‌کند و همه چیز آماده و مهیا نیست پس فرد قدر داشته‌هایش را می‌داند.

دوم اینکه این سختی‌ها تمرین خودسازی است و زمینه آشنایی با سختی‌ها را فراهم



گفت و گو با دکتر فهیمه قبیتهی

سفر مهم‌ترین معیار سنجش هوش هیجانی



گفت و گو

حامد نجفی مهر

سفر شاید در نگاه اول یک امر شخصی به نظر برسد، اما اگر دقیقتر بنگریم، پی می‌بریم که یک مقوله اجتماعی است که علاوه بر آثار فردی، آثار اجتماعی فراوانی هم دارد. دکتر فهیمه قبیتهی، روانشناس، در گفت و گویش با «۴۲» معتقد است که برای استفاده از آثار مثبت سفر برنامه ریزی داشت. وی هم‌چنین بیان می‌دارد که سفری که صرفاً به رستوران گردی بگذرد جز تحمیل هزینه اضافی به خانوار اثر دیگری نخواهد داشت.

سفر چه رازی دارد که هویت اصلی انسان‌ها را فاش می‌سازد؟

یکی از ویژگی‌های سفر این است که شرایط در سفر با شرایط معمول زندگی روزمره تفاوت دارد. به این معنی که شرایطی را که به طور طبیعی هر روز در خانه و یا محل کار تجربه می‌کنیم از دسترس ما خارج می‌کند. دسترسی به امکانات رفاهی، غذایی و تفریحی ما در سفر محدودتر می‌شود. برنامه خواب و بیداری و نظم غذایی ما به هم می‌خورد. غذایی را که عادت به خوردن آن را داریم ممکن است تهیه آن مشکل و یا حتی غیر ممکن شود که رویارویی فرد با چنین شرایطی زمینه محک زدن اخلاق و سنجش آداب و رفتار فرد را فراهم می‌آورد.

به همین دلیل است که برخی از روان‌شناسان به افرادی که کاندید ازدواج با هم هستند توصیه می‌کنند بعد از محرمیت با یکدیگر به مسافرت بروند تا همدیگر را بیشتر و بهتر بشناسند. چرا که در سفر زمینه‌هایی فراهم می‌شود تا ما متوجه شویم تحمل طرف مقابل در برابر شرایطی که قابل پیش‌بینی نیست تا چه حد است. اینجا است که می‌توان فهمید طرف مقابل ما تا چه اندازه در برابر ناملایمات زندگی بردبار است. با سنجش رفتار وی در سفر و در برابر اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی به خوبی می‌توان برآوردی از فرد برای زندگی و ناملایمات احتمالی به دست آورد.

در کل می‌توان گفت سفر به دلیل اینکه فرد را در شرایط گوناگونی قرار می‌دهد می‌تواند برای شناخت بهتر افراد مفید واقع شود. چندین موضوع را می‌توان از رفتار

می‌شوند. پس استفاده از این تخفیف‌ها را از دست ندهید.

سفر در خارج از فصل شلوغی

اگر زمان سفرتان محدود به عواملی چون تعطیلات رسمی، مدرسه کودکان، مرخصی از محل کار و... نیست و این امکان را دارید که خود تصمیم بگیرید کی به مسافرت بروید، بهتر است به جای فصل رونق، در طول فصل خلوتی و رکود به مقصد مورد نظرتان سفر کنید. سفر در طول فصل رکود شرایط استفاده از تمامی امکانات سفر، چون مراکز اقامتی، رستوران‌ها و کافه‌ها، وسایل حمل و نقل، و ورودیه‌ها را با قیمتی ارزان‌تر برایتان فراهم می‌آورد.

تقسیم هزینه‌ها

خیلی‌ها برای کم کردن هزینه‌های سفر به فکر یافتن هم‌سفران جدید می‌افتند، اگر همراه خانواده هستید که چه بهتر... مطمئناً در سفر گروهی هزینه‌های مختلفی مانند،

آسایش خود و خانواده‌تان ارزان‌تر سفر کنید. کافی است با به کار بردن تعدادی راهکار ساده هم ارزان‌تر سفر کنید و هم در آسایش باشید.

به روز بودن اطلاعات

بسیاری از آژانس‌های مسافرتی و برگزارکنندگان تور، هنگام کم بودن تعداد مسافران که به اصطلاح آن را «بسته نشدن تور» می‌خوانند، اقدام به فروش تورهای مسافرتی در لحظه آخر به قیمت‌های بسیار ارزان می‌کنند. کافی است با عضو شدن در تارنماهای این آژانس‌ها و شبکه‌های اجتماعی آنان از این تخفیف‌ها مطلع شده و براهتی اقدام به خرید بسته مسافرتی در روزهای نزدیک به عزیمت کنید.

این تخفیف‌ها در خصوص پروازها نیز بسیار اتفاق می‌افتد. به‌عنوان مثال پروازهایی که در ساعات اولیه روز و یا نیمه‌شب هستند، معمولاً در لحظه آخر با قیمت‌هایی بسیار پایین‌تر، حتی گاه نیم بهای نیز فروخته

مدیریت هزینه در سفر



فراوان می‌شود، اشتباه می‌گیرند. نیازی نیست به قیمت از بین رفتن راحتی و

برخی کم کردن هزینه‌های سفر را با سفرهای بی‌کیفیت که سبب آزردهی‌های

با ید به این نکته توجه داشت که آسیب‌های درون اجزا است که مجموعه را ناسالم می‌کند. بنابراین تأثیراتی که سفر در بهبود ارتباطات خانوادگی و همبستگی و وابستگی خانوادگی دارد می‌تواند برای همه مجموعه یعنی گسترش تعاملات اجتماعی و بهبود روابط اجتماعی جامعه هم مهم و کارآمد تلقی شود.

سفر تا چه اندازه در شناخت افراد و گسترش تعاملات می‌تواند موثر باشد؟

هدف از تعامل بهبود روابط است. یعنی ما تعامل را برای بهبود روابط می‌خواهیم. اما همه این موارد منوط به استفاده از شکل صحیح سفر و تعامل است. متأسفانه اشکال ناصحیح تعامل هم در روابط اجتماعی و در زندگی امروزی ما بسیار دیده می‌شود. شکل‌های ناکارآمد تعامل؛ رفتارهایی مانند چشم وهم چشمی، خودنمایی‌ها و ایجاد موقعیت‌هایی برای خود ابرازی هستند. اگر رواج چنین تعاملاتی رایج شوند قطعاً آسیب زا خواهند بود. اما اگر تعاملات سالم با کمک سفر و یا ابزاری مانند آن شکل گیرد می‌توان پیوست آنرا بهبود روابط، ارتقاء کیفیت روابط و تأمین روانی افراد از حیث بهره‌برداری از این تعاملات سالم دانست. چنین تعاملاتی می‌تواند در بالا بردن ضریب نشاط، بالا بردن امنیت روانی و آرامش فرد و به تبع خانواده‌اش و در نهایت جامعه کمک کند. چرا که هر کجا مشکل روان‌شناختی در افراد می‌بینیم، ردپای روابط ناکارآمد و معیوب هم به خوبی مشاهده می‌شود.

سفر در بهبود روابط اجتماعی چقدر تأثیر دارد؟

تا به اینجای بحث از خانواده صحبت کردیم. خانواده کوچک‌ترین نهاد جامعه است و زمانی که انسجام را در خانواده تقویت کردیم و کارکرد خانواده را اصلاح کردیم و بحث‌هایی مانند هنجارمند شدن و

اگر دقت کنید می‌بینید که بعضی از سازمان‌ها و یا گروه‌هایی که می‌خواهند تمرین خودسازی داشته باشند، ترتیب سفرهایی را می‌دهند تا در آن سفر افراد خودشان مسئولیت نظافت و تهیه غذا و تقسیم کار در انجام کارهای گروهی را تمرین می‌کنند. برخی سازمان‌ها به این شیوه از سفر اردو و یا برخی این تمرین را مانور اسم‌گذاری می‌کنند. اما در کل همه این موارد برای انجام تمرین خودسازی صورت می‌گیرد.

خانواده‌ها از این فرصت چگونه می‌توانند استفاده کنند؟

در زندگی معمولی هر کس عهده‌دار کاری است. پدر وظایف مشخص و مادر هم یک‌سری مسئولیت‌ها را پذیرفته و تقسیم کار بچه‌ها هم به شکلی انجام گرفته، اما در سفر می‌توان شرایط جدیدی را بازسازی کرد تا شرایط برای مشارکت همه افراد خانواده به شکل جدیدی فراهم شود و به نحوی تقسیم کار صورت گیرد تا همه افراد سهیم باشند. یعنی به کمک سفر شرایطی را برای بالا بردن مشارکت در خانواده فراهم کنیم تا به دنبال آن وابستگی و پیوستگی و انسجام خانواده را ترقی دهیم.

از دیگر موضوعات مهمی که در جریان مسافرت قابل توجه است سنجش هوش هیجانی افراد است. هوش هیجانی یکی از اساسی‌ترین معیارهای سازگاری اجتماعی است

درونی شدن ارزش‌ها و اخلاق را در خانواده و در تک تک افراد نهادینه کردیم، مسلماً به تبع آن افراد را ارزشی و اخلاق‌مدار و هنجارمند بار آورده‌ایم که می‌توان نتیجه گرفت مجموعه‌ای که اجزایش دارای سلامت باشند مسلماً خود مجموعه هم سالم خواهد بود.

اشخاص در سفر به خوبی متوجه شد. یکی از این موارد مسئولیت پذیری است. آیا فرد در هنگام مسافرت حاضر است مسئولیت کاری را بپذیرد و یا اینکه دایم بار را بر دوش همسفران می‌اندازد؟

یعنی در واقع سنگ محک شخصیت انسان‌ها است؟

از مواردی که در سفر به راحتی سنجیده می‌شود صبر و تحمل است. ممکن است فرد در زندگی عادی خود عادت به انجام کار به خصوصی مانند بازی با یارانه و یا مثلاً خواب نیم‌روزی داشته باشد که در مسافرت امکان انجام آن نیست. در این زمان می‌توان فهمید که فرد تا چه اندازه تحمل دارد. در واقع با این کار آستانه تحمل و ظرفیت تحمل فرد نمایان می‌شود.

از دیگر موضوعات مهمی که در جریان مسافرت قابل توجه است سنجش هوش هیجانی افراد است. هوش هیجانی یکی از اساسی‌ترین معیارهای سازگاری اجتماعی است. هر چه هوش هیجانی فرد پایین‌تر باشد سازگاری در شرایطی که باب میل نیست، پایین‌تر است و فرد ممکن است تکانش‌گری و پرخاشگری داشته باشد. بنابراین با برآورد رفتار افراد حین انجام سفر و موقعیت‌هایی که خواسته و ناخواسته در جریان مسافرت اتفاق می‌افتد به خوبی می‌توان برآوردی از رفتارهای فرد در زندگی به دست آورد.

خانم دکتر! به زعم شما سفر یک جور تمرین زندگی است. جنبه گروهی آن به چه صورت است؟

ایاب و ذهاب، محل اقامت و... تا اندازه‌ای کاهش خواهد یافت. با پرهیز از هرگونه اشتباهی به دقت تمام موارد خرج گروهی را یادداشت کنید تا بعداً بتوانید سهمتان را بپردازید. حتماً یک مدیر هزینه‌ها هم تعیین کنید. دسته جمعی سفر کردن به معنای قسمت کردن مسئولیت‌های سفر هم هست و بهتر است هر کدام گوشه‌ای از کار را بگیرید تا کمتر دغدغه جا و مکان و چطور انجام دادن امور را داشته باشید.

وسایله مسافرت

اگر راهتان چندان دور نیست، می‌توانید با توجه به تعداد همسفران خود یک مینی‌بوس یا ون را به صورت درست کرایه کنید. یادتان نرود، حتماً با چند جا تماس بگیرید و قیمت‌ها را با هم مقایسه کنید، معمولاً هیچ معیاری برای این نرخ‌ها وجود ندارد. اکنون پس از گرفتن پایین‌ترین قیمت، آن را به تعداد نفرات تقسیم کنید؛ اگر به نفع شما بود چه بهتر، در غیر این

صورت قطار و اتوبوس در پایانه‌ها به انتظار شما هستند.

یکی دیگر از فواید وسیله نقلیه درستی، در اختیار بودن آن است. شما به سادگی در طول مسیر می‌توانید به دلخواه توقف کرده یا از برخی مکان‌ها و روستاهای سرراهی به صورت کوتاه بازدید کنید. حتی از این روش می‌توانید در مقصد مورد نظر استفاده کنید یعنی با درست اختیار کردن یک یا ۲ ماشین به صورت ساعتی از راننده بومی درخواست کنید تا شما را به دین جاذبه‌های مورد علاقه‌تان ببرد. با تقسیم کردن کرایه بر تعداد نفرات متوجه خواهید شد که صرفه‌جویی خوبی کرده‌اید.

غذاهای محلی

بسیاری از غذاهای محلی که ساده و سالم هستند، از نظر مالی بسیار به صرفه‌اند و استفاده از این غذاها تا اندازه‌ای هزینه‌های شما را کاهش خواهد داد. علاوه بر صرفه‌جویی، خوردن غذاهای محلی تجربه

بسیار جدید و لذت بخشی خواهد بود. در کل، یکی از مهم‌ترین نکات در هر سفر رعایت رژیم غذایی است. هر گونه افراط و تفریط در این زمینه می‌تواند برای شما مشکلاتی را به وجود آورد و سفر را به کام شما و هم‌سفرانتان تلخ کند.

اطلاعات، سرمایه است

داشتن اطلاعات دقیق از مقصد مورد نظر، جاه‌ها، اماکن مورد علاقه برای بازدید و... همگی می‌توانند نقش مهمی در کاهش هزینه‌های شما داشته باشند. مطالعه پیش از سفر، خود بخشی از سفر در دنیای ذهنی محسوب می‌شود، علاوه بر آن، دیدار از مکانی که شما از پیشینه آن آگاهی دارید بسیار جذاب‌تر خواهد بود. در این حالت شما می‌توانید اطلاعاتتان را به دوستان و همسفران خود هم ارائه دهید.

راهکارهایی دیگر

در مراکز اقامتی زیاد سخت‌گیر نباشید،

نیازی نیست حتماً از هتل‌های لوکس استفاده کنید. کافی است تنها اتاقی راحت اجاره کنید تا در طول سفر به آسانی در آن استراحت و تجدید قوا کنید.

از طریق ابزارهای جدید به روز باشید. بسیاری از مراکز تفریحی و رستوران‌های تازه تاسیس تخفیفات ویژه‌ای را در کنار خدمات عالی به مشتریان ارائه می‌دهند. در طول سفر برای تماس با اعضای خانواده و دوستان، می‌توانید به جای استفاده از خدمات تلفن مقصد، از طریق اینترنت که معمولاً در همه جا با قیمت ارزان در اختیار مسافران قرار دارد، بهره بگیرید و با استفاده از نرم‌افزارهای موجود به راحتی از طریق اینترنت تماس تلفنی برقرار کنید.

برخی از وسایل ضروری را پیش از سفر تهیه کنید تا ناگزیر نباشید این ابزار و یا مواد خوراکی را به بهای بیشتری بخرید، خودتان که بهتر می‌دانید چیزهایی مانند آب معدنی، تنقلات و سایر اقلام.



برگرفته از کتاب ارزشمند مفاتیح الحیات؛ تالیف آیت الله العظمی جوادی آملی

همسفرت رایباب

■ اهمیت سفر

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: مسافرت کنید که در آن پنج فایده است: اندوه‌زدایی، درآمدزایی، دانش‌افزایی، ادب‌آموزی و همراهی با شرافتمند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: سه دعا بی‌تردید مستجاب است: دعای مظلوم، دعای مسافر و دعای پدر برای فرزندش. حضرت علی (ع) می‌فرماید: شخص نباید به سفری رود که در آن بر دین و نمازش هراسان است.

■ آداب سفر

دعا و صدقه: حضرت رسول (ص) هنگامی که به سفر می‌رفت، چنین دعا می‌کرد: «اللهم اِنِّی اَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثِ السَّفَرِ وَكَأْبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسَوْءِ الْمُنْظَرِ فِي اَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ»؛ خدایا از سختی سفر و اندوه دوری و سرگردانی و دربدری و بدمنظری درباره خاندان و مال و فرزند به تو پناه می‌برم. در فقه الرضا (ع) آمده است که: هرگاه قصد سفر کردی خاندانت را گردآور و دو رکعت نماز گزار و خدا را تمجید کن و بر

پیامبر درود فرست و دستانت را به دعا بلند کن و بگو: «اللهم انی استودعک الیوم دینی و نفسی و مالی و اهلی و ولدی و جمیع حیرانی و اخواننا المؤمنین الشاهد منا و الغائب عنا»؛ خدایا! من امروز دین و جان و مال و خاندان و فرزندان و همه همسایگان و برادران مؤمن حاضر و غایب را به تو می‌سپارم. همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: سفرت را با صدقه آغاز کن و آیه‌الکرسی بخوان.

■ زمان سفر

رسول خدا (ص) می‌فرماید: شبانه مسافرت کنید، زیرا زمین آن‌گونه که پیموده می‌شود در روز طی نمی‌شود. و ایشان از اینکه مردی شبانه از سفر نزد خانواده‌اش بازگردد نهی فرمود، مگر اینکه پیش‌تر آن‌ها را خبردار کند. امام صادق (ع) می‌فرماید: مسافر، روز شنبه مسافرت کند؛ حتی اگر سنگی در روز شنبه از کوهی فرو غلتد، خدا آن را به جایش بازگرداند. سپس حضرت در ادامه فرمودند: از آداب و

لوازم سفر، به همراه داشتن توشه فراوان و خوب و بخشش آن به همسفران است و نیز رازپوشی پس از سفر و شوخی‌هایی که موجب خشم خدا نباشد.

■ خداحافظی

رسول خدا (ص) می‌فرماید: هرگاه سفر می‌کنید با برادران دینی خود خداحافظی کنید، زیرا خدا در سایه دعای آنان برایتان برکت قرار می‌دهد.

■ دعای بدرقه

حضرت رسول (ص) هنگامی که جعفر طیار را به سوی حبشه بدرقه می‌کرد این کلمات را توشه راهش قرار داد: «اللهم الطف به فی تیسیر کل عسیر، فان تیسیر العسیر علیک یسیر، انک علی کل شیء قدير. استلک له الیسر و المعافاة الدائمة فی الدنیا و الآخرة؛ خدایا! در حل مشکلات و سختی‌ها به او عنایت کن، زیرا آسان ساختن سختی بر تو آسان است و تو بر هر چیزی توانایی. از تو برای او آسایش و عافیت دائم در دنیا و آخرت می‌خواهم».

هرگاه رسول خدا (ص) با مسافری وداع می‌کرد دست او را می‌گرفت و این چنین برایش دعا می‌کرد: «أحسن الله لك الصحابه و اکمل لك المعونه سهل لك الحزنه و قَرَّب لك البعید و کفاک المهم و حفظ لك دینک امانتک و خواتیم عملک و وجهک لكل خیر، علیک بتقوی الله استودع الله نفسک سر علی برکة الله عز و جل؛ خدا برای تو همراهی و مصاحبت را خوش و نیکو قرار دهد و به طور کامل تو را یاری کند و ناهمواری‌ها را برایت آسان سازد و دور را برایت نزدیک کند و نیازهایت را برآورد و امانت و دینت را حفظ کند و پایان کارت را نیکو کند تو را به هر خیری رهنمون سازد. بر تو باد به تقوای الهی خود را به خدا بسپار و به امید خدای بزرگ حرکت کن».

■ توقف کوتاه بین راه

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: هرگاه به مسافرت می‌روید در منزلگاه‌ها توقفی کوتاه داشته باشید. امام باقر (ع) می‌فرماید: هرگاه در



یافت زود نزد خانواده خود بازگردید. هرگاه رسول خدا (ص) از سفری باز می‌گشت به دیدار امام حسن و حسین (ع) می‌رفت و آنان را در آغوش می‌کشید.

توصیه‌های لقمان درباره سفر

در کتاب مکارم الاخلاق آمده است که امام صادق (ع) می‌فرماید: لقمان به پسرش گفت: هرگاه با گروهی مسافرت کردی درباره کار خود و آنان بیشتر با آنان مشورت کن. بسیار به رویشان لیخند بزن. از توشه‌ات به ایشان ببخش. دعوتشان را بپذیر، به یاری آنان بشتاب، سکوت طولانی، نماز بسیار و سخاوتمندی را پیشه خودساز، به حق گواه‌شان باش. هرگاه دیدی همسفران می‌روند با ایشان برو. هرگاه دیدی کار می‌کنند با آنان کار کن. هرگاه صدقه و قرضی دادند تو هم شریک آنان شو. از کسی که از تو بزرگ‌تر است حرف‌ش‌نوی داشته باش. هرگاه به تو فرمانی دادند و از تو چیزی خواستند اجابت کن و مخالفت نکن، چرا که «ته» گفتن درماندگی و پستی است.

خود همسفر شو، زیرا سفر با کسی که هزینه تو را می‌دهد مایه خواری مؤمن است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: با کسی مسافرت کن که او مایه زینت تو باشد؛ نه اینکه تو مایه زینت او باشی.

امام صادق (ع) می‌فرماید: همسفرانی برگزینید که دخل و خرجشان با شما همسانی داشته باشد تا خوار نشوید.

دید و بازدید مسافر

رسول خدا (ص) می‌فرماید: بر مسلمان است که هرگاه قصد سفر کرد دوستانش را خبر کند و بر دوستان اوست که هرگاه از سفر بازگشت به دیدارش روند.

امام حسن عسکری (ع) به نقل از پدران بزرگوارش می‌فرماید: هنگامی که جعفر بن ابی‌طالب از حبشه آمد رسول خدا (ص) به احترامش برخاست و دوازده گام از او استقبال و با وی معانقه کرد و میان چشمانش را بوسید و از خوشحالی دیدارش اشک شوق ریخت.

رسول خدا (ص) می‌فرماید: سفر پاره‌ای از عذاب است پس هرگاه سفر پایان

نمی‌دانستی که برخی از آنان هم دوست داشتند کار تو را انجام دهند ولی توان مالی نداشتند و این، موجب شد که او نزد خود احساس خواری کند؟ گفت: از خدا مغفرت می‌طلبم و تکرار نمی‌کنم.

سوغات

امام صادق (ع) می‌فرماید: هنگام بازگشت از سفر برای خانواده خود سوغات بیاورید؛ هرچند قطعه سنگی باشد.

لزوم همسفر

رسول خدا (ص) می‌فرماید: همسفرت را بیاب و بشناس؛ آن‌گاه سفر کن.

حضرت رسول (ص) در وصیتش به علی (ع) فرمود: ای علی! به تنهایی سفر نکن، چرا که شیطان، همراه تنهاست.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: بدترین مردم کسانی‌اند که به تنهایی سفر کنند. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: با کسی مسافرت نکن که برای تو به اندازه‌ای که تو برای او ارزش قائل هستی احترام نمی‌بیند.

امام باقر (ع) می‌فرماید: با هم‌سطح

زمین سرسبز و خرم سفر می‌کنید به آرامی سیر کنید و هرگاه زمین خشک و بی‌حاصل را می‌پیمایید به سرعت بگذرید.

تقسیم هزینه در سفر گروهی

رسول خدا (ص) می‌فرماید: از آداب سفر این است که هم‌سفران هزینه سفر را پیشاپیش جدا و مشخص کنند که مایه آرامش خاطر و نیک‌خویی آن‌هاست.

هم‌سطحی همسفران

به لحاظ مالی

حسین بن ابی‌علاء گوید: گروهی بیست و چند نفره از مؤمنان به قصد مکه خارج شدیم و در میان راه، در هر منزلی که توقف می‌کردیم، برایشان گوسفندی می‌کشتم. وقتی به محضر امام صادق (ع) رسیدم فرمود: ای حسین! تو مؤمنان را خوار کردی! عرض کردم: از چنین کاری به خدا پناه می‌برم. فرمود: به من خبر رسید که تو در هر منزلگاهی برای آن‌ها گوسفندی می‌کشتی؟ گفتم: من جز خدا مقصودی نداشتیم. فرمود: مگر





برکات اجتماعی سفر

در سفر به اوج تجلی خود می‌رسد زیرا سفر سبب می‌شود با آداب و رسوم فرهنگ‌های مختلف و شرایط زندگی متفاوت از نزدیک آشنا شویم و در بسیاری از موارد از آنچه داریم احساس رضایت بیشتری پیدا کنیم در نتیجه بیشتر سپاسگزار خداوند خواهیم بود و شکر نعمت‌هایش را به جا خواهیم آورد. به عقیده روان‌شناسان کسی که به سفر می‌رود برای خود ارزش قائل است، شخص مسافر برای رسیدن به احساسی خوشایند، رنج سفر را تحمل می‌کند تا به جایی متفاوت با محیط معمولی زندگی‌اش برسد. در هر حال فکر، ذهن، اندیشه، جسم، روح و روان هر انسانی برای استراحت و تجدیدقوا به مسافرت نیاز دارد. کارشناسان معتقدند سفرهای کوتاه دانش‌آموزان را برای فراگیری بهتر و حضور جدی‌تر در مدرسه ترغیب می‌کند. اتفاقاً سفرهای کوتاه که دانش‌آموزان را از فضای درس و مدرسه دور نمی‌کنند، آثار تربیتی بیشتری دارند.

■ نزدیکی اعضای خانواده

مسافرت علاوه بر تغییر فیزیکی و جابه جایی برای بازسازی وضعیت روانی و شناختی و نیز بازگشت به عملکرد اجتماعی، تحصیلی و شغلی افراد بسیار مطلوب و موثر است. مسافرت اگر با استانداردهای مورد نظر هماهنگ باشد به نحوی که فرد احساس رضایت قلبی از سفر داشته باشد، سبب نتایج مطلوبی در زندگی می‌شود. گاهی مشکلاتی مانند عدم همگنی بین افراد و محیط سفر یا هزینه‌های ایجاد شده، فشارهایی را بر فرد مترتب می‌سازد که باید قبل از سفر افراد به تمام این مسائل توجه کنند. بی‌شک هر نوع تغییر مکانی و تنوع در چارچوب‌های مختلف و تعیین شده برای افراد در زندگی لازم است و مسافرت سبب روابط عاطفی بهتر و نزدیک‌تر

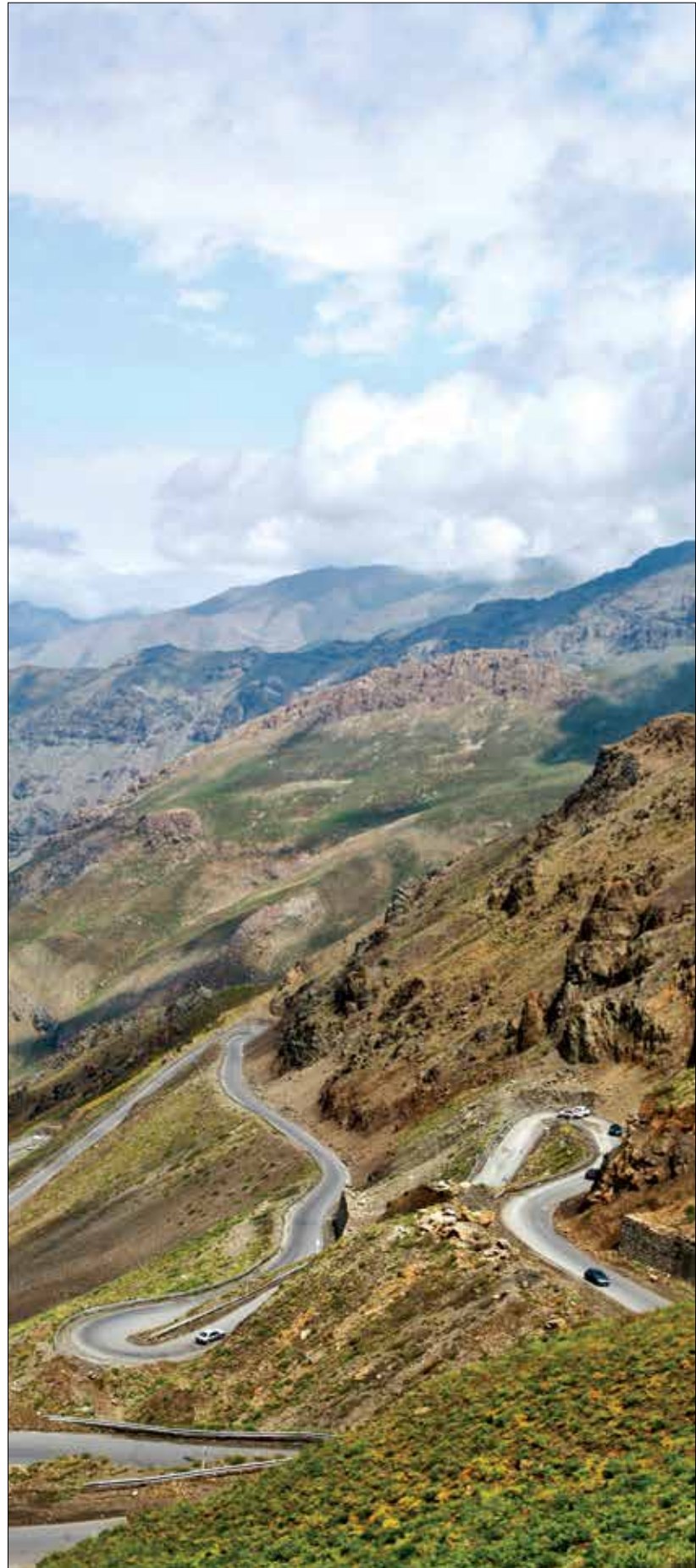
طی تغییر رویه‌ای که در چند دهه اخیر در سبک زندگی مردم کشورمان رخ داده، تعطیلات نوروزی بیشتر فرصتی برای مسافرت شده تا دید و بازدیدهای خویشاوندی. اتفاقی که شاید خوب و شاید بد باشد چرا که از یک‌طرف سنت حسنه صلح‌رحم کاهش می‌یابد و از طرفی سفر خود برکات اجتماعی فراوانی دارد. بی‌شک سفر افق‌های جدید و تازه را به روی انسان باز می‌کند و با تقویت همدلی و همزیستی، انسان را به دنیای مهر و محبت و عاطفه‌ها می‌کشاند. به عقیده روان‌شناسان اجتماعی، انسان وقتی به سفر می‌رود، دیدگاه روشن‌تری نسبت به محیط اطرافش پیدا می‌کند زیرا فرصت بیشتری برای تفکر دارد و با الهام از طبیعت لوح ضمیر خود را به پدیده‌های رنگارنگ آفرینش سپرده و راه‌های تازه‌ای برای کشف اسرار خلقت پیدا می‌کند.

آنان بر این باورند که سفر بهترین کلاس و کارگاه آموزشی برای کسب مهارت‌های اجتماعی است و بشر برای ادامه حیات و ارتقای وضعیت مطلوب زندگی خود به حضور در اجتماع نیاز دارد و برای رفع این نیاز باید هنر برقراری ارتباط را با هموعان خود بداند و مهارت‌های اجتماعی را بیاموزد.

■ آثار تربیتی سفر

بی‌شک مهارت‌های زندگی با داشتن وسایل مدرن به دست نمی‌آید، بلکه با برقراری ارتباط خوب و سازنده با دیگران در اثر شناخت، تصمیم‌گیری، حل مساله، تفکر خلاق و انتقادی، روابط مثبت اقتصادی، همدلی و کنار آمدن با شرایط موجود به دست می‌آید که تمام این مهارت‌ها را می‌توانیم در سفر کسب کنیم.

شاید بالاترین، زیباترین و ارزشمندترین هنر، زندگی با مردم باشد که این هنر





دکتر مجید ابهری
کارشناس امور اجتماعی

مسافرت‌های خانوادگی و تقویت سلامت روحی

سفر می‌تواند در سلامت افراد جامعه تاثیر زیادی داشته باشد؛ تنش‌ها را کم می‌کند و در نتیجه آرامش بیشتری در زندگی افراد و جامعه سایه می‌افکند. تغییر محیط، آب و هوا و حتی چهره شهر تنوع روحی و رفع خستگی از جسم و روح را برای شخص به همراه دارد.

سفرهای دسته‌جمعی به ویژه خانوادگی چه برون‌شهری و حتی درون‌شهری می‌تواند موجب آرامش روح و جسم خسته شود چرا که یکنواختی زندگی شهری به مرور زمان افسردگی و انزوای روحی را برای افراد در پی دارد. البته این مسئله را هم باید در نظر داشت که سفرهای دسته‌جمعی به ویژه در گروه هم‌سالان موجب خروج نوجوانان و جوانان از پوسته خانواده و آشنا شدن با آداب و رسوم و تربیت‌های مختلف می‌شود.

بیشتر خانواده‌ها در طول روز به علت مشغله کاری مدت زمان کمتری را کنار یکدیگر می‌گذرانند، بنابراین به مرور زمان احتمال اینکه نوعی گسستگی عاطفی در بین آن‌ها به وجود آید را نباید نادیده گرفت بنابراین می‌توان گفت یکی از ویژگی‌های مثبت سفر کردن کاهش خلأ عاطفی میان اعضای خانواده است. سفر انسان را می‌سازد و از قید و بندهای درونی آزاد می‌کند و به انسان می‌آموزد و او را به پویایی فرماری خواند.



مهدی رجب پور
کارشناس امور اجتماعی

فرموده و به امام علی (ع) گفته‌اند: «ای علی! در هیچ سفری تنها خارج مشو، زیرا شیطان یار شخص تنهاست و او از ۲ نفر دور است، ای علی! هرگاه شخصی به تنهایی سفر کند به لغزش و گمراهی می‌افتد».

علاوه بر آن بزرگان دین هر کسی را به عنوان یک «همسفر» توصیه نکرده‌اند. شهاب بن عبدربه نقل می‌کند: «به امام صادق (ع) عرض کردم: شما مرا می‌شناسی و از گشاده دستی و بخشندگی من بر برادران مؤمنم باخبر هستی، آیا جایز است یا گروهی در راه مکه همراهی کنم و بر آن‌ها بذل و بخشش کنم؟ امام (ع) فرمود: ای شهاب! چنین مکن. اگر تو گشاده‌دستی کنی و زیاد خرج کنی و آن‌ها نیز چنان کنند بر ایشان ستم کرده‌ای و اگر آن‌ها قادر نباشند و از خرج کردن بپرهیزند، آن‌ها را خوار کرده‌ای. پس با افراد هم‌شان و همانند خود همراهی و دوستی کن!» این یعنی به شباهت‌های مالی با همسفرانتان دقت داشته باشید.

هم‌چنین پرهیز از بی‌معرفتی و تنبلی و برداشتن توشه کافی، بخشش به همراهان با رعایت کامل اخلاق و همراهی با دیگران در انجام کارهای سفر از دیگر توصیه‌های اسلام است.

از سفر کردن لذت ببرید
مسافرت یکی از جذاب‌ترین تفریحات است که در افزایش سلامت روان به شدت تاثیرگذار است و شاید بتوان گفت که لذت بردن از سفر بیش از آنکه به توانایی اقتصادی یا میزان بهره‌وری از ابزارها و تجهیزات خاص بستگی داشته باشد موضوعی حسی، عاطفی و درونی است. مسافرت کنیند تا با تغییر محیط و آب و هوا به تنوع روحی رسیده و به رفع خستگی از جسم و روحتان کمک کنید.

میان افراد می‌شود زیرا چارچوب‌ها تغییر می‌کند و الگوهای جدید رفتاری را می‌طلبد. در مسافرت نیاز افراد به یکدیگر بیشتر می‌شود و خانواده‌ها در مسافرت به یکدیگر کمک می‌کنند که در نهایت سبب همدلی و صمیمیت بیشتر می‌شود.

مسافرت از جنس همدلی

در مسافرت‌های مختلف به خصوص ایام نوروز که زمان محدودی دارد، روحیه یکی‌شدن و یکدل شدن بیشتر به چشم می‌آید و با توجه به فصل نو شدن و احساس زندگی جدید علقه‌های رفتاری بیشتر و شادی همگان را فرا می‌گیرد و بهار با همه سبزی و لطافتش به انسان‌ها منتقل می‌شود که در رفتارهای آن‌ها نیز تاثیرگذار است.

در طول زندگی افراد رفتارها و عادت‌هایی دارند که در درازمدت شکل گرفته است و مسافرت در حقیقت تمرین رفتارهای جدید است که اگر الگوی مناسب در این شرایط فراهم شود، منفعت بسیاری برای افراد دارد.

گاهی برخی اختلافات و مشکلات در خانواده‌ها تا حدی که افراد دیگر نمی‌توانند یکدیگر را تحمل کنند با مسافرت حل می‌شود به این نحو که در سفر به دلیل همدلی‌هایی که افراد به یکدیگر پیدا می‌کنند سبب محبت در دل‌ها و اخوت و نزدیکی به یکدیگر می‌شود.

سفر خوب با همراهان خوب

دین مبین اسلام نیز نگاه تأییدی به اصل مسئله سفر دارد به طوری که پیامبر گرامی اسلام فرموده‌اند «مسافرت کنید تا سالم بمانید». هم‌چنین در کنار توصیه به سفر تأکیدهای زیبایی هم در اسلام درباره این تفریح شده است به طوری که پیامبر (ص) از سفر تنها منع



مصطفی بیات
دبیر گروه

نفت در خدمت دیکتاتوری

مهم‌ترین پیامدهای سیاسی در بعد بین‌المللی که کشورهای نفت خیز منطقه تا کنون با آن‌ها مواجه شده‌اند را می‌توان در کاهش نقش آن‌ها در معادلات بین‌المللی عنوان کرد. این پیامدها در شرایط کنونی برای کشوری مانند روسیه بیش از پیش معنا دارد. کشوری که به دلیل توانمندی بالای نفتی این کشور در تولید و صادرات نفتی هم اکنون به یکی از قطب‌های عمده

انرژی در جهان تبدیل شده است. از زمان اکتشاف نفت در کشورهای خاورمیانه مخصوصاً در کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس این ماده‌ی سیاه رنگ عامل بسیاری از تحولات در این کشورها بوده و بسیاری از ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... را تحت تاثیر خود قرار داده است. به عبارتی دقیق‌تر بسیاری از تحولات موجود و جاری در خاورمیانه را می‌توان با نفت مرتبط دانست و آن‌ها را از زاویه‌ی نفت تجزیه و تحلیل کرد. کودتای علیه دولت دکتر محمد مصدق در ۱۹۵۲ در ایران، سقوط سرنگونی دولت ژنرال قاسم در ۱۹۵۸ در عراق و روی کار آمدن حزب بعث در این کشور، اشغال کویت توسط صدام حسین در اوایل دهه ی ۱۹۹۰، بروز جنگ‌های سه گانه‌ی خلیج فارس، حضور نظامی و گسترده‌ی نیروهای خارجی در منطقه و ... تنها برخی از مهمترین تحولات تاریخ معاصر منطقه‌ی خلیج فارس می‌باشد که دلیل اصلی آن‌ها را باید در عاملی به نام نفت جستجو کرد.

بنابراین هرگونه تحول در حوزه‌ی نفت ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... این کشورها را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

از آنجا که هیچ‌گونه فعالیتی در هیچ‌یک از عرصه‌های زندگی و در جهان هستی بدون استفاده از انرژی مسیر و امکان پذیر نیست؛ بنابراین به سادگی می‌توان دریافت که اقتصاد جوامع بشری بدون وجود انرژی ناممکن است. باز هم باید تأکید شود که

جایگاهی که نفت در دنیا دارد، خاورمیانه وضعیت متفاوتی را در حال تجربه کردن است. چرا که احتمال کاهش تولید نفت برخی از کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس هم چون عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کویت به دلیل اتخاذ روش‌های غیر صیانتی افزایش تولید نفت، منجر به ادامه سیر صعودی در بازار جهانی شده است. از سوی دیگر، ادامه تنش‌های سیاسی در منطقه خاورمیانه منجر به افزایش نگرانی‌ها در منطقه نفت خیز خاورمیانه و حتی حاشیه خلیج فارس شده است. توجه جدی به وضعیت کلی کشورها و امنیت ملی آنها و مسایل منطقه‌ای می‌تواند در مباحث مربوط به سامان امنیتی به طور جدی مطرح شود. اگر کشورهای تولید کننده نفت بتوانند در یک راهبرد مشترک و با راه‌کارهای دیپلماتیک منافع منطقه ای را تضمین کنند موفقیت بزرگی به‌دست آورده‌اند در غیر این صورت آمریکا و کشورهای غربی با روش‌های گذشته خود که ریشه در استعمار دارد در پی تضمین منافع خود خواهند بود که تنش در کشورهای خاورمیانه نمونه آن است، نباید فراموش کرد خسارتی که مردم جهان اسلام از استعمار و ناآرامی متحمل شده‌اند بسیار فراتر از تصویری است که اکنون از آن وجود دارد.

است. نفت در خاورمیانه در اواخر قرن نوزدهم (ایران) و اوایل قرن بیستم (حاشیه جنوبی خلیج فارس) کشف شد. بهره‌برداری اولیه نفت به شکل امتیازات اعطایی توسط شرکت‌های نفتی خارجی انجام می‌شد. در بسیاری از کشورهای حاشیه خلیج فارس برای مثال بحرین، که مردم با مشکل کم‌آبی مواجه بودند، برخی امتیازات نفتی به ازای حفر چاه آب به خارجیان اعطا شد و در آغاز دولت حتی سهمی از درآمد نفت درخواست نمی‌کرد. به تدریج که آوازه این صنعت گران‌بها به گوش زمامداران رسید، سهمی را از درآمد نفت از شرکت‌های نفتی تقاضا کردند. بروز اعتراضات به تدریج باعث دگرگونی در شکل قراردادهای نفتی میان دولت‌ها و شرکت‌های نفتی شد که اوج آن تحولات و موفقیت‌ها در قراردادهای نفتی ۵۰۰- بود. تحولات دیگری مانند ملی کردن صنعت نفت ایران و نیز ناآرامی‌های فزاینده نسبت به حضور خارجیان در صنعت نفت و اراده شرکت‌های نفتی برای خواباندن شورش‌ها و اعتراضات با اجابت کردن شرایط جدید برای جلوگیری از ضرر، تغییرات بیشتری به نفع افزایش کنترل کشورها بر منابع نفتی و درآمد حاصل از آن در نیمه دوم قرن بیستم، به وجود آورد. در شرایط امروزی و البته

یکی از خصوصیات عمده‌ی اکثر کشورهای نفت خیز مخصوصاً کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس را می‌توان در حاکمیت رژیم‌های دیکتاتور و محافظه کار در این کشورها عنوان کرد. نظام‌های سیاسی دیکتاتوری که سال‌هاست با بحران مشروعیت در این جوامع دست به گریبان هستند لکن کماکان توانسته‌اند قدرت سیاسی خود را حفظ کنند و از رشد هرگونه اندیشه‌ی مخالف خود در کشورهاشان جلوگیری به عمل آورند. مهم‌ترین دلیل تداوم حاکمیت این رژیم‌های محافظه کار را علی‌رغم مواجه بودن با بحران مشروعیت می‌توان در یک نکته‌ی اساسی جستجو و تحلیل کرد و آن ساختار مستقل دولت و حکومت از ملت در این جوامع است. به عبارتی دقیق‌تر کشورهای منطقه‌ی خلیج فارس به استثنای ایران که با یک نظام سیاسی جمهوری اداره می‌شود، نه مشروعیت خود از ملت‌هایشان می‌گیرند و نه ابزارهای حکومت کردن را. این مسئله ناشی از استقلال رژیم‌های حاکم بر این از ساکنان آن‌هاست و آن‌چه که باعث این استقلال و خودکفایی شده است، چیزی است که اصطلاحاً نفت نامیده می‌شود. منابع نفتی و تضمین تأمین و دسترسی این منبع انرژی از جمله اصلی‌ترین علل درگیری‌ها و جنگ‌ها در یک و نیم قرن اخیر بوده

جهان گرایی اقتصادی سرمایه داری

مهدی شاکری

زنجیره عرضه از سکوی تولید نفت تا جایگاه‌های خرده فروشی را در بر می‌گیرد. خرید الکترونیک تجارت بزرگی به شمار می‌آید و انتظار می‌رود که هزینه‌های خرید را ۱۰ تا ۵۰ درصد کاهش دهد. اطلاعات موجود در اینترنت درباره عرضه‌کنندگان این امکان را به خریداران داده است که کارایی عملیات خرید خود را افزایش و هزینه‌های خود را کاهش دهند. ظهور شرکت‌های مختلفی که اطلاعات مربوط به عرضه‌کنندگان صنعت را در اختیار دارند و عرضه مشاوره‌های مورد نیاز، هزینه‌های صنعت را بیشتر کاهش خواهد داد. عرضه‌کنندگان نیز از فن‌آوری جدید سود خواهند برد، زیرا ارتباطات نزدیک‌تر با مشتریان به آنها اجازه می‌دهد که عملیات عرضه کالای خود را در مقادیر و در زمان مناسب، بهینه و کارتر سازند.

تحولات فن‌آوری، اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، دنیای جهانی شده جدیدی را به وجود آورده‌اند که انتقال آزاد و بی‌حد و حصر دانش و اطلاعات از جمله ویژگی‌های آن محسوب می‌شود. بیشترین تعاریفی که از «اقتصاد نوین» ارائه می‌شود، بر فن‌آوری، رسانه‌ها و ارتباطات راه دور تأکید می‌کند و شامل نفت نمی‌شود، با این حال صنعت نفت یکی از پیشرفته‌ترین استفاده‌کنندگان از فن‌آوری اطلاع‌رسانی (از کاربردهای مستقیم فن‌آوری مانند لرزه‌نگاری سه بعدی و چهار بعدی و سیستم‌های کنترل تولید تا استفاده روزمره از فن‌آوری‌اطلاعات در سیستم‌های اطلاعات مدیریتی و ویدئو کنفرانس‌ها) است. در نتیجه صنعت نفت جزء جدایی‌ناپذیر و پویا از اقتصاد جهانی جدید محسوب می‌شود. می‌توان صنعت نفت را به عنوان صنعتی که از یک قرن گذشته جهانی شده معرفی کرد. جهانی شدن اقتصاد سبب می‌شود تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان یکدیگر را بهتر درک کنند و منافع خود را در بازار بین‌المللی نفت سه‌م‌بندی کنند.

برداشت، از نام‌های آشنا که در دوره کوتاهی در صحنه بین‌الملل در بخش انرژی توانستند نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید، پالایش، مبادلات تجاری و حمل و نقل نفت خام داشته باشند، می‌توان از شرکت نفت آمریکایی استاندارد اوپل و شرکت هلندی شل نام برد. ولی پس از آغاز قرن بیستم و رخ دادن تحولات عظیم، آن چنان مشکلاتی فراروی بین‌المللی شدن تجارت در سطح جهانی ایجاد شد که بسیاری از شرکت‌های بزرگی که زمینه‌های اولیه بین‌المللی شدن خود را فراهم کرده بودند، مجبور به ترک بازارهای بین‌المللی شدند و یا در رقابت با برخی از شرکت‌های دیگر به طور کامل ورشکسته و از صحنه رقابت‌های بین‌المللی به خارج رانده شدند و به همین دلیل، روند سریع رشد تفکر سرمایه داری با مشکلاتی روبه‌رو شد.

ساختار صنعت بین‌المللی نفت نسبت به اواخر دهه ۱۹۷۰ و قبل از آن تغییرات زیادی را از سر گذرانده است که مهم‌ترین آن، روند ادغام‌ها و تملک‌های گسترده است. ادغام‌ها و خریدهای سهام و در نتیجه کاهش هزینه، فرصت افزایش سود را به شرکت‌ها داد. این شرکت‌ها از توسعه فناوری اطلاعات و کارایی هزینه بهره‌مند شدند. این مسئله، فرصت فعالیت کارایی شرکت‌های بزرگ و تشریک اطلاعات مفید مدیریتی با هزینه‌ای کم را ایجاد کرد. توسعه فن‌آوری که یکی از پیامدهای جهانی شدن است، سبب کاهش هزینه عرضه نفت از منابع غیر متعارف می‌شود. با توجه به مقادیر عظیم منابع غیرمتعارف، کاهش بیشتر هزینه تولید، چشم‌اندازهای آتی عرضه جهانی نفت را دگرگون خواهند کرد.

فن‌آوری جدید و گسترش اطلاعات که از پیامدها و فرصت‌های ایجاد شده جهانی شدن است، روشی را که شرکت‌های نفتی به خرید و فروش کالاها و یا خدمات می‌پردازند، تغییر می‌دهد. این تغییر در تمام

یک منبع تأمین سرمایه، جایگاه‌والایی می‌یابد.

با پایان یافتن جنگ سرد، یک نظم نوین جهان شکل می‌گیرد. رقابت اقتصادی، مبارزات محلی و روبرویی‌های قومی جانشین ایدئولوژی به عنوان کانون تعارض‌های بین‌المللی و ملی می‌شود. تعارض‌هایی که گسترش سلاح‌های مدرن به آن کمک می‌کند، اما قطع نظر از تحول این نظم جدید بین‌المللی، نفت همچنان کالایی راهبردی باقی خواهد ماند و عاملی عمده در راهبردهای ملی و سیاست‌های بین‌المللی به شمار خواهد رفت. نفت و صنعت نفت در بنای اقتصادی کشورهای تولیدکننده این ماده گران‌بها، نقشی اساسی ایفا می‌کند.

پیشینه جهان‌گرایی اقتصاد سرمایه‌داری، به بیش از یک قرن پیش برمی‌گردد؛ هنگامی که کشورهای مسلط بر بخشی از اقتصاد اروپای آن زمان، رویکرد تجارت بین‌الملل را پیش گرفتند و با استفاده از سرمایه و تشکیلات سازمانی خود در بیرون از مرز کشورها، با سرمایه‌گذاری‌های اندک، بهره‌برداری از منابع و عوامل تولید ارزان‌قیمت کشورهای عقب مانده از قافله صنعتی شدن را آغاز کردند که به این ترتیب نخستین گام‌ها به سوی جهانی شدن اقتصاد برداشته شد. نام‌های آشنایی در اقتصاد، بیش از یک قرن گذشته در تجارت جهانی، مانند شرکت هلند شرقی و یا شرکت انگلیسی هند شرقی، نخستین اقدام‌های موفق دنیای سرمایه داری به سوی تحمیل کردن سیاست‌های اقتصادی خود به کشورهای دیگر بوده است.

پس از ظهور نفت در نیمه دوم قرن ۱۹ به عنوان کالای مورد نیاز کشورهای در حال صنعتی شدن، بر مجموعه مبادلات تجاری جهانی افزوده شد و صنعت نفت که نقطه آغاز آن، کشور آمریکا بود، گام‌های بلندی پس از یک دوره کوتاه حتی پیش از پایان قرن نوزدهم برای بین‌المللی کردن خود

نفت به عنوان یک منبع انرژی که انسان در قیاس با سایر انرژی‌ها خیلی سریع و در زمان کوتاه تری به استفاده از آن عادت کرده و در همه شئون زندگی به کار گرفته شده است. نفت همچنین به عنوان ماده‌ای با موارد استفاده همگانی و عمومی و داشتن فرآورده‌های متعدد و گوناگون، اهمیت فراوان دارد.

در جهان امروز، نفت نه تنها به عنوان یک عامل تعیین‌کننده اقتصادی و صنعتی، که به عنوان یک عامل سیاسی و امنیتی نیز مطرح است. در واقع نفت عاملی اساسی برای رسیدن به هدف‌های اقتصادی، صنعتی، سیاسی و تأمین امنیت ملی به حساب می‌آید. هدف همه جوامع بشری و به ویژه همه دولت‌ها دست یافتن به میزانی از رشد اقتصادی است که بتواند رفاه جامعه را تأمین کند. رسیدن به این هدف یا میزان رشد اقتصادی مورد نظر، نیازمند برخورداری و بهره‌وری از دو عامل سرمایه و انرژی است. از همین جا ارتباط میان رشد اقتصادی و انرژی آشکار می‌شود. به بیان دیگر، رفاه نیازمند رشد اقتصادی و رشد اقتصادی نیازمند برخورداری از انرژی است. تا هنگامی که منبع انرژی دیگری یافت نشود، نفت همچنان اثرهای دامنه‌داری بر اقتصاد جهان خواهد داشت. تغییرات عمده در بهای نفت می‌تواند زمینه‌های رشد اقتصادی را فراهم آورد یا مطمئناً تورم‌زا شود و رکودهای اقتصادی را متوقف سازد. امروزه نفت تنها کالایی است که تحولات مربوط به آن و بحث‌هایی که در باب جنبه‌های گوناگون آن در می‌گیرد، نه تنها در صفحه‌های تجاری مطبوعات که در صفحه اول نیز به چشم می‌خورد و مانند گذشته همچنان مولد ثروت‌های عظیم برای افراد شرکت‌ها و تمام یک ملت است. با توجه به این که مالک نفت بودن در جهان امروز به معنای تأمین و کسب سرمایه نیز هست، رشد و اهمیت نفت هم به‌عنوان یک منبع انرژی و هم به‌عنوان



بازیگران عرصه نفت

که در بازار نفت به عنوان فروشنده‌ای حرفه‌ای عمل کرده و در تقابل جدی با دیگر فروشندگان برآید. شاید روس‌ها خجالت می‌کشند که از سر نیاز دست به فروش این چنین نفت خام زده‌اند ولی آنچه هم‌اکنون اهمیت دارد و بایستی آن را مدنظر قرار داد نیاز مبرم روسیه است. در عین حال روسیه از بازارهای نفتی جهان نیز دور است. روس‌ها عادت دارند نفت خود را به محض استخراج از نزدیک‌ترین مسیر به اروپا انتقال دهند و معمولاً از بازاریابی جهانی برای محصول خود پرهیز می‌کنند.

■ **آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)**
چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، کشورهای غربی از ۴۳ سال پیش که اوپک تشکیل شد همواره سعی داشته‌اند نقش آن را در بازارهای نفتی و چرخه نظارت نفت کم‌رنگ کنند. این تفکر مشترک در سال ۱۹۷۶ میلادی به لزوم ایجاد هماهنگی بین مصرف‌کنندگان انرژی انجامید و یک سال بعد هم آژانس بین‌المللی انرژی IEA تأسیس گردید.

این آژانس ابتدا با حضور ۲۱ عضو شروع به کار کرد و هدف اصلی خود را رسیدن به نوعی ثبات در بازار نفت بیان نمود. ظهور آژانس سبب شد تا اوپک تنها محور عمده تأثیرگذار بر قیمت نفت نباشد. بحران سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ در قیمت نفت سبب گردید تا آژانس بین‌المللی انرژی وحدت رویه بیشتری

این مجموعه هستند. اوپک که به حق صنعت متزلزل برای آن صادق است در عین حالی که توانسته است به وحدتی درونی و ساختاری دست یافته و انسجامی ماهوی بیابد ولی تنها به سبب وحدت منافع تاکنون دوام آورده است. مجموعه‌ای که از ابتدا مورد غضب قدرت‌های برتر اقتصادی دنیا بوده و هست. مشکل دیگر این سازمان تفاوت عقاید و ایدئولوژی‌های اعضای آن است. کشورهای حاضر در اوپک کلاً از یک صنف نیستند و دسته‌بندی‌های متعددی در آن به وجود آمده و باعث گردیده در اهداف آرزایی سازمان خلل ایجاد شود.

شکندگی در تصمیمات اوپک همواره وجود داشته است. بارها پس از تصمیم‌گیری برای کاهش یا افزایش عرضه، برخی اعضا از آن تبعیت نکرده‌اند، هر چند تخلف از کاهش عرضه بیشتر به چشم می‌خورد.

■ روسیه

مسکو با وجود داشتن منابع قابل توجهی از نفت، هیچ‌گاه به بازیگری حرفه‌ای در بازار نفت تبدیل نشده است. هر چند روس‌ها قبل از دهه ۹۰ قرن گذشته، با تولید ۶ میلیون بشکه تأثیر آن‌چنانی در بازارهای جهانی نداشته‌اند ولی نیازهای شدید داخلی به ارز خارجی باعث گردید فروش نفت خام رشد قابل ملاحظه‌ای پیدا کند. روسیه سابقاً مدیریت جهانی را در کارنامه خود دارد ولی هیچ‌گاه قصد نداشته است

نفت‌خیز با منافع و مضراتی همراه بوده است. اولین هزینه‌ای که هزینه‌ای مستقیم نیز به شمار می‌رود، بالا رفتن میزان تورم در این کشورها است. مشکل دیگر تلاش دولت‌های مصرف‌کننده برای صرفه‌جویی است.

این کشورها از همان موج اول افزایش قیمت به این نتیجه رسیدند که بایستی مصارف خود - به‌ویژه در زمینه گرمایشی - را بکاهند و وابستگی خود را به حداقل ممکن برسانند. سومین مسأله شروع مطالعات برای یافتن سوختی جایگزین بود. دولت‌های مصرف‌کننده مدت زمان مدیدی است که به این پروژه روی آورده‌اند و پاسخ‌های نسبتاً امیدوارکننده‌ای نیز برای آن یافته‌اند.

با همه این تلاش‌ها، بازار نفت به عنوان شلوغ‌ترین بازار مطرح بوده و تحولات آن بیشترین حجم توجهات را به خود معطوف داشته است.

در ادامه با بررسی عمده‌ترین بازیگران این بازار، نحوه عملکرد هر یک از آنها را مختصراً نقد خواهیم کرد.

■ اوپک (OPEC)

یکی از تأثیرگذارترین مجموعه‌ها بر بازار نفت، سازمان کشورهای صادرکننده نفت یا اوپک است. این سازمان متشکل از ۱۱ عضو است؛ عربستان، عراق، ونزوئلا و ایران به عنوان هسته اولیه سازمان و کشورهای چون کویت، امارات، قطر، لیبی، الجزایر و اندونزی دیگر اعضای

کمتر از ۴ دهه پیش بهای نفت حدود یک ششم بهای متوسط این روزها بود. در پایان دهه ۶۰ قرن بیستم، بشکه‌های نفت در قبال چیزی حدود ۵ دلار مبادله می‌شدند تا آنکه اولین جرقه‌های تحول پدیدار شد. علاوه بر آنکه قیمت بسیار پایین بود عموماً چاه‌ها و صنایع نفت نیز در اختیار غربی‌ها قرار گرفته بود. بدین منظور در گام اول بایستی ملی‌سازی انجام می‌گرفت. اولین اقدام در این راستا در کشور ونزوئلا به وقوع پیوست. پس از بیداری مردم این کشور این تفکر به خاورمیانه نیز پای گذاشت و از آن جمله باعث تحولات ملی شدن صنعت نفت در ایران شد. نتایج این تحولات اولاً خروج صنعت نفت از دست کمپانی‌های غربی و ثانیاً ایجاد اولین تحول در قیمت بشکه‌های نفت بود. برای اولین بار کشورهای نفت‌خیز چیزی حدود ۲ دلار به قیمت بشکه‌های نفتی افزودند تا اولاً غرب را متوجه چالش جدیدی کند که شاید خود سبب به وجود آمدن آن شده بود و ثانیاً خود به این نتیجه برسند که خواهند توانست قیمت‌ها را باز افزایش دهند. همین مسأله نیز سبب شد غرب به فکر کاستن وابستگی خود به جهان سوم بیفتد. یک‌دهه بعد نیز دومین تحول در قیمت نفت به وقوع پیوست و قیمت‌ها به بیشترین میزان ممکن رسید چنانچه تاکنون در هیچ برهه‌ای بدان سقف نرسیده است. افزایش قیمت نفت برای کشورهای



جناح بر بازار نفت باشد، کشوری که اعلام میزان ذخایر انرژی آن همواره بیشترین اثر را بر قیمت نفت می‌گذارد. آمریکا نه تنها یکی از غنی‌ترین کشورهای نفت‌خیز دنیا محسوب شود، بلکه به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی نیز می‌باشد. از جمله اهرم‌هایی که ایالات متحده با به کارگیری آن نقش فعالی ایفا کرده دولت پادشاهای عربستان است. آمریکا با هدایت سیاست نفتی ریاض علاوه بر تأثیرگذاری بر اوپک و تصمیمات آن همواره بر کل بازار نفت نیز اثرگذار بوده است.

آمریکا

واقعیت آن است که هر وقت اوپک سهمش را برای افزایش قیمت کاهش داده است دیگر قدرتهای نفتی و تولیدکنندگان غیر اوپک جای آن را پر کرده‌اند. این مسأله‌ای است که سبب می‌شود اوپک هیچ‌گاه با خیال راحت اقدام به تصمیم‌گیری درباره کاهش نفت نکند.

هر چند کاهش ذخایر نفت در آژانس بین‌المللی انرژی این امکان را به اوپک می‌دهد، ولی آمریکا همواره با آزاد کردن ذخیره‌های خود توانسته تأثیرگذارترین

غربی را به فکر دستیابی جایگزین آن انداخت.

هر چند در مقام مقایسه، IEA به مراتب منسجم‌تر از اوپک عمل کرده است ولی آژانس بین‌المللی انرژی به این نیز بسنده نکرده و درصدد انهدام اوپک نیز برآمده است. برخلاف تصور، اعضای IEA فقط مصرف‌کنندگان نفت نیستند بلکه عده‌ای از اعضای آن، خود دارای منابع عظیم نفتی بوده و گاهگاهی اقدام به فروش نفت نیز می‌کنند. هم‌اکنون نیز تصمیم‌هایی که آژانس بین‌المللی انرژی در مورد نفت می‌گیرد تأثیر عمده‌ای بر بازار نفت دارد.

بیاید. این بحران آثار زیان‌باری بر اقتصاد اروپا و آمریکا گذاشت و علاوه بر زیان‌های اقتصادی، تأثیرات شدید فکری را نیز در پی داشت. غرب پی برده بود که برعکس آنچه که تا امروز فکر می‌کرد، این تنها کشورهای جنوب نیستند که به او نیاز دارند، بلکه تعطیلی برخی کارخانه‌ها پس از این بحران مشخص کرد که غرب شدیداً محتاج مواد اولیه کشورهای عقب‌مانده است. در هر حال تلاش‌های IEA آغاز شد و ذخیره‌سازی‌ها به طور جالب توجهی به جریان افتاد. ولی رواج تفکر پایان‌پذیر بودن نفت، کشورهای



دکتر محمدصادق کوشکی در گفت و گو با ۴۲ مطرح کرد

نفت؛ ریشه بحران‌های منطقه

گفت و گو
مصطفی بیات

استخراج نفت و گاز دارای پیشینه بسیار طولانی می‌باشد. از زمان‌های بسیار دور افراد از چشمه‌های سطحی نفت برداشت می‌کردند و یا از کازی که از سطح زمین خارج می‌شد در آتشکده‌های باستانی استفاده می‌گردید اما در تاریخ معاصر منطقه بعد از اکتشاف نفت ما شاهد تحولات استعماری به شکل گسترده بوده‌ایم که در ساختار قدرت و حتی تقسیم‌بندی کشورهای نفت خیز دخالت گسترده داشته‌اند برای تحلیل بهتر و بی‌بردن به زوایای اثرات استعماری که موجب بروز جنگ‌های منطقه‌ای نیز شده با جناب آقای دکتر کوشکی استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران به بحث نشستیم.

نفت چه تاثیری در تحولات منطقه داشته است؟

تحولات عمده‌ای را که ما بعد از اکتشاف نفت در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا شاهد بودیم همه به نوعی مستقیم و یا غیرمستقیم با نفت مرتبط بوده است، البته برخی از تحولات درونی چندان ارتباطی با مقوله نفت نداشته است.

پس اثبات وجود نفت در منطقه، انگلیسی‌ها که امپراطور بلامنازع قرن ۱۹ محسوب می‌شدند و برای ناوگان خود به سوخت نیاز داشتند به این نتیجه رسیدند که منطقه غرب آسیا می‌تواند به نیاز آنها در این زمینه پاسخ دهد، به همین خاطر شاهد هستیم که از حدود ۱۸۰ سال پیش انگلیسی‌ها حضور تدریجی خود را در منطقه غرب آسیا و به طور مشخص در ایران و خلیج فارس آغاز کردند تا جایی که برخی از قبایل را برای کوچ به سواحل جنوبی خلیج فارس هدایت کردند. در این شرایط چون امپراطوری عثمانی به مناطق جنوبی کم توجه بود دست انگلیس برای هر اقدامی باز بود به طوری که قبیله آل خلیفه با تشویق انگلیس در بحرین مستقر شدند و حکومتی خود مختار را با حمایت انگلیسی‌ها ایجاد کردند، در ادامه این روند خاندان آل نخیان در امارات، آل ثانی در قطر و آل قابوس در عمان مستقر شدند.

هدف نهایی این اشغال‌گرایی‌ها بحث نفت منطقه بود، پس از تجاوز انگلستان به سواحل جنوبی ایران و یک نبرد ۸۰ ساله چریکی بین انگلیس و مردم بومی منطقه بوشهر، دشتستان و دلووار، در نهایت شاهد اشغال جنوب ایران در سال ۱۹۰۷ از سوی انگلیس‌ها شدیم.

بعد از جنگ جهانی اول تمامی متصرفات عثمانی تجزیه و حضور انگلیس در منطقه گسترده شد و همین حضور سبب تشکیل کشورهای عراق، عربستان، اردن، سوریه و لبنان شد و آخرین مولود دخالت انگلیس هم کشور قطر بود. تمامی دخالت‌های

وضع گیری عربستان در چندسال اخیر و حرکت‌هایی که آغاز کرده، داشته است؟

نقطه شروع حرکات دیپلماتیک عربستان از سال‌های آخر دهه ۷۰ میلادی آغاز شد و در چندسال اخیر به اوج خود رسید، البته حرکت عربستان دیپلماسی دلار و نفت است و این کشور بدون نفت نمی‌تواند هیچ ورودی به صحنه سیاست داشته باشد.

قطر هم بدون وجود دلارهای ناشی از گاز و هیدروکربنات نمی‌تواند در صحنه سیاست وارد شود، چون حضور در عرصه بین‌المللی نیاز به دانش کافی دارد، زمانی که مولد دانش باشید می‌توانید قدرت نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هم داشته باشید و تنها در این صورت حاکمیت مقبول و مشروع می‌شود، این در حالی است که عربستان هیچ کدام از این فاکتورها را ندارد و تنها به دلارهای نفتی تکیه کرده است، اگر روزی این دلارها نباشد دیپلماسی عربستان هم بی‌معنا می‌شود.

اگر دقت کنیم در طول ۳۰ سال گذشته این کشورها به طور جدی در چند جبهه از انقلاب اسلامی شکست خوردند و عمق این شکست‌ها به حدی بوده که به مرز جنون رسیدند، به طوری که رفتاری که عربستان در سوریه انجام داد رفتاری عاقلانه نبود و نیست، البته قطر برای این که شکست جدیدی را تجربه نکند از بحران سوریه کنار کشید؛ بنابراین عربستان تنها ماند و در حال حاضر کسی از موضع این کشور حمایت نمی‌کند.

این اتفاقات در دراز مدت شانس بقاء در منطقه را از عربستان می‌گیرد، حتی شاهد هستیم که بعد از تحولات منطقه حکومت پادشاهی زیر سوال رفت، به طور کلی حکومت‌های موروثی فاقد مقبولیت مردمی است و پس از مدتی با مشکل مواجه می‌شوند.

و به عقیده شما، سمت و سوگیری کشورهای خاورمیانه در بحث نفت در آینده چگونه است؟

اگر عراق امنیت را به خود ببیند می‌توانیم شاهد آینده‌ای متفاوت باشیم چرا که در صورت وجود امنیت عراق می‌تواند روزانه تا ۱۲ میلیون بشکه نفت تولید کند، البته این بدان معنا نیست که این کار را خواهد کرد بلکه به این معناست که توانایی انجام این کار را دارد، البته کشورهای منطقه به تدریج به سمت و سویی رفتند که چندان به دنبال خام فروشی نباشند

پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۴۰ تولید هیدروکربن در منطقه خلیج فارس و غرب آسیا از ۲۴ درصد کل فعلی به ۶۵ درصد برسد. این یعنی توجه به منطقه حداقل سه برابر بیشتر خواهد شد

چون خیلی برایشان مقرون به صرفه نیست، این روند در منطقه به تدریج آغاز شده و کشورهایی هم‌چون ایران و عربستان به جای خام فروشی به سمت فروش محصولات پتروشیمی رفته‌اند، پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۴۰ تولید هیدروکربن در منطقه خلیج فارس و غرب آسیا از ۲۴ درصد کل فعلی به ۶۵ درصد برسد، این یعنی توجه به منطقه حداقل سه برابر بیشتر خواهد شد.

آیا درآمدهای نفتی تأثیری بر

پیدا کرده و می‌کنند.

نقش نفت را در تحولات جنگ جهانی اول و دوم چگونه ارزیابی می‌کنید و ایران نسبت به این تحولات چه واکنش‌هایی نشان داد؟

حوزه جنگ‌های جهانی اول و دوم در منطقه غرب آسیا نبود و ایران هم در جنگ جهانی اول هیچ‌گونه دخالتی نداشت، در جنگ جهانی دوم هم هیچ یک از کشورهای منطقه نقشی نداشتند به جز ترکیه که دخالتی بسیار محدود داشت، ایران هم که بی‌طرفی خود را اعلام کرده بود به همین خاطر در جنگ جهانی اول و دوم، کشورهای منطقه نه امکان و نه توان حضور داشتند البته ضرورتی هم حضور نمی‌دیدند چرا که این جنگ میان قدرت‌های برتر بود و نیازی به دخالت کشورهای تازه تشکیل شده احساس نمی‌شد، اما با این حال کشور ما مخصوصاً در جنگ دوم جهانی به عنوان پل پیروزی توسط آمریکا، شوروی و انگلیس اشغال شد، در هردو جنگ چون ما یکی از اماکن تهیه آذوقه برای ارتش‌ها بودیم، قحطی سنگینی به کشور ما تحمیل شد و ما عملاً چند میلیون کشته ناشی از قحطی‌هایی داشتیم که نتیجه دخالت و حضور ارتش‌های متجاوز آمریکا، شوروی و انگلیس در خاک کشور بود.

آیا میتوان دیکتاتوری رضا شاه را مولود اثرات نفت دانست و این گونه عنوان کرد که کشورهای صاحب نفوذ به دنبال سیطره بیشتر بودند؟

یکی از دلایل فروپاشی حکومت قاجار، کودتای اسفند ۱۲۹۹ و به قدرت رسیدن حکومت رضاخان وجود منابع غنی نفتی در کشور بود.

روند تولید نفت در کشورهای خاورمیانه را چگونه ارزیابی می‌کنید

جدی که انگلیسی‌ها از زمان ناصرالدین شاه به بعد در امور داخلی کشور انجام دادند، روی کار آمدن سلسله پهلوی، اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، حمایت از پادشاهی محمدرضا پهلوی و کودتای ۲۸ مرداد همگی دلایل و ریشه‌هایی دارد که به نفت بازمی‌گردد، در دوران معاصر هم بحث جنگ تحمیلی رژیم بعثی علیه ایران، دفاع جدی غرب از ایده صدام برای تجاوز به جمهوری اسلامی و پس از آن حمایت ۸ ساله از تجاوز، نشان از اهمیت منابع نفتی منطقه دارد، البته نباید فراموش

روی کار آمدن سلسله پهلوی، اشغال ایران در جنگ جهانی پادشاهی محمدرضا پهلوی و کودتای ۲۸ مرداد همگی دلایل و ریشه‌هایی دارد که به نفت بازمی‌گردد

کنیم که هرچه از گذشته به سمت امروز می‌آییم می‌بینیم که از ارزش منابع نفتی کم نشده بلکه جایگاه‌شان تغییر کرده است.

به عبارت دیگر در گذشته از منابع نفتی و گازی به عنوان انرژی مصرف می‌کردند اما در حال حاضر از این منابع به عنوان مواد اولیه استفاده می‌کنند، طی سال‌های اخیر از هیدروکربن‌ها با توجه به خاصیت شیمیایی که دارند هزاران ماده سنتتیک ساخته شده و به همین جهت هم این‌گونه مواد ارزشی بیشتر از نفت و گاز



قاسم تبریزی از تاثیر نفت در تحولات ۱۰۰ ساله می‌گوید

وقتی بانک‌های سوییس از پول نفت ایران پر می‌شدند

▬ به عنوان اولین سوال در خصوص تأثیر نفت بر تحولات منطقه در ۱۰۰ سال اخیر توضیحاتی را ارائه دهید.

موضوع نفت در تاریخ یک‌صد و چندساله معاصر چه در ایران و چه در خاورمیانه از ابعاد وسیعی برخوردار است، به همین جهت ورود به موضوع باید با یک تقسیم‌بندی همراه باشد.

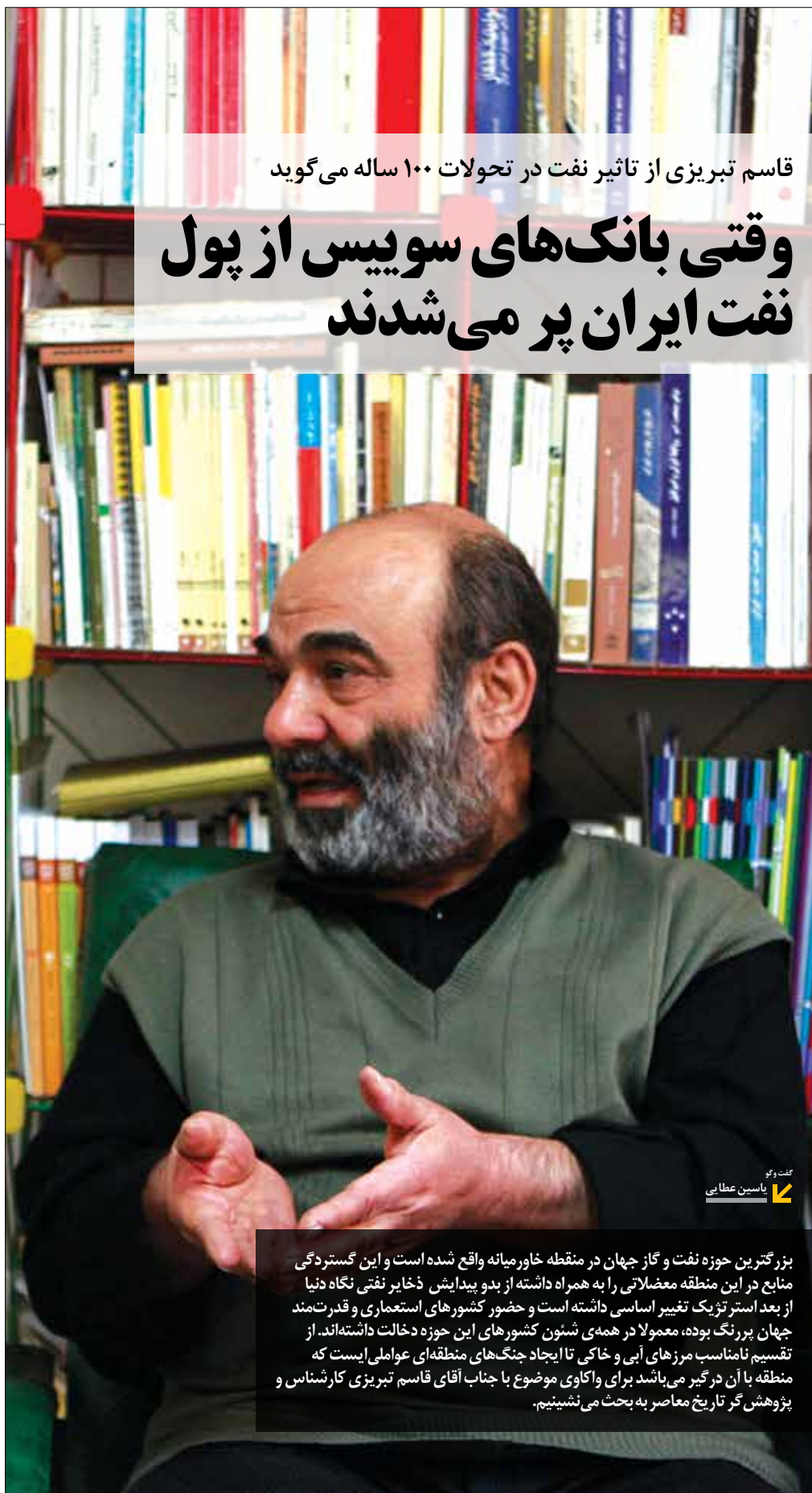
نفت از ابتدای پیدایش به عنوان یک مخزن، عاملی برای سرمایه‌گذاری و ثروت‌اندوزی به شمار می‌رفت، اما همین سرمایه و ثروت عمومی به دلیل بی‌لیاقتی و بی‌کفایتی حکام قاجار و قراردادهای نامناسب از مسیر استقلال اقتصادی و اقتدار ملی منحرف شد.

در دوران پهلوی هم به دلیل وابستگی حکام به استعمار، نفت نه تنها در مسیر اقتدار قرار نگرفت بلکه به نوعی وسیله استثمار و استعمار تبدیل شد، بنابراین نفت به عنوان یک عامل سیاسی در جامعه ما فراز و نشیب‌های زیادی داشته است، همچنین این سرمایه عظیم عاملی برای سلطه غرب از جمله انگلستان، آمریکا و در مقطعی شوروی در خاورمیانه و ایران بود، البته این سلطه تنها به ایران محدود نشد و تا کشورهای دیگر هم چون آفریقا و لیبی کشیده شد و آزادی، اقتدار و منابع ملی این کشورها را نیز از بین برد.

در ایران مسأله نفت با قرارداد داری در ۷ خردادماه ۱۲۸۰ جدی شد، ویلیام داری امتیاز نفت را از مظفردالدین شاه گرفت و شرکت نفت انگلیس و ایران در سال ۱۹۰۹ تأسیس شد، هدف از این اقدام تنها خرید چاه‌های نفتی نبود بلکه آنها به دنبال نفوذ و سلطه بر ایران بودند، به عبارتی دیگر به دنبال راهی بودند تا استقلال ما را از بین ببرند به همین جهت این قرارداد به لحاظ اقتصادی یک قرارداد ذلت بار به شمار می‌رفت.

▬ در دوران رضاه خان چه اتفاقاتی روی داد؟

در سال ۱۹۳۳ و هم‌زمان با حکومت رضاخان بحث لغو این قرارداد مطرح شد که با تعبیر گوناگونی همراه بود، برخی بر این باورند که رضاخان به دلیل وابستگی به انگلیس و به بهانه بالابردن قیمت نفت قرارداد را لغو کرد و بهانه‌های را به دست انگلیسی‌ها داد



گفت‌وگو
یاسین عطایی

بزرگترین حوزه نفت و گاز جهان در منطقه خاورمیانه واقع شده است و این گستردگی منابع در این منطقه معضلاتی را به همراه داشته از بدو پیدایش ذخایر نفتی نگاه دنیا از بعد استراتژیک تغییر اساسی داشته است و حضور کشورهای استعماری و قدرت‌مند جهان پررنگ بوده، معمولاً در همه‌ی شئون کشورهای این حوزه دخالت داشته‌اند. از تقسیم نامناسب مرزهای آبی و خاکی تا ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای عواملی ایست که منطقه با آن درگیر می‌باشد برای واکاوی موضوع با جناب آقای قاسم تبریزی کارشناس و پژوهش‌گر تاریخ معاصر به بحث می‌نشینیم.

گذشته است؟

ابعاد این اثرگذاری بسیار وسیع است و نیاز به متخصصینی دارد که در بحث حقوق بین الملل موضوع را مورد بررسی قرار دهند. در جنگ جهانی اول دو امپراطور در منطقه از بین رفت، یکی امپراطوری روسیه تزار که در مواقعی با انگلستان در منطقه به توافق رسید و دیگری هم امپراطوری عثمانی که پس از مدتی میدان تاخت و تاز فرانسه شد. در آن زمان سازمان ملل متفق ابزاری در دست غرب بود، درست مثل امروز که سازمان ملل متحد در دست غربی‌ها است، به عبارت دیگر غربی‌ها در سر یک موضوع با یک دیگر مشترک بودند و آن غارت آسیا، آفریقا و خاورمیانه بود.

رها آورد سلطه غرب از میان رفتن استقلال فرهنگی در جامعه بود به طوری که ما امروز شاهد استعمار فرهنگی هستیم، از سوی دیگر اقتدار و امنیت را به بهانه نفت از بین بردند و در نهایت هم به اقتصاد ملی منطقه ضربه زدند و آن را نابود کردند که می‌توان این اقدام را یک فاجعه تلقی کرد.

برای مثال در دوران قاجار نه تنها غلات را وارد نمی‌کردیم بلکه در این زمینه صادرات داشتیم اما با حضور غرب، اقتصاد مستقل ما تبدیل به اقتصاد جهانی و وابسته به نفت شد.

درآمد نفت در بانک‌های اروپا و آمریکا به عنوان سرمایه ذخیره شد، رجال سیاسی در بانک‌های سوئیس حساب رمز پیدا کردند و در غرب صاحب املاک و مستقالات شدند، به طوری که وطن اصلی خود را غرب می‌دانستند.

در بحث نظامی هم اسرائیل وارد شد و در دهه ۶۰ با در اختیار داشتن مراکز اتمی و تولید سلاح نقش ایفا کرد، در زمان پهلوی هم خرید سلاح‌های میلیاردری از آمریکا و اروپا رونق گرفت.

در هر صورت باید گفت مسأله نفت هنوز هم به عنوان معضل در منطقه به لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی وجود دارد، ضمن اینکه پیش از این عمده اختلاف‌افکنی‌ها و تفرقه‌ها مربوط به مذهب بود اما امروز خود غربی‌ها وارد میدان شده‌اند و جنایتی که امروز در پاکستان، افغانستان، عراق رخ می‌دهد ادامه حرکت استعماری غرب به خصوص آمریکا و انگلیس است.

بودند یک پایگاه نظامی را در قلب خاورمیانه به نام اسرائیل تأسیس می‌کنند، اسرائیل از ابتدا نه به کشور بود نه یک ملت، بلکه یک پادگان نظامی با ابعاد و اهداف استعماری از جمله سلطه بر نفت خاورمیانه، ایجاد رعب و وحشت بر کشورهای منطقه و محل فروش و ارسال سلاح بود، در این زمینه اتحاد جماهیر شوروی هم در کنار کشورهای غربی قرار گرفت و ما شاهد یک نوع تجاوز سراسری بودیم.

حکومت محمدرضا پهلوی در ایران هم نمونه‌ای از حکومت‌های وابسته به غرب بود به طوری که پس از مدتی ایران پایگاه دوم آمریکا و غرب در منطقه شد اما در نهایت با نهضت امام خمینی استقلال کشور زنده شد، ملت ایران به اقتدار و امنیت سایسی در داخل دست پیدا کردند



در جنگ جهانی اول دو امپراطور در منطقه از بین رفت، یکی امپراطوری روسیه تزار که در مواقعی با انگلستان در منطقه به توافق رسید و دیگری هم امپراطوری عثمانی که پس از مدتی میدان تاخت و تاز فرانسه شد

و پایگاه‌های جاسوسی آمریکا از ایران به عربستان و مصر منتقل شد. در تمام این ۳۵ سالی که از انقلاب می‌گذرد از یک سو توطئه‌های غرب علیه ایران را شاهدیم و از سوی دیگر غارت بیش از پیش منابع نفتی را در عربستان و قطر می‌بینیم، بنابراین نفت هنوز هم در منطقه نقش اصلی را در استعمار و حضور غرب ایفا می‌کند.

نفت چه تأثیری را در بحث سیاسی بر کشورهای خاورمیانه

پیدا کرده بود و تنها شوروی بود که به جز چند تشکیلات حاشیه‌ای چیزی نداشت، به همین بهانه فرقه دمکرات را تأسیس و بحث استقلال آذربایجان و کردستان را مطرح کرد.

پس از نخست‌وزیری قوام، وی وارد معامله با استالین شد و گفت که ما نفت شمال را به شما می‌بخشیم به شرطی که این دو حکومتی که تأسیس کردید را از بین ببرید، شوروی‌ها این پیشنهاد را قبول کردند و متن قرارداد در مسکو و در اسفند ۱۳۳۴ بسته شد، پس از آمدن قوام به ایران مسأله به مجلس شورای ملی واگذار شد و در نهایت استالین در این معامله باخت.

در بحث مبارزه با انگلیس، روند مبارزه رو به رشد بود به خصوص که شخصیت برجسته‌ای هم چون آیت الله کاشانی در عرصه مبارزه بود و سوابقی را در بحث مبارزه علیه انگلیس داشت، در همین دوران با مبارزات ملت تحت عنوان ملی شدن صنعت نفت مواجه شدیم که از اواخر سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۹ ادامه داشت.

آمریکا پس از مدتی به این نتیجه رسید که ملت ایران در حال نزدیک شدن به استقلال است به همین جهت با انگلیس به توافق رسید که کشور را سرکوب کند و علی‌رغم اینکه مجلس در بحث ملی شدن نفت در دست مردم بود باز هم سرکوب شد و کودتای ۲۸ مرداد شکل گرفت.

ما از جنگ جهانی دوم به بعد در سطح آسیا و آفریقا نهضت‌های ضد استعماری را شاهد بودیم که نمونه‌های بزرگ آن مربوط به هندوستان، مصر و اندونزی می‌شود، اما در هر صورت آمریکا به عنوان یک قدرت استعمارگر وارد منطقه شده بود و نهضت‌ها را با شکست مواجه کرد، به طوری که بر اساس ادعای برخی منابع در اندونزی تا ۲ میلیون به قتل رسیدند، در عربستان سعودی حکومت آل سعود از ابتدا در اختیار انگلیس بود و بعدها وابسته به آمریکا شد، هم‌چنین بحرین به عنوان چهاردهمین استان ما و به عنوان یکی از مناطق نفت خیز ایران پس از مدتی از سلطه انگلیس خارج و تحت سلطه آمریکا درآمد.

بنابراین ما بعد از سال ۱۳۳۲ سلطه غرب را به خاطر نفت شاهد بودیم و در این بین اروپا و آمریکا به دلیل دفاع از یهودیانی که در جنگ جهانی دوم دچار صدمات شده

که مجدداً قرارداد ۶۰ ساله جدیدی را منعقد کنند، در تحلیل دیگری فراماسونری‌های وابسته به انگلیس از یک سو رضاخان را تشویق کردند و از سوی دیگر قرارداد ۱۹۳۳ را به صورت نازل تری منعقد کردند، در هر صورت قرارداد ۱۹۳۳ ضربه شدیدی را به اقتصاد، اقتدار و استقلال ما وارد کرد.

در جنگ جهانی دوم اهمیت نفت بیش از جنگ جهانی اول در اروپا مطرح شد، چرا که انگلستان به بهانه اینکه باید استقلال، امنیت و حفاظت چاه‌های نفت را در دست گیرد سربازان زیادی را وارد کرد.

اگرچه متفقین هم در این قضیه وارد شدند و حتی شوروی به حزب توده اجازه نداد که بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۴ در جنوب تشکیلاتی تأسیس کنند، بهانه‌شان هم این بود که ما در حال مبارزه با فاشیسم



در دوران پهلوی هم به دلیل وابستگی حکام به استعمار، نفت نه تنها در مسیر اقتدار قرار نگرفت بلکه به نوعی وسیله استثمار و استعمار تبدیل شد. بنابراین نفت به عنوان یک عامل سیاسی در جامعه ما فراز و نشیب‌های زیادی داشته است

هستیم، اما در هر صورت ملت ما به دلیل شکست و از بین رفتن استبداد ۲۰ ساله رضاخان زمینه‌ای را برای رشد و توسعه سیاسی فراهم کرد.

در این دوران روند مبارزه علیه استعمار روندی تکاملی داشت ضمن اینکه شاه جوان فاقد توان و قدرت بود، از سوی دیگر آمریکا با هدف جایگزینی به جای انگلیس وارد مملکت شد، به تدریج قراردادهای نفتی را منعقد و تشکیلات خود را گسترده کرد. هم‌زمان با سال ۱۳۳۴ و خروج متفقین از ایران، آمریکا به امکانات جدیدی دست



محمدجواد منصوری در گفت و گو با ۴۲

بوی نفت فضا را مسموم کرده است

گفت و گو
مصطفی مهدوی

رقابت‌های استعماری استعمارگران برای غارت منابع ذیقیمت زیرزمینی کشورهای خاورمیانه در طول تاریخ معاصر از جمله جریانات دامنه‌داری است که همواره مورد توجه پژوهشگران تاریخ و به‌طور مشخص مورخین و پژوهندگان تاریخ معاصر ایران قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین رقابت‌هایی که بر مبنای حیاتی از سوی استعمارگران در گرفت رقابتی است که بین غرب و شرق بر سر منابع نفتی به وقوع پیوست و اکثر تحولات منطقه متأثر از آن بوده برای واکاوی بهتر موضوع با دکتر محمدجواد منصوری، محقق و پژوهشگر تاریخ معاصر به بحث می‌نشینیم.

▬ به عنوان اولین سوال در خصوص تأثیر نفت بر تحولات منطقه در ۱۰۰ سال اخیر توضیحاتی را ارائه دهید.

موقعیت استراتژیک ایران به‌گونه‌ای است که در طول ۲ هزار سال گذشته قدرت‌های بزرگ برای تسلط بر کشور ما برنامه و هدف‌گذاری اساسی داشتند و به همین جهت هم معمولاً هر کسی در دنیا به قدرتی رسیده به دنبال تسلط بر ایران بوده است، به طوری که امروز آمریکا صراحتاً تسلط بر ایران را هدف قرار داده و بازگشت مجدد سلطه بر ایران را مخفی نمی‌کند.

با پیدایش نفت در ایران بر اهمیت این کشور هم افزوده شد، چرا که نفت یک کالای استراتژیک است و می‌تواند تعیین کننده قدرت، ثروت و اقتدار داخلی در هر کشوری باشد که بر منابع نفتی خود مسلط است.

پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا برای تسلط بر جهان برنامه‌ریزی کرد و در اولین گام خود تسلط بر منابع نفتی دنیا را جزو اهداف خود قرار داد، زیرا اروپایی‌ها به دلیل خسارت‌ها و مشکلاتی که در دوره جنگ جهانی دوم تحمل کردند دیگر قادر به ادامه نظام استعماری نبودند و آمریکا با استفاده از این فرصت وارد میدان شد و با دو شعار آزادی و توسعه توانست مستعمرات اروپایی‌ها را یکی پس از دیگری تصرف کند.

آنچه که در ایران سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ می‌گذرد در واقع انتقال و جابه‌جایی سلطه غرب بر ایران است. نفت در طول تاریخ خود به دلیل نوع تأثیرگذاری که در اقتصاد، صنعت و انرژی دارد طبعاً بیش از یک کالای عادی در معادلات بین‌المللی تأثیرگذار بوده و از این نظر هم، هم‌چنان نفت یکی از عوامل تأثیرگذار در صحنه سیاسی و به تبع آن در صحنه اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی بوده و خواهد بود. مگر این که منابع انرژی جایگزین به‌تدریج فراهم و نیاز به نفت تا حدودی کمتر شود، البته این احتمال به زودی محقق نمی‌شود. یکی از نکات حائز اهمیت این است که کشورهای غربی برای ادامه تسلط خود بر منابع نفتی قطعاً باید دولت‌های صاحب نفت را در اختیار داشته باشند و درست به همین دلیل تمامی حاکم‌های این سرزمین‌ها را از وابستگان به خود انتخاب کردند.

در ایران زمان قاجار و پهلوی حکام کاملاً



به اشکال مختلف مطرح شد. این موضوع دو دلیل عمده داشت اول اینکه قدرت‌های بزرگ می‌گفتند ما اگر بخواهیم نفت را به طور دائم ببریم دولت حتماً باید در اداره کشور ناتوان باشد و عوامل ما باید در حکومت باشند. دوم اینکه غرب به دنبال این بود که ایران را به طور کامل به خود وابسته کند و در نهایت ایران در استفاده از منابع و امکانات خود ناتوان شود.

در حال حاضر عمده رانت‌ها، تانی‌ها، امتیازگیری‌ها و رکود در تولید ملی به درآمد نفت بازمی‌گردد، تا زمانی که صادرات بی‌حساب نفت هست تولید در کشور پا نمی‌گیرد و برنامه‌ریزی‌ها عملی نمی‌شود چون همه منتظر درآمد نفت هستند، به قول یکی از معاونین اسبق سازمان برنامه بودجه «ما نه برنامه داریم نه بودجه، ما درآمد نفت را می‌گیریم و در مملکت پخش می‌کنیم» و تا زمانی که این وضعیت ادامه دارد قطعاً صحبت از خودکفایی، استقلال همه جانبه، اقتدار فرهنگی و هویت ملی ضربه‌پذیر است، مگر اینکه در بلند مدت شاهد اتفاقات دیگری باشیم.

در چند سال گذشته غرب دقیقاً متوجه شد که میزان وابستگی ما به نفت چگونه است و از این مسأله سوء استفاده کرد. نکته مهم این است که دستگاه اداری ما هم به دلیل این وابستگی به فساد کشیده شده. در تمام دنیا فلسفه تأسیس مناطق آزاد این است که اگر در داخل سرزمین اصلی مشکلاتی برای تولید وجود دارد مناطقی را تعیین می‌کنند که در آن منطقه قوانین جاری و دست و پا گیر برای تولید نباشد و تولید به سرعت شکل بگیرد اما در ایران مناطق آزاد ۱۰۰ درصد برعکس این موضوع عمل می‌کنند.

متأسفانه مناطق آزاد منفذی برای تشدید واردات، رانت خواری، فاصله طبقاتی و فساد اقتصادی شده. این مناطق باعث ایجاد طبقه‌های جدید در کشور شد که در واقع لایه‌های از اسلام را روی کارهایش دارد اما در بطن اقدامات خود منافع و مصالح ملی را هدف قرار داده است که نمونه آن قاچاق کالا و ارز است.

در دنیا کمتر کشوری به اندازه ایران قاچاق کالا و ارز رواج دارد. این فساد به مقدار زیادی ناشی از درآمد نفت است و تا زمانی که این وضعیت را داشته باشیم نه بحث قاچاق حل می‌شود و نه می‌توانیم شاهد تولید ملی، فرهنگ اسلامی و اقتصاد خودکفا و توسعه بومی باشیم.

آمریکا جای آن را گرفت و این روند تا امروز ادامه پیدا کرده است.

۱- در حال حاضر خاورمیانه نزدیک ۲۵ درصد از انرژی هیدروکربن‌های جهان را تأمین می‌کند، بر اساس یک برآورد در سال‌های آینده این رقم به ۶۰ درصد می‌رسد، به عقیده شما این اثرگذاری انرژی در سال‌های آتی چه تأثیراتی را در روند تحولات سیاسی و امنیتی منطقه خواهد گذاشت؟

افزایش میزان وابستگی قدرت‌های بزرگ به نفت و مشتقات آن باعث می‌شود که آنها برای ایجاد بی‌ثباتی و ناتوانی ما برای استفاده از امکانات خودمان، نفوذ حاکمیت‌های وابسته را گسترش دهند. این یک برنامه جدی از سوی غرب است که از سال ۲۰۰۰ اجرا شده، برنامه‌ای که بر اساس آن کشورهای غربی شیرهای نفت منطقه را در اختیار داشته باشند و درست

از سوی دیگر چون عمده درآمد کشور از نفت بود، بیش از آنچه که به خود کفایی فکر کنند به واردات فکر کردند و اقتصاد عملاً واردات محور شد. بنابراین تولید ملی در این کشورها از بین رفت و همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در کشور خود ما، علی‌رغم گذشت ۳۴ سال از انقلاب و اعلام سال تولید ملی تحولی در راستای خودکفایی و کاهش وابستگی به نفت اتفاق نیفتاد، چرا که ما علی‌رغم انقلاب سیاسی به انقلاب اقتصادی نزدیک نشدیم و به تدریج وابستگی ما به نفت ادامه پیدا کرد و تشدید شد.

ادامه‌ی این وضعیت باعث رواج کالاهای مصرفی و وارداتی شد و به تبع آن سبک زندگی و فرهنگ غربی آرام آرام در این کشورها نفوذ پیدا کرد. پس از پیروزی انقلاب، ما به انقلاب فرهنگی نزدیک شدیم اما ما را عقب زدند. به همین دلیل امروز به شدت نیازمند انقلاب فرهنگی هستیم اما امکان آن برای ما از بین رفته است.

علی‌رغم تأکید امام و رهبر بر خودکفایی و قطع وابستگی به نفت و با وجود ادعای دولت و مجلس در این زمینه، هیچ یک از برنامه‌ها، قوانین و دستورالعمل‌ها اجرایی نشد، به طوری که مقام معظم رهبری در مهرماه سال ۹۱ در شهر اسفراين به صراحت اعلام کردند که «ما در کشور قانون‌گریزی را به صورت یک امر عادی شاهد هستیم».

ایشان فرمودند که «چرا شاهد اجرای هیچ یک از مسائل اساسی و مهمی که در مملکت گفته می‌شود نیستیم؟» علت این امر این است که جریان‌های وابسته به خارج کار خود را انجام می‌دهند و اگر در خیابان‌های ایران قدم بزنید کاملاً متوجه می‌شوید که کشور در اشغال شرکت‌های غربی است. تمام تابلوها و تبلیغات مربوط به کالاهای خارجی است، بنابراین عدم اجرای قوانین، عدم اطاعت از رهبری و عدم برنامه برای تغییر و تحول اقتصادی و خلاصه عدم تحقق انقلاب اقتصادی طبیعتاً وابستگی به نفت در کشور ما حفظ شد. به گونه‌ای که در حال حاضر مجبور هستیم که صبح نفت را بفروشیم تا شب نان برای خوردن داشته باشیم. بر این اساس از زمان جنگ جهانی اول تا کنون تغییری در این زمینه ایجاد نشده، نهایت این است که بزرگ‌ترین قدرت استعماری جنگ جهانی اول انگلیس بود اما در جنگ جهانی دوم،

وابسته به غرب بودند و در عربستان هم افراد وابسته را بر سر کار آوردند، به این ترتیب عملاً در طول ۷۰ سال گذشته کشورهای صاحب نفت خودشان به هیچ عنوان در مورد نفت تصمیم گیرنده نبودند، بنابراین دولت‌های وابسته بی‌چون و چرا نیات قدرت‌های بزرگ را عملی کردند و به هیچ عنوان امکان عدول از نظرات اربابان خود و یا حرکت در جهت اهداف ملی و یا اجرای برنامه‌های خود را نداشتند.

۱- مهم‌ترین تأثیر نفت بر تحولات منطقه، شکل‌گیری شیخ‌نشین‌ها در اطراف خلیج فارس و جنگ جهانی دوم چه بود؟

پس از پیدایش نفت در منطقه خلیج فارس، کشورهای غربی به تدریج تغییراتی را شکل دادند از جمله اینکه افراد وابسته به خود را در این مناطق حاکم و حضور خود را پررنگ‌تر کردند. همین امر سبب شد تا

علی‌رغم تأکید امام و رهبر بر خودکفایی و قطع وابستگی به نفت و با وجود ادعای دولت و مجلس در این زمینه، هیچ یک از برنامه‌ها، قوانین و دستورالعمل‌ها اجرایی نشد، به طوری که مقام معظم رهبری در مهرماه سال ۹۱ در شهر اسفراين به صراحت اعلام کردند که «ما در کشور قانون‌گریزی را به صورت یک امر عادی شاهد هستیم»

در تمام زمینه‌های کشورهای نفت خیز از جمله زمینه‌های اقتصادی، برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی ورود پیدا کنند.

غرب همواره به دنبال این بوده که تغییر و تحول اساسی در کشورهای نفتی رخ ندهد و به همین دلیل به صورت همه‌جانبه اینگونه کشورها را تحت کنترل خود درآورد، به عبارت دیگر نفت نه تنها وابستگی سیاسی به وجود آورد بلکه زمینه ساز تک محصولی شدن اقتصاد شد، در نتیجه نوسان در قیمت‌ها و بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی را به دنبال داشت.

غرب همواره به دنبال این بوده که تغییر و تحول اساسی در کشورهای نفتی رخ ندهد و به همین دلیل اینگونه کشورها را تحت کنترل خود درآورد.

به همین دلیل آمریکایی‌ها از کشورهای دیگر از جمله اروپا می‌خواهند تا هزینه لشگرکشی‌شان به خاورمیانه را بدهند. آنها بر این باورند که به سراغ شیرهای نفت خاورمیانه آمده‌اند و اجازه ندادند که نفت به قیمت واقعی خود برسد.

۱- به عنوان آخرین سؤال، تحولات ایران را بر مبنای اثرگذاری نفت چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از اولین روز پیدایش نفت و انعقاد اولین قرارداد نفتی در ایران، بحث فساد در دولت

بازخوانی تاریخ
از دریچه نگاه اسدالله بادام‌چیان
به بهانه سالگرد ملی شدن صنعت نفت

“جبهه ملی” که من می‌شناسم

ماجرای ملی شدن صنعت نفت و اختلافات بوجود آمده میان آیت الله کاشانی و دکتر مصدق همواره محل بحث میان راویان تاریخ و پژوهشگران این حوزه بوده است. به مناسبت فرارسیدن ۲۹ اسفند بخشی را با عنوان تاریخ شفاهی در مجله گشوده‌ایم تا بایی برای روشن شدن زوایای پنهان تاریخ باز شود و صاحب نظران از دیدگاه خود بخشی از تاریخ را بازخوانی، روایت و یا تحلیل کنند. در این شماره سراغ اسدالله بادام‌چیان رفتیم و وی بحث‌هایش در این رابطه و “جبهه ملی را برآیمان از نگاه خود بازگو کرد. مسلماً “۴۲” از دیدگاه‌های مخالف و متفاوت نیز استقبال کرده و حاضر است به انعکاس این دیدگاه‌ها فارغ از قضاوت و داوری بپردازد و این مساله را به صاحب‌نظران واگذارد.



هلند (۱۲٪) بسته شد که نفت را به غارت بردند.
مستشاران آمریکایی وانگلیسی (۶۰ تا ۷۰ هزار نفر) ایران را در واقع اشغال کردند. فدائیان اسلام را اعدام و شهید کردند، حاج مصطفی فرزند کاشانی را با سم کشتند تا او بشکند، خودش را می خواستند شهید کنند که با دخالت و اخطار

حتی حزب داریوش فروهر به کمک مصدق نرفتند، از صبح ساعت ۱۰ که درگیری مقابل خانه مصدق شروع شد و نیروی مدافع نظامی خانه مصدق تا ۵ بعد از ظهر مقاومت کرد هیچ یک از طرفداران مصدق، به کمک او نرفتند و کاری هم علیه کودتا نکردند. تا گارد شاه به رادیو حمله برد و بعد از ظهر رادیو را اشغال کرد



آیت الله العظمی بروجردی، عقب نشینی کردند.
دکتر مصدق را محاکمه و او را به سه سال تبعید در احمدآباد محکوم نمودند.
افسران ارتش را اعم از توده‌ای یا افراد غیرتوده‌ای را کشتند، و از جبهه ملی کریمپور شیرازی را آتش زدند، و او را سوزاندند، دکتر فاطمی را اعدام نمودند و کشور ایران تابع سلطه استعمار غرب

و میراشرفی سقوط مصدق و بازگشت شاه را خبر داد و به این صورت نهضت ملی شدن صنعت نفت و دولت این نهضت شکست خورد.

بازگشت کنسرسیوم

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ شاه و دربار راهی جز سرکوب مبارزان و ملت نداشتند زیرا حکومت آنها کودتایی بود.



گردید و شاه را ژاندارم منطقه لقب دادند تا ملت ایران را تحقیر کرده باشند.

جبهه ملی در کودتای ۲۸ مرداد
جبهه ملی در این کودتا هیچ اقدامی نکرد همان طور که در برکناری مصدق در تیر ماه ۳۱ حتی اعتراض جدی هم نمود و

دیکتاتور و حکومت نظامی حاکم گردید. ساواک توسط آمریکایی‌ها به صورت مأمور سیا درآمد و شکنجه‌گاه مخوف شاه که مزدور غرب بود گردید.
نفت ظاهراً ملی ماند، اما قرارداد باکنسرسیومی مرکب از انگلستان (۴۳٪)، آمریکا (۴۰٪) و فرانسه، ایتالیا، بلژیک و

قرار دهد که از مردم در یک همه‌پرسی ملی بپرسد آیا مایل هستند او به جای شاه حاکم شود؟

شاه پیشدستی کرد و در کودتای شبانه ۲۵ مرداد ۳۲ توسط نصیری رئیس گاردش کوشید مصدق را برکنار کند. ولی توانست و از ایران به ایتالیا گریخت.

دکتر فاطمی وزیر امور خارجه مصدق از فرصت استفاده کرد، مقاله‌ای تند علیه شاه در روزنامه‌اش (باختر امروز) نوشت، درهای کاخ‌های شاه را مهر و موم کرد. مجسمه‌های شاه را در میادین شهرها پایین آوردند تا مقدمات برای تغییر حکومت به نفع مصدق فراهم شود.
آمریکا و انگلیس نیز همراه درباریان و شبکه فراماسونری مخفی، تصمیم به حمایت از شاه گرفتند، انگلیس، آمریکا را شریک نفت و سلطه خود در ایران کرد و سازش نمودند و کیم روزولت مأمور سیا، مسئولیت انجام کودتای آمریکایی - انگلیسی را بعهده گرفت.
دو پیام به مصدق روز ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ دو پیام به مصدق رسید.

۱ - سفیر آمریکا با وی دیدار کرد و به او اعلام کرد که آمریکا هیچگونه حمایتی از دولت وی ندارد و برای بازگرداندن شاه، اقدام می‌کند. مصدق معلوم نیست جواب او را چه داده است؟ ولی تصمیم او را بعداً دوستانش نقل کرده‌اند که بجای مقاومت و دعوت مردم به حضور در صحنه، مثل جریان سی ام تیر ۱۳۳۱ بر اثر تفکر لیبرالی تصمیم می‌گیرد مقاومت نکند و تسلیم حوادث گردد.

۲ - پیام دوم مربوط به آیت الله کاشانی بود که طی نامه‌ای به مصدق نوشت، با همه بدی‌هایی که به او کرده است، اطلاع یافته که سبهد زاهدی درصد کودتا به پشتیبانی آمریکاست، و وی آمادگی دارد که با مصدق همکاری کند و نگذارد فاجعه پیش آید.

این نامه توسط داماد کاشانی دکتر حسن سالمی به مصدق داده شد و او که با سلب حمایت آمریکا خود را ناتوان می‌دید، خشک و بی‌ادبانه در پاسخ آیت الله کاشانی نوشت: من مستظهر به پشتیبانی ملت هستم.
روز ۲۸ مرداد ۳۲ صبح عده‌ای از اوباش و عناصر ارتشی درباری، با شعار درود بر شاه و مصدق راه افتاد سپس مرگ بر مصدق، جاوید شاه دادند و بخشی از لشکر گارد به خانه مصدق حمله برد.

مصدق با اینکه فرماندهی ارتش را در اختیار داشت از نیروهای ملی ارتش کمک نخواست، برای مردم از رادیو که در دست دولت بود پیامی برای مردم نفرستاد، مردم نمی‌دانستند چه باید بکنند.
جبهه ملی و حزب توده و سایر گروه‌ها

هر سال در ۲۹ اسفند، خاطره مبارزات نهضت ملی شدن صنعت نفت در ایران تجدید می‌شود.

نهضتی بزرگی که ملت ایران پس از فرار رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ با رهبری روحانیت و آیت الله کاشانی شروع کرد. در میانه راه عناصر روشن فکرمآب با عنوان «ملی» به این نهضت اسلامی پیوستند و به تدریج شریک نهضت شدند و مبارزه را دارای ۲ رهبر کردند.

۱ - آیت الله کاشانی، رهبر بخش مذهبی و جریان اسلامی نهضت
۲ - دکتر محمد مصدق رهبر بخش غیرمذهبی و جریان غیرمذهبی و ملی‌گرای نهضت

این دوگانگی و جدایی تفکر حاکم دینی، با تفکر جدایی دین از سیاست و اداره نهضت به سبک غربی‌ها، کار خودش را در ایجاد تفرقه در نهضت ملی شدن نفت بطور پنهانی در آغاز انجام داد و سپس کار به جدایی انجامید. یعنی دکتر مصدق «پیشوا» گردید و چون در سایه فداکاری آیت الله کاشانی و فدائیان اسلام به نخست وزیری رسید، با استفاده از قدرت حکومتی و ضرورت حمایت همه توده‌های ملت و مصلحت دید روحانیت عنوان پیشوای ملت یافت و چون تفکر لیبرالی و غربی و جدایی دین از نهضت را داشت با متدینین و فدائیان اسلام و سپس با آیت الله کاشانی به اختلافات اصولی رسید، و آن‌ها بتدریج از حمایت مشی لیبرالی او دست برداشتند، و او هم تصور کرد که آمریکا می‌تواند به او کمک کند تا سلطه دیرینه انگلیس را در ایران کنار بزند و از تعرض شوروی که ایران را یکی از جمهوری‌های کمونیستی خود می‌خواست مصون بماند. هر آنچه به وی نصیحت شد، مغرور و بی‌اعتنا به راهش ادامه داد تا آنگاه که اطرافیان او مثل داریوش فروهر و دکتر فاطمی و متعصبین به وی مثل کریمپور شیرازی، کوشیدند با حمله به آیت الله کاشانی و فدائیان اسلام و تضعیف کاشانی آن روحانی شجاع را وادار سازند که برای حفظ موقعیت خودش، تابع سیاست‌های پیشوا گردد. و چون آیت الله کاشانی نتوانست تسلیم آنها و مصدق شود، به او انواع تهمت‌ها را زدند و فروهر به مجلس عزاداری در منزل کاشانی حمله برد و مردم را زدند و مرحوم حداد، آهن فروش سربازار آهنگرها را با ضربات چاقو کشتند و عده‌ای را زخمی کردند. و این امور، مردم را کلاً نسبت به مصدق بی‌اعتقاد کرد گرچه او را بر سلطه شاه آمریکایی - انگلیسی ترجیح می‌دادند.

بدین گونه زمینه برای کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ آماده شد.
مصدق رفراندومی انجام داد که از مجلس نجات یابد، و آن را مقدمه رفراندوم بعدی



در قیام سیم تیر ۳۱ به رهبری آیت‌الله کاشانی و حضور مردم هیچ نقشی ایفا نکرد. با اینکه خود را مصدق‌می‌دانست و مصدق را پیشوای ملت و رهبر خود می‌نامید.

جبهه ملی و مصدق در دوران نهضت امام

در آغاز نهضت امام، جبهه ملی مخالف با حرکت اسلامی بود و حمایتی نکرد. مصدق هیچ اعلامیه و بیانی در حمایت از انقلاب اسلامی ایران و حتی در کشتار بیرحمانه ۱۵ خرداد، نداد.

در جریان انجمن‌های ایالتی و ولایتی که آغاز توطئه شاه بود و ملت به رهبری امام و مراجع و روحانیت و مردم متدین قیام کرد جبهه ملی موافقتی نداشت و نهضت آزادی نیز در اولین اعلامیه خود در این نهضت، مصدق را رهبر و پیشوای محبوب همه ملت ایران نامید.

سید جوادی و امثال او نامه‌پراکنی را شروع کردند و امثال بنی‌صدر و قطب‌زاده و دکتر یزدی، یاران نزدیک امام معرفی گردیدند و سران جبهه ملی مثل شاپور بختیار، کریم سنجابی، داریوش فروهر فعال شدند.

آمریکایی‌ها کوشیدند کریم سنجابی یا مهندس بازرگان نخست وزیر شاه شوند و هر دو به نوفل لوشاتو رفتند تا رضایت امام را جلب کنند که شاه بماند و آنها دولت را تشکیل دهند و امام به قم برود و مرجع تقلید باشد.

امام رضایت نداد و خواست آنها رفتن شاه و سقوط نظام شاهنشاهی را در اعلامیه‌ای، اعلام کنند تا آنها را به نخست‌وزیری در نظام جمهوری اسلامی بگمارد.

سنجابی اعلامیه داد و بازرگان حاضر نشد اعلامیه بدهد. امام هم به او دیدار مجدد نداد ولی به او فرمود که می‌خواهد وی را به نخست‌وزیری بگمارد.

شاپوربختیار مهره دیگر جبهه ملی، را

سپس سازمان نگهبانان و پس از آن حزب زحمت‌کشان ملت ایران، حزب ملت ایران، جمعیت آزادی مردم ایران (به رهبری محمد نخشب، که در آغاز پیوستن به جبهه ملی «نهضت خادپرستان سوسیالیست، نام داشت) و برخی عناصر و شخصیت‌های سیاسی، تشکیل شده بود. تشکل‌های دیگر مانند فدائیان اسلام، مجمع مسلمانان مجاهد، گروه‌های سیاسی اصناف و بازاریان و گروه‌هایی از فرهنگیان و دانشجویان و کارمندان و کارگران، گرچه جزو جبهه ملی نیامدند ولی در آغاز تأسیس با آن همکاری و همراهی داشتند.

تأسیس جبهه ملی

علت پیدایش جبهه ملی، احساس ضرورت همبستگی گروه‌ها و احزاب بود.

در ۲۳ شهریور ۱۳۲۸ عده‌ای از نمایندگان اقلیت مجلس دوره پانزدهم، به اتفاق

در آنجا تنها و بی کس نگذارید» در روز جمعه تعداد زیادی از مردم در جلوی کاخ شاه جمع شدند. فدائیان اسلام در این جمع حاضر بودند و سید حسین امامی، وقتی هژیر وزیر دربار در جمع مردم حاضر شده با غرور و بی‌اعتنایی سخن گفت، وی را تهدید کرد و گفت: «ای کور لعنتی بالاخره می‌کشمت.» حدود ظهر به پیشنهاد آن گروه ۷ نفره، قرار شد مردم متفرق شوند و فقط ۲۰ نفر یا به قول دیگری ۱۹ نفر از طرف آنها به نمایندگی در دربار تحصن کنند.

موسسین جبهه ملی

اسامی آنها عبارت است از:

دکتر مصدق، حسین مکی، دکتری بقایی، دکتر شایگان، دکتر سنجابی، دکتر حسین فاطمی، احمد ملکی (مدیر روزنامه ستاره)، شمس‌الدین امیرعلایی، محمود نریمان، یوسف مشار، عبدالقدیر آزاد، ابوالحسن حائری زاده، عباس خلیلی (مدیر نشریه اقدام)، عمیدی نوری، دکتر رضا کاویانی، جلال نائینی، ارسلان خلعت‌بری، مهندس زیرک زاده، حجت‌الاسلام سید جعفر غروری، دکتر حسن صدر.

این ۲۰ نفر نامه‌ای به شاه نوشتند و در آن دخالت‌ها در انتخابات و مشکلات روز را شرح دادند

بی‌اعتنایی شاه

مدت چهار روز تحصن را ادامه دادند و چون شاه و وزیر دربار به آنها پاسخی ندادند، ناچار پس از ۴ روز تحصن را ترک کردند و طی بیانیه‌ای انتخابات انجام شده را باطل اعلام کردند. این تحصن فقط بازتاب عمومی داشت، والا شاه که درصدد احیای سلطه رضاشاهی برای خودش بود و هژیر مسئولیت انتخابات فرمایشی شاه را داشت تا نمایندگان مجلس را عناصر مطیع شاه انتخاب کند؛ و او این کار را کرده بود؛ توجهی به این تحصن‌ها نداشت. بلکه دولت شاه، صندوق‌های انتخابات مجلس را به عمارت فرهنگستان برد، و در بازخوانی آرا کاری کرد که ۸ نفری که در تهران رأی لازم را آورده بودند، خارج از ۱۲ نفر نماینده تهران قرار گرفتند.

اعلام انقلابی هژیر

نقشه شاه و هژیر به خوبی پیش می‌رفت. تا در غروب روز ۱۳ آبان ۱۳۲۸ که هژیر در دالان ورودی مسجد مذکور داشت به دستجات عزاداری شال ترمه می‌داد، هدف گلوله سید حسین امامی از فدائیان اسلام قرار گرفت و به شدت زخمی شد و در بیمارستان درگذشت.

اشرف پهلوی می‌نویسد:

«در ژوئن ۱۹۴۸ برادرم، عبدالحسین هژیر را به نخست‌وزیری برگزید. هژیر



برخی دیگر از عناصر سیاسی، به منزل دکتر مصدق رفتند تا برای مجلس شانزدهم و برنامه‌های آینده و شیوه مقابله با کارهای دولت وقت، چاره‌اندیشی کنند. در این جلسه یک گروه هفت نفره برای ساماندهی به کارها انتخاب شدند و تصویب کردند که در کاخ سلطنتی تحصن کنند، درخواست آزادی انتخابات، اجرای قانون اساسی و آزادی مطبوعات را داشته باشند.

دکتر مصدق به عنوان رهبر این گروه در روزنامه‌ها اعلام کرد که ما تصمیم گرفته‌ایم روز جمعه ۲۲ مهرماه، دو ساعت قبل از ظهر، در جلو سردر سنگی [کاخ] اعلی حضرت حاضر شویم. ای مردم، ما را

آمریکایی‌ها خواستند که نخست وزیر شاه شود و او پذیرفت.

جبهه ملی و بازرگان، این اقدام شاپوربختیار را حتی پس از سقوط شاه، تایید کردند و توجیه آنها این بود که وی در انتقال آرام!! قدرت از شاه به انقلاب کمک کرده است!!

جبهه ملی؛ آن چنان که بود

جبهه ملی مهم‌ترین تشکل ملی‌گرا در دوران نهضت ملی شدن نفت است. جبهه از چندین حزب تشکیل می‌شود. جبهه ملی نیز از اجزایی چون حزب ایران، تشکل مربوط به دکتر بقایی (در آغاز سازمان نظارت بر آزادی انتخابات،

که در واقع باز همان نقش ایجاد دوگانگی در نهضت امام خمینی بود که تصور داشتند می‌توانند مصدق را مثل دوران کاشانی در برابر امام، پیشوای ملت نمایند که نتوانستند.

کوشش برای احیای جبهه ملی

در سال ۵۷ از مهر ماه که معلوم شد شاه دیگر نمی‌تواند در برابر انقلاب اسلامی بماند به گواهی نشریات آن دوران و برنامه‌های بی بی سی، دوباره جبهه ملی مطرح گردید تا حرکتی لیبرالی، و سکولاری و غرب‌زده در متن انقلاب خالص اسلامی ملت ایران شکل بگیرد. بار دیگر روشنفکران انتلکتولی مثل حاج

در سال ۱۳۳۲ سران حزب ایران به رهبری الله‌یار صالح مهره بدلی آمریکا که یکی از احزاب تشکیل دهنده جبهه ملی بود اعلام داشتند که رژیم شاه با داشتن مجلس و رای‌گیری از مردم، یک رژیم قانونی است و یک «واقعیت» است و با انعقاد قرارداد نفت با کنسرسیوم، وضع اقتصادی آن خوب می‌شود و مردم عادی را راضی



خواهد کرد و با حمایت کشورهای قدرتمند جهان بر سر کار خواهد ماند و بهتر است با رژیم مقابله نکنیم و به صورت گروهی مخالف بمانیم و با همین بهانه راه خود را جدا کرد.

در حزب زحمت‌کشان نیروی سوم هم اختلاف افتاد و خنجی و حجازی دو عنصر موثر حزب از خلیل ملکی، رهبر حزب جدا شدند و با او و یارانش مخالفت کردند و هر



دو گروه خود را حزب زحمتکشان نامیدند. حزبی که تعداد بسیار محدودی عضو داشت و عملاً جبهه ملی وجود خارجی را از دست داد.

توصیه آمریکا برای استفاده از نیروهای مصدق

چهره‌های اصلی آنها آشکار شد، موجب گردید که انسجام و استحکامی در جبهه باقی نماند.

مصدق، آنها و نمایندگان جبهه ملی را دو گروه می‌داند: گروهی که به آزادی و استقلال مملکت ایمان داشتند و گروهی که آزادی و استقلال را وسیله پیشرفت اغراض و دستیابی به مقام قرار داده بودند.

همگی اظهار نگرانی کردند. در نهایت قرار شد که فدائیان اسلام رزم‌آرا را از سر راه بردارند و آنها قبول کردند؛ به شرط آنکه اگر مصدق بر سر کار آمد احکام اسلام را در کشور پیاده نماید. رزم‌آرا چند روز بعد توسط خلیل طهماسبی کشته شد و حسین علا بر سر کار آمد. نواب به او اخطار کرد و او استعفا داد و دکتر مصدق نخست وزیر شد.

جبهه ملی در دولت مصدق

با نخست‌وزیری دکتر مصدق جبهه ملی قدرت و موقعیت تازه‌ای یافت و سایر احزاب کم‌رنگ شدند اما این قدرت، بیشتر سیاسی بود تا تشکیلاتی، یعنی در حقیقت جبهه ملی و تشکیلاتش نبود که مصدق را بر سر کار آورد و نهضت ملی شدن نفت را مطرح کرد، بلکه این نهضت ملی شدن نفت بود که تشکیلات جبهه را پدید آورد. از طرف دیگر جبهه ملی بیشتر به اعتبار دکتر مصدق و حمایت آیت‌الله کاشانی وابسته بود نه این که به احزاب تشکیل دهنده آن معتبر باشد و چون خود جبهه کار تشکیلاتی نمی‌کرد بلکه کار تشکیلاتی را باید احزاب انجام می‌دادند، و آن احزاب موقعیت لازم را نداشتند، لذا تشکیلات جبهه ملی، ساختار حزبی لازم را نداشت و بیشتر شاخه‌های اصناف و بازاریان و دانشجویان آن که خود را وابسته به جبهه ملی می‌دانستند فعال بودند.

جبهه ملی در دوران مصدق و پس از کودتای ۲۸ مرداد تا سال ۱۳۳۹ که جبهه ملی دوم تشکیل شد. کنگره نداشت، تا اینکه اعضا جمع شدند و اعضای شورای مرکزی با حداقل اعضای شورای جبهه ملی را انتخاب نمودند.

نجاتی می‌نویسد: «قدرت و اعتبار جبهه ملی در تعداد احزاب و سازمان‌های وابسته و شخصیت رهبران آن احزاب و نیروی سازمانی آنها بود و تنها عاملی که به جبهه ملی قدرت و اعتبار بخشیده بود، بیداری سیاسی مردم و رهبری دکتر مصدق بود.»

اختلافات در جبهه ملی

بنابراین جبهه ملی و احزاب مربوط به آن استواری و استحکام حزبی و گسترش مردمی نداشتند. تازمان قیام سی‌ام تیر ۱۳۳۱ این احزاب و گروه‌ها در جبهه ملی یا همراه جبهه‌ملی باقی ماندند ولی پس از قیام مذکور، اختلافات بین آنها در گرفت و به تدریج از هم جدا شدند. فدائیان اسلام، طرفداران کاشانی، گروه دکتر بقایی و... به صف مخالفین مصدق یا انتقادکنندگان او پیوستند و بقیه احزابی که در جبهه ماندند، اختلاف شدیدی در روش‌ها و برنامه‌ها با یکدیگر داشتند. حضور عناصر قدرت‌طلب و سازشکار و بعضی افراد مشکوک و با نفوذی که بعداً

از دوستان صمیمی من بود... مردی هوشمند، شایسته و سیاست‌مدار صریح به شمار می‌رفت... در تشخیص مسائل و معضلات داخلی و بین‌المللی و مواجه شدن با آنها تبحر داشت. ولی انتخاب او با مخالفت و حمله فوری آیت‌الله کاشانی روبرو شد. او نخست وزیر جدید را عامل و جاسوس دولت بریتانیا می‌دانست... در بهار سال ۱۹۵۰ هژیر مورد سوء قصد قرار گرفت. همین که از این واقعه آگاه شدم با عجله به بیمارستان رفتم...»

کشته شدن هژیر برنامه‌ها را به هم ریخت. رژیم، آیت‌الله کاشانی، برخی از فدائیان اسلام، تعدادی از افراد جبهه ملی و گروه‌های سیاسی را گرفت و حکومت نظامی اعلام کرد. اما مجبور به عقب نشینی شد مردم در ۱۷ آبان در میدان بهارستان تظاهرات مهمی برپا کردند. و در اواخر آبان انتخابات باطل شد. رژیم نیز سید حسین امامی را سریع بازجویی کرد

جبهه ملی و احزاب مربوط به آن استواری و استحکام حزبی و گسترش مردمی نداشتند. تازمان قیام سی‌ام تیر ۱۳۳۱ این احزاب و گروه‌ها در جبهه ملی یا همراه جبهه‌ملی باقی ماندند ولی پس از قیام مذکور، اختلافات بین آنها در گرفت و به تدریج از هم جدا شدند

و در نیمه شب در میدان سپه اعدام کرد.

رزم‌آراء و شبکه کودتا

انتخابات تجدید شد و دکتر مصدق، آیت‌الله کاشانی و یاران آنها به نمایندگی مجلس رسیدند. ساعد استعفا کرد. علی منصور نخست وزیر شد. ولی او هم استعفا داد و نوبت به رزم‌آرا رسید که موجب تفاهم مشترک همه گروه‌ها و احزاب در مقابل با وی گردید.

«جبهه ملی نخست‌وزیری رزم‌آرا را شبه‌کودتا نامید و خطر استقرار یک رژیم دیکتاتوری نظامی را به ملت هشدار داد.» آیت‌الله کاشانی به شدت به مخالفت با رزم‌آرا برخاست. و بالاخره اعضای جبهه ملی و طرفداران آیت‌الله کاشانی و فدائیان اسلام، در منزلی در خیابان ۱۷ شهریور تهران در محله عباس‌آباد که متعلق به حاج محمود آقایی بود جمع شدند و

جدایی از جبهه ملی



رهایی از بن‌بست سیاسی و اقتصادی، درصد تغییرات ظاهری در روابط رژیم و جامعه ایرانی برآمد.»

کنار زدن نهضت آزادی به علت اسلامی بودن

روز ۲۳ تیر ۱۳۳۹ دکتر غلامحسین صدیقی ۱۷ نفر از سران جبهه و نهضت مقاومت

خلیل ملکی، رحیم عطایی و...

جبهه ملی - افراد یا احزاب؟

بحث دیگری که در گرفت این بود که آیا جبهه ملی از احزاب مثل حزب ایران، حزب ملت ایران و حزب مرم ایران تشکیل شده است یا می‌تواند از احزاب و چهره‌های سیاسی که عضو این احزاب



ملی و عناصر سیاسی را به منزلش دعوت کرد و «جبهه ملی دوم» تشکیل شد. و در همین آغاز تشکیل، اختلافات درونی خود را نشان داد. نهضت آزادی‌ها را به عنوان اینکه «اسلامی» هستند و جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی ایران را به علت اینکه سوسیالیست هستند راه ندادند و اظهار داشتند که جبهه ملی می‌تواند از احزاب ملی‌گرا بدون داشتن هر نوع

نیستند، تشکیل شود. نتیجه این مباحث این شد که خنجی جامعه سوسیالیست‌ها رامنحل کرد و در بیانیه‌ای خواست که احزاب درون جبهه منحل شوند و حزب جدیدی به نام جبهه ملی پدید آید. این پیشنهاد هم با مخالفت روبه‌رو شد. در نتیجه جوانان دانشجوی جبهه ملی نامه‌ای به دکتر مصدق نوشتند و او تاکید کرد که جبهه ملی باید از تشکله‌ها و



مکتب دینی یا مسلک تشکیل شود و صاحبان عقاید دینی و مسلکی نمی‌توانند در آن عضویت بیابند. تعدادی از عناصر سیاسی شناخته شده را نیز راه ندادند. زیرا عناصر تشکیل دهنده جبهه ملی دوم، در عین اینکه مسلکی و مذهبی نبودند، آنها را قبول نداشتند مانند

احزاب، بدون توجه به مرام آنها تشکیل شود. مصدق صراحتاً نوشت «تعریفی که می‌توان از جبهه ملی نمود، این است: جبهه ملی مرکز احزاب و اجتماعات و دسته‌جاتی است که برای خود تشکیلات دارند و مرامی جز آزادی و استقلال ایران ندارند.»

این دستورالعمل قابل اجرا نبود. زیرا تعداد قابل توجهی از عناصر تشکیل دهنده جبهه ملی دوم منفرد بودند و نمی‌خواستند عضو تشکل و گروهی باشند و باید کناره‌گیری می‌کردند. تشکل‌های عضو هم دارای اعتبار و موقعیت، حتی به اندازه شخصیت‌های سیاسی منفرد نبودند. لذا جبهه ملی دوم در سال ۱۳۴۳ منحل گردید.

در نامه هیئت شورای مرکزی به دکتر مصدق آمده است:

«جبهه ملی ایران حزب نیست، ولی در عین حال مرکز احزاب هم محسوب نمی‌شود. جبهه ملی ایران واحد تشکیلاتی و سیاسی مستقلی است که جمیع احزاب، اتحادیه‌ها، جمعیت‌های ملی، عناصر و افراد و گروه‌های اجتماعی را در برمی‌گیرد و کوشش‌های آنها را بر اساس نظم و انضباط در جهت مبارزات ملی هدایت می‌نماید.

عدم توجه به انبوه افراد غیرحزبی که به هر علت نمی‌خواهند. عضویت احزاب را بپذیرند و دست رد گذاشتن به سینه آنها، تنها به معنای بیرون راندن عده کثیری از صف مبارزات ملی است...»

باید متذکر شد که احزاب ملی در اروپا و آمریکا دارای تشکیلات قابل توجهی نیستند و علاقمندان به نهضت ملی در آن سرزمین‌ها اگر می‌خواستند به تشکیلات حزبی اکتفا نمایند، معنی این اقدام آن می‌شد که از هر گونه تجمع و تشکیلی محروم بمانند.

در صورتی که معتقد شویم شورای جبهه ملی فقط از نمایندگان احزاب تشکیل شود، معلوم نیست با این ترتیب وضع تشکیلاتی جبهه در اروپا و آمریکا که احزاب دارای تشکیلاتی نیستند به چه صورتی در خواهد آمد؟...

مصدق و نفی جبهه ملی

ثالثاً از هنگام تجدید فعالیت جبهه ملی، همواره با توطئه و تحریک در داخل سازمان‌های جبهه‌ملی روبرو بودیم. عناصری دائماً سعی داشته‌اند ما را به یک مبارزه داخلی بکشانند... این عناصر از تاریخ شروع فعالیت تا کنون هر عمل جبهه ملی، خواه سیاسی و خواه تشکیلاتی را در زیر ذره‌بین مورد بررسی قرار می‌دهند تا بلکه بتوانند نکته‌ای برای حمله و تحریک و تخطئه به دست آورند و محیط داخل و خارج جبهه را آشفته سازند و افکار را مفلش نمود... با استناد به نامه آن جناب می‌کوشند یک جریان تبلیغاتی در میان قشرهای مختلف جامعه علیه تشکیلات جبهه ملی ایران ایجاد کنند و ما را با یک بحران سازمانی و سیاسی روبه‌رو سازند و عناصر تشکیلات را مایوس و پراکنده نمایند.

در سال ۱۳۳۹ آمریکا نسبت به وضعیت عمومی ایران احساس نگرانی کرد. شکست شاه در بهبود زندگی مردم، دادن نفت به کنسرسیون، جریحه‌دار بودن احساسات مردم، فساد و هرزگی شاه، خانواده و درباریان او، وابستگی روزافزون به استعمار و کاهش فزاینده استقلال و شدت دیکتاتوری و استبداد و خفقان، کار را به جایی رسانده بود که خروشچف می‌گفت ایران مانند سیبی رسیده است که بدون تلاش و زحمت شوروی به دامان کمونیسم خواهد افتاد.

لذا آمریکا درصد بر آمد تغییراتی مردم فریب در ایران اجرا نماید. در وزارت خارجه آمریکا گزارش‌های ویژه‌ای در باره ایران تهیه شد که در اکثر آنها این نگرانی طرح و راه حل‌هایی پیشنهاد شده بود. در نهایت آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که باید فضای سیاسی راکمی باز کنند. و به شاه توصیه کردند که اصول دیکته شده آمریکا را عمل نمایند. در چنین فضایی، میدان برای جبهه ملی باز شد. زیرا طبق اطلاعات واصله، در سیاست‌های جدید آمریکا استفاده از نیروهای «مصدقی» به شاه توصیه شده بود.

جبهه ملی و حمایت آمریکا

در ۲ مرداد ۱۳۴۰، ۶ نفر از سران جبهه ملی سابق (دکتر غلامحسین صدیقی، باقر کاظمی، شاهپور بختیار، عبدالحسین اردلان، کشاورز صدر، مهندس بازرگان) با وزیر کشور دیدار کردند تا وزارت کشور آزادی انتخابات را تأمین نماید.

این آغاز تحرک جدیدی بود. در ۵ مرداد میتیگی در میدان جلالیه از طرف دانشجویان و عناصری از جبهه ملی اعلام شد که تعداد زیادی از مردم در آن شرکت کردند. در این گردهمایی به عدم آزادی انتخابات اعتراض گردید و درخواست ابطال انتخابات شد؛ که به روال سابق و فرمایشی انجام گرفته بود.

علم، دبیر کل حزب مردم (حزب دولتی شاه) و دکتر علی امینی رهبر نامزدهای مستقل! نیز به انتخابات اعتراض کردند و انتخابات باطل شد.

در این هنگام برخی سران سیاسی جبهه ملی سابق درصد برآمدند دوباره تشکیلات جبهه ملی را به راه اندازند. زیرا «به این نتیجه رسیدند که ایالات متحده آمریکا و متحدین غربی او، درصد تغییراتی در استراتژی سیاسی خود، نسبت به کشورهای جهان سوم می‌باشند و در نظر دارند... برنامه رفورم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را با دادن نوعی آزادی‌های محدود به مورد اجرا بگذارند. در همین اوان، محمدرضا شاه نیز به تبعیت از استراتژی سیاسی آمریکا و به منظور

مبارزه برخاسته بودند. بدون اینکه خود را در چهارچوب مبارزات قانونی و پارلمانی محدود کنند.

مردم چه به تبعیت از اعتقادات مذهبی و چه به تشخیص کارایی مبارزاتی، به روحانیت و امام خمینی پیوسته بودند. لذا جبهه ملی نمی‌توانست با حرکت مذهبی همراهی کند. در واقع جبهه ملی که نهضت آزادی را به دلیل مذهبی بودن نپذیرفته بود، چگونه می‌توانست دنباله‌رو نهضت روحانیت باشد؟

از طرفی خطمشی جبهه ملی، مبارزه آرام

اجرای کامل برنامه‌های آمریکا در ایران؛ و اعتقاد آمریکایی‌ها به عدم کارایی جبهه ملی و نیز ناتوانی دکتر علی امینی. با توجه به اینکه سران جبهه ملی دوم خودشان هنگامی به صحنه آمدند که یافتند آمریکا برای اجرای سیاست‌های جدید خود در ایران درصدد تغییر در سیاست پس از ۲۸ مرداد است. و فضای سیاسی را کمی باز کرده است و احتمال دادند می‌توانند از آن استفاده کنند. لکن آمریکایی‌ها دریافتند که به علت اختلافات درونی سران جبهه ملی، امکان کار قوی با آنها نیست و علی امینی



در چهارچوب‌های فضای سیاسی بود که توسط حکومت تعیین می‌شد. جبهه ملی درصدد تغییر حکومت سلطنتی مشروطه به حکومتی دیگر نبود. چه برسد به اینکه خواستار حکومت اسلامی باشد. در حالی که امام خمینی و یارانش درصدد تغییر نظام به نظام اسلامی بودند؛ و در این راه شیوه‌های مختلف مبارزه را به حسب اقتضا به کار می‌بردند.

بنابر این اقتضای مبارزاتی جبهه ملی پایان یافته بود.

پس از کشتار بی‌رحمانه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲



هم بیشتر اهل حرف است و پشتوانه‌ای هم در جامعه ندارد. لذا با شاه کنار آمدند و شاه هم متعهد به اجرای سیاستهای آمریکا شد و اجرای آن سیاستها مستلزم استبداد و زور بود. و این امر از جبهه ملی‌ها ساخته نبود.

جبهه ملی در نهضت امام

مهمتر از همه اینها تحول در مقتضیات زمان بود. امام خمینی، مراجع تقلید، روحانیت و گروه‌های مذهبی به نحو کامل به صحنه آمده بودند و با شاه به

فعلی جبهه ملی از شرکت در سازمان‌های نوع دیگر معذور خواهند بود... ادامه کار این شورا غیرمقدور خواهد بود.»

مصداق: جبهه ملی نتوانست کوچکترین قدمی را بردارد

مصداق پس از جواب تند دانشجویان، خود نیز نامه‌ای تند نوشت و کنگره تشکیل شده را زیرسئوال برد و طبعاً شورای مرکزی هم زیر سئوال رفت. او نوشت «اشخاص بی مولکی که کنگره یا شورا انتخاب کنند، آلت دست اشخاص می‌شوند که آنها را توصیه می‌کنند. به همین جهات در عرض این چند سال، جبهه ملی نتوانست کوچکترین قدمی را در راه آزادی و استقلال ایران بردارد.

جبهه ملی احتیاج به افراد شجاع و وطن پرست دارد که به نمایندگی از طرف احزاب و دسته‌جات از حقوق ملت ایران دفاع کنند. با این اساس نامه و آئین نامه کاری ساخته نیست.»

سران جبهه ملی دوم و رئیس هیئت اجراییه، الهیار صالح زیر بار نظر دکتر مصداق نرفتند و استعفا دادند. مصداق هم در نامه‌ای به دکتر شایگان که در آمریکا بود نوشت:

«اکنون قدری از جبهه ملی عرض کنم که چون نخواست با نظریات بنده راجع به تجدید نظر در اساسنامه و آئین نامه موافقت کند، دست از کار کشید و جبهه ملی منحل گردید.

خلاصه اینکه اعضای شورا، نه مسئول بودند، نه جمعیتی داشتند که پشتیبان آنها باشد و بعضی از اشخاص منفرد که وارد شورا شده بودند، مقصودشان این بود وقت خود را در یک اجتماع بگذرانند و برخی دیگر ماموریت داشتند که در کار جبهه نظارت کنند و گزارش خود را به جاهای لازم برسانند و به همین جهات بود که جبهه ملی نتوانست کوچکترین قدمی در راه مصالح مملکت بردارد.»

در این نامه‌ها، همه مطالب در باره جبهه ملی دوم بیان شده است؛ اختلافات در ساختار تشکیلاتی جبهه، نوع روابط بین احزاب و اشخاص منفرد، ویژگی‌ها و نکات منفی اعضای شورا، تشکل‌های بدون جمعیت، اشخاص نفوذی و به قول دکتر مصداق «از ما بهتران» عدم تمکین از رهبری، عدم توجه پیشوا به مقتضیات زمان و ضرورت‌ها، درگیریهایی داخلی، عدم تجانس در ترکیب شورای مرکزی، عدم کارایی جبهه و احزاب در آن، انتخابات و اعمال نفوذها و رفاقت‌بازی‌ها و... و بالاخره همان علل انحلال جبهه ملی دوم، که از زبان و قلم رهبر جبهه ملی و سران آن آشکار شده است.

تغییر سیاست آمریکا با کشته شدن کندی و روی کار آمدن جانسون و تعهد شاه بر

اکنون شورای مرکزی جبهه ملی ایران احساس می‌نماید که ادامه کار و تحقق بخشیدن به این آمال، با توجه به مطالبی که در مرقومه مبارک ذکر گردیده، بسیار مشکل‌تر گردیده است. زیرا از مرقومه شریف این طور استنباط می‌شود که نحوه فعالیت و خط مشی تشکیلات جبهه و حتی ترکیب شورای مرکزی جبهه ملی ایران، مورد قبول و پسند آن جناب نمی‌باشد.

در صورتی که با توضیحات مرقوم در فوق، آن جناب بر نظریات موجود در آن نامه هم‌چنان باقی باشید، ممکن است این امر به متلاشی شدن تشکیلات جبهه ملی منجر گردد...»

نظر مصداق در باره جبهه ملی و نفوذ از ما بهتران!!

مصداق پاسخ تندی به این نامه داد و تصریح کرد که «چند نفر از ما بهتران

جبهه ملی درصدد تغییر حکومت سلطنتی مشروطه به حکومتی دیگر نبود. چه برسد به اینکه خواستار حکومت اسلامی باشد. در حالی که امام خمینی و یارانش درصدد تغییر نظام به نظام اسلامی بودند

در شورای مرکزی جبهه ملی هستند و هیچ یک از اعضای شورا که منفردند و در هیچ حزبی نیستند، هرگز جرات نمی‌کنند به واسطه حضور «از ما بهتران» نظریات صحیح خود را اظهار کنند.»

شورای مرکزی جبهه ملی دوم پاسخ مودبانه ولی تلخی به نامه دکتر مصداق در ۱۲/۲/۴۳ داد و نوشت:

«اعتراضات و مخالفت‌ها از طرف احزاب و عناصری به عمل می‌آید که در داخل جبهه ملی بوده و در شورای مرکزی جبهه شرکت دارند.

نظر به اینکه آن جناب که رهبر و پیشوای نهضت ملی هستند، صراحتاً ترکیب شورای مرکزی جبهه و اساس نامه آن را نفی فرموده‌اید و نظر به اینکه مقابله با نظریات پیشوای معظم را به صلاح نهضت و ملک و ملت نمی‌دانیم و با توجه به اینکه عناصر معتقد به اساس تشکیلاتی



کامل نبود؛ و یا جبهه‌ای متشکل از احزاب و تشکل‌های به مفهوم دقیق حزبی نبود.

جبهه ملی سوم

در پاییز ۱۳۴۲ عده‌ای از دانشجویان و جوانان جبهه ملی، تصمیم به تشکیل جبهه ملی سوم گرفتند و آن را طی اعلامیه‌ای اعلام کردند. کارگردانان این جریان دکتر هدایت‌الله متین‌دفتری و نصرت‌الله امینی بودند که هر دو پس از پیروزی انقلاب اسلامی به غرب رفتند. احزاب ملت ایران (فروهر)، مردم

سران جبهه ملی (در داخل زندان و بیرون از آن) در باره صدور اعلامیه‌ای در این مورد به شدت با هم اختلاف داشتند. عده‌ای می‌گفتند نمی‌شود جبهه ملی دوم در این مورد ساکت بماند و هیچ اعلامیه‌ای ندهد و گروهی عقیده داشتند اوضاع وخیم است و دادن اعلامیه ولو علیه شاه نباشد، جبهه‌ای‌ها را دچار زندان و مشکلات خواهد کرد.

در رای‌گیری «از مجموع ۳۵ تن اعضای شورای مرکزی جبهه ملی دوم، ۱۲ تن در زندان و ۴ تن در خارج با صدور اعلامیه



ایران (راضی، نخشب) و حزب سوسیالیست خلیل ملکی به جبهه سوم پیوستند. جبهه ملی سوم جز چند اعلامیه کاری نکرد و به زودی پایان یافت و فقط در خارج از کشور توسط ابوالحسن بنی‌صدر ادامه یافت.

جبهه ملی در دوران انقلاب

در سال ۱۳۵۷ با اوج‌گیری نهضت امام خمینی، گروه‌های گوناگون از جمله جبهه ملی به صحنه آمدند و روزنامه‌ها به ویژه

کیهان و اطلاعات آنها را تبلیغ می‌کردند. جبهه‌ای‌ها به خود عنوان جبهه ملی چهارم ندادند. آنها بیشتر بیانیه می‌دادند. یاسران آنها در تظاهرات شرکت می‌کردند. رهبری آنها مشخص نبود و سه نفر بودند که بیشتر مطرح بودند: دکتر سنجابی، دکتر صدیقی و الهیار صالح.

دکتر صدیقی با قبول اولیه نخست‌وزیری از طرف شاه (گرچه یکی دو روز بعد آن را رد کرد) وجهه عمومی خود را از دست داد. به‌ویژه پس از اینکه شاهپور بختیار نخست‌وزیری را پذیرفت و دکتر صدیقی در مصاحبه‌ای از بختیار تمجید کرد. الهیار صالح به علت سوابقش خیلی موقعیت نیافت. اما دکتر سنجابی باقی ماند و به پاریس رفت و اطلاعیه‌ای در رد سلطنت داد. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی به وزارت رسید.

جبهه ملی در این دوره نیز کار تشکیلاتی حزبی نداشت و گروهی کار می‌کرد. در سال ۱۳۶۰ جبهه ملی علیه لایحه قصاص اطلاعیه داد و قصد راهپیمایی کرد. اما امام‌خمینی این راهپیمایی را رد کرد و اعلام نمود «مردم ایران را دعوت کردند که مقابل لایحه قصاص بایستند... آنها از اول هم، از آن وقتی که تأسیس شده است مساله اسلام پیش آنها مطرح نبوده و آنچه مطرح بوده همان ملی‌گرایی بوده است و من در این شک دارم... با اینکه بعضی افرادش شاید افرادی باشند که مسلمان باشند... جبهه ملی تکلیفش معلوم است. آن صریحا به ضد اسلام قیام کرده... یک گروهی که از اولش باطل بودند... با اسلام و روحانیت اسلام سرسخت مخالف بودند... جبهه ملی از امروز محکوم به ارتداد است... جبهه ملی سب اسلام کرده است...»

جبهه ملی از این به بعد در ایران پایان یافت و فقط چند نفر از بقایای آن، در خارج از کشور که گاه تحرکی به نام جبهه ملی دارند.

جبهه ملی در ۲۵ خرداد ۶۰ طی اعلامیه‌ای مردم را دعوت به راهپیمایی علیه لایحه قصاص که در مجلس تصویب شده بود کرد. پشت پرده این دعوت، موضوع مهمتری بود.

مجلس قرار بود در ۲۶ خرداد ۶۰ طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر را که توسط ۱۲۰ نماینده امضاء شده بود به رأی بگذارد.

صبح ۲۵ خرداد مهندس بازرگان، دکتر یدالله سحابی، دکتر کاظم سامی، طی نامه‌ای بامضاء سه نفر، اعلام کردند که به دلیل عدم امنیت!! و وجود سانسور!! و ادامه توقیف چند روزنامه از شرکت در جلسات علنی مجلس شورای اسلامی خودداری خواهند کرد.

در همین روز جبهه ملی طی اعلامیه‌ای از مردم خواست از خیابان انقلاب به سمت دانشگاه تهران راهپیمایی کنند. صبح ۲۵

خرداد امام در دیدار با مردم، فرمودند: «این راهپیمایی که امروز اعلام شده است، اساس این راهپیمایی چه هست؟ من دو تا اعلامیه از جبهه ملی، که دعوت به راهپیمایی کرده است دیدم در یکی از این دو اعلامیه، انگیزه‌ای که برای راهپیمایی قرار داده‌اند «لایحه قصاص» است در اعلامیه دیگری که منتشر کرده بودند تعبیر این بود که (لایحه غیرانسانی)... یعنی در مقابل نص قرآن کریم راهپیمایی کنند، من باید بسیار متأسف باشم، از اینکه غیب نمی‌دانم، نمی‌دانستم در چنته اینها چه هست؟ من بعضی از اینها را می‌پذیرفتم، به ایشان محبت هم می‌کردم لیکن نمی‌دانستم که اینها بر ضد قرآن هم قیام می‌کنند. اینها مرتدند، جبهه ملی از امروز محکوم به ارتداد است...»

اگر آمدند در رادیو امروز اعلام کردند به اینکه این اعلامیه‌ای که حکم ضروری مسلمین جمیع مسلمین، را غیرانسانی خوانده، از ما نبوده از آنها می‌پذیریم». جبهه ملی اعلامیه‌ای در رد راهپیمایی نداد زیرا آنها می‌خواستند قبل از رأی مجلس به عدم کفایت بنی‌صدر قدرت‌نمایی کرده باشند و مجلس شورای اسلامی را متهم کنند که به لایحه غیرانسانی!! رأی داده است و معلوم بود که سخنرانی‌های این راهپیمایی در چه جهتی انجام می‌شد. بعد از ظهر تعداد بسیار معدودی به خیابان انقلاب آمدند.

اما بخش‌هایی از مردم، بطور خودجوش از سخنان امام که از رادیو پخش شد عصر در سطح خیابان انقلاب تا سر در دانشگاه تجمع کردند و شعار دادند (حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله، مرگ بر بنی‌صدر) و ماجرا به ضرر جبهه ملی و بنی‌صدر و توطئه‌گران به پایان رسید.

همکاری منافقین و شیخ علی‌تهرانی جالب است که روزنامه مجاهد (منافق) سازمان منافقین علیه لایحه قصاص مقاله مفصلی نوشت ولی اعلامیه‌ای برای حضور در راهپیمایی نداد. زیرا در تدارک کودتای شهری ۳۰ خرداد ۶۰ بود که در آن روز مرتکب فتنه و آشوب در تهران شده و عده‌ای را به خاک و خون کشاند.

و جالب‌تر آنکه شیخ علی‌تهرانی، نامه‌ای سراسر جسارت و اهانت به امام نوشت که به شکلی اغواگرانه، فتوای امام در ارتداد منکرین لایحه قصاص را با ذکر احادیث و قواعد فقهی نفی کرده بود.

نشریه منافقین این نامه را بطور مفصل چاپ کرد. در برابر؛ مراجع فتوای امام راتایید کردند و مرحوم آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) تصریح کرد: اگر مسلمانی حکم قصاص در اسلام را منکر شود مرتد می‌شود چون انکار صریح قرآن و ضروری دین است.

چهارم

به جمع مشترکین ماهنامه پیوندید

یک ساله

« ۱۲ شماره »

۲۴۰۰۰۰ ریال

مزایای اشتراک

تحويل منظم

دریافت رایگان ویژهنامه‌ها و هدایا

ثابت ماندن هزینه در طول دوره

۲۵٪ تخفیف

معلمان / اساتید دانشگاه / دانشجویان

علاقه‌مندان یک پیامک بدون متن
به شماره ۰۹۳۳۶۳۸۹۴۷۶ ارسال نمایند





- نای و نی
- ادیان در خدمت انسان
- رهیافت‌های اقتصادی اسلام
- برای زندگی
- حدیث سحرگهان
- انسان آسمان
- سفر شهادت
- روح تشریح در اسلام

در قلمرو اندیشه امام موسی صدر

مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی مرکز
امام موسی صدر

«در قلمرو اندیشه امام موسی صدر» عنوان مجموعه کتاب‌هایی است که مخاطب را با اندیشه امام موسی صدر آشنا می‌کند. این مجموعه دربردارنده مقالات و سخنرانی‌ها و پیام‌ها و مصاحبه‌های ایشان است. کتاب‌های اول و دوم این مجموعه با عناوین نای و نی و ادیان در خدمت انسان دربردارنده مجموعه‌ای از مقالات و سخنرانی‌ها و پیام‌ها و مصاحبه‌ها در موضوع‌های مختلف است. شماره‌های سوم تا هشتم، که با عناوین رهیافت‌های اقتصادی اسلام، برای زندگی، حدیث سحرگهان، انسان آسمان، سفر شهادت و روح تشریح در اسلام است، به شکل موضوعی فراهم آمده‌اند. این مجموعه اصلی‌ترین منبع برای شناخت اندیشه امام صدر و پژوهش درباره آن است.

تمامی کتاب‌های این مجموعه دارای نسخه الکترونیکی هستند. علاقه‌مندان می‌توانند برای اطلاعات کامل‌تر و نیز سفارش و خرید محصولات، به پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر مراجعه کنند.
تلفن: ۳-۸۸۴۹۴۱۶۲ . دورنگار: ۸۸۴۹۴۱۶۴ . www.imamsadr.ir